

معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان

و نظام کنترل ساختمانی مرتبط با آن

تألیف:

دکتر مجتبی پوراحمدی

استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

چاپ اول

اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان

معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان

Architecture of Qajari Houses of Lahijan

and The relevant building control system

University of Guilan Press

By:

Mojtaba Pour Ahmadi, Ph. D

تألیف: دکتر مجتبی پوراحمدی



ISBN: 978-600-153-217-7



معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان و نظام کنترل ساختمانی مرتبط با آن

تألیف

دکتر مجتبی پوراحمدی

استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

انتشارات دانشگاه گیلان

۱۳۹۹



دانشگاه گیلان

۱۳۵۳-۱۹۷۴

شابک: ۷-۲۱۷-۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸

سرشناسه	: پوراحمدی، مجتبی، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان و نظام کنترل ساختمانی مرتبط با آن / مجتبی پوراحمدی.
مشخصات نشر	: رشت: دانشگاه گیلان، انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۷۴ص: مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمودار؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۷-۲۱۷-۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان به انگلیسی: Architecture of Qajari Houses of Lahijan and The relevant building control system.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۸۳ - ۲۸۶.
موضوع	: معماری قاجاریان -- ایران -- لاهیجان
موضوع	: Architecture, Qajar -- Iran -- Lahijan
موضوع	: معماری خانگی -- ایران -- لاهیجان
موضوع	: Architecture, Domestic -- Iran -- Lahijan
شناسه افزوده	: دانشگاه گیلان
رده بندی کنگره	: NA۱۴۸۰
رده بندی دیویی	: ۷۲۰/۹۵۵۲۳۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۶۰۵۹۸

اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان

نام کتاب	: معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان و نظام کنترل ساختمانی مرتبط با آن
مؤلفان	: دکتر مجتبی پوراحمدی
ویراستار علمی	: دکتر کاوه فتاحی
ویراستار ادبی	: فرشته گلچین‌راد
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۸
ناشر	: انتشارات دانشگاه گیلان
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
قیمت	: ۱۹۸۰۰۰۰ ریال

* هر گونه چاپ و تکثیر فقط در اختیار انتشارات دانشگاه گیلان است. *

تقديم به دخترم بهار ▶

پیشگفتار	۲۰
مقدمه	۲۲

فصل ۱: شناخت قواعد معماری خانه های قاجاری لاهیجان

۱-۱. توضیحی درباره نحوه بررسی معماری قاجاری لاهیجان در پژوهش حاضر	۳۰
۱-۲. فرهنگ سکونت در خانه های قاجاری لاهیجان	۳۵
۱-۳. قواعد استقرار و جهت گیری خانه ها در معماری قاجاری لاهیجان	۳۶
مروری بر ادبیات علمی	۳۷
مشرق: جهت برتر برای جهت گیری خانه ها در لاهیجان قدیم	۳۸
تأملاتی درباره علت جهت گیری رو به شرق در معماری لاهیجان	۴۲
لزوم بررسی های موردی	۴۴
طراحی در زمینی با همجواری خاص	۴۶
طراحی در زمینی که سه طرف آن باید ساخته شود	۴۸
طراحی در زمینی که دو طرف آن باید ساخته شود	۵۰
طراحی در زمینی که چهار طرف آن باید ساخته شود	۵۱
۱-۴. قواعد ارتباط خانه و همجواری ها	۵۳
گونه شماره ۱: نیمه برونگرا	۵۴
گونه شماره ۲: نیمه درونگرا	۶۱
گونه شماره ۳: درونگرا	۶۶
گونه شماره ۴: درونگرای قلعه ای	۷۷
بحثی درباره ارتباط بین انواع خانه ها	۸۲
پیش روی های ساختمانی روی معبر عمومی	۸۴
رعایت پخی	۹۴
پرهیز از اشراف بین همسایه ها	۹۷
تأکید بر مفهوم پشت و رو در دیوار محوطه	۱۰۱
تأکید بر سردر ورودی	۱۰۶
۱-۵. قواعد طراحی در چارچوب پلاک شهری	۱۱۲

۱۱۲	الگوهای کلی چینش ساختمان ها در پلاک
۱۲۰	الگوی تک ساختمان در غرب زمین
۱۲۱	ساختمان در سمت غرب، حیاط در وسط، بارانداز در سمت شرق
۱۲۳	الگوی به شکل ۱۱. یک ساختمان در سمت غرب، حیاط در وسط...
۱۲۴	الگوی به شکل ۱۱ خوابیده. یک ساختمان در سمت شمال، حیاط در وسط...
۱۲۵	الگوی L به طرف شمال شرق
۱۲۶	الگوی تک ساختمان در شرق، حیاط در غرب
۱۲۷	الگوی L به طرف شمال غرب
۱۲۸	الگوی U به طرف شمال: یک ساختمان در غرب، حیاط در وسط...
۱۲۹	الگوی گوشک در مرکز
۱۳۰	الگوی گوشک در نیمه غربی
۱۳۱	مفهوم درصد سطح اشغال در معماری قاجاری لاهیجان
۱۳۲	قواعد و ملاحظات مرتبط با طراحی معماری ساختمان خانه
۱۳۲	ساختار کلی پلان
۱۳۴	سازماندهی فضاها در طبقات
۱۳۵	نامگذاری اتاق ها
۱۳۵	اولویت اتاق مهمان بر سایر اتاق ها
۱۳۹	ابعاد و اندازه اتاق ها
۱۳۹	نورگیری و تهویه اتاق ها
۱۳۹	محرمیت در اتاق ها
۱۳۹	تاقچه و شکاف و کمد دیواری
۱۴۹	تزئین اتاق ها
۱۵۳	گرمایش اتاق ها
۱۵۵	ایوان و تالار
۱۶۴	بالکن
۱۶۷	پله
۱۷۲	بام
۱۸۴	نما
۱۹۶	ملاحظات سازه ای
۱۹۸	عناصر محوطه: دیوار حیاط
۲۰۰	عناصر محوطه: دروازه
۲۰۲	عناصر محوطه: حوض و چاه آب
۲۰۴	عناصر محوطه: حیاط

۲۰۸	۱-۲. نقد وضعیت ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی لاهیجان
۲۰۹	وضعیت جهت گیری شهری در بافت تاریخی لاهیجان معاصر و نسبت آن با...
۲۱۷	وضعیت امروزین ارتباط خانه و معبر در بافت تاریخی لاهیجان
۲۱۹	وضعیت تیپولوژی مسکن معاصر در بافت تاریخی لاهیجان
۲۲۱	۲-۲. ارتقاء نظام کنترل ساختمانی در جهت حفاظت از بافت تاریخی لاهیجان
۲۳۴	کلام پایانی
۲۳۹	منابع
۲۴۳	ضمائم
۲۴۴	ضمیمه شماره یک: مدارک فنی تعدادی از خانه های قاجاری لاهیجان
۳۲۶	ضمیمه شماره دو: راهنمای موقعیت و تصاویر مرتبط با خانه ها

- شکل ۱. ساختمان مسکونی نوساز در مقابل خانه ثبت شده کیاموسوی که با ارزش های...
- شکل ۲. تعمیرات و تغییرات غیر کارشناسانه در بناهای موجود در بافت تاریخی به یکپارچگی معماری بافت لطامت جدی وارد می نماید.
- شکل ۳. خانه نوساز واقع در محله پُرده سر. طراح فراتر از ضوابط موجود، قصد هماهنگی با...
- شکل ۴. متأسفانه می توان گفت در بافت تاریخی لاهیجان رابطه «توسعه» و «حفاظت» تا به امروز چیزی جز...
- شکل ۵. در پژوهش حاضر قواعد معماری خانه های قاجاری لاهیجان...
- شکل ۶. دیویس می کوشد تا بر اساس شناسایی قواعد شکل دهنده به...
- شکل ۷. تصویر سمت چپ، دروازه اصلی خانه ای در روستای سی دی...
- شکل ۸. رون های شهری از دیدگاه استاد پیرنیا. راست: رون راسته؛ وسط: رون اصفهانی؛ چپ: رون کرمانی. (پیرنیا، ۱۳۷۰)
- شکل ۹. در لاهیجان قدیم جهت گیری عموم خانه ها در امتداد شمال شرقی - جنوب غربی، به اصطلاح بومی...
- شکل ۱۰. مساجد لاهیجان در عکس هوایی سال ۱۳۳۵
- شکل ۱۱. دید به فضای درون مسجد اکبریه از محراب آن...
- شکل ۱۲. الگوی کلی نحوه استقرار ساختمان خانه و حیاط در کنار معبر در لاهیجان قدیم
- شکل ۱۳. چرا خانه عزیزاده در پشت مسجد اکبریه به جای آن که به سمت مشرق جهت گیری نماید به سمت شمال ساخته شده است؟
- شکل ۱۴. مسجد اکبریه با ارتفاع بلند خود مانع از رسیدن آفتاب صبحگاهی و باد مطلوب شرقی به خانه
- شکل ۱۵. در همسایه شمالی مسجد اکبریه سه ضلع از چهار ضلع زمین ساخته شده و فقط ضلع شمالی خالی گذاشته شده است.
- شکل ۱۶. دید به خانه همسایه شمالی مسجد اکبریه از مناره مسجد در سال ۱۳۹۷
- شکل ۱۷. دید به خانه همسایه شمالی مسجد اکبریه از مناره مسجد در سال ۱۳۷۱ (منبع: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)
- شکل ۱۸. در خانه کریم در عکس هوایی ۱۳۳۵ سه طرف از چهار ضلع زمین ساخته شده و فقط ضلع شمالی باز گذاشته شده است.
- شکل ۱۹. در خانه کریم در عکس هوایی ۱۳۵۵ در هر چهار ضلع زمین ساختمان سازی شده است، اما...
- شکل ۲۰. نمونه هایی از الگوی استقرار به شکل حرف ال انگلیسی.
- شکل ۲۱. نمونه هایی از الگوی استقرار به شکل عدد ۱۱.
- شکل ۲۲. نمونه هایی از اتصال و یکپارچه سازی ساختمان های مستقل همسایه در بافت تاریخی لاهیجان.
- شکل ۲۳. خانه کریم نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در بافت تاریخی لاهیجان است.
- شکل ۲۴. خانه قائمی نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در محله خمرکلای لاهیجان است که علاوه بر...
- شکل ۲۵. خانه رمضانی در کوچه اکبریه دارای بازوهای متعدد و بالکن هایی به سمت معبر می باشد.
- شکل ۲۶. خانه وزیری نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در بافت تاریخی لاهیجان است.
- شکل ۲۷. خانه جهانسوز نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در محله خمرکلا (و یا بیگم آباد) لاهیجان بود که در اواخر دهه ۱۳۷۰...
- شکل ۲۸. خانه های بازارچه پرده سر در طبقه همکف خود دارای کاربری تجاری بوده اند و از این رو به سمت معبر عمومی نماسازی شده اند.
- شکل ۲۹. خانه خورسند و کریمی در بازارچه منجمی لاهیجان در طبقه همکف کاربری تجاری داشته اند و به سمت معبر نماسازی شده اند.
- شکل ۳۰. در گذر تکیه بر که یکی از راسته های تجاری لاهیجان در دوران قاجار بوده نمونه هایی از
- شکل ۳۱. خانه ضیاء ظریفی از نمونه خانه های نیمه برونگرا در معماری قاجاری لاهیجان است که دارای بالکن و بازوهای

- شکل ۳۲. در خانه ضیاء ظریفی که برای چندین نسل محل مراجعه مردم جهت ملاقات پزشک و تهیه دارو بوده است
- شکل ۳۳. خانه روحی پور در محله یحیی آباد که دارای ارسی رو به معبر عمومی بوده است. این خانه
- شکل ۳۴. نماسازی اتاق واقع بر دروازه ورودی می توانسته به کمک در و پنجره معمولی هم انجام شود.
- شکل ۳۵. خانه واقع در مقابل سردر بقعه امیرشمس الدین
- در محله اردوبازار که در آن ارسی به سمت معبر کار گذاشته بود...
- شکل ۳۶. خانه بزرگ بشر واقع در محله گابنه که در آن الگوی کاربرد ارسی روی دروازه ورودی مشاهده می شود...
- شکل ۳۷. خانه نظام شکن در محله اردوبازار که در آن علاوه بر روی سردر ورودی، در جداره دیگر رو به معبر عمومی نیز کاربرد...
- شکل ۳۸. دیوارهای آجری بلند از خصوصیات معماری قاجاری لاهیجان بوده است.
- شکل ۳۹. دیوارهای پیرامونی قلعه های مرکب بلند و نفوذناپذیر ساخته می شد، در حالی که دیوارهای ...
- شکل ۴۰. محوطه یخچال واقع در پشت خانه صفارنیا که بین خانه چند همسایه قرار داشته و به معبر عمومی اتصال نداشته...
- شکل ۴۱. تفاوت ارتفاع حصار دور زمین خانه فیاض در مجاورت معبر عمومی و در مجاورت زمین همسایه قابل توجه است...
- شکل ۴۲. دیوار مجاور معبر عمومی در خانه فیاض حدود ۸۰ رگ آجر ارتفاع دارد.
- شکل ۴۳. دیوار بین خانه فیاض و همسایه جنوبی اش حدود ۵۵ رگ آجر ارتفاع دارد.
- شکل ۴۴. دیوار مجاور معبر خصوصی در خانه دوزنده حدود ۵۰ رگ آجر ارتفاع دارد.
- شکل ۴۵. جداره رو به معبر عمومی در خانه شمسی دارای حداقل بازشو ها در ارتفاع بالا می باشد.
- شکل ۴۶. جداره رو به معبر عمومی در همسایه شمالی مسجد اکبریه دارای حداقل بازشو ها در ارتفاع بالا می باشد.
- شکل ۴۷. جداره رو به معبر عمومی در خانه ای در محله پرده سر با حداقل بازشو به سمت معبر. پنجره طبقه همکف الحاقی می باشد.
- شکل ۴۸. جداره رو به معبر عمومی در خانه بصیرالتجار در محله میدان بدون هیچ پنجره ای به سمت معبر
- شکل ۴۹. خانه ای یک طبقه در محله کاروانسرابر در نبش کوچه دعایی بدون هیچ پنجره ای به سمت معبر عمومی
- شکل ۵۰. خانه یک طبقه در مقابل مسجد اکبریه که پنجره های کوچکی در ارتفاع بالا نسبت به معبر مجاور دارد.
- شکل ۵۱. خانه طایفه در محله پرده سر با حداقل بازشو ها نسبت به معبر عمومی مجاور
- شکل ۵۲. بقعه میرشمس الدین که مورد احترام شاهان صفوی بوده، همانند یک قلعه مستحکم به نظر می رسد.
- شکل ۵۳. مسجد اکبریه با دیوارهای بلند و پشته های خود جلوه یک ساختمان حکومتی باشکوه را دارد.
- شکل ۵۴. خانه افتخار عسکری (پیش از آن سالار مؤید) در محله اردوبازار لاهیجان که جلوه یک قلعه نظامی را دارد.
- شکل ۵۵. خانه منتصرالملک در محله میدان (و یا یحیی آباد) لاهیجان که با الگوی قلعه ای احداث شده بود.
- شکل ۵۶. عمارت امین دیوان در عکس هوایی ۱۳۵۵ لاهیجان که بزرگترین خانه لاهیجان در زمان خود محسوب...
- شکل ۵۷. در عکس هوایی سال ۱۳۷۳ لاهیجان عمارت امین دیوان جای خود را به ده ساختمان مستقل نوساز داده است.
- شکل ۵۸. در کوچه اکبریه خانه هایی با نماسازی نیمه برونگرا و درونگرا در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.
- شکل ۵۹. پیشروی امتداد دیوار ایوان طبقه همکف بر روی معبر عمومی در خانه شکوری
- شکل ۶۰. پیشروی امتداد دیوار اتاق طبقه اول بر روی معبر عمومی در خانه کریم (ارباب کریم) در محله گابنه
- شکل ۶۱. پیشروی دیوار طبقه اول روی معبر عمومی در خانه بریسم حقیریری (پرتو نظری) در محله گابنه
- شکل ۶۲. در خانه قائمی بالکن در ضلع جانبی خانه بر روی معبر عمومی پیشروی نموده است
- شکل ۶۳. در خانه صورتگر بالکن در دو ضلع مجاور خانه به طور پیوسته امتداد یافته و بر روی معبر عمومی...

- شکل ۶۴. در خانه وزیری بالکن روی معبر عمومی و در نمای اصلی بنا احداث شده است ۸۶
- شکل ۶۵. در خانه علیزاده در محله میدان، بالکن جانبی روی معبر مجاور احداث شده است... ۸۷
- شکل ۶۶. در خانه علیزاده ایوان اصلی به سمت حیاط خانه تعبیه شده است و بالکن جانبی که روی معبر عمومی... ۸۷
- شکل ۶۷. خانه جهانگیری در یحیی آباد بالکن جانبی روی معبر مجاور دارد. ۸۸
- شکل ۶۸. خانه مجمع صنایع در محله گابنه دارای بالکن جانبی روی معبر مجاور است که ساکنان آن را... ۸۸
- شکل ۶۹. ساباط در مجاورت خانه رحیمی در محله میدان که روی یک معبر خصوصی احداث شده است... ۸۹
- شکل ۷۰. معبر خصوصی سرپوشیده در محله گابنه (پشت تکیه گابنه) ۹۰
- شکل ۷۱. خانه کیاموسوی (سمت چپ تصویر) یک خانه یک طبقه است که از لحاظ ارتفاعی تفاوت چندانی با... ۹۰
- شکل ۷۲. خانه شکوری یک خانه یک طبقه است که از بیرون مانند یک خانه دو طبقه به نظر می رسد. ۹۱
- شکل ۷۳. خانه یک طبقه در محله کاروانسرایر با ارتفاع نزدیک به خانه های دو طبقه ۹۲
- شکل ۷۴. ارتفاع خانه راستگو در مجاورت معبر با احداث یک اتاق به دو طبقه رسانده شده، در حالی که بقیه خانه در یک طبقه... ۹۳
- شکل ۷۵. دید به قسمت دو طبقه خانه راستگو از داخل حیاط ۹۳
- شکل ۷۶. سمت چپ: احداث پخی در ساختمانی در روستایی در شمال تونس. در اینجا مشاهده می شود که... ۹۴
- شکل ۷۷. پخی در کنج دیوار محوطه خانه شکوری (در کوچه شریعت زاده در محله گابنه) ۹۴
- که ارتفاع آن کمی بیش از... ۹۵
- شکل ۷۸. پخ در کنج خانه ای در محله گابنه (بن بست آقا غلامحسین) که به اندازه پنج آجر پهنا دارد و... ۹۵
- شکل ۷۹. پخی در کنج دیوار محوطه خانه ای در محله گابنه (کوچه منتهی به خیابان سردار جنگل)... ۹۶
- شکل ۸۰. دیوارچینی در مجاورت تلار راهی برای پرهیز از اشراق بین همسایه ها بوده است ۹۷
- شکل ۸۱. دید به دیوار مجاور تلار در خانه شمسی از حیاط خانه رضانی ۹۷
- که به خوبی حریمیت لازم در هر دو خانه را تأمین می نموده است. ۹۷
- شکل ۸۲. دیوار مجاور تلار در خانه ای در محله یحیی آباد ۹۸
- شکل ۸۳. در تصویر بالا، خانه سمت چپ می توانسته به حیاط خانه مقابل خود اشراق داشته باشد. ۹۸
- شکل ۸۴. مالک ساختمان سمت راست (در تصویر قبلی) ۹۸
- با احداث دیوار بلندی در مقابل ساختمان همسایه حریمیت لازم... ۹۸
- شکل ۸۵. در تصویر نسبتاً قدیمی از کوچه مورد نظر مشاهده می شود که خانه های سمت چپ کوچه به واسطه پنجره ها... ۹۹
- شکل ۸۶. بارانداز و انباری خانه مجمع صنایع بلندتر از حد معمول ساخته شده تا مانع از اشراق از خانه مقابل به حیاط این خانه گردد. ۱۰۰
- شکل ۸۷. تزئین تاقنما با قوس سه بخشی در دیوارهای محوطه خانه فیاض در محله گابنه ۱۰۱
- شکل ۸۸. تاقنماسازی دیوار حیاط در خانه محمصی به ایجاد محیطی مطبوع در حیاط کمک می نماید ۱۰۲
- شکل ۸۹. تزئین تاقنماهای دیوار حیاط خانه طاهرپرور با نقش ترنج که می تواند نمادی برای درخت زندگی باشد ۱۰۳
- شکل ۹۰. تاقنماهای دیوار حیاط متعلق به عمارتی در منطقه حاکم نشین لاهیجان قاجاری که امروزه فقط بقایای دیوار... ۱۰۴
- شکل ۹۱. دیوار محوطه خانه قائمی در محله خمرکلا که سطح بیرونی آن بدون تزئین ساخته شده است ۱۰۴
- شکل ۹۲. دیوار محوطه خانه ای در یحیی آباد به صورت یک دیوار آجری یکنواخت ۱۰۵
- شکل ۹۳. دیوار محوطه خانه کامران به سمت معبر عمومی دارای تاقنما است و می توان احتمال داد که این معبر... ۱۰۶
- شکل ۹۴. سردر وردی خانه راستگو در گابنه یکی از زیباترین سردرهای لاهیجان محسوب می شود ۱۰۷
- شکل ۹۵. سردر خانه دوزنده در محله گابنه یکی از خوش تناسب ترین سردرهای بافت قدیم لاهیجان می باشد. ۱۰۸
- شکل ۹۶. سردر خانه ضیاءظریفی در محله گابنه ۱۰۸
- شکل ۹۷. سردر خانه همسایه مسجد اکبریه با آجرچینی تزئینی ۱۰۹
- شکل ۹۸. دروازه چوبی تزئین شده متعلق به خانه پرتو نظری ۱۰۹
- در محله گابنه (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)

- شکل ۹۹. دروازه چوبی با تزئینات فلزی در یکی از خانه های لاهیجان
(منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)
- شکل ۱۰۰. تزئین سردر ورودی هم در خانه های اعیانی و هم در خانه های غیراعیانی مشاهده می شود...
- شکل ۱۰۱. بارانداز یکی از فضاهای خدماتی اصلی در خانه های قاجاری لاهیجان محسوب می شده که...
- شکل ۱۰۲. زغال-خانه یکی از فضاهای خدماتی در خانه های قاجاری لاهیجان بوده است. در تصویر...
- شکل ۱۰۳. دستشویی خانه رضانی در فضای بین این خانه و خانه همسایه اش جای داده شده است.
- شکل ۱۰۴. راهروی ورودی در خانه رضانی که امکان دسترسی به حیاط و پله داخلی را فراهم می آورد.
- شکل ۱۰۵. یکی از عناصر کالبدی قابل استفاده در طراحی معماری خانه های قاجاری لاهیجان،
معبّر سرپوشیده داخل خانه بوده...
- شکل ۱۰۶. معبر سرپوشیده خانه صفارنیا جهت دسترسی به محوطه یخچال در پشت خانه در نظر گرفته شده بود.
- شکل ۱۰۷. الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای تشکیل شده از یک ساختمان و دو ساختمان
- شکل ۱۰۸. الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای تشکیل شده از سه ساختمان
- شکل ۱۰۹. الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای کوشکی
- شکل ۱۱۰. تصویر بالا: الگوی تک ساختمان در غرب و حیاط در شرق زمین.
تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در کوچه اکبری
- شکل ۱۱۱. تصویر بالا: الگوی تک ساختمان در غرب، حیاط در وسط و بارانداز در شرق زمین...
- شکل ۱۱۲. نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه راستگو
- شکل ۱۱۳. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در غرب، حیاط در وسط و یک ساختمان در شرق زمین...
- شکل ۱۱۴. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در شمال، حیاط در وسط و یک ساختمان در جنوب زمین...
- شکل ۱۱۵. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در شرق و یک ساختمان در جنوب زمین. تصویر پایین: نمونه ای از...
- شکل ۱۱۶. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در غرب و حیاط در شرق زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد...
- شکل ۱۱۷. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در جنوب و یک ساختمان در غرب زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد...
- شکل ۱۱۸. تصویر بالا: الگوی سه ساختمان در غرب، جنوب و شرق زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد...
- شکل ۱۱۹. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان کوشک-مانند در وسط زمین.
تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه افتخارعسکری
- شکل ۱۲۰. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان کوشک-مانند در نیمه غربی زمین.
تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه صادقی
- شکل ۱۲۱. بررسی درصد سطح اشغال در شش خانه همسایه
در کوچه اکبری نشان دهنده تنوعی از حدود ۳۰% تا ۹۰% می باشد...
- شکل ۱۲۲. الگوی اولیه پلان خانه های قاجاری لاهیجان الگوی «ایوان-اتاق» یا الگوی خطی بوده است...
- شکل ۱۲۳. ساختار پلان خانه طاهرپور را می توان دو در سه نامید.
- شکل ۱۲۴. پلان خانه صادقی را می توان دارای ساختار کلی سه در سه دانست.
- شکل ۱۲۵. اتاق مهمان در خانه دوزنده: معمولاً در هر خانه قاجاری لاهیجان،
اتاق مهمان بالاترین کیفیت معماری را به نمایش می گذارد.
- شکل ۱۲۶. اتاق مهمان خانه فیاض
- شکل ۱۲۷. اتاق مهمان با ارسی هفت بخشی خود در محور تقارن ساختمان قرار گرفته است (خانه پاکدل).
- شکل ۱۲۸. در خانه یک طبقه نبش کوچه دعایی در محله کاروانسرا
- اتاق مهمان با ارسی سه بخشی خود در محور تقارن نما قرار گرفته است.
- شکل ۱۲۹. پله خانه فیاض فرد مهمان را دقیقاً به آستانه ورود به اتاق مهمان هدایت می نماید و...
- شکل ۱۳۰. در خانه طاهرپور فضای زیر راه پله به عنوان انبار استفاده شده است.
- شکل ۱۳۱. در خانه طاهرپور از حداقل فضای روی پله نیز به عنوان انبار سقفی استفاده شده است.
- شکل ۱۳۲. در خانه طاهرپور فضای دسترسی به پشت بام نیز حکم انباری را دارد.
این فضا توسط ساکنان قفله نامیده می شده است.
- شکل ۱۳۳. در خانه مجمع صنایع از فضای زیر پله به عنوان انبار سقفی استفاده شده است.
- شکل ۱۳۴. تصویری از دیوار پشته و تالار جانبی خانه دوزنده:
در معماری خانه های قاجاری لاهیجان، نظام تاقچه بندی...

- شکل ۱۳۵. سبک سازی جرزها در طبقه فوقانی با تبعیت از الگوی تاقچه بندی اتاق ها
در خانه فیاض که از بیرون بنا نیز قابل مشاهده است. ۱۴۴
- شکل ۱۳۶. در برخی خانه های قاجاری لاهیجان تعداد تاقچه های اتاق
با نگاه به بنا از بیرون قابل تشخیص است. (خانه طوافی در محله گابنه) ۱۴۴
- شکل ۱۳۷. تاقچه بندی اتاق مهمان در خانه دوزنده همچون عامل اصلی تعیین نظم فضایی
در طراحی داخلی عمل نموده است. ۱۴۵
- شکل ۱۳۸. تناسب سه به پنج اتاق مهمان در خانه دوزنده از تاقچه بندی آن قابل تشخیص است. ۱۴۵
- شکل ۱۳۹. تاقچه بندی اتاق مهمان در خانه فیاض ۱۴۶
- شکل ۱۴۰. تاقچه و کمد های دیواری قدی و نیم قد در اتاق خصوصی خانه فیاض ۱۴۶
- شکل ۱۴۱. کمد دیواری خانه صفارنیا ۱۴۷
- شکل ۱۴۲. کمد دیواری در خانه محله میدان کوچه حجت انصاری ۱۴۷
- شکل ۱۴۳. نمونه ای از کمد دیواری موسوم به شکاف که در زیر پنجره ها کار می شد در خانه طاهرپرور ۱۴۸
- شکل ۱۴۴. نقاشی روی پارچه سقفی در یکی از خانه های محله پرده سر لاهیجان
که در حال حاضر تخریب شده است... ۱۴۹
- شکل ۱۴۵. مقرنس، گچبری، قطاربندی و نقاشی از جمله تزئینات مورد استفاده
در خانه های اعیانی لاهیجان بوده است... ۱۵۰
- شکل ۱۴۶. تزئینات پرکار در خانه ای در محله پرده سر لاهیجان که تخریب شده است. (منبع تصویر:...) ۱۵۰
- شکل ۱۴۷. ارسی و تزئینات پرکار در خانه ای در محله پرده سر لاهیجان که تخریب شده است. (منبع تصویر:...) ۱۵۱
- شکل ۱۴۸. تصویری از مقرنس نیمه ویران در خانه ای در محله پرده سر لاهیجان که در آن سیستم سازه ای... ۱۵۱
- شکل ۱۴۹. لمبه کوبی مزین در سقف داخلی خانه فیاض ۱۵۲
- شکل ۱۵۰. شومینه (یا بخاری یا کوره) خانه دوزنده که جهت گرمایش اتاق ها مورد استفاده قرار می گرفت ۱۵۳
- شکل ۱۵۱. شومینه خانه طاهرپرور ۱۵۴
- شکل ۱۵۲. تالار خانه مجمع صنایع نمونه ای از ایوان های باریک می باشد ۱۵۵
- شکل ۱۵۳. ایوان طبقه همکف در خانه طاهرپرور که امروزه با یک دیواره چوبی الحاقی
تقسیم بندی شده است، ظاهراً... ۱۵۶
- شکل ۱۵۴. در طبقه اول خانه پورقلیچ در محله پرده سر می توان نمونه ای از ایوان های عمیق را مشاهده نمود. ۱۵۷
- شکل ۱۵۵. نمونه ای از ایوان های عمیق در خانه ای در مجاورت خیابان انقلاب
که تخریب شده است. (منبع تصویر:...) ۱۵۷
- شکل ۱۵۶. موقعیت خانه تصویر قبلی در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ لاهیجان ۱۵۸
- شکل ۱۵۷. الگوی ایوان عمیق دو ستونی که در خانه محصصی مشاهده می شود،
مطابقت خوبی با توصیف هولمز از خانه... ۱۵۹
- شکل ۱۵۸. در خانه صادقی نیز الگوی ایوان عمیق دو ستونی مشاهده می شود. ۱۶۰
- شکل ۱۵۹. عمارت تخت مرمر در مجموعه کاخ گلستان تهران دارای ایوان دو ستونی بوده است... ۱۶۰
- شکل ۱۶۰. ایوان رو به شمال در خانه علیزاده به طور سرتاسری با پنجره پوشانده شده است... ۱۶۱
- شکل ۱۶۱. امتداد ایوان و تالار در مقابل چندین اتاق مجاور هم در معماری قاجاری لاهیجان کاملاً متداول بوده و... ۱۶۲
- شکل ۱۶۲. کاربرد نرده هایی با طرح های متنوع در خانه های قاجاری لاهیجان متداول بوده است و ارتفاع نرده ها... ۱۶۳
- شکل ۱۶۳. در این خانه سطح نرده خور تالار به کمک تخته کاملاً مسدود شده است. (منبع تصویر:...) ۱۶۳
- شکل ۱۶۴. بالکن جانبی در خانه مجمع صنایع که اهل خانه آن را «دامنه پستی» می نامند. ۱۶۴
- شکل ۱۶۵. بالکن جانبی خانه ای در یحیی آباد که امروز دیگر وجود ندارد.
(منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا) ۱۶۵
- شکل ۱۶۶. بالکن جانبی خانه وزیری بر روی معبر عمومی ۱۶۶
- شکل ۱۶۷. در خانه قائمی چند بالکن مجزا در نمای اصلی ساختمان به سمت حیاط اختصاصی خانه
و یک بالکن جانبی... ۱۶۶
- شکل ۱۶۸. در خانه دوزنده با اتاق های زیبا، تزئینات و ارسی های نفیسی که در طبقه اول خود دارد،... ۱۶۷
- شکل ۱۶۹. در خانه بریسم حقیری الگوی پله در وسط و دو اتاق در طرفین به کار رفته است. ۱۶۸
- شکل ۱۷۰. در خانه جهانگیری در محله یحیی آباد الگوی پله در وسط و دو اتاق در طرفین به کار رفته است. ۱۶۹

- شکل ۱۷۱. پله های قاجاری خانه های لاهیجان برای استفاده کننده امروزی نایمن و خطرناک ارزیابی می شوند. ۱۶۹
- شکل ۱۷۲. در عمارت جهانسوز می توان شاهد روند تغییر مفهوم و جایگاه پله در معماری خانه های قاجاری... ۱۷۰
- شکل ۱۷۳. پله مرتبط با تالار در خانه ضیاءظریفی که در گذشته با درپوشی چوبی امکان مسدود شدن داشت. ۱۷۱
- شکل ۱۷۴. پله دسترسی به ایوان طبقه همکف از حیاط در خانه دوزنده که از امتداد تالار طبقه اول تجاوز نمی کند و... ۱۷۱
- شکل ۱۷۵. یکی از خصوصیات بارز بومی معماری لاهیجان ۱۷۲
- بام های سفالی آن بوده است (منظر شهر از مناره مسجد اکبریه) ۱۷۲
- شکل ۱۷۶. از مطالعه سفرنامه ها به نظر می رسد در دوره قاجار بارش های جوی، به خصوص برف... ۱۷۳
- شکل ۱۷۷. بازی با ارتفاع و تنوعات فرمی به صورت بسیار محدودی در بام های سفالی لاهیجان مشاهده می شود... ۱۷۴
- شکل ۱۷۸. به واسطه عدم کاربرد سفال های با دیتایل های اجرایی ویژه برای موقعیت های متنوع بام، در لبه ها... ۱۷۴
- شکل ۱۷۹. عدم کاربرد ناودانی جهت جمع آوری و هدایت افقی نزولات جوی در بام ها یکی از عوامل مهم مؤثر... ۱۷۵
- شکل ۱۸۰. تزئینات چوبی لبه بام در مسجد اکبریه شباهت جالبی به الگوی تشکیل قندیل در لبه بام های سفالی... ۱۷۶
- شکل ۱۸۱. انواعی از تعاملات معمارانه مرتبط با بام های سفالی را می توان در بافت تاریخی لاهیجان مشاهده نمود... ۱۷۷
- شکل ۱۸۲. دید از حیاط خانه راستگو به سمت خانه فیاض: سربندی بارانداز خانه راستگو و آشپزخانه خانه فیاض... ۱۷۷
- شکل ۱۸۳. دید از حیاط خانه فیاض به سمت خانه راستگو: یکپارچگی سربندی فضاهای خدماتی. ۱۷۸
- شکل ۱۸۴. میزان پیش آمدگی بام (دامنه) در وجوه مختلف ساختمان خانه می تواند متفاوت باشد (خانه طاهرپرور). ۱۷۹
- شکل ۱۸۵. تالار، بالکن و بازشوهای مهم خانه با پیش آمدگی بیشتر بام ۱۷۹
- مورد محافظت قرار می گیرند (خانه های بازارچه پرده سر). ۱۷۹
- شکل ۱۸۶. عمارت مقابل مسجد سلیمانیه یکی از خانه های بزرگ لاهیجان بوده است که هرچند نمای اصلی آن... ۱۸۰
- شکل ۱۸۷. در خانه نبش کوچه دعایی مشاهده می شود که نمای ساختمان به سمت جنوب است ولی لوجنک... ۱۸۱
- شکل ۱۸۸. در مسجد محله خمرکلا با این که نمای اصلی ساختمان رو به جنوب (قبله) می باشد، لوجنک بام... ۱۸۲
- شکل ۱۸۹. در مسجد محله شهربافان نمای اصلی ساختمان رو به سمت شرق و جنوب بوده است، در حالی که... ۱۸۳
- شکل ۱۹۰. در نمای خانه منتصرالملک (واقع در محله یحیی آباد) تقارن کلی حاکم بوده است. (منبع تصویر... ۱۸۴
- شکل ۱۹۱. در اغلب بناهای قاجاری لاهیجان لایه هایی که یکی بعد از دیگری به نمای ساختمان شکل می دهند... ۱۸۵
- شکل ۱۹۲. خانه ای در پرده سر: به طور کلی در معماری قاجاری لاهیجان، هر چه خانه ای اعیانی تر و فاخرتر بود... ۱۸۶
- شکل ۱۹۳. تزئین جرزهای ساختمانی با گچبری و نقاشی در خانه دوزنده ۱۸۶
- شکل ۱۹۴. تزئین جرزهای ساختمان با نقش برجسته در خانه طاهرپرور ۱۸۷
- شکل ۱۹۵. تزئین جرزها در خانه محصصی ۱۸۷
- شکل ۱۹۶. نقاشی ناتمام نمای جانبی خانه جهانگیری ۱۸۸
- شکل ۱۹۷. در موارد معدودی تزئین دیوار خارجی ساختمان با طرح های هندسی ساده ۱۸۸
- مشاهده می شود. (همسایه جنوبی خانه فیاض) ۱۸۸
- شکل ۱۹۸. ارسی خانه دوزنده از نمونه ارسی هایی است که تمام آلت های آن مستقیم الخط هستند. ۱۹۰
- شکل ۱۹۹. ارسی خانه دوزنده از داخل ۱۹۰
- شکل ۲۰۰. ارسی خانه ای در کوچه حجت انصاری در حالت باز ۱۹۱
- شکل ۲۰۱. ارسی خانه ای در کوچه حجت انصاری در حالت بسته ۱۹۱
- شکل ۲۰۲. بخشی از ارسی خانه صفارنیا با آلت های عمدتاً منحنی الخط ۱۹۲
- شکل ۲۰۳. یکی از پنجره های ارسی خانه صفارنیا با آلت های عمدتاً منحنی الخط ۱۹۲
- شکل ۲۰۴. ارسی خانه فیاض با سبک آلت های منحنی الخط ۱۹۳
- شکل ۲۰۵. ارسی ها معمولاً در سه وضعیت قابل تنظیم هستند: ۱. بسته، ۲. نیمه باز، ۳. کاملاً باز... ۱۹۳
- شکل ۲۰۶. نمونه ای از ارسی هایی که در آنها هم از آلت های مستقیم ۱۹۴
- و هم از آلت های منحنی استفاده شده است... ۱۹۴
- شکل ۲۰۷. معمولاً بعد از ارسی، در و پنجره های سرتاسری از لحاظ نفاست و ارزش معماری ... ۱۹۵
- شکل ۲۰۸. در مقایسه با سایر انواع بازشوهای رایج در معماری قاجاری لاهیجان، معمولاً در و پنجره های منفرد... ۱۹۵
- شکل ۲۰۹. نمونه ای از هنرنمایی نجاران در خانه های قاجاری لاهیجان (خانه دوزنده) ۱۹۶
- شکل ۲۱۰. نمونه ای از سازه مورد استفاده در ساخت بام شیروانی (خانه ای نیمه مخروبه در محله پرده سر) ۱۹۷
- شکل ۲۱۱. نازک سازی دیوارهای میانی در طبقه بالایی خانه ها یکی از فنون تقویت ایستایی خانه ها... ۱۹۷
- شکل ۲۱۲. دیوار محوطه می توانست کاملاً آجری باشد و با ارتفاعی در حدود ۱۱۰ رگ آجر ساخته شود... ۱۹۸

- شکل ۲۱۳. نمونه ای از دیوارهای ترکیبی آجری و چینه ای
(منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)
- شکل ۲۱۴. نمونه ای از سردروازه های خانه های قاجاری لاهیجان که امروز دیگر وجود ندارند...
- شکل ۲۱۵. در معماری قاجاری لاهیجان، معمولاً سردر هر خانه ای در عین شباهت به خانه های دیگر...
- شکل ۲۱۶. تصویری از وضعیت بن بست عکس قبل در سال ۱۳۹۶
- شکل ۲۱۷. چاه و حوض آب از عناصر ثابت در حیاط خانه های قاجاری لاهیجان بوده اند.
چاه و حوض آب خانه دوزنده.
- شکل ۲۱۸. حوض آب با شکل مثلثی در خانه ضیاءظریفی
- شکل ۲۱۹. حوض آب دارای سکوی جانبی جهت قرار دادن گلدان و غیره در خانه صفارنیا
- شکل ۲۲۰. چاه آب مجهز به چرخ چاه در خانه احمدی پور.
(منبع تصویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب نظام وظیفه، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۲۱. انتظام نسبتا هندسی مسیرها و باغچه ها در عمارت امین دیوان (عکس هوایی ۱۳۵۵)
- شکل ۲۲۲. در خانه قائمی و اکثر قریب به اتفاق خانه های قاجاری لاهیجان سازماندهی محوطه خانه...
- شکل ۲۲۳. منظره حیاط خانه احمدی پور (منبع تصویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب نظام وظیفه، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۲۴. کفسازی بخشی از حیاط با استفاده از سنگ رودخانه ای و آجر در خانه دوزنده
- شکل ۲۲۵. ساختمان های قاجاری ارزشمند یکی پس از دیگری جای خود را به ساختمان های نوسازی می دهند...
- شکل ۲۲۶. مقایسه درصد سطح اشغال قطعه ای تصادفی از بافت تاریخی لاهیجان بر اساس...
- شکل ۲۲۷. از بالا به پایین: شهرک سلمان، شهرک نسیم و خیابان کارگر. در بسیاری از توسعه های...
- شکل ۲۲۸. نحوه تعیین محدوده مجاز استقرار ساختمان در طرح جامع لاهیجان...
- شکل ۲۲۹. با توجه به نامنتظم بودن شکل اکثر قطعات زمین در بافت قدیم لاهیجان...
- شکل ۲۳۰. ساختمان متعلق به دوره پهلوی همچنان از قاعده قاجاری جهت گیری رو به شرق تبعیت ...
- شکل ۲۳۱. خانه سمت چپ خانه ثبت شده محصصی است و در سمت راست تصویر خانه ای نوساز...
- شکل ۲۳۲. خانه ای نوساز که دقیقاً در پشت خانه ثبت شده محصصی ساخته شده است...
- شکل ۲۳۳. ساختمانی در حال ساخت در مقابل خانه ثبت شده ضیاء ظریفی در کوچه اکبریه که...
- شکل ۲۳۴. نظام کنترل ساختمانی می تواند الگوی قلعه مرکب را که یکی از الگوهای موجود در بافت...
- شکل ۲۳۵. قلعه مرکب در حد فاصل کوچه اصمعی و طایفه که می توانست توسط نظام کنترل ساختمانی...
- شکل ۲۳۶. جداره خارجی خانه کیاموسوی که بخشی از یک قلعه مرکب
در مرحله پرده سر را شکل می داد (کوچه اصمعی).
- شکل ۲۳۷. جداره خارجی بخشی دیگر از قلعه مرکب در محله پرده سر (کوچه طایفه)
- شکل ۲۳۸. برخی کوچه های بافت تاریخی لاهیجان هنوز قابلیت و ارزش حفاظت شدن را دارند...
- شکل ۲۳۹. خانه ای که می تواند انتهای جنوبی محدوده حفاظت شده کوچه اکبریه محسوب شود.
- شکل ۲۴۰. تصویری از کوچه اکبریه در مقابل مسجد اکبریه
- شکل ۲۴۱. بن بست آقاغلامحسین در کوچه محمد کریم
- شکل ۲۴۲. طیفی از ابزارها و روش های کنترل کیفیت طراحی معماری (منبع: پوراحمدی، ۱۳۹۵، ۱۷)
- شکل ۲۴۳. آثار خرابی و ویرانی در جای جای بافت تاریخی لاهیجان مشهود است.
- شکل ۲۴۴. و بافت تاریخی لاهیجان همچنان چشم به سوی مشرق دارد...
- شکل ۲۴۵. پلان طبقه همکف خانه احمدی پور (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۴۶. پلان طبقه اول خانه احمدی پور (بازترسیم و ویرایش نقشه از منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۴۷. دروازه ورودی و دید از کوچه خانه احمدی پور (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۴۸. دید به نمای اصلی خانه از حیاط (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۴۹. دید به نمای اصلی خانه از حیاط که در آن نحوه اتصال خانه به همسایه قابل مشاهده است...
- شکل ۲۵۰. خانه احمدی پور در کنار خانه متصل به آن در سال ۱۳۸۹ (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۲۵۱. وضع موجود در سال ۱۳۹۷: خانه احمدی پور تخریب و نوسازی شده
ولی ساختمان همسایه آن موجود است.
- شکل ۲۵۲. شماتیک پلان همکف خانه اصمعی.
(بازترسیم و ویرایش نقشه بر اساس: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳)

- شکل ۲۵۳. نمای شرقی خانه اصمعی.
 ۲۴۹ (بازترسیم و ویرایش نقشه بر اساس: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، ...، ۱۳۸۳)
- شکل ۲۵۴. دید به نمای اصلی از حیاط. منبع تصویر:
 ۲۴۹ (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳)
- شکل ۲۵۵. سایت پلان و پلان بام خانه بریسم حقیری (یا پرتو نظری)
 ۲۵۰ (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۴)
- شکل ۲۵۶. پلان همکف خانه بریسم حقیری (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۴)
 ۲۵۱
- شکل ۲۵۷. پلان طبقه اول خانه بریسم حقیری (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۵)
 ۲۵۱
- شکل ۲۵۸. نما-برش خانه بریسم حقیری (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۵)
 ۲۵۲
- شکل ۲۵۹. پلان همکف خانه پورمهر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۰)
 ۲۵۳
- شکل ۲۶۰. پلان طبقه اول خانه پورمهر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۰)
 ۲۵۴
- شکل ۲۶۱. نمای شرقی خانه پورمهر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۰)
 ۲۵۴
- شکل ۲۶۲. دید به بالکن خانه از حیاط (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۹)
 ۲۵۵
- شکل ۲۶۳. دید به نمای اصلی خانه از حیاط (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۹)
 ۲۵۵
- شکل ۲۶۴. پلان همکف عمارت جهانسوز (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: ایزدی و کسرائیان، ۱۳۷۲، ۱۱۸)
 ۲۵۶
- شکل ۲۶۵. پلان طبقه اول عمارت جهانسوز (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: ایزدی و کسرائیان، ۱۳۷۲، ۱۱۸)
 ۲۵۶
- شکل ۲۶۶. پلان طبقه همکف خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۱)
 ۲۵۷
- شکل ۲۶۷. پلان طبقه اول خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۱)
 ۲۵۷
- شکل ۲۶۸. نمای شمالی خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۲)
 ۲۵۸
- شکل ۲۶۹. دید به نمای اصلی از حیاط خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۰)
 ۲۵۸
- شکل ۲۷۰. سایت پلان شماتیک خانه دوزنده (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۴)
 ۲۵۹
- شکل ۲۷۱. پلان همکف خانه دوزنده
 ۲۵۹ (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۵)
- شکل ۲۷۲. پلان طبقه اول خانه دوزنده
 ۲۶۰ (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه، ...، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۵)
- شکل ۲۷۳. نمای شرقی خانه دوزنده
 ۲۶۰ (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۵)
- شکل ۲۷۴. شماتیک سایت پلان و پلان همکف خانه رحمانی
 ۲۶۱ (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۵)
- شکل ۲۷۵. نمای جنوبی خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۵)
 ۲۶۱
- شکل ۲۷۶. دید به نمای جنوبی خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۴)
 ۲۶۲
- شکل ۲۷۷. ارسی خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۴)
 ۲۶۲
- شکل ۲۷۸. موقعیت خانه شمس در عکس هوایی ۱۳۵۵ لاهیجان
 ۲۶۳
- شکل ۲۷۹. سایت پلان و پلان همکف خانه شمس (بازترسیم از منبع: مبرهن شفيعی، ۱۳۹۰، ۸۳)
 ۲۶۴
- شکل ۲۸۰. سایت پلان و پلان همکف خانه صادقی (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، ...، بی تا).
 ۲۶۵
- شکل ۲۸۱. پلان طبقه اول خانه صادقی (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، ...، بی تا).
 ۲۶۶
- شکل ۲۸۲. نمای شرقی خانه صادقی
 ۲۶۷ (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).
- شکل ۲۸۳. برش خانه صادقی
 ۲۶۸ (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).
- شکل ۲۸۴. ارسی های خانه صادقی
 ۲۶۹ (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).
- شکل ۲۸۵. نمای داخل حیاط خانه صورتگر، وجه شمالی
 ۲۷۰ (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۳)
- شکل ۲۸۶. نمای داخل حیاط خانه صورتگر، وجه شرقی
 ۲۷۰ (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۳)

- شکل ۲۸۷. سایت پلان و پلان همکف خانه صورتگر
 ۲۷۱ (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور...، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۲)
- شکل ۲۸۸. دید به وجه شمالی حیاط خانه صورتگر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۱)
- شکل ۲۸۹. دید به وجه شرقی حیاط خانه صورتگر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۲۱)
- شکل ۲۹۰. سردر ورودی خانه صورتگر
- شکل ۲۹۱. پلان همکف خانه ضیاطریفی
- شکل ۲۹۲. پلان طبقه اول خانه ضیاطریفی (بازترسیم و ویرایش نقشه از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۸)
- شکل ۲۹۳. نمای وجه شرقی حیاط خانه ضیاطریفی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۹)
- شکل ۲۹۴. نمای وجه غربی حیاط خانه ضیاطریفی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۰۹)
- شکل ۲۹۵. موقعیت خانه طاهرپرور (طاهری بزاز) در محله خمرکلا
- شکل ۲۹۶. پلان همکف خانه طاهرپرور
- شکل ۲۹۷. پلان طبقه اول خانه طاهرپرور
- شکل ۲۹۸. نمای شرقی خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۲۹۹. نمای رو به حیاط خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۰. بخشی از سایت پلان خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۱. پلان طبقه همکف خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۲. پلان اندازه گذاری طبقه همکف خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۳. پلان طبقه اول خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۴. پلان اندازه گذاری طبقه اول خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۵. پلان طبقه دوم خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۶. پلان اندازه گذاری طبقه دوم خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۷. برش A-A خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۸. برش B-B خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۰۹. پلان بام خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۰. برش پرسپکتیوی خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۱. پرسپکتیو خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۲. پرسپکتیو خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۳. فضای ورودی (هشتی) خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۴. اتاق پذیرایی X(سالن/ مهمان خانه) خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۵. دید داخلی اتاق طبقه همکف خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۶. یکی از شومینه های خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۷. دید نمای اصلی خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۸. ضخامت دیوارها در خانه علیزاده راستان بر اساس تعداد آجر مصرفی (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۱۹. موقعیت خانه فیاض در محله گابنه
- شکل ۳۲۰. پلان طبقه اول خانه فیاض در محله گابنه
- شکل ۳۲۱. شماتیک سایت پلان و پلان همکف خانه کیاموسوی
- شکل ۳۲۲. ویرایش نقشه بر اساس: آرشیو سازمان میراث...، ۱۳۸۳(ب)
- شکل ۳۲۳. برش شماتیک خانه کیاموسوی
- شکل ۳۲۴. دید از اتاق مهمان در خانه کیاموسوی (بازترسیم و ویرایش نقشه از منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی...، ۱۳۸۳(ب)
- شکل ۳۲۵. یکی از ارسی های خانه کیاموسوی (منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳(ب)

- شکل ۳۲۶. پلان طبقه اول خانه حاج عبدالله مجمع صنایع
- شکل ۳۲۷. نمای اصلی / شرقی عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۲۸. مدل سه بعدی عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۲۹. نمای شرقی عمارت قائمی با سطوح بازشوی قابل ملاحظه. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۳۰. پلان طبقات همکف و اول عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۳۱. پلکان داخلی عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۳۲. نمونه ای از کارهای چوبی در عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۳۳. تاقنماهای دیوار محوطه در عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)
- شکل ۳۳۴. دید به عمارت گلشاهی از جانب شرقی. منزل برادر ایشان
- در پایین تصویر دیده می شود. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۳۵. سایت پلان عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۳۶. پلان همکف عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۳۷. پلان طبقه اول عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۳۸. نمای شمالی عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۳۹. نمای جنوبی عمارت گلشاهی تنها نمای متقارن این بنا است.
- منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۴۰. نمای غربی عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۴۱. نمای شرقی عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۴۲. برش از عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۴۳. دید از نمای جنوبی عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۴۴. دید از نمای شمالی عمارت گلشاهی.
- آثار یک بالکن تخریب شده را می توان در این نما مشاهده نمود. منبع تصویر...
- شکل ۳۴۵. ارسی عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (اسماعیلیان و دیگران، ۱۳۹۶)
- شکل ۳۴۶. دید از فضای مهمان خانه عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (اسماعیلیان و دیگران، ۱۳۹۶)
- شکل ۳۴۷. دید از فضای مهمان خانه عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (اسماعیلیان و دیگران، ۱۳۹۶)
- شکل ۳۴۸. خانه صنایع در محله یحیی آباد. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۴۹. تصویر هوایی خانه صنایع مربوط به سال ۱۳۳۶
- شکل ۳۵۰. پلان خانه صنایع. بازترسیم بر اساس: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۵۱. شومینه خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۵۲. نرده ایوان خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۵۳. نقاشی دیواری در فضای ورودی خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۵۴. نقاشی دیواری در فضای ورودی خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۵۵. ارسی اتاق مهمان در خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۵۶. پلان طبقه همکف خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۵۷. پلان طبقه اول خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۵۸. نمای اصلی (غربی) خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۵۹. شومینه خانه جهانگیری بلورچیان با نقش شیر و خورشید
- که از نشان های باستانی فرهنگ ایران محسوب می شود. منبع...
- شکل ۳۶۰. نمونه ای از تزئینات اتاق ها در خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)
- شکل ۳۶۱. پلان طبقه همکف خانه رضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۶۲. پلان طبقه اول خانه رضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۶۳. پلان طبقه دوم خانه رضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۶۴. نمای شرقی خانه رضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۶۵. مدل سه بعدی از خانه رضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)
- شکل ۳۶۶. بخش هایی از نرده های بالکن خانه رضانی با طرح های ذوقی خاص.
- منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)

- شکل ۳۶۷. تعبیه تاقچه یکی از مهم ترین ابزارهای طراحی نما در این ساختمان محسوب می شود. منبع تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۶۸. پلان طبقه همکف خانه ارض پیما. بازترسیم بر اساس: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۶۹. پلان طبقه اول خانه ارض پیما. بازترسیم بر اساس: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۷۰. پیش از تخریب کامل، ضلع جنوبی خانه بیش از هر ضلع دیگری دچار فرسایش و تخریب شده بود. البته در...
شکل ۳۷۱. همان گونه که در این تصویر ملاحظه می شود، در حالی که ضلع جنوبی خانه به حالت نیمه مخروبه درآمده بود...
- شکل ۳۷۲. پلکان دسترسی به زیر شیروانی. منبع تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۷۳. بقایای یکی از ارسی های عمارت ارض پیما. منبع تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۷۴. نمای از فضای داخلی بنا. منبع تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)
- شکل ۳۷۵. نقشه قطعه بندی شهر جهت نمایش موقعیت خانه های مورد بررسی در کتاب. عکس هوایی مربوط به سال ۱۳۳۶ است.
- شکل ۳۷۶. موقعیت خانه های محدوده محله خُمَرکلا و جدول راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام
- شکل ۳۷۷. موقعیت خانه های محدوده محله کاروانسرابر و جدول راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام
- شکل ۳۷۸. موقعیت خانه های محدوده محله پرده سر و جدول راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام
- شکل ۳۷۹. جدول موقعیت خانه های محدوده محله گابنه و راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام
- شکل ۳۸۰. جدول موقعیت خانه های محدوده محله میدان و راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام
- شکل ۳۸۱. جدول موقعیت خانه های محدوده محله میدان و راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام

فهرست جدول ها

۳۱	جدول ۱. قواعد تأثیرگذار بر فرم منطقه های شهری در شهرهای اسلامی. منبع: (Davis, 2006, 204)
۴۱	جدول ۲. مساجد لاهیجان از حیث هندسه پلان و نحوه استقرار در جهت قبله
۲۰۹	جدول ۳. روند تغییرات جمعیت شهر لاهیجان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (منبع: مهندسان مشاور پویانقش شهر و بنا، ۱۳۹۲، الف، ۷۶)
۲۳۵	جدول ۴. چکیده ای از برخی نکات مهم مطرح شده در کتاب در خصوص مقایسه قواعد حاکم بر معماری خانه های قاجاری...

کتاب حاضر با هدف آشتی دادن معماری امروزی در بافت تاریخی لاهیجان با معماری قاجاری آن نگارش یافته است و برای رسیدن به این هدف بر شناسایی قواعد شکلدهنده به این دو نوع معماری و ارتقاء نظام کنترل ساختمانی موجود تمرکز مینماید، چرا که بر این باور استوار است که برای رسیدن به انسجام پایدار با معماری تاریخی باید از ظرفیتهای نظام کنترل ساختمانی به شکل مناسبی استفاده شود. یکی از ضروریات تدوین یک نظام کنترل ساختمانی موفق و مناسب برای هدایت ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی شهرها این است که الزامات نظام کنترل ساختمان بر شناخت دقیقی از قواعد معماری تاریخی مورد نظر مبتنی باشد.

کتاب حاضر به دنبال آن نیست که روش یا سبک معماری خاصی را برای بافت قدیم لاهیجان تبلیغ یا ترویج نماید، اما میتواند برای معمارانی که علاقه دارند طراحی معماری خود را در پیوند با بافت تاریخی این شهر انجام دهند، منبع الهام مفیدی محسوب گردد. از آنجا که معماران معمولاً از فرهنگ بصری قدرتمندی برخوردارند و عمده مطالعه طراحان آنها چه در قبل و چه در حین انجام پروژههای طراحی متکی بر مشاهده تصاویر و بررسی بصری نمونه آثار معماری است، در این کتاب سعی شده تا از لحاظ محتوای تصویری مجموعه ای غنی که گویای خصوصیات معماری قاجاری لاهیجان باشد، فراهم آورده شود.

در نگارش کتاب تلاش شده است که مطالب حتی الامکان با تصاویر گویا همراهی شوند. بدین ترتیب، با توجه به پیوند نزدیک مباحث کتاب با تصاویر مرتبط، خواننده گرمی میتواند حتی با ورق زدن کتاب و مشاهده تصاویر و مطالعه زیرنویسها نیز از عمده مطالب کتاب آگاهی یابد. در گنجاندن عکسها در متن کتاب سعی شده است که مضایقه ای از لحاظ تعداد عکس ها صورت نگیرد و برای بیان هر مطلب از تصاویر متعدد و حتی الامکان با ابعاد بزرگ استفاده شود. هر چند این امکان وجود داشت که بیان توضیحات به کمک تعداد کمتری تصویر صورت گیرد، نگارنده در کاربرد تصاویر فراوان در کتاب حاضر تعمد داشته است، چرا که با توجه به خطر تخریب و نابودی که این آثار را تهدید می نماید، ثبت و ضبط هر چه بیشتر اطلاعات مربوط به این آثار نیز یکی از اهداف ضمنی پژوهش حاضر بوده است.

یکی از اهداف نگارنده این بوده است که بجز مخاطبان مرتبط با رشته معماری، مخاطبان عام نیز بتوانند با این کتاب ارتباط برقرار نمایند و کتاب حاضر بتواند معماری قاجاری لاهیجان را به طیف گسترده تری از مخاطبان شناساند. نگارنده از این کار چند مقصود داشته است که شاید یکی از مهمترین آنها این امیدواری بوده که نسخه ای از کتاب حاضر به دست سرمایه گذاران علاقه مند به سرمایه گذاری در امور فرهنگی و یا گردشگری تاریخی برسد و ایشان را به انجام پروژه های باز آفرینی در بافت تاریخی لاهیجان راغب گرداند. امید می رود کتاب حاضر بتواند در شناساندن ارزش های این بافت تاریخی و حفاظت از آنها مفید فایده ای واقع گردد.

جا دارد در اینجا از بزرگوارانی که نگارنده به اشکال مختلف از یاری آنها در تکمیل کتاب حاضر برخوردار گردید، تشکر به عمل آید. نگارنده مراتب سپاسگزاری خود را به تک تک این عزیزان تقدیم میدارد: آقای دکتر بهمن مشفق، آرشیستک صمد توانا، آقای مهندس ابوذر جانعلی پور، همسر گرامی ام خانم مهندس ندا علیخواه، خانم مهندس سمیه میربلوکی، خانم دکتر مینو خاکپور، خانم مهندس فاطمه کشاورز خالقی، دکتر حسین نصیری کامران، مهندس پیمان عیسی زاده، دکتر محمد الهامی، دکتر علی امیری و دکتر مصطفی پورعلی. علاوه بر این، نگارنده وظیفه خود میداند که از ساکنان خانه های تاریخی لاهیجان که به او امکان بازدید و عکسبرداری از این خانه ها را دادند و به پرسش های وی پاسخ گفتند تشکر نماید، هرچند اسامی همه آنها را نمی داند: خانواده محترم مجمع صنایع، فیاض، طاهر پرور، محمصی، راستگو، صفارنیا، دوزنده، رضانی، افتخار عسکری، جهانگیری، بریسم حقیری و ... همچنین از اساتید و پژوهشگران ارجمندی که در نگارش کتاب و پیشبرد مباحث از آثار پژوهشی ایشان استفاده کرده ام، سپاسگزاری می نمایم. در نهایت از همسر عزیز و خانواده گرامی ام بابت حمایت ها و صبوری شان در طول مدت پژوهش و نگارش کتاب صمیمانه تشکر می نمایم.

دکتر مجتبی پوراحمدی
رشت - مهر ۱۳۹۷

مشکل اولیه ای که پژوهش حاضر با مشاهده آن شروع گردید، از این قرار بوده که ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی لاهیجان با بناهای ارزشمند و یا ثبت شده ای که در این بافت واقعند، هماهنگی بصری ندارد و ساختمان سازی در مجاورت یا نزدیک این آثار به گونه ای انجام می شود که به ارزش های این بافت تاریخی لطمات جدی وارد می نماید. از سوی دیگر تجربه چندین سال همکاری نگارنده با سازمان نظام مهندسی ساختمان این شهر در زمینه کنترل نقشه های معماری حاکی از آن بوده است که تمام این ساخت و سازهای جدید کم و بیش با رعایت ضوابط و مقررات موجود شامل ضوابط سازمان میراث فرهنگی و مقررات طرح جامع شهر و مقررات ملی ساختمان صورت می گیرند، ولی با این حال، محصول کار محصولی غیر هماهنگ و نامتناسب با بستر خود می باشد. بدین ترتیب، به نظر می رسد ضوابط و مقررات و به طور کلی نظام کنترل ساختمانی فعلی در راستای حفاظت از این میراث فرهنگی ارزشمند شهر لاهیجان عملکرد موافقی از خود به نمایش نگذاشته اند.



شکل ۱. ساختمان مسکونی نوساز در مقابل خانه ثبت شده کیاموسوی که با ارزش های معماری زمینه تاریخی خود همخوانی ندارد. در سمت راست تصویر، در پشت این ساختمان، بخشی از خانه کیاموسوی دیده می شود. خانه ثبت شده اصمعی نیز در مقابل آن و در همین کوچه واقع است.



شکل ۲. تعمیرات و تغییرات غیر کارشناسانه در بناهای موجود در بافت تاریخی به یکپارچگی معماری بافت لطمات جدی وارد می نماید.

ساختمان های انگشت شماری را هم می توان ملاحظه نمود که سازندگان آنها، فراتر از الزامات ضوابط و مقررات رسمی، با علاقه و ذوق شخصی تلاش نموده اند تا این ساختمان ها را چنان طراحی نمایند که پیوندهایی با معماری تاریخی زمینه را تداعی نماید، اما اغلب این پیوندها از حد مصالح نماسازی فراتر نمی رود. چه بسا اگر راهنمای طراحی مناسبی برای طراحی معماری در بافت تاریخی لاهیجان وجود می داشت، می توانست به این سازندگان در دستیابی به نتیجه بهتر کمک ارزنده ای نماید. در مجموع به نظر می رسد مداخلاتی که طی دهه های اخیر در بافت تاریخی لاهیجان انجام شده، مبتنی بر شناخت دقیقی از خصوصیات و قواعد معماری قاجاری لاهیجان نبوده و در ایجاد «انسجام و تداوم» با معماری زمینه خود موفقیت چندانی نداشته است. بدین ترتیب، این پرسش برای نگارنده مطرح گردید که در طراحی خانه ها در بافت تاریخی لاهیجان چه اصول و قواعدی باید رعایت گردد تا معماری جدید در عین پاسخگویی به نیازهای روز مردم، با معماری قدیم این بافت نیز هماهنگی قابل قبولی داشته باشد و انسجام و تداوم بصری مناسبی را به نمایش بگذارد. پژوهش حاضر بر پایه این باور استوار است که برای رسیدن به نتیجه قابل قبول در این زمینه، شناخت دقیق معماری خانه های قاجاری لاهیجان ضروری است.



شکل ۳. خانه نوساز واقع در محله پُرده سر. طراح فراتر از ضوابط موجود، قصد هماهنگی با معماری سنتی زمینه را داشته است. اما آیا می توان در عین پاسخگویی به نیازهای روز، پیوند منسجم تری با معماری قاجاری زمینه برقرار نمود؟

مرووری بر ادبیات علمی مرتبط با طراحی معماری در بافت های تاریخی حاکی از آن است که این موضوع یکی از موضوعاتی است که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران معماری، طراحی شهری، مرمت شهری، طراحی منظر و مانند آن ها قرار گرفته و حجم عظیمی از ادبیات علمی در مورد آن به رشته تحریر در آمده است. در کتاب حناچی و همکاران (۱۳۸۶) می توان فهرست بلندی از انواع پروژه های بازآفرینی شهری معاصر در سطح بین المللی و ملی را یافت که امکان خوبی جهت مقایسه و تحلیل رویکردهای متنوع به این موضوع را فراهم می آورد. قدیری (۱۳۸۵) در کتاب خود انواع روش های برخورد با معماری زمینه تاریخی را به هشت دسته تقسیم نموده و معتقد است از بین آنها روش قیاس یا تشابه^۲ نزدیک ترین روش به رهنمودهای یونسکو است.

برولین (۱۳۸۳) در کتاب خود «عدم تداوم و انسجام» بین معماری های جدید و زمینه شهری را بزرگ ترین مشکل بصری معماری معاصر می داند و در بن این مشکل نحوه نگرش به «خلاقت معمارانه» را مسئل می بیند. وی نمونه های با موفقیت کمتر و نمونه های موفق متعددی را از منظر زمینه گرایی معرفی می نماید و اهمیت «بافت بصری» در ایجاد تداوم و انسجام بین معماری جدید و معماری زمینه را مورد تأکید قرار می دهد.

مداخلات معمارانه ای که منجر به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی می شوند، می تواند شامل موارد زیر باشد: «گسترش های درشت مقیاس در مجاورت مناطق تاریخی، طرح های تجمیع در بافت های تاریخی، حضور بنایی جدید در قطعات خالی و یا به عنوان جایگزینی برای بناهای موجود در بافت های تاریخی (بناهای میان افزا)، احداث بناهایی در مجاورت و در حریم بناهای تاریخی و یا در مقیاس دید خردتر الحاق به بنای تاریخی (در جهت توسعه ی بنای تاریخی و به عنوان فضایی جهت رفع نیازهای کالبدی جدید در امر توان بخشی آن)» (شاه تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱، ۳۹). به طور کلی، در پژوهش حاضر مداخلات معمارانه در مقیاس بناهای میان افزا و بناهای جدید در حریم خانه های قاجاری لاهیجان و یا محدوده هایی از بافت تاریخی که هنوز این قابلیت را دارد که تصویری ملموس از هویت تاریخی این شهر را به نمایش بگذارد، مورد نظر می باشد.

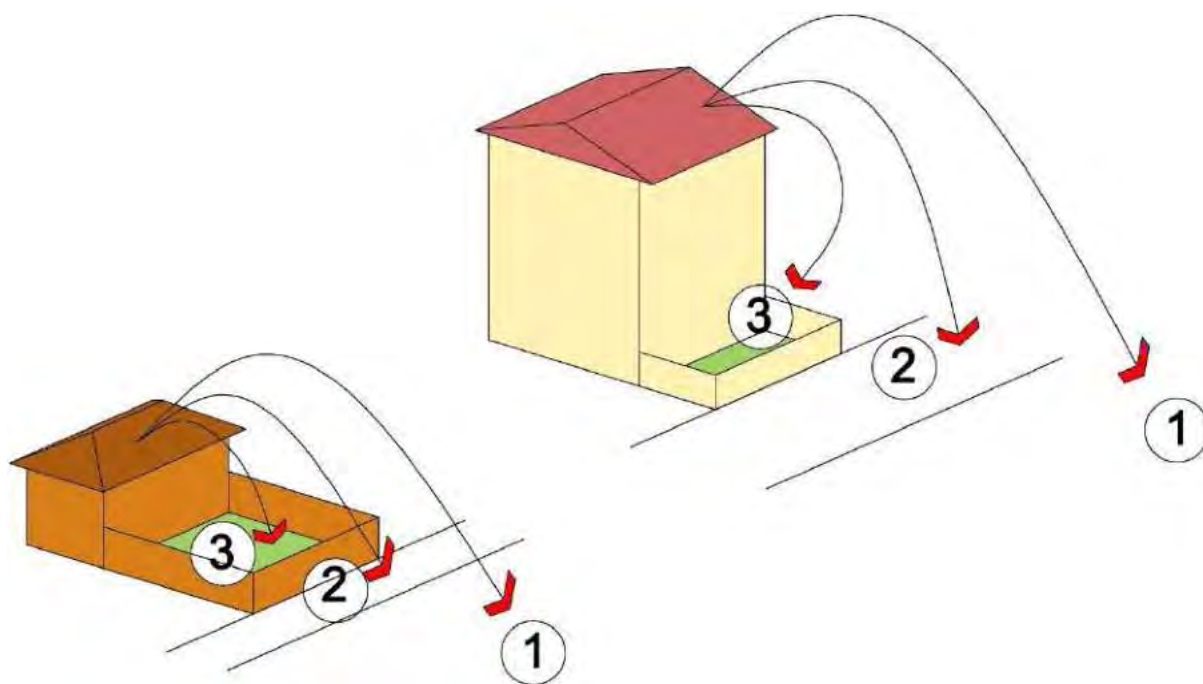
در مقاله صهی زاده و ایزدی (۱۳۸۳) چکیده ای از سیر تحول دیدگاه های بین المللی نسبت به توسعه شهری در بافت های تاریخی از آغاز قرن بیستم تا کنون ارائه شده است که بر اساس آن تا اواخر قرن بیستم دیدگاه های «توسعه گرا» و دیدگاه های «حفاظت گرا» در تقابل با یکدیگر قرار می گرفتند. در کشورهای اروپای غربی این دیدگاه های متقابل از حوالی دهه ۱۹۹۰ میلادی در قالب «بازآفرینی از طریق حفاظت»^۳ و یا «بازآفرینی حفاظت مدار»^۴ به نوعی آشتی دست یافته اند که طی آن «دو فرایند ضروری حفاظت و توسعه، اکنون به مثابه دو جریان مکمل مورد عمل اند» (همان، ۲۰) و «محیط تاریخی به منبعی مهم در فرایند بازآفرینی شهری» مبدل گردیده است (همان، ۱۷). رسیدن به این نسبت بین توسعه و حفاظت را می توان مصداق توسعه پایدار برای بافت های تاریخی محسوب نمود.

با نگاه بر مبنای مفاهیم فوق، با مروری بر روند تحولات کالبدی صورت گرفته در بافت تاریخی لاهیجان از دوران پهلوی تا به امروز می توان مشاهده نمود که متأسفانه در این شهر نیز مانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران، نسبت بین «توسعه» و «حفاظت» از نوع تضاد و تقابل بوده و «حفاظت» از بافت تاریخی و آثار معماری آن به عنوان مانع و یا دست کم عامل مزاحمی برای «توسعه» محدوده تاریخی شهر محسوب گردیده است. بدین ترتیب، حرکت به سوی توسعه، رفاه اجتماعی و رونق اقتصادی در بافت تاریخی این شهر مستلزم بی توجهی به هویت تاریخی و حتی تخریب آن دانسته شده است. در این میان نظام کنترل ساختمانی نیز با جهت گیری های نامتناسب و کاستی هایی که داشته، نتوانسته نقش خود را در اصلاح این وضعیت ناصواب به نحو مطلوبی ایفا نماید. پژوهش حاضر می کوشد تا بر قابلیت های نظام کنترل ساختمانی در جهت اصلاح این وضعیت نامطلوب تأکید نماید. پژوهش حاضر نقش آفرینی نظام کنترل ساختمانی در هدایت معماری امروزی لاهیجان در جهت ایجاد انسجام و پیوستگی با معماری زمینه تاریخی این شهر را امری ضروری می داند و به طور خاص بر دو رکن از ارکان هفتگانه نظام های کنترل ساختمان (نک: بهرام غفاری، ۱۳۷۰) یعنی «مدارک فنی» و «کنترل طراحی» تمرکز نموده، پیشنهادهایی را در این خصوص مطرح می نماید.



شکل ۴. متأسفانه می توان گفت در بافت تاریخی لاهیجان رابطه «توسعه» و «حفاظت» تا به امروز چیزی جز تقابل و تضاد مطلق نبوده است. نظام کنترل ساختمانی یکی از عوامل مهمی است که می توانسته و می تواند در جهت اصلاح این وضعیت تأثیرگذار باشد. سمت راست: کوچه مقابل خانه ضیاء ظریفی در سال ۱۳۷۱ (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا). سمت چپ: همان کوچه در سال ۱۳۹۷. مشخص است که ارزش های معماری و تاریخی معبر مورد نظر به جای حفظ و تقویت در مسیر نابودی قرار گرفته است.

پژوهش حاضر در چند گام انجام می شود: گام نخست به بررسی خصوصیات معماری قاجاری لاهیجان اختصاص دارد چرا که معتقد است شناخت دقیق قواعد و الگوهای رایج در معماری قاجاری این شهر برای رسیدن به معماری هماهنگ با این زمینه ضروری است. به منظور نظم دادن به بررسی قواعد مورد استفاده در معماری قاجاری لاهیجان این قواعد در یک سلسله مراتب از قواعد کلی تا جزئی طبقه بندی می شوند و مورد بررسی قرار می گیرند. در این پژوهش تلاش می شود که از مجموعه گسترده قواعد مورد استفاده در معماری قاجاری لاهیجان به مهم ترین ها و راهبردی ترین قواعد اشاره شود و نیز در حد امکان نکاتی بیان گردد که در سایر منابع کمتر مورد توجه بوده اند. شایان ذکر است که مجموعه این قواعد یک نظام منسجم و یکپارچه را شکل می دهند که اجزای آن با هم هماهنگ هستند. این مجموعه قواعد به ترتیب شامل قواعد جهت گیری و استقرار خانه ها در ارتباط با مقیاس کلان شهری، قواعد ناظر به نحوه ارتباط خانه و همجواری ها و قواعد مربوط به سازماندهی و طراحی معماری درون پلاک مسکونی می شود.



شکل ۵. در پژوهش حاضر قواعد معماری خانه های قاجاری لاهیجان در سه سطح از کلان تا جزئی طبقه بندی و معرفی می گردد: سطح یک شامل قواعد جهت گیری و استقرار خانه ها در مقیاس کلان شهری و در ارتباط با جغرافیای منطقه است. در سطح دو قواعد ناظر به نحوه ارتباط خانه و همجواری هایش شامل معابر عمومی، خصوصی و همسایه ها بررسی می شود و قواعد مربوط به طراحی معماری در چارچوب پلاک شهری مورد نظر شامل قواعد سازماندهی فضاها در سایت، قواعد طراحی پلان، قواعد طراحی بام، نماسازی و محوطه سازی در سطح سه بررسی می شوند. آنگاه مقایسه ای با وضعیت معماری معاصر لاهیجان صورت می گیرد.

جهت شناسایی و تدوین این قواعد از ابزارهای متعددی استفاده گردید، شامل بررسی منابع مکتوب و اسناد موجود در سازمان میراث فرهنگی، مطالعه سفرنامه های تاریخی مرتبط، کتاب ها و مقالات مرتبط با معماری گیلان و به طور خاص لاهیجان، عکس های هوایی موجود از شهر لاهیجان از سال ۱۳۳۶ تا کنون^۵، بازدید های متعدد از بافت و خانه های تاریخی لاهیجان و مصاحبه با افراد بومی و اشخاص مطلع. بر مبنای بررسی این منابع، قواعد شناسایی شده مرتبط با معماری خانه های قاجاری لاهیجان به صورت مدون ارائه می شود. عکس های خانه های تاریخی لاهیجان که در پژوهش حاضر به کار رفته اند، عموماً بین سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ شمسی گرفته شده اند. تعداد کمتری از آنها هم در فاصله دهه هفتاد تا نود برداشته شده اند و اغلب خانه هایی را به نمایش می گذارند که امروز دیگر وجود ندارند.

در گام بعدی نحوه ارتباط معماری متداول امروزی با معماری قاجاری لاهیجان بررسی می شود و نقدی بر وضعیت ساخت و سازهای جدید در بافت قدیم لاهیجان از نظر هماهنگی با معماری قاجاری آن انجام می شود. در این بررسی تفاوت های بنیادین قواعد شکل دهنده به این دو معماری مورد توجه قرار می گیرد. پژوهش حاضر در گام پایانی با تأکید بر اهمیت نقش آفرینی نظام کنترل ساختمانی برای جهت دهی به ساخت و سازهای جدید در بافت های تاریخی، تلاش می نماید تا برخی مشخصات یک نظام کنترل ساختمانی هماهنگ با دغدغه های زمینه گرایی را برای کاربرد در بافت تاریخی و حریم خانه های قاجاری ثبت شده لاهیجان معرفی نماید.

فصل یکم

شناخت قواعد معماری خانه های لاهیجان

۱-۱. توضیحی درباره نحوه بررسی معماری قاجاری لاهیجان در پژوهش حاضر

در ادبیات علمی مرتبط با معماری سنتی ایران، رویکردهای متعدد و متنوعی برای نحوه مواجهه با این معماری مورد استفاده پژوهشگران و صاحب نظران بوده است که از رویکردهای کالبدمحور و فن آورانیه تا رویکردهای عرفانی و نمادین را شامل می شود. به کمک هر یک از این رویکردها می توان جنبه یا جنبه های خاصی از معماری سنتی را مورد توجه ویژه قرار داد.

در پژوهش حاضر رویکردی که برای شناخت معماری خانه های قاجاری لاهیجان به کار رفته است، توجه به نظام قواعد و الگوهای طراحی مورد استفاده در این معماری می باشد. فرایند طراحی معماری، از مجموعه ای از تصمیمات طراحانه شکل می گیرد که طی آنها جنبه های مختلف یک محصول طراحی تعیین می شود. در این پژوهش تلاش می شود تا به خانه های تاریخی لاهیجان به عنوان محصول یک فرایند تصمیم گیری طراحانه نگریسته شود و کوشش می شود که از محصول به سمت فرایند تصمیم گیری نهفته در پشت آن حرکت گردد.

پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که معماری قاجاری لاهیجان به عنوان نمونه ای از معماری سنتی ایران، معماری مبتنی بر عرف بوده است. به عبارت دیگر، معماران خانه های لاهیجان در دوران قاجار در تصمیمات طراحانه شان دلبخواهی و یا بر اساس الگوهای خلق الساعه عمل نمی نموده اند، بلکه تصمیمات طراحانه شان مبتنی بر مجموعه ای از قواعد و الگوهای نسبتاً ثابت و پذیرفته شده بوده که عرف نامیده می شده است.^۷ لازم به ذکر نیست که در معماری سنتی، عرف و عناصر کالبدی معماری بسیار محدودتر و مورد توافق تر از معماری معاصر بوده است. در این معماری بر خلاف معماری مدرن، دایره عناصر کالبدی

مورد استفاده کم و بیش محدود و مشخص است و قواعد و هنجارهای مرتبط با معماری هم در جامعه مورد نظر تا حدود زیادی روشن و مورد توافق عمومی می باشد. از این رو این امکان وجود دارد که بدون دسترسی به تک تک طراحان و سازندگان این آثار و یا منابع تاریخی مکتوبی که اندیشه آنها را بیان نماید، از مطالعه مجموعه ای از آثار به جا مانده الگوهای مشترک و متداولی شناسایی گردد و از طریق آنها هنجارهای طراحی مورد استفاده نیز استنباط شود.

عرف معماری قاجاری لاهیجان را می توان شامل مجموعه ای از احکام و گزاره های هنجاری دانست که نحوه کار با عناصر کالبدی معماری را ضابطه مند می نمود و به تصمیمات معمارانه در جامعه مورد نظر نوعی همگونی و همسویی می بخشید. البته بحث درباره چرایی پیدایش این احکام و هنجارها در معماری یک دوره تاریخی خاص، بحث مجزایی است و نمی توان با قطعیت درباره دلیل شکل گیری بسیاری از این احکام سخن گفت. به قول لاوسون (۱۳۹۲، فصل ۲) در معماری بومی یا افزارمندانیه نمی توان یک دلیل حقیقی واحد برای بسیاری از هنجارهای مورد استفاده در آن را یافت و بسیار محتمل بوده که حتی اکثر معمارانی که در یک دوران تاریخی خاص بر مبنای این هنجارها طراحی می کردند، از زمینه های نظری و دلایل پیدایش آنها بی اطلاع باشند.

بدین ترتیب، می توان گفت در معماری خانه های قاجاری لاهیجان، معماران مجموعه ای از عناصر کالبدی کم و بیش مشخص و نیز مجموعه ای از هنجارهای معمارانه کم و بیش متداول را در اختیار داشتند و می کوشیدند به کمک آنها در هر پروژه ای، مناسب ترین پاسخ ممکن را به کارفرما ارائه نمایند. از این رو، فهم فرایند تفکر و تصمیم گیری در معماری قاجاری لاهیجان، از یک سو نیازمند شناخت عناصر کالبدی متداول در این نوع معماری و از سوی دیگر مستلزم شناخت هنجارهای رایج در آن می باشد. البته بین عناصر کالبدی و هنجارهای معمارانه مرتبط با آنها انسجام و

هماهنگی وجود داشته است به نحوی که اشاره به این هنجارهای معمارانه در بطن خود ویژگی‌های عناصر کالبدی مرتبط را هم به همراه دارد.

با شناسایی این هنجارها و عناصر کالبدی مرتبط، می‌توان به منطق تصمیمات طراحی در آثار معماری قاجاری لاهیجان پی برد و البته فراتر از آن، می‌توان تا حدود زیادی پیش‌بینی نمود که در یک پروژه طراحی فرضی، معماران قاجاری لاهیجان احتمالاً چگونه تصمیم‌گیری می‌کرده‌اند و به چه محصول یا محصولاتی می‌رسیده‌اند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان را به گونه‌ای بررسی می‌نماید که در نهایت مخاطب قادر گردد بر اساس شیوه قاجاری، خانه یا خانه‌هایی را در بافت تاریخی این شهر طراحی نماید.

هرچند این نگاه خاص به نظام تولید طرح‌های معماری سنتی در هیچ یک از آثار که درباره معماری گیلان و به طور خاص معماری لاهیجان نگارش یافته‌اند، مشاهده نمی‌شود،

اما می‌توان پژوهش‌هایی را یافت که کم و بیش با نگاه مشابهی به سراغ معماری‌های سنتی رفته‌اند. برای مثال، «دیویس» در کتاب خود که بر شناخت فرهنگ‌های ساختمانی و فرایندهای زیربنایی تولید محیط مصنوع در جوامع بشری تمرکز دارد، نقش هنجارهای معمارانه مشترک در شکل‌گیری این فرهنگ‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد. به گفته وی «یکی از کیفیت‌های کلیدی یک فرهنگ ساختمانی این است که مردمی که در آن فرهنگ به سر می‌برند، از دانش معماری مشترکی برخوردارند. بخش مهمی از این دانش شامل قواعدی درباره خود فرم ساختمانی است. این قواعد در قالب گونه‌ها یا الگوها متجلی می‌شوند: شکل‌های متعارف برای ساخت یا سازماندهی بناها که به بناهای متعلق به آن فرهنگ تشخص می‌بخشند» (Davis, 2006, 131). وی با بررسی معماری شهر تونس قواعد شکل‌دهنده به آن را شناسایی و در جدولی به شکل زیر ارائه می‌نماید:

جدول ۱. قواعد تأثیرگذار بر فرم منطقه‌های شهری در شهرهای اسلامی. منبع: (Davis, 2006, 204)

قاعده	منشأ قاعده	تأثیر قاعده
حداکثر زمین ممکن را برای ساخت خانه مصرف کنید	تمایل اقتصادی برای استفاده از زمین تا بیشترین حد ممکن	کوچه‌ها و خیابان‌های باریک؛ تأکید اندک بر خیابان به عنوان فضای عمومی مهم
یک حیاط متقارن بسازید	حیاط به عنوان مرکز، به عنوان بیان معمارانه اصلی	حیاط‌ها نسبت به شکل‌های کلی خانه تقارن بیشتری دارند.
اجازه دید از خیابان به حیاط را ندهید	محدودیت‌های اجتماعی/مذهبی در مورد حریمیت	سقیفه: راهروی باریک که ورودی را به حیاط متصل می‌نماید.
اجازه ندهید که درهای واقع در یک کوچه رو به روی هم باشند	اجازه ندهید که درهای واقع در یک کوچه رو به روی هم باشند	دیوارهای خالی در مقابل درهای خانه قرار می‌گیرند
خیابان را به اندازه ای عریض بگیرید که دو الاغ دارای بار بتوانند از کنار هم عبور کنند	نیاز به دسترسی و اهمیت تجارت	اغلب کمترین عرض خیابان رعایت می‌شود؛ خیابان عریض تر از مقدار ضروری برای این مقصود در نظر گرفته نمی‌شود
ارتفاع خانه را یک، دو و یا سه طبقه بگیرید	از قوانین مرتبط با حریمیت و فن آوری ساختمانی موجود منتج می‌شود	محدوده شهری کلی با مقیاس نسبتاً کوچک
پول فراوانی را صرف تزئین حیاط کنید	حیاط به عنوان مرکز، به عنوان بیان معمارانه اصلی	خیابان‌ها ساده‌اند، حیاط‌ها نسبت به خیابان‌ها پرکار هستند
اجازه دید به حیاط خانه همسایه را ندهید	از قوانین مرتبط با حریمیت منتج می‌شود	حیاط‌ها فضاهایی خیلی خصوصی هستند

به شأن و منزلت و بیان نمادین ربط دارند و برخی دیگر به جایگاه زنان و زندگی خانوادگی در جامعه مربوط هستند» (ibid, 203). وی سپس می‌کوشد تا روند توسعه شهری و شکل‌گیری یک منطقه مسکونی را بر اساس کاربرد این قواعد شبیه‌سازی نماید.

دیویس در توضیح ماهیت این قواعد اظهار می‌دارد: «این قواعد چندین نوع مختلف دارند. برخی عناصری از قوانین قرآنی^۶ مرتبط با روابط همسایگان هستند. برخی اقتصادی‌اند و به اشتیاق برای بیشتر کردن ارزش دارایی یا کرایه بر می‌گردند. برخی

Step 1



Step 2



Step 3



Step 4



Step 5



Step 6



Step 7



Step 8



شکل ۶. دیویس می‌کوشد تا بر اساس شناسایی قواعد شکل‌دهنده به توسعه شهری در تونس قدیم، روند توسعه در یک منطقه مسکونی را شبیه‌سازی نماید. منبع تصویر: (Davis, 2006, 205)

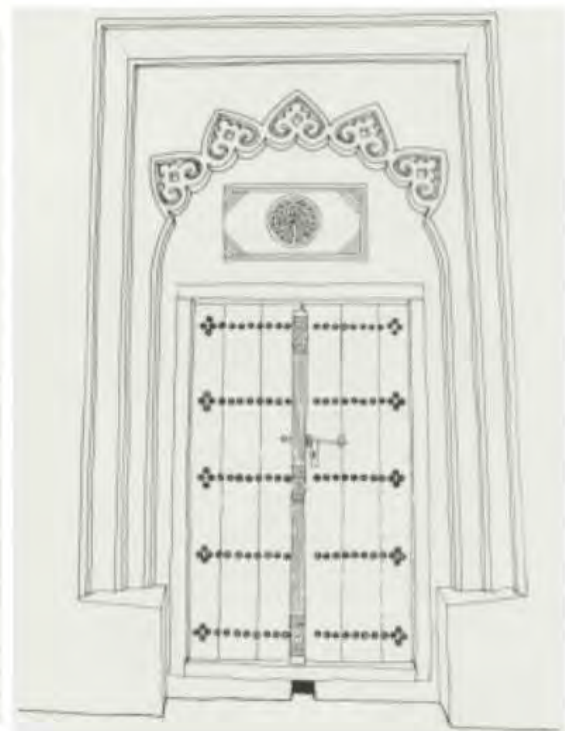
«حکیم» نیز از جمله پژوهشگرانی است که در آثار مختلف خویش به دنبال شناسایی «نظام قواعد»^۹ حاکم بر معماری و شهرسازی اسلامی بوده است. وی نظام قواعد را این چنین تعریف نموده است: «نظام زیربنایی شامل قواعد و ضوابطی که فرهنگ اسلامی برای خود تعریف نموده است تا فعالیت های اجتماعی شامل تصمیمات و فعالیت های مرتبط با طراحی و ساخت و ساز را هدایت و کنترل نماید» (Hakim, 2001, 87).

وی به طور خاص مطالعاتی را جهت شناسایی تأثیرات قواعد فقهی و حقوق اسلامی در شکل دهی به فرایند تصمیم گیری مرتبط با طراحی معماری و شهرسازی انجام داده است (برای نمونه نک: Hakim and Ahmed, 2006).

از جمله پژوهش های ایرانی که به دنبال شناسایی قواعد طراحی معماری در خانه های سنتی بوده اند می توان به پژوهش قزلباش و ابوالضیاء (۱۳۶۴) اشاره نمود که به مطالعه معماری خانه های یزد اختصاص دارد. در این پژوهش عناصر کالبدی و قواعد سازماندهی فضایی خانه های سنتی یزد شناسایی و تدوین می شود. بر خلاف اکثر پژوهش هایی که به مطالعه خانه های سنتی ایران می پردازند، در این پژوهش قواعد طراحی معماری خانه های یزد در مقیاس نقشه های فاز یک بررسی می شود، به نحوی که در پایان کار این امکان برای مخاطب وجود خواهد داشت که بر اساس این قواعد، طراحی نماید.

قواعد مورد استفاده در معماری قاجاری لاهیجان را می توان از لحاظ بومی یا جهانی بودن در یک طیف جای داد. برخی از این قواعد تنها در سطح محلی اعتبار دارند و معماری لاهیجان را از معماری سایر شهرها متمایز می سازند، در حالی که برخی دیگر از آنها در سطوح بسیار کلان تر و حتی کل جهان اسلام قابل مشاهده هستند و از این رو معماری لاهیجان را به عنوان نوعی از معماری اسلامی تعریف می نمایند.

حکیم در تشریح این «تنوع در عین وحدت» مصادیق متنوعی را ارائه نموده است. برای مثال، وی با اشاره به طراحی سردر ورودی خانه ها در عربستان و تونس، اظهار می دارد: «یکی از مفاهیم مهمی که به طور فراگیر در شهرهای اسلامی به کار گرفته می شد، پرداختن ویژه به طراحی درهای اصلی ساختمان هاست که اگر مالک ساختمان از توان مالی لازم برخوردار بود، اغلب با تزئینات پرکار تکمیل می شد. دروازه اصلی عنصر پایه ای نمای ساختمان محسوب می شد که در آن طراحی آگاهانه به کار می رفت» (Hakim, 1994). وی این تأکید ویژه بر طراحی سردر ورودی در معماری اسلامی را این چنین توصیف می نماید: «یک عنصر واضح وحدت بخش، در حالی که عرف محلی تنوع ایجاد می نماید، جایی که هر منطقه رویکردهای طراحی و موتیف های تزئینی خاص خود را به وجود می آورد» (ibid). مشابه همین وضعیت در معماری خانه های قاجاری لاهیجان نیز مشاهده می شود.



شکل ۷. تصویر سمت چپ، دروازه اصلی خانه ای در روستای سی دی بو سعید در تونس. مردم در این روستا عرفی را که در شهر تونس و حومه آن رواج دارد، به کار می برند. تزئینات در با استفاده از دو نوع میخ ساخته می شود: میخ های درشت که سازه در را نگه می دارند و میخ های ریز که برای تزئینات سطح با موتیف های متنوع به کار می روند. تصویر سمت راست، در اصلی خانه ای در منطقه الکوت در حفوف در عربستان سعودی. تزئینات ظریف گچی بالای در، در عرف این منطقه متداول است. میخ های سازه ای عموماً نمایان هستند و به بخشی از شخصیت بصری در شکل می دهند. منبع: (Hakim, 1994, 119)

اما در دوران معاصر ضوابط و مقرراتی که توسط نظام کنترل ساختمانی اعمال می گردد و هر سازنده ای ملزم به رعایت آنها است، مقیاسی به مراتب بزرگ تر و ملاحظاتی به مراتب پیچیده تر از دغدغه های مرتبط با طراحی ساختمان در یک پلاک شهری و همجواری هایش دارند. ضوابط امروزی در سلسله مراتبی از سطوح ملی و منطقه ای تا سطح شهر و در نهایت درون پلاک های شهری جای می گیرند و ملاحظات مربوط به تنظیم کاربری ها در سطح شهر، ضوابط تراکم، ارتفاع، تعداد طبقات، شبکه معابر شهری، شبکه تأسیسات شهری و ... را شامل می شوند.

در پایان، در مقایسه نظام قواعد حاکم بر معماری سنتی و نظام ضوابط و مقررات حاکم بر معماری معاصر باید به این نکته توجه داشت که مقیاس مداخله و کارکرد این نظام ها با هم تفاوت های اساسی دارد. ضوابط و قواعدی که به بافت تاریخی لاهیجان شکل داده اند، اغلب در مقیاس یک خانه منفرد و همجواری هایش (معبّر و همسایه های مجاور آن) تمرکز دارد و به نظر نمی رسد پای قواعد کلی تر و برنامه های شهرسازانه خاصی در میان بوده باشد.^{۱۰} از این رو، با رعایت این ضوابط و قواعد به نسبت ساده و دارای مقیاس خرد توسط تک تک سازندگان، بافت شهر به تدریج و به صورت ارگانیک شکل می گرفت.

۱-۲. فرهنگ سکونت در خانه های قاجاری لاهیجان

برای دستیابی به درک دقیق تری از معماری خانه های قاجاری لاهیجان، بررسی تناسب بین فرهنگ سکونت و نوع معماری خانه ها ضرورت دارد، چراکه در هر یک می توان بازتاب هایی از دیگری را ملاحظه نمود. در ادامه به چند مورد از ویژگی های فرهنگ سکونتی در خانه های قاجاری لاهیجان اشاره مختصری می شود. مصاحبه با ساکنان خانه های تاریخی لاهیجان حاکی از آن است که در گذشته به طور معمول در هر خانه چندین خانواده زندگی می کردند که با هم پیوند خانوادگی داشتند و برای یک خاندان مایه مباحثات و اعتبار بود که در کنار یا نزدیکی هم باقی بمانند و از یکدیگر حمایت کنند. بزرگان خانواده هم اغلب تلاش می کردند که فرزندان شان (به خصوص فرزندان پسر) را پس از ازدواج همچنان در خانه خود جای دهند و از آنها حمایت نمایند. بازتاب این ویژگی های فرهنگی را می توان در زبان بومی هم ملاحظه نمود. برای مثال، در گویش گیلکی لاهیجان به ازدواج کردن مردان، «زن بردن»^{۱۱} گفته می شود و همان گونه که از این فعل بر می آید ازدواج برای یک مرد به معنای این بود که همسر خود را از خانه پدری وی (همسر) به جای دیگری ببرد. بدین ترتیب، اگر دامادی به جهت عدم استطاعت مالی مجبور بود که در خانه پدر خانمش زندگی کند، این امر برای وی نوعی سرشکستگی محسوب می شد و اصطلاح «داماد سر خانه» با چنین نکوهشی همراه بوده است.

در خانه های قاجاری لاهیجان، به نظر می رسد بر خلاف تصور متداول امروزی، اتاق هایی که یک خانه را شکل می دادند، هر کدام به عنوان یک واحد مسکونی نگریسته می شد. زندگی کردن یک خانوار در یک اتاق امری نامتعارف محسوب نمی شد و معمولاً چندین

خانوار در هر خانه زندگی می کردند. بدین ترتیب، تعجبی ندارد که در پژوهش حاضر اکثر مصاحبه شوندگان اظهار داشته اند که در قدیم در خانه مورد نظر مثلاً پنج یا شش خانوار زندگی می کردند. بدین ترتیب، برخلاف تأکیدی که نسبت به تعریف مرزها و حریم ها برای یک خانه مسکونی نسبت به دنیای بیرون از آن وجود داشته است، در داخل هر خانه، خانواده های متعددی در تعامل نزدیک با یکدیگر زندگی می کردند و تعریف حریم ها و جداسازی این خانواده ها و افراد از یکدیگر به شکل بسیار کم رنگ تری اتفاق می افتاده است. بدین ترتیب، برای مثال، اتاقی که محل زندگی یک خانوار بوده است، می توانسته در شرایط خاصی مثل مراسم مذهبی و مانند آن به همراه اتاق های کنار خود به مکانی برای گرد هم آیی و پذیرایی از مهمانان تبدیل شود. این امکان وجود داشت که با باز کردن در اتاق هایی که به صورت پهلوی به پهلوی به هم مرتبط هستند، یکباره تعریف و نوع استفاده از فضاهای خانه متحول گردد و کاربرد جمعی پیدا کند. توجه به این ویژگی های فرهنگ سکونتی برای فهم معماری خانه های لاهیجان ضرورت دارد. اصطلاحات عامیانه زیادی هست که به کمک آنها می توان جنبه هایی از فرهنگ زندگی در خانه ها در دوره قاجار را استنباط نمود. برای مثال، اصطلاحاتی مانند این که «در خانه فلانی همیشه باز است» یا «فلانی سفره پدر خود را دیده است» از جمله آنها هستند. در گذشته وقتی گفته می شد «در خانه فلانی همیشه باز است» معنای مستقیمش این بود که واقعاً در خانه وی تمام شبانه روز باز بوده است. برخی اهالی قدیم لاهیجان که نگارنده با آنها مصاحبه نمود، هنوز دورانی را به یاد می آوردند که مردم واقعاً در خانه ها را باز می گذاشتند و نیازی به قفل و حفاظ دزد و غیره احساس نمی شد^{۱۲}. البته معنای ضمنی این اصطلاح هم این بوده که وی فرد معتبری در محل بوده است و مردم می توانستند هر زمانی به وی مراجعه کنند و درخواست های

شان را مطرح نمایند و پاسخ بگیرند.

وقتی در اصطلاح متداول بین مردم گفته می شود «فلانی سفره پدر خود را دیده است» منظور این است که وی به خانواده معتبر و اصیلی تعلق دارد که افراد زیادی بر سر سفره وی نشسته اند. سفره گسترده داشتن یکی از ویژگی های خانواده های متمول و اصیل بوده که مایه مباهات و فخر برای این خانواده ها محسوب می شده است. در خانواده های بزرگ این عرف وجود داشته که در فرصت های مختلف همچون اعیاد و مراسم مذهبی در خانه خود را به روی مردم بگشایند و از آنها پذیرایی نمایند. این خصیصه فرهنگی با خصوصیت مهمان نوازی و مهمان دوستی در فرهنگ ایرانی ارتباط نزدیک داشته است. در سفرنامه های متعددی که از سیاحان گیلان در دوره قاجار باقی مانده می توان به شدت فرهنگ مهمان نوازی اهالی گیلان پی برد که فرد مسافر که سفرنامه را نوشته است، هر زمان در خانه یکی از بزرگان شهر مهمان بوده و از توصیفات وی می توان دریافت که میزبانان چیزی از پذیرایی کم نمی گذاشتند. در تمام این سفرنامه ها هیچ سخنی از مهمان سرا یا هتل در میان نمی آمده است.

هرچند بیان این قبیل ملاحظات و مصادیق فرهنگی را می توان همچنان ادامه داد، ولی در پژوهش حاضر نیازی به ادامه آن نیست. در مجموع باید توجه داشت که شکل زندگی مردم در دوره قاجار در عین وجود شباهت های فراوان، تفاوت های زیادی با وضعیت امروزی دارد و این تفاوت ها هم شامل تفاوت های ملموس در نحوه انجام بسیاری از امور روزمره مانند آشپزی، غذاخوردن، حمام رفتن و به طور کلی نحوه گذراندن اوقات در خانه می شود و هم شامل تفاوت های غیرملموس در ذهنیت افراد نسبت به مفاهیم و ارزش های مرتبط با زندگی در خانه مانند مفهوم حریم خصوصی، مفهوم آسایش و یا زیبایی در مسکن، جایگاه هر یک از اعضای خانواده، شأن مهمان، منزلت همسایه و مانند آن می شود.

«برومبرژه» پس از اشاره به محوربندی های

ذهنی سه گانه که در نحوه سازماندهی فضایی خانه های روستایی گیلان مستتر است، بر ارتباط معماری با جهان بینی قومی تأکید می نماید: «... به طوری که ملاحظه می شود، اشکال معماری فقط پاسخ هایی به قیود محیط و یا شواهدی دال بر سطح معینی از پیشرفت فنون نیستند، بلکه این اشکال بر طبق اسلوب هایی سبکی و مفهومی سازمان می یابند که به کیفیتی انفکاک ناپذیر در هم آمیخته اند و از خلال آن می توان به عمیق ترین جنبه های تجربه قومی، یعنی به جهان بینی قوم راه یافت» (۱۳۷۰، ۱۳۴). بیان این اشارات کوتاه به فرهنگ سکونتی رایج در خانه های قاجاری لاهیجان، پیش از پرداختن به بررسی قواعد معماری شکل دهنده به این خانه ها می تواند زمینه را برای فهم بهتر پدیده مورد مطالعه فراهم سازد. در ادامه مجموعه ای از قواعد و هنجارهای شکل دهنده به معماری خانه های قاجاری لاهیجان معرفی می گردد.

۱ - ۳. قواعد استقرار و جهت گیری خانه ها در معماری قاجاری لاهیجان

با بازدید میدانی از بافت تاریخی لاهیجان و به ویژه با نگاهی به عکس هوایی لاهیجان مربوط به سال ۱۳۳۶ ملاحظه می شود که در گذشته نظم خاصی در نحوه استقرار و جهت گیری ابنیه در این بافت شهری حاکم بوده است و به نظر می رسد، حساسیت نسبت به جهات جغرافیایی یکی از ارکان اصلی شکل دهنده به معماری شهر لاهیجان بوده است. مشاهدات اولیه حاکی از آن است که در فرهنگ معماری این شهر، قواعد خاصی برای جهت گیری مطلوب ابنیه مورد توجه مردم و معماران بوده که تبعیت عمومی از این قواعد منجر به نوعی هماهنگی و انسجام در بافت این شهر می شده است.

◀ مروری بر ادبیات علمی

در منابع معدودی که به بررسی معماری گیلان پرداخته اند، اظهار نظرهایی در مورد جهت گیری خانه ها در معماری سنتی گیلان موجود است که هرچند واجد نکات صحیحی درباره این موضوع می باشند، اما هیچ یک موضوع جهت گیری خانه ها در شهر لاهیجان را به نحو کامل و دقیقی تبیین نمی نمایند. صارمی و گل امینی (۱۳۷۴، ۳۳۰) درباره جهت گیری خانه ها در معماری بومی گیلان به تأثیر باد و آفتاب در این زمینه اشاره می نمایند:

«از نکات مهم دیگر در مورد بناهای بومی، چگونگی جهت گیری آن ها نسبت به بادهای محلی است. بدین ترتیب که جهت غرب به دلیل شرایط اقلیمی (جهت وزش باد و ریزش باران) بسته می باشد و سقف روی آن را می پوشاند جنوب ساختمان به دلیل استفاده از آفتاب دارای ایوان های بلندی می باشد و به همین گونه شرق و بخشی از شمال و جنوب بنا، باز می شوند تا جریان هوای مناسبی در تابستان به وجود آید. این عمل سبب می گردد تا جریان هوای مناسب در فضاهای داخلی نیز ایجاد شود و در نتیجه آثار ناشی از رطوبت تا حد امکان کمتر گردد.»

مشاهدات میدانی در شهر لاهیجان اظهار نظر فوق در مورد بسته بودن جبهه غربی بناها را تأیید می نماید، اما وجود ایوان های بزرگ در سمت جنوب خانه ها به ندرت قابل مشاهده است. «خاکپور» در خصوص الگوی تعبیه بازشوها در دیوارهای پیرامونی ساختمان ها با اشاره به وزش نسیم های محلی بین دریا و کوهستان به نکته مشابهی اشاره می نماید. به بیان وی «در هر حال، در تمامی نقاط گیلان این نسیم های محلی مهم ترین عامل تهویه ی ساختمانی و آسایش انسان در محیط مسکونی هستند. بدین سبب بیش تر درها و پنجره ها در دیوارهای شمالی و جنوبی تعبیه می شود و جهت گیری بناهای مسکونی شهرها پس از معابر تحت تأثیر این عامل قرار دارند» (خاکپور، ۱۳۸۶، ۷۴).

در اینجا نیز به طور خاص در مورد شهر لاهیجان مشاهدات میدانی وجود بازشوهای فراوان در جبهه جنوبی خانه ها را تأیید نمی کند همچنین اولویت جهت معبر نسبت به جهت گیری اقلیمی در معماری قاجاری لاهیجان جای تردید دارد.

تأکید بر جهت گیری خانه های بومی به سمت جنوب در منابع دیگری هم مشاهده می شود. قبادیان (بی تا، ۴۲) با اشاره به خانه های روستایی حوالی لاهیجان جهت گیری آن ها را رو به جنوب معرفی می نماید، در حالی که این ابنیه نیز مانند خانه های شهری لاهیجان به سمت شرق با کمی چرخش به سمت جنوب شرقی رو می نمایند.

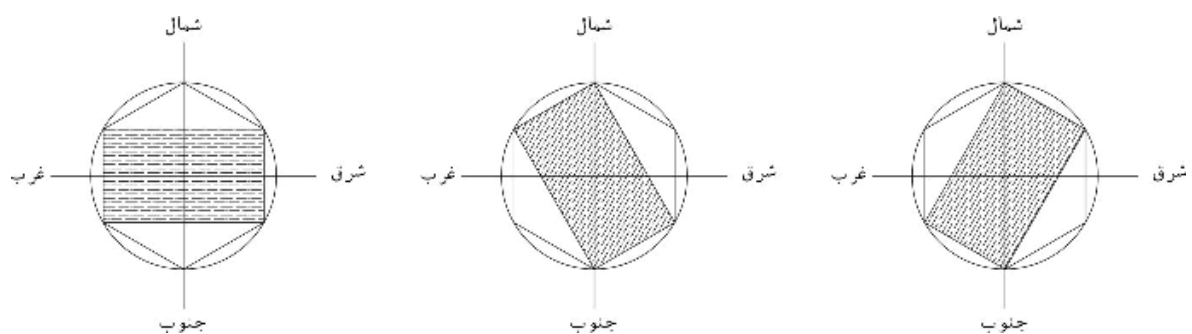
همچنین در برخی منابعی که به موضوع جهت گیری خانه ها اشاره می کنند، معمول است که یک محدوده نسبتاً وسیع را به عنوان محدوده رایج برای جهت گیری ابنیه معرفی نمایند. برای مثال خاکپور درباره جهت گیری خانه های شهری گیلان اظهار می دارد: «نگاهی دقیق به بناهای مسکونی بافت قدیم شهرها، جهت بناها را معلوم می دارد. در این خصوص باید اذعان داشت که منازل، صرف نظر از جهت گیری معبر، در راستای شرقی- غربی بوده و از ۴۵ درجه ی جنوب شرقی تا ۲۰ درجه ی جنوب غربی انحراف دارند» (خاکپور، ۱۳۸۶، ۷۳).

نگارنده بر این اعتقاد است که معرفی یک طیف پیوسته گسترده و آزاد برای جهت گیری ابنیه هرچند ممکن است مبتنی بر مشاهده ظاهر وضع موجود خانه ها در گیلان باشد، بیان دقیقی برای طرز فکر معماران قدیم لاهیجان به موضوع جهت گیری ابنیه محسوب نمی شود. به جای آن، به نظر می رسد در ذهنیت معماران قدیم لاهیجان، جهت های جغرافیایی به ترتیب خاصی اولویت بندی می شدند و سازندگان ابنیه تلاش می کردند بر مبنای رواداری های متداول در دنیای قدیم، حتی الامکان از جهت های با مطلوبیت بالاتر در طراحی خانه ها استفاده نمایند و تا مجبور نمی شدند به استفاده از جهت های نازل تر تن نمی دادند.

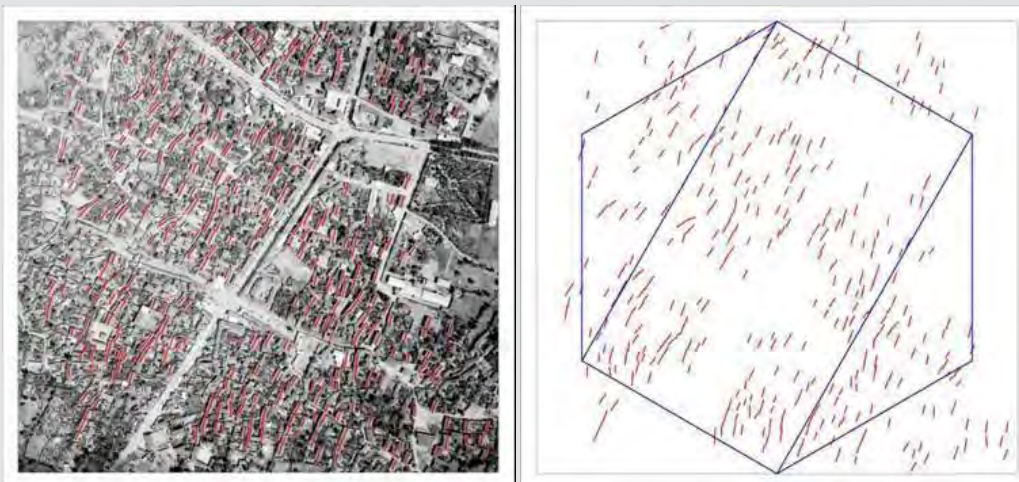
چرخش حدوداً ۳۰ درجه ای نسبت به امتداد شمال جهت گیری می شدند. در تأیید این موضوع می توان به عبارت جالبی هم اشاره نمود که نگارنده یک بار آن را از یکی از اهالی مسن لاهیجان شنید و این عبارت کوتاه می تواند گویای عرف رایج درباره جهت گیری خانه ها باشد. به گفته وی «اگر خانه رو به امام رضا باشد، خیلی خوب است». این عبارت تأکیدی بر این واقعیت است که جهت گیری حدوداً رو به شرق یا رو به آفتاب، یک امر شناخته شده در باور و دانش بومی سازندگان بوده است^{۱۳}. علاوه بر این، جهت گیری مزبور بدین معنا بود که خانه های شهر تقریباً در راستای قبله قرار می گرفتند و از این رو بین جهت گیری مساجد و اکثر خانه های این شهر تفاوت چندانی وجود نداشته است. استاد پیرنیا در آموزه های خود به این نوع جهت گیری ابنیه در امتداد قبله با عنوان «رون راسته» اشاره نموده اند و اظهار داشته اند که این نوع جهت گیری در شهرهایی مانند کاشان، تهران، یزد و تبریز به کار میرفته است^{۱۴}. (پیرنیا، ۱۳۷۰)

مشرق: جهت برتر برای جهت گیری خانه ها در لاهیجان قدیم

به نظر می رسد بهترین منبع برای بررسی جهت گیری ابنیه در معماری قدیم لاهیجان عکس های هوایی قدیمی این شهر باشد. با بررسی قدیمی ترین عکس هوایی شهر لاهیجان مربوط به سال ۱۳۳۶، مشهود است که در گذشته در این شهر اکثر خانه ها در امتداد محور شمال شرقی-جنوب غربی با



شکل ۸. رون های شهری از دیدگاه استاد پیرنیا. راست: رون راسته؛ وسط: رون اصفهانی؛ چپ: رون کرمانی. (پیرنیا، ۱۳۷۰)



شکل ۹. در لاهیجان قدیم جهت گیری عموم خانه ها در امتداد شمال شرقی - جنوب غربی، به اصطلاح بومی «رو به امام رضا» و به بیان استاد پیرنیا بر اساس «رون راسته» بوده است.

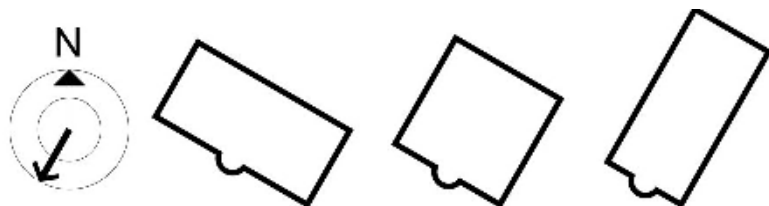


استقرار یابد که ضلع طولانی تر آن مواجهه با قبله باشد. حال آن که از ۱۱ مسجد موجود در عکس هوایی سال ۱۳۳۶ لاهیجان، در چهار مسجد مهم (از جمله مسجد جامع، مسجد اکبریه و مسجد گابنه) برخلاف این قاعده عمل شده است و ضلع کوتاه تر ساختمان مواجهه با قبله می باشد. در پنج مسجد طبق قاعده رایج عمل شده و دو مسجد نیز دارای پلان مربعی بوده اند.

اهمیت جهت گیری سنتی مزبور تا حدی بوده است که حتی مساجد مهم شهر لاهیجان نیز برخلاف عرف طراحی مساجد در همین راستا جهت گیری شده اند. توضیح این که بر اساس آموزه های دینی، ثواب صف اول در نماز جماعت بیشتر از صف های قبلی است. لذا در طراحی مساجد تلاش می شد تا دیوار رو به قبله حتی الامکان طولانی تر باشد و این ملاحظه منجر به این می شد که معمولاً پیکره مستطیلی مسجد چنان



شکل ۱۰. مساجد لاهیجان در عکس هوایی سال ۱۳۳۶



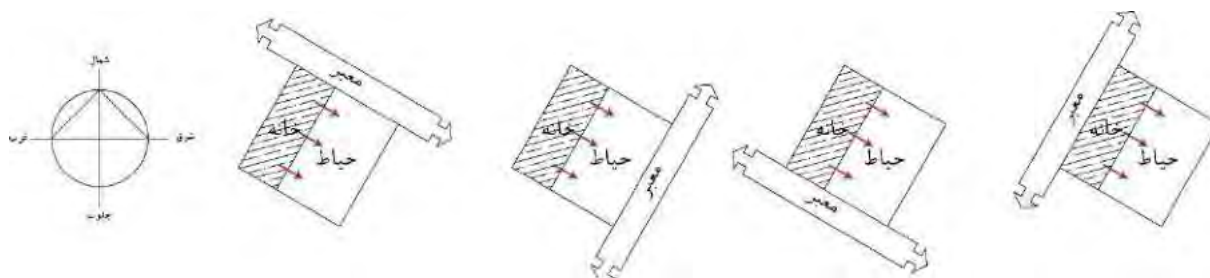
جدول ۲. مساجد لاهیجان از حیث هندسه پلان و نحوه استقرار در جهت قبله

شماره	نام مسجد	هندسه پلان و نحوه استقرار
۱	مسجد جامع	حالت ۳: مستطیلی با ضلع کوتاه تر رو به قبله
۲	مسجد اکبریه	حالت ۳: مستطیلی با ضلع کوتاه تر رو به قبله
۳	مسجد گابنه	حالت ۳: مستطیلی با ضلع کوتاه تر رو به قبله
۴	مسجد شعرافان	حالت ۱: مستطیلی با ضلع بلند تر رو به قبله
۵	مسجد پرده سر	حالت ۲: مربعی
۶	مسجد کاروانسرای	حالت ۱: مستطیلی با ضلع بلند تر رو به قبله
۷	مسجد خُمیر کلايه	حالت ۱: مستطیلی با ضلع بلند تر رو به قبله
۸	مسجد سلیمانیه	حالت ۳: مستطیلی با ضلع کوتاه تر رو به قبله
۹	مسجد امیر شهید	حالت ۱: مستطیلی با ضلع بلند تر رو به قبله
۱۰	مسجد بیگم آباد	حالت ۲: مربعی
۱۱	مسجد غریب آباد	حالت ۱: مستطیلی با ضلع بلند تر رو به قبله

شکل ۱۱. دید به فضای درون مسجد اکبریه از محراب آن: بنا توجه به نحوه استقرار و نما سازی بنا نسبت به جهت قبله، آفتاب صبحگاهی می تواند به عمق مسجد نفوذ نماید. همچنین با تعبیه پنجره های متقابل در ضلع شرقی و غربی ساختمان امکان تهویه متقابل آن فراهم شده است. جالب این که پنجره های غربی مسجد مستقیماً به ملک همسایه ها باز می شوند.



بدین ترتیب، در لاهیجان قدیم در خصوص جهت گیری خانه ها این قاعده مورد توجه بوده است که بهترین جهت برای رو کردن خانه ها به گونه ای است که امتداد طولی بنا به سمت قبله باشد که در این نوشتار بعد از این به جهت سادگی بیان این جهت را جهت مشرق می نامیم. این قاعده در شکل ۱۲ نمایش داده شده است.



شکل ۱۲. الگوی کلی نحوه استقرار ساختمان خانه و حیاط در کنار معبر در لاهیجان قدیم

تأملاتی درباره دلیل جهت گیری رو به شرق در معماری لاهیجان

در خصوص علت این جهت گیری ویژه نمی توان به طور قطع به عامل معینی اشاره نمود و به نظر می رسد که شکل گیری این قاعده در فرهنگ معماری بومی لاهیجان، بر ایند مجموعه ای از عوامل و مسائل مختلف در طی زمان های طولانی بوده است. به بیان «لاوسون» (۱۳۹۲، ۲۸) در حالی که در طراحی های بومی «پس از نسل ها تغییر و تحول، محصول نهایی به صورت پاسخ منسجمی به مسئله در می آید»، نمی توان «یک دلیل حقیقی واحد» برای بسیاری از قواعد مورد استفاده در طراحی محصول مورد نظر یافت و به طور معمول، حتی در زمان خود نیز درک نظری دقیقی از این قواعد موجود نبوده است. با این حال، می توان جنبه هایی از مزایای این طراحی ها را شناسایی نمود.

استاد پیرنیا در بحث درباره جهت گیری یا رون شهری به موضوع اهمیت جریان هوا در شهرها اشاره داشته اند و توجه نکردن به بحث جهت گیری را مایه نارسایی تهویه و شیوع بیماری های خطرناک در شهرهای قدیم معرفی نموده اند که چه بسا به تغییر مکان شهر منجر می شده است (۱۳۷۰، ۸). وی همچنین اظهار می دارد که در قدیم برخی جهت گیری هلی خاص را «نکبت بار» می دانستند (همان).

در بررسی سفرنامه های قدیمی که در آنها به مسائل مرتبط با معماری لاهیجان نیز اشاراتی شده باشد، می توان نکته مشابیه را ملاحظه نمود. یک مثال مناسب در این

خصوص در سفرنامه ساموئل گتلیب گملین قابل اشاره است. وی که به همراه هیئتی در دوران حکومت کریم خان زند در سال های ۱۱۴۹ تا ۱۱۵۳ ش (۱۷۷۰ تا ۱۷۷۴ م) در یک سفر تحقیقاتی به شمال ایران آمده بود، در مورد لاهیجان می نویسد: «محل لاهیجان از رشت سالم تر است، چون در زمین مرتفعی قرار دارد و کوه ها بعد از آن شروع می شود، به طوری که هوا از هر طرف جریان دارد. به این سبب گلی که بر اثر چندین روز بارندگی ایجاد شده بر اثر یک روز هوای گرم می خشکد.» (گملین، ۱۳۹۲، ۲۱۴)

گملین از رابطه بادهای گرم جنوبی با شیوع بیماری آبله در گیلان سخن گفته است: «در اینجا [لاهیجان] بسیاری را دیدم که از آبله آسیب دیده بودند و مشاهداتم سابقه این بیماری را تأیید می کند. این بیماری در شمال ایران برای شش، هشت تا ده سال وجود ندارد، ولی شاهدان دریافته اند وقتی باد جنوبی عربستان^{۱۵} چند روز پیش تر می وزد دوباره فراگیر می شود و شش ماه تا یک سال یا بیشتر ادامه دارد» (گملین، ۱۳۹۲، ۲۱۵). این برداشت مردم بومی که بین بادهای گرم جنوبی و شیوع برخی بیماری ها ارتباطی وجود دارد، می توانسته یکی از عواملی باشد که در گذشته در تعیین جهت گیری مطلوب ساختمان ها مؤثر بوده است.

«ویلیام ریچارد هولمز» انگلیسی در سال ۱۸۴۴ م (۱۲۳۳ ش) در زمان سلطنت محمدشاه قاجار وارد گیلان شد و هفت ماه در این استان

بود. وی در زمان اقامتش در رشت دربارهٔ باد گرم گیلان و وحشت مردم از آن می‌گوید: «امروز باد گرمی وزیدن گرفت که می‌گویند رویدادی رایج است و به خصوص در ماه‌های گرم تابستان بسیار وحشت آور می‌شود. هنگامی که وزش باد ادامه می‌یابد، مردم از روشن کردن آتش در خانه‌های چوبی خود می‌ترسند زیرا همه چیز به خشکی فتیل می‌شود و مستعد اشتعال. آنها همچنین با دقت روی ابریشم‌های شان را می‌پوشانند و انبار و بازار را می‌بندند، زیرا اعتقاد دارند که چنین بادی بازار را نابود می‌کند» (هولمز، ۱۳۹۰، ۹۷).

بنابر این شواهد می‌توان حدس زد بین بادهای گرم جنوبی و جهت‌گیری خانه‌ها در لاهیجان ارتباط معناداری وجود داشته باشد. در خصوص تأثیر این بادهای گرم بر جهت‌گیری خانه‌ها، مشاهدات خاکپور درمورد جهت‌گیری خانه‌ها در روستاهای ارتفاعات دیلمان، انطباق خوبی با وضعیت لاهیجان را به نمایش می‌گذارد. وی در این باره می‌نویسد: «در نقاطی چون روستاهای ارتفاعات دیلمان، به علت شدت بادهای گرم پاییز و زمستان؛ گرمش یا گرم باد، که از سمت جنوب البرز می‌وزد و اغلب تا چندین روز به طول می‌انجامد، در بناهای مسکونی هیچ روزن و منفذی در جبهه جنوبی مشاهده نمی‌شود ... در این منطقه جهت بنا در راستای شمالی-جنوبی است و ایوان در جبهه شرقی شکل می‌گیرد.» (خاکپور، ۱۳۸۶، ۸۰).

بجز تأثیر باد نامطلوب جنوبی بر جهت‌گیری خانه‌ها در لاهیجان، می‌توان به تأثیر چند عامل دیگر نیز اشاره نمود. یکی از این عوامل وزش بادهای مطلوبی است که در فصول گرم سال از سمت شرق تا شمال می‌وزند. علاوه بر این به نظر می‌رسد، برخورداری از آفتاب صبحگاهی که با ارتفاع کم خود به عمق خانه نفوذ می‌کند نیز در انتخاب این جهت‌گیری مؤثر بوده باشد. تعبیه ایوان اصلی و بیشترین بازشوها در سمت شرق خانه می‌توانسته با هدف برخورداری از این عوامل نیز صورت گرفته باشد.

◀ لزوم بررسی های موردی

هرچند با بررسی کلی عکس های هوایی روشن است که جهت گیری برتر در این شهر جهت گیری به سمت مشرق بوده است، با بررسی دقیق تر ملاحظه می شود که همه خانه های شهر به این سمت رو نکرده اند. پرسش اینجا است که در مواردی که سازندگان به دلایل مختلف نمی توانستند خانه را رو به مشرق جهت گیری نمایند، چه جهات دیگری را به ترتیب مد نظر قرار می دادند. با بررسی دقیق تر عکس هوایی و بازدید های میدانی می توان نکات قابل توجهی را در این خصوص استنباط کرد.

در اینجا یک نکته روش شناختی قابل ذکر است، بدین ترتیب که برای فهم نظام اولویت بندی جهت های جغرافیایی در دانش بومی سازندگان لاهیجانی نمی توان صرفاً به بررسی آماری تعداد خانه ها در هر جهت جغرافیایی اکتفا نمود. شمارش تعداد خانه هایی که در هر جهت قرار گرفته اند برای روشن شدن موضوع کفایت نمی کند. بلکه باید کوشید تا فرایند استدلال طراحی در نمونه های متعدد خانه ها را که در جهات مختلف قرار گرفته اند، تحلیل نمود و ملاحظات و عوامل متعددی را که در این زمینه تأثیر گذار بوده اند، در نظر گرفت و از خلال این تحلیل ها به نتیجه قابل قبولی رسید.

برای مثال، یکی از عواملی که باید در نظر گرفته شود این است که آیا ساختمانی که قرار بوده جهت گیری آن تعیین شود،

اولین و یا تنها ساختمانی است که قرار بوده در زمین مورد نظر ساخته شود یا نه، مثلاً یکی از دو ساختمان مجزایی است که در زمین مورد نظر استقرار می یابد. در حالت دوم، جهت گیری ساختمان تنها با ملاحظات اقلیمی انجام نمی شود. بلکه معمولاً تلاش می شود تا ساختمان دوم طوری جهت گیری شود که درونگرایی مجموعه خانه بهتر تأمین شود، حیاط مناسب تری در آن شکل بگیرد و حداقل مزاحمت برای همسایه ها ایجاد شود. از این رو اگر ساختمان اول بنا به ملاحظات اقلیمی به سمت مشرق جهت گیری شده باشد، ساختمان دوم به احتمال زیاد در مقابل آن و رو به مغرب جهت گیری می شود. از این رو در لاهیجان، فراوانی خانه هایی که رو به مغرب جهت گیری شده اند، به نسبت زیاد است. ولی این امر بدین معنا نیست که بعد از جهت مشرق، مطلوب ترین جهت، جهت مغرب بوده است.^{۱۶}

مثال قابل توجه دیگری که در اینجا شایان ذکر است مثال خانه هایی است که در طبقه همکف آنها مغازه یا دکان پیش بینی شده است و قرار است در طبقه همکف کاربری تجاری داشته باشند. در این موارد مشاهده می شود که اقتضائات کاربری تجاری بر اقتضائات کاربری مسکونی می چربد و خانه فارغ از ملاحظات اقلیمی به سمت معبر رو می کند. در اینجا نیز ملاحظه می شود که بررسی آماری صرف برای رسیدن به فهم

دقیقی از نظام جهت گیری خانه ها راهگشا نیست. بنابراین، در نمونه ها باید به دنبال مواردی گشت که بتوان با تحلیل آنها منطق تصمیم گیری طراحانه در زمینه جهت گیری ساختمان را شناسایی نمود.

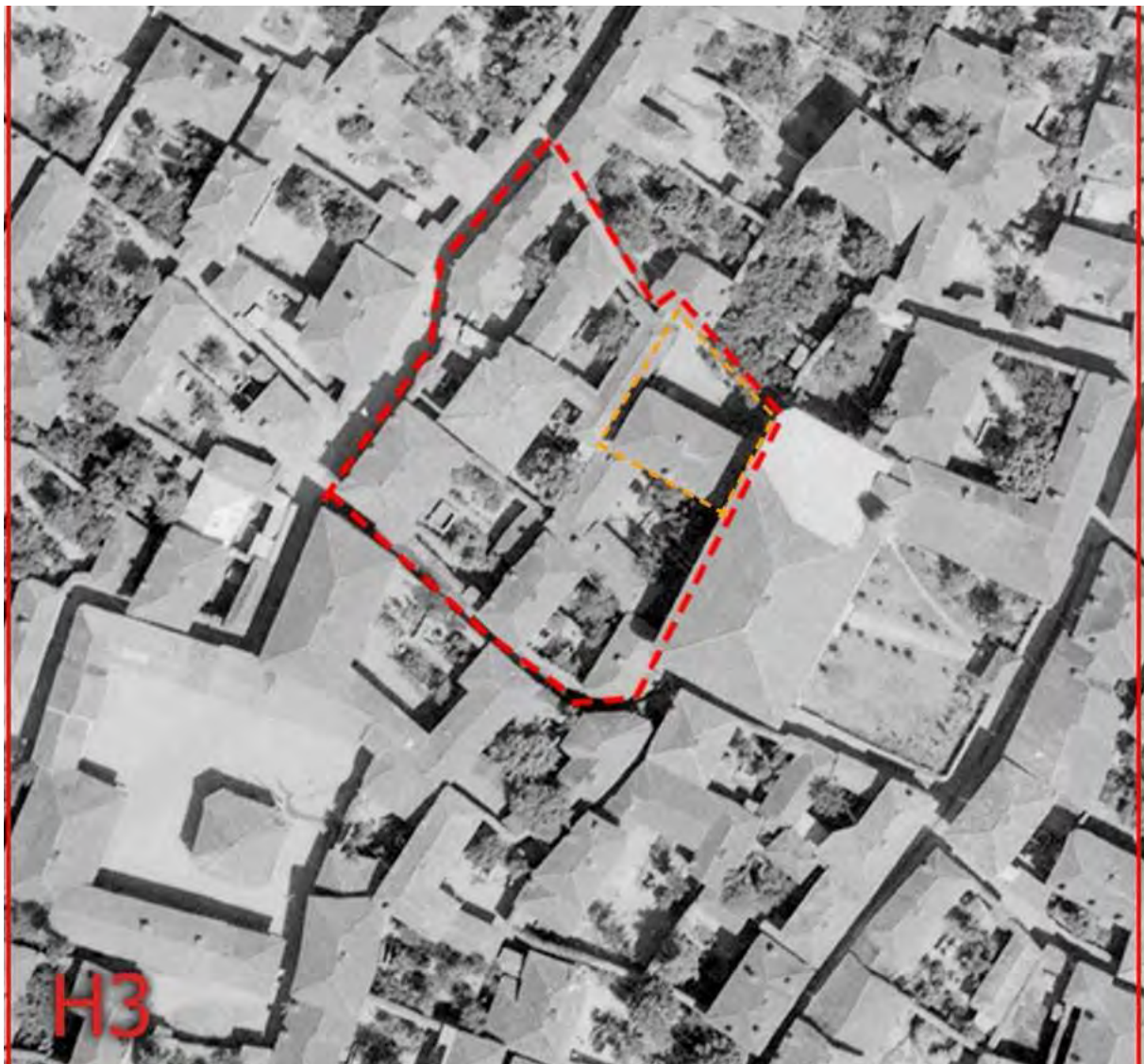
بر این اساس، بررسی های بیشتر نشان می دهد که در معماری قاجاری لاهیجان پس از جهت مشرق، جهت شمال دومین جهت مطلوب برای جهت گیری خانه ها محسوب می شده است. البته در اینجا نیز منظور از جهت شمال این است که امتداد طولی ساختمان نسبت به جهت شمال حدود ۱۲۰ درجه در جهت حرکت عقربه های ساعت چرخش دارد و نمای اصلی ساختمان به سمت شمال شرقی واقع می شود که در اینجا جهت سهولت بیشتر، این وضعیت جهت گیری رو به شمال نامیده می شود. در ادامه با بررسی دقیق تر چند نمونه در بافت شهر لاهیجان این موضوع تشریح می شود.

حدودی روشن نماید. در عکس هوایی ۱۳۳۶ در این قطعه هشت خانه وجود داشته است. از این هشت خانه، شش عدد به سمت مشرق جهت گیری شده اند که در یک مورد از این شش مورد، خانه دارای دو ساختمان رو به روی هم است که در نتیجه بخش دوم خانه مورد نظر به سمت غرب رو کرده است. یک مورد به صورت ال شکل طراحی شده و بال های آن در دو جهت مشرق و شمال جهت گیری شده و یک مورد هم صرفاً به سمت شمال جهت گیری شده است.

شکل ۱۳. چرا خانه علیزاده در پشت مسجد اکبریه به جای آن که به سمت مشرق جهت گیری نماید به سمت شمال ساخته شده است؟

طراحی در زمینی با همجواری خاص

در قطعه ای از بافت تاریخی که دقیقاً در پشت مسجد اکبریه واقع شده است، شرایط خاصی وجود دارد که می تواند نظام اولویت بندی جهت ها در معماری این شهر را تا



در مورد این خانه اخیر (خانه علیزاده دقیقاً در پشت مسجد اکبریه)، بررسی دلیل این که چرا این خانه به سمت شمال رو کرده است، می تواند نکات جالبی را در مورد الگوی جهت گیری در لاهیجان آشکار نماید. نخست باید توجه شود که شکل زمین مورد نظر به گونه ای بوده که تقریباً به یک اندازه امکان جهت گیری به سمت شرق، غرب و یا جنوب

را نیز به سازنده می داده است، اما از این میان جهت شمال انتخاب شده است. نکته اینجاست که این سایت یک همجواری ویژه دارد که معادلات تصمیم گیری در آن را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است و آن عامل مهم، مسجد اکبریه است که با ارتفاع بسیار بلند خود نسبت به سایر بناهای اطراف به عاملی تعیین کننده تبدیل شده است.



شکل ۱۴. مسجد اکبریه با ارتفاع بلند خود مانع از رسیدن آفتاب صبحگاهی و باد مطلوب شرقی به خانه علیزاده می شده است. این امر در نحوه جهت گیری خانه مزبور تأثیرگذار بوده است.

در اینجا جهت گیری بنا به سمت شرق هرچند می توانسته بنا را در مقابل کج باران های غربی و باد گرم جنوبی محافظت نماید، اما دو عامل مهم دیگر یعنی برخورداری از آفتاب صبحگاهی و باد مطلوب شرقی را تأمین نمی کرده است. چرا که مسجد اکبریه با ارتفاع بلند و فاصله نزدیک خود مانع از هر دوی آنها می شده است. از این رو سازندگان ناچار می شوند که در این سایت خاص، جهت گیری درجه یک از لحاظ کیفیت را کنار بگذارند و به سراغ جهت گیری درجه دو بروند. در این زمان بین جهت مغرب، جنوب و شمال انتخاب انجام می شود و جهت شمال برگزیده می شود. در این جهت گیری تأثیر باد گرم جنوب با عدم تعبیه بازشو در وجه جنوبی بنا کنترل می شود، تأثیر کج باران غرب و شمال غرب به نسبت محدودتر است، ولی دسترسی به باد مطلوب شمال شرقی نسبت به حالت پیشین امکان پذیرتر است. بدین ترتیب، جهت شمال بهتر از سایر جهات تشخیص داده می شود. جالب این که

بر خلاف ذهنیت متداول امروزی، برخورداری از تابش آفتاب در فضاهای خانه در طول روز عامل تعیین کننده ای برای نحوه جهت گیری خانه محسوب نشده است. جهت گیری رو به غرب به جهت مشکلات عدیده ای که می توانسته ایجاد نماید، حذف شده است. این مشکلات می توانسته شامل برخورداری نبودن بنا از بادهای مطلوب شرقی و شمال شرقی و آفتاب صبحگاهی، مزاحمت باد سرد و کج باران غربی در زمستان و آفتاب داغ بعد از ظهرهای تابستان و نیز با در نظر گرفتن دیوار بلند مسجد، مشکل تخلیه برف پشت بام در ضلع شرقی باشد. جهت گیری رو به جنوب هم که به طور کلی در شهر لاهیجان به ندرت مشاهده می شد، به جهت عدم برخورداری بنا از بادهای مطلوب شرقی و شمال شرقی و محروم بودن از تابش آفتاب صبحگاهی و نیز به دلیل نفوذ باد نامطلوب جنوبی به درون خانه مردود بوده است.^{۱۷}

طراحی در زمینی که سه طرف آن باید ساخته شود

برخورداری از بادهای مطلوب شمالی و شمال شرقی جهت تهویه خانه دانست. در خانه همسایه شمالی مسجد اکبریه این نکته به خوبی قابل مشاهده است. در اینجا می توان حدس زد که اول ساختمان غربی (رو به شرق) بر اساس جهت گیری برتر شهر لاهیجان توسط طراحان ساختمان مکانیابی شده، سپس ساختمان شرقی (رو به غرب) به جهت تأمین درون گرایی و امنیت و سپس ساختمان جنوبی (رو به شمال) جهت برخورداری از بادهای شمال شرقی مکانیابی شده اند.

موقعیت خاص دیگری هم که در آن اولویت درجه دوی جهت شمال بعد از جهت مشرق قابل مشاهده است در خانه هایی اتفاق می افتد که سازنده به دلایل مختلف مجبور شده است که سه طرف حیاط را بسازد. بدین ترتیب، در یک زمین حدوداً مربعی شکل باید سه ضلع این مربع با ساختمان های خطی پر شود و فقط یک طرف آن باز بماند. در این موارد مشاهده می شود که سازندگان از پر کردن جبهه شمالی حیاط اکراه دارند و تلاش می کنند حتی الامکان آن را باز نگه دارند. دلیل این کار را می توان حفظ امکان



شکل ۱۵. در همسایه شمالی مسجد اکبریه سه ضلع از چهار ضلع زمین ساخته شده و فقط ضلع شمالی خالی گذاشته شده است.



شکل ۱۶. دید به خانه همسایه شمالی مسجد اکبریه از مناره مسجد در سال ۱۳۹۷

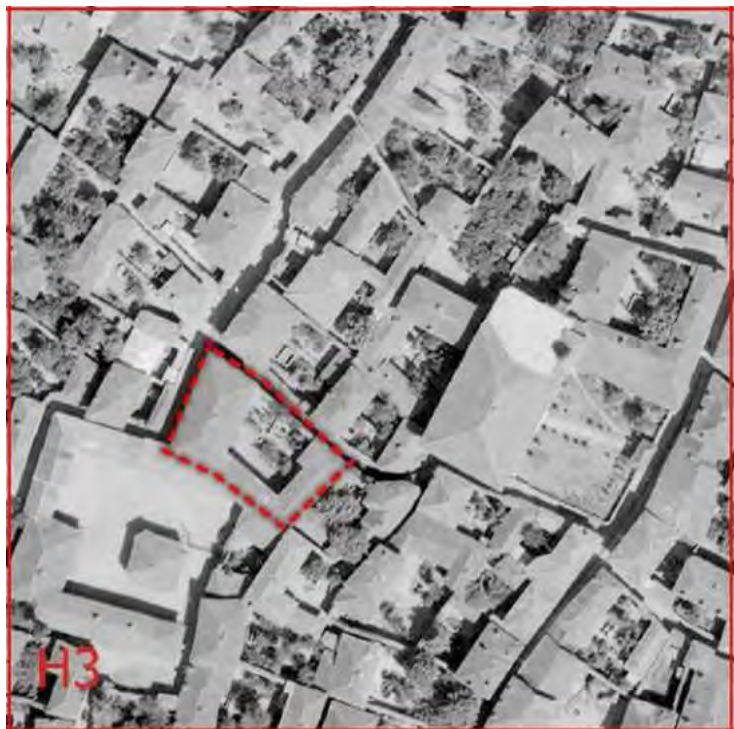


شکل ۱۷. دید به خانه همسایه شمالی مسجد اکبریه از مناره مسجد در سال ۱۳۷۱ (منبع: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)

◀ طراحی در زمینی که چهار طرف آن باید ساخته شود

در معماری قاجاری لاهیجان به ندرت مشاهده می شود که در هر چهار طرف یک قطعه زمین ساختمان سازی شود و الگوی حیاط مرکزی شکل بگیرد (منزل صفارنیا نمونه ای از این حالت استثنائی است). با این حال در موارد معدودی می توان دید که بدون شکل گیری یک حیاط مرکزی کامل، در هر چهار طرف زمین ساختمان هایی احداث

شده است. در منزل ارباب کریم در مجاورت ورودی شمالی تکیه گابنه می توان ملاحظه نمود که سازنده به هر علت مجبور شده است تا اکثر جداره بیرونی زمین خود را با ساختمان هایی مسدود نماید، به نحوی که حیاط به الگوی حیاط مرکزی نزدیک می شود. در اینجا نیز آخرین ضلعی که سازنده به سراغ آن می رود ضلع شمالی است. در عکس هوایی سال ۱۳۵۵ مشاهده می شود که حتی بخشی از ضلع شمالی هم ساخته می شود، ولی باز هم مجرای برای ورود باد مطلوب شمالی به مجموعه باز گذاشته می شود.



شکل ۱۸. در خانه کریم در عکس هوایی ۱۳۳۶ سه طرف از چهار ضلع زمین ساخته شده و فقط ضلع شمالی باز گذاشته شده است.



شکل ۱۹. در خانه کریم در عکس هوایی ۱۳۵۵ در هر چهار ضلع زمین ساختمان سازی شده است، اما ضلع شمالی حتی الامکان باز گذاشته شده است.

طراحی در زمینی که دو طرف آن باید ساخته شود

در زمین هایی که سازنده قصد داشته دو طرف از چهار طرف حیاط را بسازد، به طور کلی دو حالت بیشترین تکرار و فراوانی را نمایش می دهند. حالت اول، حالتی است که یک ساختمان در ضلع غربی زمین و به سمت مشرق مکانیابی می شود و ساختمان دوم در مقابل آن به سمت مغرب جهت یابی می شود. در این حالت قرار گیری ساختمان ها نسبت به هم شکل عدد ۱۱ را به خود می گیرد. حالت دوم، حالتی است که ساختمان اول در همان موقعیت قبلی است ولی ساختمان دوم در ضلع جنوبی زمین و به سمت شمال جهت گیری می شود که در این حالت دو ساختمان نسبت به هم شکل حرف ال انگلیسی (L) را می یابند.

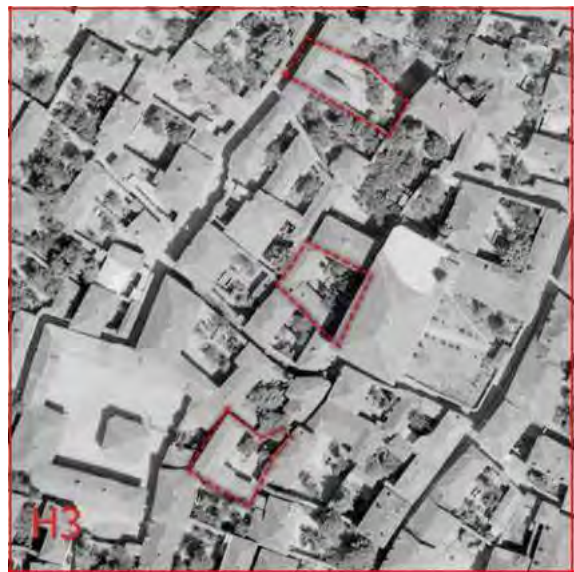
در وضعیت عدد ۱۱ ساختمان رو به غرب از لحاظ اقلیمی وضعیت نسبتاً نامطلوبی خواهد داشت. این حالت عموماً زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که معبر در ضلع شرقی زمین واقع شده و سازنده به جهت ملاحظاتی مانند تأمین درونگرایی و امنیت لازم، مجبور است آن

ضلع را ببندد و تقویت نماید. در وضعیت حرف L ساختمان رو به شمال از نظر اقلیمی وضعیت مطلوب تری خواهد داشت و دست کم می تواند از بادهای مطلوب شمالی و شمال شرقی بهره برد. می توان گفت دلایلی مانند تأمین درونگرایی و امنیت و یا پرهیز از ایجاد مزاحمت برای همسایه از لحاظ اشراف، ریزش برف، حل کردن مسائل داخلی پلان و غیره، در انتخاب استفاده از حالت ۱۱ یا حالت L تأثیر داشته است.

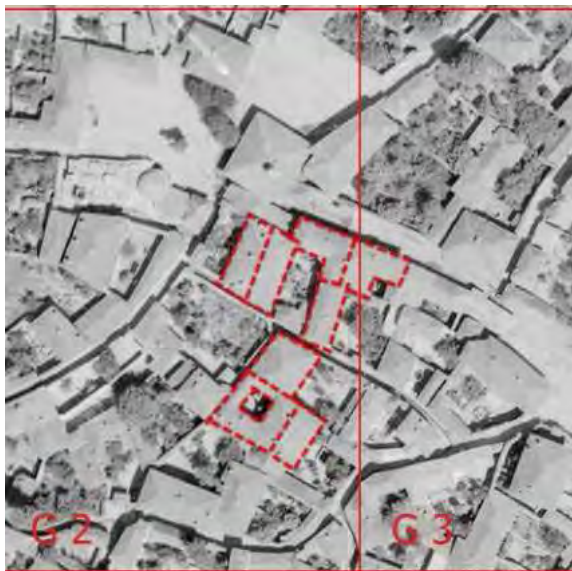
البته شایان ذکر است که با بررسی تصویر هوایی شهر نمونه های متعددی از الگوی استقرار به شکل عدد ۱۱ مشاهده می شود که کشیدگی بناها در امتداد شمالی-جنوبی نیست و امتداد شرقی-غربی دارد و یا نمونه هایی مشاهده می شود که الگوی استقرار ال-شکل، اضلاع غربی و جنوبی زمین را اشغال نمی نماید و به جای آنها دو ضلع دیگر را مورد استفاده قرار می دهد. این نمونه ها را می توان تک به تک بررسی و تحلیل نمود تا مشخص شود که در هر مورد چه عواملی باعث شده تا سازندگان به جای استفاده از الگوهای برتر به کاربرد الگوهای درجه دو و نامتعارف تن دهند.



شکل ۲۱. نمونه هایی از الگوی استقرار به شکل عدد ۱۱.



شکل ۲۰. نمونه هایی از الگوی استقرار به شکل حرف ال انگلیسی.



شکل ۲۲. نمونه‌هایی از اتصال و یکپارچه‌سازی ساختمان‌های مستقل همسایه در بافت تاریخی لاهیجان.

بدین ترتیب، در پایان این بخش در جمع‌بندی بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت در فرهنگ معماری لاهیجان قدیم، الگوی ارزش‌گذاری جهت‌های جغرافیایی صرف نظر از شرایط خاص هر پروژه، بدین ترتیب بوده است که مطلوب‌ترین جهت برای جهت‌گیری خانه‌ها جهت مشرق بوده، بعد از آن جهت شمال مورد توجه قرار می‌گرفته، سپس جهت غرب و در نهایت جهت جنوب به کار گرفته می‌شده است.^۸

یکی از الگوهای جالبی که کم و بیش در معماری لاهیجان قابل مشاهده است، یکپارچه‌سازی بخش‌هایی از ساختمان با همسایه هاست. بدین معنی که ساختمان دو یا چند همسایه به طریقی به یکدیگر متصل می‌شوند و بام آنها نیز به صورت یکپارچه کار می‌شود. اتصال ساختمان‌ها در شکل ساده آن می‌تواند در امتداد محور طولی بناها اتفاق بیفتد که در این صورت بام دو خانه مجاور نیز به صورت یکپارچه در امتداد محور طولی بناها ساخته می‌شود. این نوع یکپارچه‌سازی تأثیری بر جهت‌گیری خانه‌ها ندارد. شکل پیچیده‌تر یکپارچه‌سازی که در اینجا مد نظر می‌باشد، وضعیتی است که در آن دو ساختمان از ضلع بزرگتر خود به صورت پشت به پشت به یکدیگر متصل می‌شوند. نمونه جالبی از این موضوع در خانه صفارنیا دیده می‌شود. در این موارد مشاهده می‌شود که اقتضائات ناشی از اتصال ساختمان‌ها به یکدیگر و ساخت بام عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری خانه‌ها می‌شود. در این مورد خاص مشاهده می‌شود که یکی از ساختمان‌ها به سمت غرب رو کرده چرا که ساختمانی که به صورت پشت به پشت به آن متصل شده، به سمت شرق رو کرده است. برای مثال، خانه صفارنیا دارای دو بنا می‌باشد که به شکل ال مانند در زمین مورد نظر استقرار یافته‌اند. یکی از بناها به جهت یکپارچگی با ساختمان همسایه به سمت غرب جهت‌گیری شده است. بنای دوم خانه که سازنده در انتخاب جهت آن آزادی بیشتری داشته، به سمت شمال رو کرده است. البته به جهت محدودیت ابعاد زمین انتخاب جهت دیگر هم چندان امکان‌پذیر نبوده، زیرا در غیر این صورت شکل هندسی حیاط نامناسب از آب در می‌آمده است. دو سمت دیگر زمین هم توسط ایوان‌های مسقفی پوشیده شده است و بدین ترتیب، حیاطی به شکل حیاط مرکزی در میان این خانه شکل گرفته است.

۱ - ۴. قواعد ارتباط خانه و همجواری ها

در این بخش به بررسی قواعد حاکم بر شکل رابطه خانه و همجواری هایش پرداخته می شود. این همجواری ها می تواند به طور کلی شامل معبر عمومی و همسایه ها باشد. بررسی قواعد شکل دهنده به معماری لاهیجان قدیم در مقیاس ارتباط خانه و معبر حاکمی از آن است که به طور کلی تأمین درونگرایی خانه ها یک اصل مهم محسوب می شده است و می توان اکثر خانه های قاجاری لاهیجان را درونگرا دانست.

البته درونگرایی و برونگرایی مفاهیمی نسبی و تفسیرپذیر هستند. ولی می توان بروز این مفاهیم را در دو بُعد بررسی نمود. بعد اول به میزان مکشوف بودن درون خانه از معبر یا فضای عمومی و نیز شدت مجزاسازی فضاهای عمومی و خصوصی در درون خانه بر می گردد. در این زمینه وضعیت حصار دور زمین و میزان بازشوهایی که در جداره های خارجی بنا تعبیه می شوند و نحوه سازماندهی فضایی خانه عوامل تعیین کننده ای محسوب می شوند. بدین ترتیب که هرچقدر تعریف محدوده های عمومی و خصوصی در درون یک خانه پر رنگ تر اتفاق بیافتد و هرچقدر دیوارهای دور خانه بلندتر و نفوذناپذیرتر و بازشوهای رو به معبر آن کمتر و محدودتر باشد، خانه درونگراتر به حساب می آید. جنبه دوم به میزان آرایش و تزئیناتی که رو به معبر و فضاهای عمومی شهر کار می شوند، بر می گردد. بدین ترتیب که هر چه جداره های بیرونی خانه ای پرکارتر و تزئین شده تر باشد، برونگراتر محسوب می شود. به تعبیر دیگر می توان گفت در خانه های درونگرا بین فضاهای درونی خانه و جداره های خارجی آن از لحاظ میزان تزئینات و پرکاربودن سطوح و اجزای ساختمانی تمایز قابل توجهی وجود دارد.

در خانه های قاجاری لاهیجان، معماری برونگرا با تعریف و خصوصیتی که در معماری روستایی گیلان دارد، مشاهده نمی شود. در معماری روستایی گیلان^{۱۹} خانه در یک محوطه باز قرار می گیرد و حد و مرز ملک یا اصلاً مشخص نیست و یا با عناصر کوتاه و ساده ای مانند پرچین نشانه گذاری می شود، به نحوی که به راحتی می توان از معبر شاهد فعالیت ها و اتفاقات درون خانه بود. مشاهدات نگارنده حاکی از آن است که چنین تعریفی از برونگرایی و چنین رابطه ای بین خانه و عرصه عمومی شهر در معماری لاهیجان رایج نبوده است. البته ممکن است به طور بسیار محدود در محلات حاشیه ای لاهیجان قدیم نمونه هایی از خانه هایی یافت شود که عیناً مشخصات خانه های فوق الذکر را داشته باشند. اما به نظر می رسد مناسب تر باشد که این خانه های فقیرانه در زمره معماری روستایی لاهیجان قرار داده شوند تا معماری شهری.

علاوه بر این، مشاهدات حاکی از آن است که در معماری قاجاری لاهیجان، خانه های برونگرا با خصوصیات و تعریفی که در دوره پهلوی دارد نیز رایج نبوده است. در دوره پهلوی مفهوم برونگرایی با تعریفی متأثر از معماری غربی در خانه های شهری لاهیجان بروز پیدا می کند که طی آن خانه ها به جای آن که به سمت حیاط خصوصی خود رو کنند، به سمت فضای شهری بر می گردند و خود را برای آن می آرایند. البته رو کردن خانه به سمت معبر عمومی در نمونه هایی از معماری قاجاری لاهیجان هم مشاهده می شود، اما تفاوت هایی با الگوی دوره پهلوی دارد که کمی بعدتر مورد اشاره قرار می گیرد.

در معماری قاجاری لاهیجان میزان و شدت درونگرا بودن همه خانه ها یکسان نیست. مشاهده نمونه های متعدد این خانه ها حاکی از آن است که برخی از خانه ها به شدت درونگرا هستند در حدی که می توان آنها را قلعه هایی منفک شده از دنیای بیرون قلمداد کرد و برخی دیگر از خانه ها وجود دارند که دارای بازشوهایی نسبتاً

گروه شماره ۱: نیمه برون‌گرا

نخستین نوع از انواع خانه های قاجاری لاهیجان، گونه نیمه برون‌گرا می باشد. این نوع از خانه ها شباهت زیادی به گونه روستایی دارند. مشخصه این نوع از خانه ها این است که هرچند در بافت فشرده شهری قرار گرفته اند، همچنان نوعی برون‌گرایی و سادگی روستایی در آنها قابل مشاهده است. در این خانه ها بازشوهای رو به معبر عمومی نسبتاً زیاد هستند و نوع بازشوها هم از نوع در و پنجره های ساده ای است که در معماری ارزان قیمت مشاهده می شود و معمولاً، تزئینات و عناصر معماری از لحاظ نفاست در سطح نازل تری نسبت به خانه های نوع دو تا چهار قرار می گیرند.

بر خلاف معماری روستایی، محدوده این خانه ها از معبر و خانه های مجاور با دیوارهای نسبتاً بلندی مجزاسازی می شود، ولی ممکن است ارتفاع دیوار مانند خانه های نوع دو تا چهار بلند نباشد. برون‌گرا بودن این نوع از خانه ها با برون‌گرایی خانه های ساده روستایی تفاوت هایی دارد. بدین معنی که هر چند در اینجا خانه به سمت معبر عمومی رو می کند و دارای بازشوهای متعدد و نوعی از نماسازی به سمت آن می باشد، ولی همچنان یک حیاط اختصاصی در سمت دیگر ساختمان وجود دارد که تأمین کننده فضای باز و در عین حال دارای محرمیت مناسب برای زندگی خصوصی اهل منزل می باشد. بدین ترتیب، ساکنان می توانند بدون این که در معرض دید افراد غریبه و نامحرم قرار گیرند، به فعالیت های روزمره خود در خانه بپردازند. بر این اساس می توان این نوع از خانه ها را روستایی نیمه شهری هم نامید.

وسایعی به سمت معبر هستند و می توان آنها را تاحدودی برون‌گرا نامید. از این رو برای نظم دادن به مطالعات و تدوین قواعد مرتبط، ضرورت دارد تا دسته بندی ای از انواع خانه ها ارائه شود. مبنای تدوین این دسته بندی میزان و شدت درون‌گرایی خانه ها می باشد که خود را در قالب عواملی مانند میزان تدافعی بودن معماری، نوع مصالح مصرفی در جداره های خارجی، بازشوها، نحوه نماسازی و تزئینات بیرونی بروز می دهد. بر این اساس به نظر می رسد می توان در معماری قاجاری لاهیجان دست کم چهار نوع خانه را از یکدیگر تمیز داد. در ادامه این انواع خانه ها معرفی می شوند.

۱. گونه نیمه برون‌گرا

۲. گونه نیمه درون‌گرا

۳. گونه درون‌گرا

۴. گونه درون‌گرایی قلعه ای



شکل ۲۳. خانه کریم نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در بافت تاریخی لاهیجان است.



شکل ۲۴. خانه قائمی نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در محله خمركلاي لاهیجان است كه علاوه بر بازشوهای رو به معبر، دارای بالكن روی معبر هم می باشد.



شکل ۲۵. خانه رمضانی در کوچه اکبریه دارای بازشوهای متعدد و بالکن هایی به سمت معبر می باشد.



شکل ۲۶. خانه وزیری نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در بافت تاریخی لاهیجان است.



شکل ۲۷. خانه جهانسوز نمونه ای از خانه های نیمه برونگرا در محله خمرکلا (و یا بیگم آباد) لاهیجان بود که در اواخر دهه ۱۳۷۰ تخریب گردید.

نماسازی را در این وجه ساختمان به نمایش می‌گذارد. البته ساختمان در وجه پشتی خود نیز به یک حیاط اختصاص رو می‌نماید که زندگی خصوصی خانواده را پشتیبانی می‌کند. نمونه‌های متعددی از این نوع خانه‌ها در راسته‌ها و گذرهای تجاری شهر قابل مشاهده می‌باشد.

مشاهدات حاکی از آن است که خانه‌های با کاربری مختلط تجاری و مسکونی اغلب در این دسته جای می‌گرفته‌اند. در این خانه‌ها طبقه همکف به صورت مغازه‌هایی تعریف می‌شود که مستقیماً با معبر عمومی کار می‌کنند و تابع جهت‌گیری آن هستند. بخش مسکونی در طبقه بالایی طراحی می‌شود که آن هم به سمت معبر رو می‌کند و نوعی از



شکل ۲۸. خانه‌های بازارچه پرده‌سر در طبقه همکف خود دارای کاربری تجاری بوده‌اند و از این رو به سمت معبر عمومی نماسازی شده‌اند.



شکل ۲۹. خانه خورسند و کریمی در بازارچه منجمی لاهیجان در طبقه همکف کاربری تجاری داشته اند و به سمت معبر نماسازی شده اند.

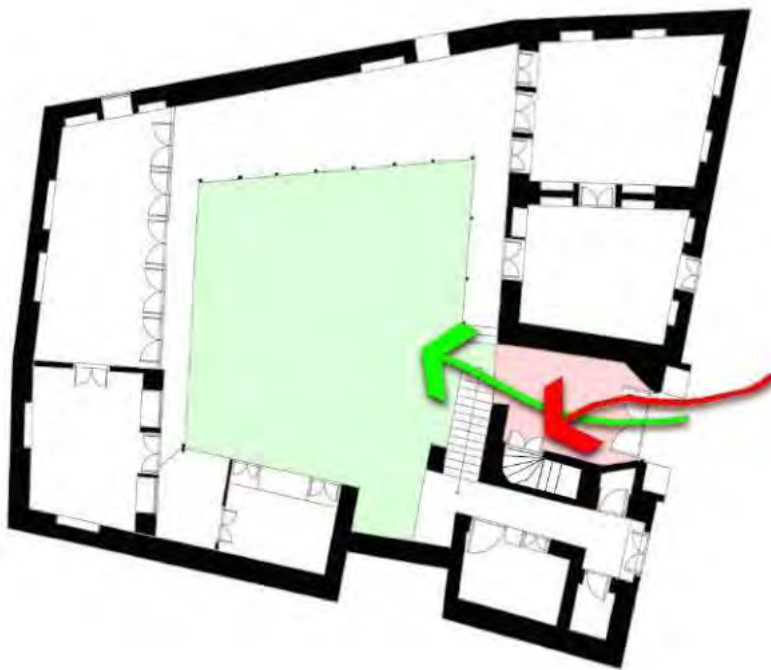


شکل ۳۰. در گذر تکیه بر که یکی از راسته های تجاری لاهیجان در دوران قاجار بوده نمونه هایی از خانه هایی باقی مانده است که در طبقه همکف دارای مغازه بوده اند و به سمت معبر نماسازی شده اند.



شکل ۳۱. خانه ضیاء ظریفی از نمونه خانه های نیمه برونگرا در معماری قاجاری لاهیجان است که دارای بالکن و بازشوهای متعدد به سمت معبر عمومی می باشد.

علاوه بر خانه های فوق که کاربری تجاری در طبقه همکف آنها و به صورت منفک از کاربری مسکونی اتفاق می افتاده، برخی خانه ها هم بوده اند که به دلایل مختلف محل مراجعه مردم بوده اند. بررسی نحوه تفکیک بین حوزه مسکونی و حوزه عمومی در این نوع خانه ها هم نکات جالبی را در بر دارد. در خانه دکتر ضیاءظریفی (ضیاءالاطباء) که هم محل زندگی خانوادگی و هم محل طبابت وی و مراجعه همیشگی مردم جهت دریافت خدمات پزشکی و تهیه دارو بوده است، مشاهده می شود که در طراحی ساختمان در عین توجه به برونگرایی، درونگرایی لازم هم تأمین شده است. در این خانه طراح توانسته با تعبیه یک پله اختصاصی پیش از ورود به حیاط، حریم خصوصی اهل منزل را حفظ نماید و از ورود افراد غریبه به حیاط منزل جلوگیری کند. از طرف دیگر، پله دیگری در حیاط خانه جهت دسترسی به طبقه اول تعبیه شده که مورد استفاده اهل منزل بوده است. این ترکیب جالب بین اقتضائات یک معماری برونگرا که محل مراجعه مشتریان و بیماران است و یک معماری درونگرا که در آن حریم خصوصی خانواده به شکلی قوی تعریف شده، ارزش خاصی به این بنا می بخشد و جنبه های مهمی از فرهنگ سکونت در لاهیجان دوره قاجار را بیان می نماید.



شکل ۳۲. در خانه ضیاء ظریفی که برای چندین نسل محل مراجعه مردم جهت ملاقات پزشک و تهیه دارو بوده است، حریم عمومی و خصوصی به طور مشخصی از یکدیگر جداسازی شده بود و مراجعان بدون ورود به حیاط خصوصی منزل از راه پله موجود در راهروی ورودی به سمت اتاق طبیب هدایت می شدند.

گانه شماره ۲ : نیمه درونگرا



مشخصه خانه های نوع دو تا چهار را می توان غلبه درونگرایی بر برونگرایی دانست که در انواع بالاتر به تدریج بر شدت درونگرایی خانه افزوده می شود. در خانه های نیمه درونگرا، بر خلاف خانه های نوع یک، تمام جداره ساختمان در مجاورت معبر عمومی نماسازی نمی شود، بلکه قسمت اعظم این وجه ساختمان بدون بازشو و تزئینات رها می شود و نماسازی فقط در حد یک اتاق که بر روی دروازه ورودی قرار دارد، اتفاق می افتد. در این نوع از خانه ها در نماسازی اتاق مورد اشاره از بازشوهایی به شکل ارسی یا در و پنجره های معمولی تر استفاده می شده است. استفاده از در و پنجره های معمولی در خانه های افرادی با توان مالی کمتر اتفاق می افتاده، در حالی که کاربرد ارسی به خانواده های ثروتمند تر اختصاص داشته است.



شکل ۳۳. خانه روحی پور در محله یحیی آباد که دارای ارسی رو به معبر عمومی بوده است. این خانه در حال حاضر تخریب شده است. (منبع تصویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب نظام وظیفه، ۱۳۸۹)



شکل ۳۴. نماسازی اتاق واقع بر دروازه ورودی می توانسته به کمک در و پنجره معمولی هم انجام شود.

به دنیای «درون» خانه تعلق داشته و زیبایی خود را صرفاً به افراد درون خانه ارزانی می داشته است. اما بر خلاف این عرف رایج، در برخی خانه های نوع دو مشاهده می شود که ارسی در جداره بیرونی بنا و رو به فضای عمومی شهر تعبیه شده است.

شایان ذکر است که ارسی ظاهراً نفیس ترین و گران قیمت ترین نوع پنجره در معماری بومی لاهیجان محسوب می شده که معمولاً در بهترین فضاهای خانه مورد استفاده قرار می گرفته است. ارسی که می توانسته نماد ثروت و اصالت خانواده باشد، به طور متعارف



شکل ۳۵. خانه واقع در مقابل سردر بقعه امیرشمس الدین در محله اردوبازار که در آن ارسی به سمت معبر کار گذاشته بود. این خانه در حال حاضر تخریب شده است.
(منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)



شکل ۳۶. خانه در ورودی کوچه بزرگ بشر واقع در محله گابنه که در آن الگوی کاربرد ارسی روی دروازه ورودی مشاهده می شود. تصویر بالا مربوط به سال ۱۳۷۱ است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا). تصویر پایین وضعیت بنا در سال ۱۳۹۷ را به نمایش می گذارد.



این نوع از معماری را هم می توان دورگه بین نوع یک و سه دانست و هم می توان آن را شعبه ای از معماری نوع سه محسوب نمود. به هر حال، بر مبنای مفاهیم درونگرایی و برونگرایی، خانه نوع دو درونگراتر از خانه نوع یک و برونگراتر از خانه نوع سه محسوب می شود. استفاده از ارسی رو به کوچه الگویی است که کمتر در خانه های مهم محله گابنه و پُرده سر دیده می شود و بیشتر در محلات

متأخر تر مشاهده می شود. این مسئله شاید به شرایط امنیتی زمانه و شاید به خواست کارفرماها بر می گشته است. خانه های دارای ارسی رو به معبر عمومی ظاهراً در گذشته فراوانی کمی داشته اند و در حال حاضر نیز تا جایی که نگارنده بررسی کرده، نمونه هایی کمتر از انگشتان یک دست از آنها در لاهیجان باقی مانده است.



شکل ۳۷. خانه نظام شکن در محله اردوبازار که در آن علاوه بر روی سردر ورودی، در جداره دیگر رو به معبر عمومی نیز کاربرد ارسی مشاهده می شود.

در این نوع معماری معمولاً پنجره ارسی روی دروازه ورودی خانه تعبیه می شود و این دو عنصر با هم ترکیب بندی خاصی را به وجود می آورند که احتمالاً با احداث بالکن و بام پیش آمده روی آن تکمیل می شده است. به نظر می رسد، با توجه به آشکار بودن فضای این بالکن ها از معبر عمومی، این بالکن ها فضای خصوصی برای خانه محسوب نمی شدند و بیشتر از آن که جنبه کاربرد روزانه در زندگی ساکنان داشته باشند، به چشم یک عنصر تزئینی به آنها نگریسته می شد.

همچنین، در اغلب نمونه های بررسی شده، این ارسی ها در جداره رو به غرب خانه کار شده اند و با پیش آمدگی بام محافظت می شوند. لذا به نظر می رسد برای سازندگان این نکته که ارسی رو به معبر عمومی واقع باشد، نسبت به سایر معیارها اولویت داشته است. در اینجا شاهد آنیم که دغدغه آراستن خانه به سمت معبر عمومی از انحصار به سردر ورودی خارج می شود و به اتاق بالای آن هم سرایت می نماید.

گانه شماره ۳: درونگرا

به نظر می‌رسد می‌توان خانه‌های نوع سه را متداول‌ترین نوع خانه‌های شهری لاهیجان در شیوه قاجاری آن قلمداد نمود^{۲۰}. یکی از نکاتی که درباره خانه‌های نوع سه قابل ذکر است این است که معمولاً شدت درونگرایی در این خانه‌ها به حدی می‌رسد که می‌توان آنها را معماری تدافعی نامید. می‌توان پذیرفت که در هر خانه‌ای حدی از درونگرایی برای تأمین حریم خصوصی در مقابل نامحرمان ضروری بوده است. برای مثال، بنا به اظهارات افراد بومی لاهیجان در مصاحبه با نگارنده، در قدیم از نظر عرف پسندیده نبود که از کوچه داخل حیاط خانه کسی دیده شود و این قاعده فقیر و غنی نمی‌شناخت. از این رو در خانه افراد متمول تر با تعبیه هشتی و در خانه‌های محقرتر با آویزان کردن پرده‌ای در آستانه ورود به حیاط، مانع از دید افراد غریبه و نامحرم به حیاط خصوصی خانه می‌شدند. ولی این میزان بالای درونگرایی که در خانه‌های نوع سه دیده می‌شود، نمی‌توانسته صرفاً ناشی از یک نیاز فرهنگی به تأمین حریم خصوصی بوده باشد، بلکه به نظر می‌رسد که موضوع بیشتر جنبه امنیتی و دفاعی داشته است.

علاوه بر شکل خاص طراحی بناها، خود شبکه معابر شهر هم به واسطه پیچ در پیچ بودن، تنگ و باریک بودن و داشتن بن بست‌های فراوان می‌توانسته در مقابل مهاجمان غریبه کارکرد دفاعی قابل توجهی داشته باشد. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد به طور کلی دغدغه امنیتی در معماری و شهرسازی قدیم لاهیجان دغدغه مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده است. با مطالعه سفرنامه‌های تاریخی هم ملاحظه می‌شود که جنبه تدافعی معماری قاجاری لاهیجان مورد توجه برخی سیاحان قرار گرفته است. هولمز که در سال ۱۸۴۴ م (۱۲۳۳ ش) از لاهیجان بازدید داشته است در توصیف ساختمان‌های لاهیجان آنها را «محکم» وصف می‌نماید و می‌نویسد «چون در طول اقامت کوتاه مان در این شهر باران می‌بارید و باقی اوقات مان نیز کاملاً پر بود، نتوانستیم بازار را ببینیم. آن بخش از شهر که ما در هنگام ورود دیدیم، ساختمان‌های آجری خوش ساخت و محکمی را شامل می‌شد که بسیاری از آنها دو طبقه بودند» (هولمز، ۱۳۹۰، ۱۱۲).

می باشد ولی طرز بناهای این شهر شکل عجیبی است، دیوارهای منازل کاملاً شبیه به برج ساخته شده و دارای سوراخ هائی می باشد و می گویند در ادوار سابق به واسطه این که مردم همیشه مواجهه با اغتشاش بوده و مجبور از مدافعه بوده اند بناهای خود را به شکل قلعه و برج می ساختند که در مواقع زد و خورد بتوانند از خود دفاع نمایند». (مسعودی، ۱۳۹۰، ۹۹).

در همین راستا و از میان سفرنامه های متأخرتر هم می توان به سفرنامه عباس مسعودی^{۲۱} به گیلان در نوروز ۱۳۰۷ اشاره نمود. وی در توصیف خانه های لاهیجان که البته مشخص است منظور وی خانه های سبک قاجاری لاهیجان می باشد، به نکته مهمی درباره معماری قلعه-مانند رایج در این شهر اشاره می نماید: «ساختمانهای این شهر خیلی کهنه و قدیمی و دارای بناهای محکمی



شکل ۳۸. دیوارهای آجری بلند از خصوصیات معماری قاجاری لاهیجان بوده است.

داخلی بین خانه‌های تشکیل دهنده قلعه مورد نظر نسبتاً کوتاه هستند. به عنوان مثال، می‌توان قطعه‌ای از بافت محله پُرده سر شامل خانه کیاموسی، صفارنیا، طایفه و چند خانه متصل به آنها را مانند یک قلعه مرکب در نظر گرفت. در خانه صفارنیا می‌توان تفاوت نقش دیوارهای پیرامونی و داخلی قلعه را به خوبی مشاهده نمود. در پشت خانه صفارنیا حیاط کوچکی وجود دارد که در بین خانه‌های سایر همسایه‌ها احاطه شده است و به هیچ معبر عمومی متصل نیست. این حیاط کوچک در قدیم به عنوان یخچال زیرزمینی و محل نگهداری خوراکی‌ها استفاده می‌شده است. دیوارهایی که این حیاط را احاطه کرده‌اند، ارتفاع کوتاهی دارند به نحوی که صرفاً مانع دید افراد به خانه همسایه می‌شوند و مشخص است که کاربرد دفاعی نداشته‌اند. در مقابل دیواری که در سمت حیاط اصلی، خانه صفارنیا را از معبر عمومی جدا می‌نمود، دیوار بسیار بلندی بوده که حدوداً به اندازه دو طبقه ارتفاع داشته است.^{۳۲}



شکل ۳۹. دیوارهای پیرامونی قلعه‌های مرکب بلند و نفوذناپذیر ساخته می‌شد، در حالی که دیوارهای داخلی جداکننده همسایه‌ها از یکدیگر به نسبت کوتاه و ضعیف ساخته می‌شدند. نمونه این امر در یخچال خانه صفارنیا قابل مشاهده است.

در مجموعه گسترده‌ای از خانه‌های شهری لاهیجان که می‌توان آنها را درونگرا نامید، می‌توان طیفی را تصور نمود که در یک سوی آن خانه‌هایی در پاسخ به شرایط بافت‌های پرتراکم و کهن شهری شکل گرفته‌اند و در سوی دیگر آن خانه‌هایی متناسب با بافت‌های نسبتاً جدیدتر و کم‌تراکم‌تر شهر جای دارند. بافت محلاتی مثل گابنه و پُرده سر نمونه بافت‌های کهن و متراکم لاهیجان قدیم محسوب می‌شوند و بافت محلاتی مثل خمرکلایه را می‌توان نمونه بافت‌های جدید و کم‌تراکم‌تر در عصر قاجار دانست. به نظر می‌رسد، مطالعه خانه‌های درونگرای بافت کهن لاهیجان از جذابیت بیشتری نسبت به خانه‌های بافت جدید آن برخوردار است چرا که در معماری این خانه‌ها به واسطه قدمت بسیار زیاد بافت و تراکم بالای آن، انواعی از تعاملات و الگوهای غنی معمارانه قابل مشاهده است که چنین تعاملاتی در بافت‌های کم‌تراکم‌تر و نسبتاً جدیدتر شهر لاهیجان دیده نمی‌شود.

یکی از این الگوهای جالبی که در خانه‌های درونگرای بافت کهن لاهیجان مشاهده می‌شود، شکل‌گیری نوعی از قلعه‌های مرکب در این بافت است، بدین ترتیب که تعدادی از خانه‌ها در کنار هم به شکل یک قلعه نفوذناپذیر در می‌آمده‌اند. شکل‌گیری این نوع از معماری درونگرای تدافعی در قدیمی‌ترین محله‌های لاهیجان را می‌توان به عنوان پاسخی به ناامنی‌های گسترده و طولانی مدت در تاریخ این شهر تفسیر نمود. در گزارش ثبت خانه مسعود اصمعی در فهرست آثار ملی به این موضوع اشاره شده است که این خانه در قدیم از سه طرف به خانه‌های همسایه خود راه داشته و به کل مجموعه «قلعه» گفته می‌شده است (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ الف).

بر این اساس مشاهده می‌شود که دیوارهای پیرامونی یک قلعه که در مجاورت معبر عمومی قرار دارند، بلند و نفوذناپذیر ساخته می‌شوند در حالی که دیوارهای

در پشت مسجد اکبریه می توان قطعه ای از بافت محله گابنه را به عنوان یک قلعه در نظر گرفت. در منزل فیاض که در این قطعه واقع است، ملاحظه می شود که ساختمان همسایه های شمالی و جنوبی این خانه در منتهی الیه غربی زمین و به صورت برساز احداث گردیده اند. دیوار مجاور معبر در این خانه ها ارتفاعی حدود ۱۱۰ رگ آجرچینی دارد. اما در منزل فیاض، سازندگان خانه به جهت شکل هندسی خاص زمین، مجبور شده اند که ساختمان را قدری به سمت مشرق زمین جا به جا نمایند و یک حیاط نسبتاً کوچک در ضلع غربی زمین در نظر بگیرند. به این ترتیب، خانه فیاض، بر خلاف همسایه های شمالی و جنوبی خود، نسبت به معبر عقب ساز می باشد. با این حال ملاحظه می شود که دیوار سمت معبر تا جای ممکن بلند گرفته شده (ارتفاع حدود ۸۰ رگ آجر) و حتی در محل سردروازه هم امتداد رأس آن منقطع نشده است و همین ارتفاع بلند را حفظ کرده است. ضخامت این دیوار چنان بوده که ساکنان فعلی آن توانسته اند یک سرویس بهداشتی کوچک در آن تعبیه نمایند که این ارتفاع بلند و این ضخامت زیاد نشان دهنده کاربرد دفاعی این دیوار در روزگار دور می باشند. در مقابل از دیاد ارتفاع دیوار معبر، مشاهده می شود که دیواری که حیاط خانه فیاض را از همسایه جنوبی اش مجزا می نماید حدود ۵۵ رگ آجر بلندی دارد.



شکل ۴۰. محوطه یخچال واقع در پشت خانه صفارنیا که بین خانه چند همسایه قرار داشته و به معبر عمومی اتصال نداشته، با دیوارهای کوتاه و ضعیفی محصور شده است.



شکل ۴۱. تفاوت ارتفاع حصار دور زمین خانه فیاض در مجاورت معبر عمومی و در مجاورت زمین همسایه قابل توجه است و می تواند نشان دهنده کارکرد دفاعی و امنیتی دیوار مجاور معبر باشد.



شکل ۴۲. دیوار مجاور معبر عمومی در خانه فیاض حدود ۸۰ رگ آجر ارتفاع دارد.



شکل ۴۳. دیوار بین خانه فیاض و همسایه جنوبی اش حدود ۵۵ رگ آجر ارتفاع دارد.

در منزل دوزنده نیز می توان این الگورا در شرایط نسبتاً متفاوتی مشاهده نمود. این خانه به صورت عقب ساز ساخته شده است که در سمت شرق با یک معبر عمومی و در سمت شمال با یک معبر باریک خصوصی مجاور است. ظاهراً در گذشته این معبر

خصوصی با دروازه ای مسدود و از معبر عمومی مجزا شده بود. دیوار مجاور معبر عمومی آن حدود ۷۵ رگ ارتفاع دارد، در حالی که دیوار مجاور این معبر خصوصی فقط حدود ۵۰ رگ ارتفاع دارد.



شکل ۴۴. دیوار مجاور معبر خصوصی در خانه دوزنده حدود ۵۰ رگ آجر ارتفاع دارد.

در خصوص شکل ارتباط خانه و همجواری هایش، الگوی جالب دیگری که در خانه های نوع سه در بافت کهن لاهیجان مشاهده می شود، انواعی از یکپارچه سازی های ساختمانی است که بین همسایه ها اتفاق می افتد. این الگو در بافت های متأخرتر لاهیجان قاجاری کمتر قابل مشاهده است. بر این اساس ممکن است خانه دو همسایه که در یک امتداد قرار دارند، به یکدیگر متصل و با یک بام یکپارچه پوشیده شوند. گاهی ممکن است دو خانه همسایه به صورت پشت به پشت به هم متصل شوند و بام واحدی داشته باشند. ممکن است امتداد بام بارانداز یک خانه در خانه همسایه فضای آشپزخانه را شکل دهد و

مواردی از این دست. نکته دیگری که در خصوص درونگرا و تدافعی بودن معماری خانه های نوع سه قابل اشاره است به وضعیت بازشوها در جداره متصل به معبر بر می گردد. در این خانه ها مشاهده می شود که در دیوارهای مجاور معبر عمومی حداقل تعداد و ابعاد برای بازشوها در نظر گرفته می شود و دیوارهای بلند یکنواخت و عاری از هر گونه تزئین خانه را از دنیای بیرون جدا می سازند^{۴۳}. علاوه بر این، همان گونه که انتظار می رود، در این خانه ها به جهت ملاحظات امنیتی هیچ نوع بالکنی در مجاورت معبر عمومی تعبیه نمی شده است.



شکل ۴۵. جداره رو به معبر عمومی در خانه شمسی دارای حداقل بازشو ها در ارتفاع بالا می باشد.



شکل ۴۶. جداره رو به معبر عمومی در همسایه شمالی مسجد اکبریّه دارای حداقل بازشو ها در ارتفاع بالا می باشد.

شکل ۴۷. جداره رو به معبر عمومی در خانه ای در محله پرده سر با حداقل بازشو به سمت معبر. پنجره طبقه همکف الحاقی می باشد.





شکل ۴۸. جداره رو به معبر عمومی
در خانه بصیرالتجار در محله میدان
بدون هیچ پنجره ای به سمت معبر



شکل ۴۹. خانه ای یک طبقه در محله کاروانسرا بر در نبش کوچه دعایی بدون هیچ پنجره ای به سمت معبر عمومی



شکل ۵۰. خانه یک طبقه در مقابل مسجد اکبریّه (خانه شکوری) که پنجره های کوچکی در ارتفاع بالا نسبت به معبر مجاور دارد.



شکل ۵۱. خانه طایفه در محله پرده سر با حداقل بازشو ها نسبت به معبر عمومی مجاور

◀ گونه شماره ۴: درونگرایی قلعه ای

این نوع از خانه ها را می توان قلعه های منفردی در نظر گرفت که با دیوارهای بلند و مجهز به پشت بندهای ستبر، خود را از محیط بیرون مجزا می سازند. با مشاهده دیوار های رفیع و پشتبندهای مستحکم برخی بناهای مذهبی لاهیجان، مانند مسجد اکبریه (متعلق به دوره قاجار) و بقعه اردوبازار (متعلق به دوره صفوی) می توان حدس زد که ساخت بناهای قلعه-مانند در معماری لاهیجان سابقه ای طولانی داشته است.



شکل ۵۲. بقعه میرشمس الدین که مورد احترام شاهان صفوی بوده، همانند یک قلعه مستحکم به نظر می رسد.



شکل ۵۳. مسجد اکبریه با دیوارهای بلند و پشتبندهای خود جلوه یک ساختمان حکومتی باشکوه را دارد.

پشتبندهای نیم دایره ای بزرگ در پشت دیوارهای خارجی این خانه ها که در معبر عمومی واقع می شوند، حاکی از آن است که احتمالاً در زمان ساخت، محوطه اطراف این خانه ها کاملاً باز بوده و محدودیتی از بابت تجاوز به معبر عمومی نداشته اند.

جنبه نظامی و حکومتی در این خانه های قلعه ای چشمگیر است و به نظر می رسد این خانه ها متعلق به افراد صاحب منصب و یا اعیان ثروتمند بوده اند و علاوه بر تأمین اقتضائات زندگی خانوادگی، می توانسته مجهز به اصطبل، انبار آذوقه، زندان، محل زندگی نگهبانان و خدمه، حمام و ... نیز باشند. وجود



در خانه های قلعه ای معمولاً ساختمان خانه در وسط یک حیاط قرار می گیرد و از هیچ طرف به دیوارهای محوطه متصل نمی شود. در این قلعه ها کل مجموعه توسط دیوارهای قطور و بلندی محصور و محافظت می شود. بدین ترتیب، این نوع از خانه ها بیشترین میزان درونگرایی را به نمایش می گذارند و افرادی که در بیرون از قلعه حضور دارند، نمی توانند ارتباط بصری قابل ذکری با دنیای درون قلعه برقرار کنند.^{۲۴}

شکل ۵۴. خانه افتخار عسکری (پیش از آن سالار مؤید) در محله اردوبازار لاهیجان که جلوه یک قلعه نظامی را دارد.



شکل ۵۵. خانه منتصرالملک در محله میدان (و یا یحیی آباد)
لاهیجان که با الگوی قلعه ای احداث شده بود.

خانه باقی نمانده است. تا جایی که نگارنده بررسی کرده، در حال حاضر تنها دو مورد از خانه های قلعه ای لاهیجان باقی مانده که یکی از آنها هم به شدت مخدوش شده است.

با بررسی عکس هوایی سال ۱۳۳۶ به نظر می رسد، خانه امین دیوان بزرگ ترین خانه شهر در آن زمان بوده است که در بافت نسبتاً جدید شمال شهر قرار داشته و به روشنی جزو خانه های قلعه ای لاهیجان محسوب می شده است. متأسفانه امروز اثری از این



شکل ۵۶. عمارت امین دیوان در عکس هوایی ۱۳۵۵ لاهیجان که بزرگترین خانه لاهیجان در زمان خود محسوب می شده است. و با الگوی قلعه ای ساخته شده بود.



شکل ۵۷. در عکس هوایی سال ۱۳۷۳ لاهیجان عمارت امین دیوان جای خود را به ده ساختمان مستقل نوساز داده است.

❖ بحثی درباره ارتباط بین انواع خانه ها

با شناسایی انواعی از خانه ها در معماری قاجاری لاهیجان ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا می توان از انواع اصیل و غیر اصیل در معماری این خانه ها سخن گفت. آیا مثلاً می توان گفت خانه های درونگرا را باید نوع اصیل معماری شهری لاهیجان و به اصطلاح «لاهیجانی ترین» نوع معماری قاجاری دانست و مثلاً خانه های نیمه برونگرا را نوع غیر اصیل و کم ارزش تر محسوب نمود؟ در بررسی این موضوع باید توجه داشت که معماری پدیده ای پویا و دائماً در حال تغییر و تحول است و کاربرد مفهوم اصیل برای شکل مشخصی از آن خالی از اشکال نیست. دیویس امکان تغییر در الگوهای معماری را یکی از ویژگی های ضروری هر فرهنگ ساختمانی سالم می داند و اظهار می دارد: «در یک فرهنگ ساختمانی سالم، مردم و نهادهایی که مسئول ساخت بناها هستند، نیاز دارند که ابزار لازم برای ایجاد و آزمودن تغییرات را، هر زمان که نیاز شد و بدون این که با موانع بیش از حد مواجه شوند، در اختیار داشته باشند. در بیشتر ساختمان سازی های سنتی، این نوع تغییر، اگرچه کند اما با نرمی اتفاق می افتاد» (Davis, 2006, 149). پیش از این از رو آوردن مردم به باز کردن پنجره به سمت معبر در خانه های تاریخی لاهیجان از دهه بیست به بعد سخن گفته شد. این شاهد تاریخی مثال خوبی است برای تحول دائمی معماری در تعامل با اوضاع محیطی. بدین ترتیب شاید بهتر باشد به جای سخن گفتن از انواع اصیل و غیر اصیل در معماری قاجاری لاهیجان، از انواع رایج تر و کم رواج تر و شرایط و مناطق رواج هر یک سخن گفته شود.

پرسش دیگری که ممکن است مطرح شود این است که چه رابطه ای بین این انواع خانه ها وجود دارد. آیا می توان این خانه ها را در یک جدول زمانی به ترتیب پیدایش

و شکل گیری مرتب نمود و هر کدام از آنها را شکل جدیدتری از نوع قبلی خود به حساب آورد؟ برای مثال می توان پرسید آیا باید خانه نوع دو (نیمه درونگرا) را نسخه جدیدتری از خانه نوع سه (درونگرا) بدانیم که در مواجهه با تغییر شرایط زمانه و بهبود اوضاع امنیتی جامعه از جنبه درونگرایی و تدافعی آن کاسته شده و تاحدودی خود را برای عرصه عمومی آراسته است؛ آیا خانه نوع یک را باید نسخه جدیدتری از خانه برونگرای روستایی بدانیم که خود را با شرایط بافت شهری تطبیق داده است؛ آیا باید خانه نوع چهار را نسخه ای از خانه روستایی بدانیم که در پاسخ به دغدغه های امنیتی با الگوی قلعه ترکیب شده است.

شاید این گونه باشد، ولی متأسفانه در غیاب بررسی های قدمت سنجی علمی بر روی بافت تاریخی لاهیجان و نبود متون و شواهد تاریخی مستند در ارتباط با این موضوع، نمی توان با قطعیت بیان کرد که هر کدام از انواع خانه ها از چه زمانی شکل گرفته اند و کدام انواع معماری قاجاری لاهیجان کهن تر و یا متأخرتر هستند. بر مبنای مشاهدات میدانی تنها نکته ای که می توان با اطمینان گفت این است که دست کم در اواخر دوره قاجار همه این انواع معماری به طور هم زمان در کنار هم وجود داشته اند. برای مثال در کوچه مقابل مسجد اکبریه مشاهده می شود^{۲۵} که خانه های ساخته شده در بر این کوچه تقریباً به صورت یک در میان از نوع یک (نیمه برونگرا) و نوع سه (درونگرا) هستند. خانه ضیالظریفی نمونه خانه نیمه برونگرایی است که بازشوهای متعدد و نوعی از نماسازی به سمت معبر دارد و دقیقاً در کنار آن خانه شمسی قرار دارد که درونگراست و گویی به معبر پشت کرده است و در کنار آن در خانه رضانی خصوصیت برونگرایی قوی ای مشاهده می شود. از آنجا که قدمت اکثر خانه های تاریخی لاهیجان حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال برآورد می شود، می توان حدس زد که کاربرد این انواع در ساخت و سازهای شهری به طور همزمان با هم اتفاق می افتاده است

و کارفرماها می توانستند بنا به ملاحظات مختلف از میان آنها انتخاب نمایند. البته این که در دوران های تاریخی متأخرتر وضع بر چه منوالی بوده، در حال حاضر بر نگارنده روشن نیست.



شکل ۵۸. در کوچه اکبریه خانه هایی با نماسازی نیمه برونگرا و درونگرا در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

به عنوان نمودی بر غنای فرهنگ معماری این شهر استقبال نمود. برخی از آنها یادگار ناامنی ها هستند، برخی یادآور دوران آرامش و امنیت، برخی ساده و بی تکلفند، برخی پر طمطراق و فخرفروش و ... و به طور کلی انعکاسی از اظوار متنوع زندگی مردم در دوره ای از تاریخ این شهر به شمار می آیند. پس از آشنایی با انواع خانه های قاجاری لاهیجان و نگاهی به کیفیت خاص ارتباط هر یک با معبر و همسایه ها، در این بخش می توان چند نکته باقیمانده در این خصوص را بیان نمود.

در مجموع دیدگاهی که در اینجا مورد دفاع قرار می گیرد این است که هر کدام از انواع خانه ها به نوبه خود انعکاس تاریخ و فرهنگ مردم این شهر هستند و همگی ارزشمند تلقی می شوند. هر کدام از این انواع خانه ها کارکردهای خاص خود را داشته و در عین شباهت به سایر انواع، از مشخصه های متمایز کننده ای برخوردار بوده است. این انواع خانه ها را باید پاسخی به شرایط اقتصادی و اجتماعی مالکان آنها و در عین حال پاسخی به شرایط کلی جامعه در چارچوب فرهنگ معماری موجود در دوره قاجار دانست و باید از تنوع موجود در آنها

◀ پیشروی های ساختمانی روی معبر عمومی

و روی معبر پیشروی نموده است. به نظر می رسد این پیشروی های جزئی دیوارهای پیرامونی خانه روی معبر با هدف منتظم کردن فضاهای درونی خانه صورت می گرفته و ظاهراً امری خارج از عرف محسوب نمی شده است.

یکی دیگر از نکاتی که در مورد کیفیت ارتباط خانه و معبر قابل اشاره است به پیش روی های ساختمانی روی معبر عمومی بر می گردد. در نمونه های متعددی از خانه های قاجاری لاهیجان مشاهده می شود که دیوار ساختمان پس از اتمام کرسی چینی یا پس از اتمام ارتفاع طبقه اول به صورت کنسول کار شده



شکل ۵۹. پیشروی امتداد دیوار ایوان طبقه همکف بر روی معبر عمومی در خانه شکوری



شکل ۶۰. پیشروی امتداد دیوار اتاق طبقه اول بر روی معبر عمومی در خانه کریم (ارباب کریم) در محله گابنه

شکل ۶۱. پیشروی دیوار طبقه اول روی معبر عمومی در خانه بریسم حقیری (پرتو نظری) در محله گابنه



اند، این امکان وجود داشته که بالکنی بر روی دروازه ورودی خانه کار شود. در مورد ابنیه با کاربری تجاری-مسکونی هم این امکان وجود داشته که تالار یا بالکن هایی در ضلع بلندتر ساختمان روی معبر پیشروی نمایند.

در معماری قاجاری لاهیجان (خانه های نوع یک و دو)، پیشروی فضاهای نیمه باز (بالکن / تالار^{۲۶} / دامنه) روی معبر عمومی امری متعارف بوده است. هرچند این امر اکثراً در اضلاع جانبی خانه اتفاق می افتاده، اما در برخی از انواع خانه ها که به صورت بر ساز بوده



شکل ۶۲. در خانه قائمی بالکن در ضلع جانبی خانه بر روی معبر عمومی پیشروی نموده است



شکل ۶۳. در خانه صورتگر بالکن در دو ضلع مجاور خانه به طور پیوسته امتداد یافته و بر روی معبر عمومی قرار گرفته است. ارتفاع کم این بالکن نسبت به معبر قابل توجه است.



شکل ۶۴. در خانه وزیری بالکن روی معبر عمومی و در نمای اصلی بنا احداث شده است



شکل ۶۵. در خانه علیزاده در محله میدان، بالکن جانبی روی معبر مجاور احداث شده است (منبع تصاویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب نظام وظیفه، ۱۳۸۹)



شکل ۶۶. در خانه علیزاده ایوان اصلی به سمت حیاط خانه تعبیه شده است و بالکن جانبی که روی معبر عمومی قرار گرفته است با پنجره هایی پوشیده شده است. خانه در طبقه همکف پنجره ای به سمت معبر ندارد.



شکل ۶۷. خانه جهانگیری در یحیی آباد بالکن جانبی روی معبر مجاور دارد.



شکل ۶۸. خانه مجمع صنایع در محله گابنه دارای بالکن جانبی روی معبر مجاور است که ساکنان آن را «پوشته دامن» یعنی «دامنه پشتی» می نامند.

استفاده از ساباط یا ساخت و سازی که توسط همسایه های معبر انجام می شده و روی یک معبر نیمه خصوصی را می پوشانده است، هرچند در معماری قاجاری لاهیجان رواج زیادی نداشته، اما امری خارج از عرف هم نبوده است و امروزه هم می توان موارد معدودی از این عنصر فضایی را در بافت قدیمی این شهر مشاهده نمود. ساباط در معماری لاهیجان معمولاً فقط در بن بست های نیمه خصوصی مشاهده می شود.



شکل ۶۹. ساباط در مجاورت خانه رحیمی در محله میدان که روی یک معبر خصوصی احداث شده است (منبع تصاویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب نظام وظیفه، ۱۳۸۹).



شکل ۷۰. معبر خصوصی سرپوشیده در محله گابنه (پشت تکیه گابنه)



در خانه های یک طبقه ای که در کوچه های باریک به صورت بر ساز ساخته می شدند، معمولاً مشاهده می شود که تلاش شده تا ارتفاع ساختمان در مجاورت معبر به حداکثر ممکن رسانده شود. برای این منظور، ارتفاع کرسی و ارتفاع مفید اتاق ها زیاد گرفته می شود. همچنین، ممکن بود از گربه رو استفاده شود. این امر هم می توانسته با هدف افزایش درونگرایی و حالت تدافعی خانه نسبت به معبر صورت گرفته باشد و هم می توانسته جهت پیش بینی اقتضائات پیش آمدگی بام خانه بر روی معبر انجام شده باشد، بدین ترتیب که پیش آمدگی بام خانه بر روی معبر، در ارتفاع بالاتری اتفاق بیافتد و برای عبور و مرور در معبر مزاحمتی ایجاد ننماید. خانه کیاموسوی، خانه واقع در محله کاروانسرابر در نبش کوچه دعایی و خانه شکوری نمونه هایی برای این موضوع هستند.



شکل ۷۱. خانه کیاموسوی (سمت چپ تصویر) یک خانه یک طبقه است که از لحاظ ارتفاعی تفاوت چندانی با خانه دو طبقه مقابل خود (خانه اصمعی در سمت راست تصویر) ندارد.



شکل ۷۲. خانه شکوری یک خانه یک طبقه است که از بیرون مانند یک خانه دو طبقه به نظر می‌رسد.



شکل ۷۳. خانه یک طبقه در محله کاروانسرابر با ارتفاع نزدیک به خانه های دو طبقه

سایر اتاق های منزل راستگو که مماس با کوچه نیستند، تنها یک طبقه ارتفاع دارند. می توان احتمال داد که این کار جهت رعایت قاعده ای در خصوص حداقل ارتفاع پیش آمدگی بام روی معبر صورت گرفته باشد.

در خانه راستگو مشاهده می شود که هرچند ارتفاع دیوار حیاط در مجاورت معبر ۷۵ رگ بوده است، با احداث یک اتاق در طبقه دوم ساختمان در مجاورت کوچه، ارتفاع جداره ساختمان در مجاورت کوچه، به حدود ۱۱۰ رگ رسانده شده است. این در حالی است که



شکل ۷۴. ارتفاع خانه راستگو در مجاورت معبر با احداث یک اتاق به دو طبقه رسانده شده، در حالی که بقیه خانه در یک طبقه ساخته شده است.

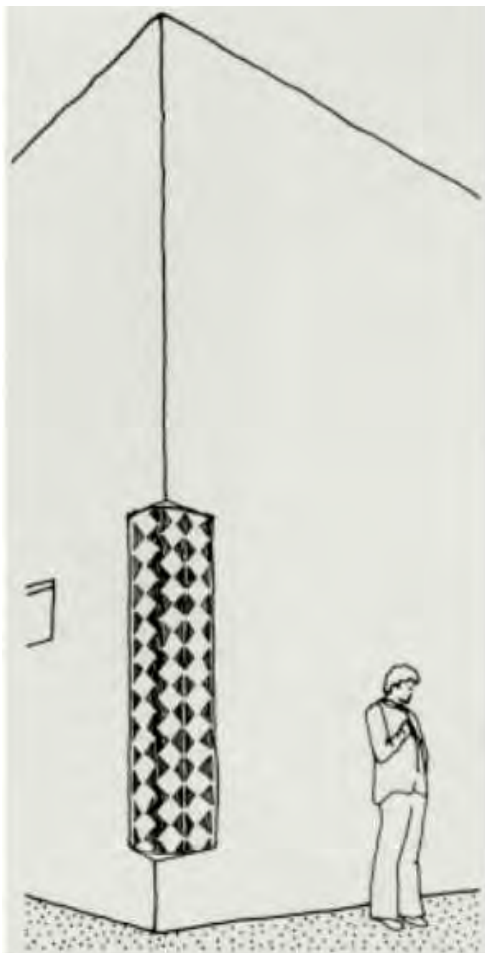


شکل ۷۵. دید به قسمت دو طبقه خانه راستگو از داخل حیاط

◀ رعایت پخی

و شهرهای کشورهای اسلامی بیان می دارد: « [احداث پخی در کنج ساختمان] ممکن است ریشه در دوران پیش از اسلام داشته باشد. یک کنج منحنی برای فرد سوار بر چارپایی مانند شتر، اسب یا الاغ که بار حمل می کند، در هنگام گردش سهولت بیشتری را فراهم می آورد. این عنصر به ایجاد وحدت [در معماری اسلامی] کمک می کرده است. در حالی که طراحی و نحوه پرداخت معمارانه خاص آن تحت حاکمیت عرف بومی یا منطقه ای بوده که ایجاد تنوع را به دنبال می آورده است» (Hakim, 1994, 118).

احداث پخی در کنج های ساختمان نسبت به معبر از دیگر قواعدی بوده که در معماری قاجاری لاهیجان رعایت می شده است. مشاهده ها حاکی از تنوع در شکل و ابعاد پخ های احداث شده در بافت تاریخی لاهیجان می باشد، ولی نگارنده در مورد عرف حاکم بر نحوه تعیین موقعیت، اندازه و ارتفاع این پخ ها اطلاعات مستندی در اختیار ندارد. حکیم با اشاره به تأثیر عرف محلی در شکل دهی به این عنصر معماری در روستاها



شکل ۷۶. سمت چپ: احداث پخی در ساختمانی در روستایی در شمال تونس. در اینجا مشاهده می شود که در عرف محلی پخ های ساختمانی با کاشی های سیاه و سفید تزئین می شوند. سمت راست: پخ ساختمانی در عربستان که در آن رویکردی عملگراتر دیده می شود که طی آن کنج ساختمان تا زیر تزئینات طبقه اول برش داده شده است. (منبع: (Hakim, 1994, 118))



شکل ۷۷. پخی در کنج دیوار محوطه خانه شکوری (نبش کوچه شریعت زاده در محله گابنه) که ارتفاع آن کمی بیش از قد یک نفر آدم متوسط (۳۶ رگ آجر) و پهنای آن دو و نیم آجر است.



شکل ۷۸. پخ در کنج خانه ای در محله گابنه (بن بست آقا غلامحسین) که به اندازه پنج آجر پهنای دارد و از ارتفاع حدود ۵۰ رگ آجر شروع به جمع شدن می کند.



شکل ۷۹. پخی در کنج دیوار محوطه خانه ای در محله گابنه (کوچه منتهی به خیابان سردار جنگل) (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)

◀ پرهیز از اشراف بین همسایه ها



در این قسمت به نکاتی در خصوص نقش معماری در تنظیم ارتباط بین همسایه ها اشاره می شود. برای جلوگیری از اشراف از تالار یک خانه به حیاط همسایه، صرفاً بخشی از حصار محوطه که در مجاورت تالار است، بالا آورده می شود، نه این که تمام دیوار حیاط بلند شود. بدین ترتیب بین میزان سایه اندازی دیوار بر حیاط همسایه، امکان جریان هوا و جلوگیری از اشراف، تعادلی ایجاد می شده است. در مواردی هم مشاهده می شود که یک ساختمان از وسط بین دو مالک تقسیم می شود. در این موارد گاهی برای جلوگیری از اشراف از یک واحد مسکونی به واحد مجاور آن در میانه تالار و در امتداد دیوار حیاط، تیغه ای با تخته های چوبی ساخته می شد که می توانسته تا حدودی جلوی اشراف را بگیرد.

شکل ۸۱. دید به دیوار مجاور تالار در خانه شمسی از حیاط خانه رضائی که به خوبی حریمیت لازم در هر دو خانه را تأمین می نموده است.



شکل ۸۰. دیوارچینی در مجاورت تالار راهی برای پرهیز از اشراف بین همسایه ها بوده است



شکل ۸۲. دیوار مجاور تلار در خانه ای در محله یحیی آباد



شکل ۸۳. در تصویر بالا، خانه سمت چپ می توانسته به حیاط خانه مقابل خود اشراف داشته باشد.



شکل ۸۴. مالک ساختمان سمت راست (در تصویر قبلی) با احداث دیوار بلندی در مقابل ساختمان همسایه محرمیت لازم برای حیاط خانه خود را تأمین نموده است.

با توجه به ارگانیک بودن بافت شهری و موقعیت های متنوعی که در زمینه نحوه استقرار خانه ها در بافت وجود داشت، در شرایط خاص ممکن بود خانه ها طوری نسبت به یکدیگر مستقر شوند که پنجره های خانه همسایه کاملاً به حیاط خانه ای اشراف داشته باشند. نمونه ای از این وضعیت در محله گابنه مشاهده می شود. همان گونه که در تصویر ۸۳ ملاحظه می شود، پنجره های خانه سمت چپ کوچه، می توانستند از فراز کوچه به حیاط خانه سمت راست اشراف داشته باشند. در این وضعیت، مشاهده می شود که مالک خانه سمت راست، جهت مسدود کردن امکان دید همسایه به حیاط خانه خود، کل دیوار مقابل همسایه مورد نظر را بلند ساخته است.^{۲۷}



شکل ۸۵. در تصویر نسبتاً قدیمی از کوچه مورد نظر مشاهده می شود که خانه های سمت چپ کوچه به واسطه پنجره های خود می توانستند به خانه مقابل اشراف داشته باشند که دیوار بلند محوطه در خانه سمت راست مانع از این اشراف گردیده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا مربوط به سال ۱۳۷۱)

صنایع در مصاحبه با نگارنده به صراحت به این نکته اشاره نموده است که علت تعیین بارانداز و انباری با ارتفاعی بیش از حد متعارف در حیاط این بوده که مانع از اشراف از خانه رو به رویی که خانه پر جمعیت و پر رفت و آمدی هم بوده، گردد.

علاوه بر بلند گرفتن ارتفاع دیوارهای محوطه، یکی دیگر از تدابیر قابل استفاده به منظور جلوگیری از دید و اشراف همسایه به داخل خانه و حیاط آن، بلند گرفتن ارتفاع بخش های خدماتی خانه مثل انبار و بارانداز بوده است. در این خصوص، مالک خانه مجمع



شکل ۸۶. بارانداز و انباری خانه مجمع صنایع بلندتر
از حد معمول ساخته شده تا مانع از اشراف از خانه
مقابل به حیاط این خانه گردد.

تأکید بر مفهوم پشت و رو در دیوار محوطه

از گیاهان بومی خودرو بوده است که خود یک تزئین طبیعی برای دیوارها محسوب می شده. همچنین در موارد معدودی مشاهده می شود که در جداره رو به معبر دیوار و در بخش های مرتفع آن، با ایجاد تفاوت رنگ در آجرها طرح های تزئینی ساده ای کار شود. در خانه های قاجاری لاهیجان، بجز این موارد معدود تلاش خاصی جهت تزئین دیوارها به سمت معبر عمومی صورت نمی گرفته است. در اینجا نیز تفاوت معنای درون و بیرون در نگاه سازندگان نسبت به مفهوم خانه به خوبی مشهود است.

در همه انواع خانه های قاجاری لاهیجان عرف این گونه بوده است که دیوار محوطه به سمت معبر به صورت یکدست و بدون تزئین رها گردد، ولی به سمت داخل حیاط با تاقنماهایی آراسته شود. تنها تزئینات محدودی که در این دیوارها رو به معبر انجام می شده، در بالاترین قسمت آن مشاهده می گردد. بدین صورت که ممکن بود دقیقاً در زیر پوشش سفالی روی دیوار، چند ردیف آجر به صورت دالبر چیده شود و آن را تزئین نماید. پوشش سفالی دیوارها معمولاً در فصل بهار محل رویش گل های زنبق و انواع دیگری



شکل ۸۷. تزئین تاقنما یا قوس سه بخشی در دیوارهای محوطه خانه فیاض در محله گابنه



شکل ۸۸. تاقنماسازی دیوار حیاط در خانه محمصی به ایجاد محیطی مطبوع در حیاط کمک می نماید.



شکل ۸۹. تزئین تاقنماهای دیوار حیاط خانه طاهر پرور با نقش ترنج
که می تواند نمادی برای درخت زندگی باشد



شکل ۹۰. تاقنماهای دیوار حیاط متعلق به عمارتی در منطقه حاکم نشین لاهیجان قاجاری که امروزه فقط بقایای دیوار محوطه آن در مقابل مسجد سلیمانیه برجای مانده است.



شکل ۹۱. دیوار محوطه خانه قائمی در محله خمرکلا که سطح بیرونی آن بدون تزئین ساخته شده است



شکل ۹۲. دیوار محوطه خانه ای در یحیی آباد به صورت یک دیوار آجری یکنواخت

عمومی دارای تاقنما است، در گذشته بخشی از محدوده خصوصی خانه های مجاور محسوب می شده که امروزه تبدیل به معبر عمومی شده اند.

به طور بسیار محدود استثناء هایی هم بر این قاعده کلی مشاهده می شود که در آن ها دیوار محوطه به سمت کوچه با تاقنماهایی آراسته شده است. احتمال دارد این موارد محدود که دیوار محوطه به سمت معبر



شکل ۹۳. دیوار محوطه خانه کامران به سمت معبر عمومی دارای تاقنما است و می توان احتمال داد که این معبر در گذشته حالت خصوصی داشته است.

تأکید بر سردر ورودی

در معماری اسلامی محسوب می شود، ریشه در باورها و اعتقادات مردم و به ویژه سنت مهمان نوازی ایشان داشته است. کاربرد عبارت ها و اذکار مذهبی در تزئین سردر ورودی یکی از ویژگی های قابل ملاحظه آنها محسوب می شود.

این امر یک عرف رایج در معماری قاجاری لاهیجان بوده که سردر ورودی خانه حتی الامکان زیبا و دعوت کننده باشد. اهمیت این امر تا حدی است که در کوچه پس کوچه های باریک محلات قدیمی، گاهی عرض سردر ورودی با عرض معبری که به آن راه دارد، برابر می شود یا حتی از آن بیشتر می گردد. این تأکید بر سردر ورودی و آراستن آن در حالی است که سایر جداره های خارجی خانه معمولاً بدون هیچ گونه تزئینی رها می شوند. این خصوصیت که یک خصوصیت عام



شکل ۹۴. سردر ورودی خانه راستگو در گابنه یکی از زیباترین سردرهای موجود لاهیجان محسوب می شود



شکل ۹۵. سردر خانه دوزنده
در محله گابنه یکی از خوش
تناسب ترین سردرهای بافت
قدیم لاهیجان می باشد



شکل ۹۶. سردر خانه
ضیاءظریفی در محله گابنه



شکل ۹۷. سردر خانه همسایه مسجد اکبریه با آجرچینی تزئینی



شکل ۹۸. دروازه چوبی تزئین شده متعلق به خانه پرتو نظری
در محله گابنه
(منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)



شکل ۹۹. دروازه چوبی با تزئینات فلزی در یکی از خانه های لاهیجان (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۰۰. تزئین سردر ورودی هم در خانه های اعیانی و هم در خانه های غیراعیانی مشاهده می شود. (دروازه خانه کریمی در بازارچه منجمی)

۱ - ۵. قواعد طراحی در چارچوب پلاک شهری

قواعد طراحی پلان خانه ها در معماری بومی گیلان در منابع مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. تأکید بر خطی و کم عمق بودن پلان خانه ها، کاربرد ایوان و تالار در خانه، کاربرد بام شیبدار با پیش آمدگی از همه طرف، وضعیت بازشوها، اهمیت تأمین کوران طبیعی، تأمین سایه و مقابله با رطوبت چه رطوبت موجود در زمین، چه در هوا و چه رطوبت به شکل بارش های جوی در شرایط آب و هوایی خاص دشت های گیلان و غیره از نکات مورد اشاره در ادبیات مرتبط می باشد (نک: خاکپور، ۱۳۸۶؛ مبرهن شفیعی، ۱۳۹۰؛ مهدی پور توانا، ۱۳۷۲؛ کسمایی، ۱۳۸۲؛ قبادیان، بی تا؛ صارمی و گل امینی، ۱۳۷۴؛ معماریان، ۱۳۷۵). در این بخش تلاش می شود، تا جای ممکن بدون تکرار نکات بیان شده در منابع قبلی، برخی قواعد طراحی خانه های لاهیجان در شیوه قاجاری آن بیان گردد.

الگوهای کلی چینش ساختمان ها در پلاک

عناصر کالبدی و فضایی اصلی ای که یک خانه قاجاری لاهیجان را شکل می دادند، می توانسته شامل این موارد باشد: ساختمان یا ساختمان های اصلی خانه که در یک طرف یا چند طرف زمین ساخته می شدند، فضاهای خدماتی مانند بارانداز، مطبخ و دستشویی و فضای باز و عناصر آن شامل حیاط و باغچه هایش، حوض و چاه آب و سردر ورودی. در چینش کلی فضاها در پلاک مسکونی الگوهایی مشاهده می شود که در این بخش

به آنها پرداخته می شود. از آنجا که در لاهیجان قدیم، بهترین جهت برای رو کردن ساختمان جهت مشرق بوده، بهترین جهت برای در نظر گرفتن حیاط در پلاک مورد نظر سمت مشرق بوده است. بدین ترتیب، این امکان فراهم می شده که نمای اصلی ساختمان هم رو به حیاط و هم رو به مشرق باشد. البته این قاعده کلی در شرایط مختلف تنوعات و استثناء هایی هم دارد. برای مثال گاهی جهت تأمین درونگرایی در خانه لازم می شده که ساختمان به سمت غرب ساخته شود و در این صورت حیاط در سمت غرب زمین ساخته می شد یا گاهی ممکن بود دو طرف زمین ساخته شود که در این صورت حیاط در میانه زمین جای می گرفت. همچنین با توجه به نظام مطلوبیت جهت ها در شرایطی ممکن بود سازندگان ساختمان را رو به شمال یا جهت های دیگر در نظر بگیرند که در این صورت موقعیت حیاط و سایر عناصر خانه هم متناسب با آن تعیین می شد.

در مکانیابی فضاهای خدماتی خانه معمولاً قاعده بر این بود که این فضاها حتی الامکان دور از ساختمان اصلی خانه قرار بگیرند و کمترین مزاحمت و خطر را برای آن ایجاد نمایند. همچنین گاهی به کمک همین فضاها سعی می کردند که حریمیت و درونگرایی لازم در حیاط خانه را تأمین نمایند. نمونه چنین موردی در خانه مجمع صنایع مشاهده می گردد. در خانه های قلعه ای ممکن بود فضاهای خدماتی فهرست مفصل تری را در بر گیرد و شامل فضاهای حفاظتی و نظامی هم شود.

در سفرنامه نایب الصدر شیرازی^{۲۸} به مهمانی شام در منزل یکی از بزرگان رشت و ماجرای آتش سوزی در آشپزخانه آن اشاره شده است: «در اطاق سفره خانه به دور دستار خوان حلقه زدند [و] به اطعمه چرب و شیرین و اشربه عذب معین متنعم گردیدند. یکی به لحم طری مایل و برخی به صدور دیوک مقدسه مسبحه نایل. خجسته بزمی و فرخنده نظامی داشت... بعد از ادای فریضه شام و خفتن، روزگار

تلافی روز را به شب در آورد. «سر به سر نوش این جهان نیش است». ساعت چهار از مطبخ سرای جناب میزبان فریاد الحریق بلند شد. سبحان الله! «لیس الخبر کالعیان». بر مهمان چه می گذرد؟ باری به باری حضرت باری تعالی نگذاریم که آتش از آشپزخانه سرایت نماید و به عمارت رسد. به هر قسم بود اطفاء نیران گردید. «(نایب الصدر شیرازی، ۱۳۹۳، ۷۴-۷۵). این ماجرا می تواند توضیحی باشد برای این که چرا در گذشته مطبخ را تا حد امکان دور از ساختمان اصلی خانه می ساختند. از مهم ترین فضاهای خدماتی در خانه های قاجاری لاهیجان که معمولاً خارج از ساختمان اصلی خانه قرار می گرفتند، می توان به

بارانداز اشاره نمود^{۲۹}. بارانداز در واقع یک فضای مسقف نیمه باز یا سایه بانی بوده که معمولاً کوتاه تر از ساختمان اصلی خانه بود و می توانست کاربردهای متنوعی داشته باشد. این فضا می توانسته محل انبار کردن لوازم و اقلام مختلفی باشد. برای مثال محل نگهداری هیزم و زغال یا به اصطلاح «زغال خانه»^{۳۰} می توانسته در بارانداز باشد. البته در عمارت های بزرگ تر زغال خانه می توانسته اتاق مجزایی را به خود اختصاص دهد. برای مثال، زغال خانه عمارت سالار مؤید^{۳۱} که هنوز موجود است، در یکی از برج های واقع در حصار بلند محوطه واقع بوده است.



شکل ۱۰۱. بارانداز یکی از فضاهای خدماتی اصلی در خانه های قاجاری لاهیجان محسوب می شده که کاربردهای متنوعی داشته است. در این تصویر بارانداز خانه راستگو دیده می شود.



شکل ۱۰۲. زغال-خانه یکی از فضاهای خدماتی در خانه های قاجاری لاهیجان بوده است. در تصویر زغال-خانه عمارت افتخار عسکری دیده می شود که در یکی از برج های دیوار محوطه تعبیه شده است.

«مبال» یا «جایی» نامیده شود، معمولاً در کنج حیاط و دور از ساختمان خانه واقع می شده است. البته در خانه رضانی بر خلاف این شیوه رایج مشاهده می شود که در کنار ساختمان خانه و بین آن و ساختمان خانه همسایه راهروی باریکی در نظر گرفته شده که در انتهای آن دستشویی قرار گرفته است. در واقع در این مورد، ساختمان خانه کل بر زمین را اشغال نکرده و به اندازه احداث یک دستشویی از همسایه بغلی خود فاصله گرفته است.

بارانداز می توانسته به عنوان محل خشک کردن لباس ها در ایام بارانی و یا نگهداری حیوانات خانگی و مانند اینها استفاده شود. آشپزخانه یا مطبخ که گاهی در گویش لاهیجانی «کله بنه»^{۳۲} نامیده می شد، ممکن بود اتاقی محصور یا فضایی نیمه باز در کنج حیاط باشد. این فضا می توانست به صورت مجزا از بارانداز و یا صرفاً به عنوان بخشی از بارانداز تعریف شود. از فضاهای خدماتی دیگر می توان به دستشویی و در برخی خانه ها به یخچال طبیعی و حمام اشاره نمود. دستشویی که در اصطلاح بومی می توانسته «مستراح»،



شکل ۱۰۳. دستشویی خانه رضائی در فضای بین این خانه و خانه همسایه اش جای داده شده است.

نیز از همین راهرو قابل دسترس است. نمونه هایی از این راهرو های دسترسی را می توان در خانه ضیاظریفی و رضائی مشاهده نمود. در خانه نظام شکن این فضا شکلی مشابه یک اتاق را به خود می گیرد.

در ساختمان های بر ساز که دروازه ورودی خانه در جداره ساختمان آن قرار دارد و حیاط در پشت ساختمان جای می گیرد، استفاده از راهروی دسترسی به حیاط در طبقه همکف الزامی می شود. معمولاً راه پله دسترسی به طبقات



شکل ۱۰۴. راهروی ورودی در خانه رمضانی که امکان دسترسی به حیاط و پله داخلی را فراهم می آورد.

تعدادی از اتاق ها در پشت خانه واقع شده است که برای دسترسی به آنها یک معبر سرپوشیده پیش بینی شده است. در خانه صفارنیا نیز برای دسترسی به یخچال واقع در پشت خانه از همین شگرد استفاده شده است.

استفاده از این معابر سرپوشیده علاوه بر راهروی ورودی، در داخل یک خانه هم قابل مشاهده است. بدین ترتیب که گاهی برای ایجاد مسیر عبوری بین دو طرف یک ساختمان گذرگاهی در نظر گرفته می شود. برای مثال در خانه پرتو نظری با توجه به شکل نامتعارف زمین، بخشی از حیاط و



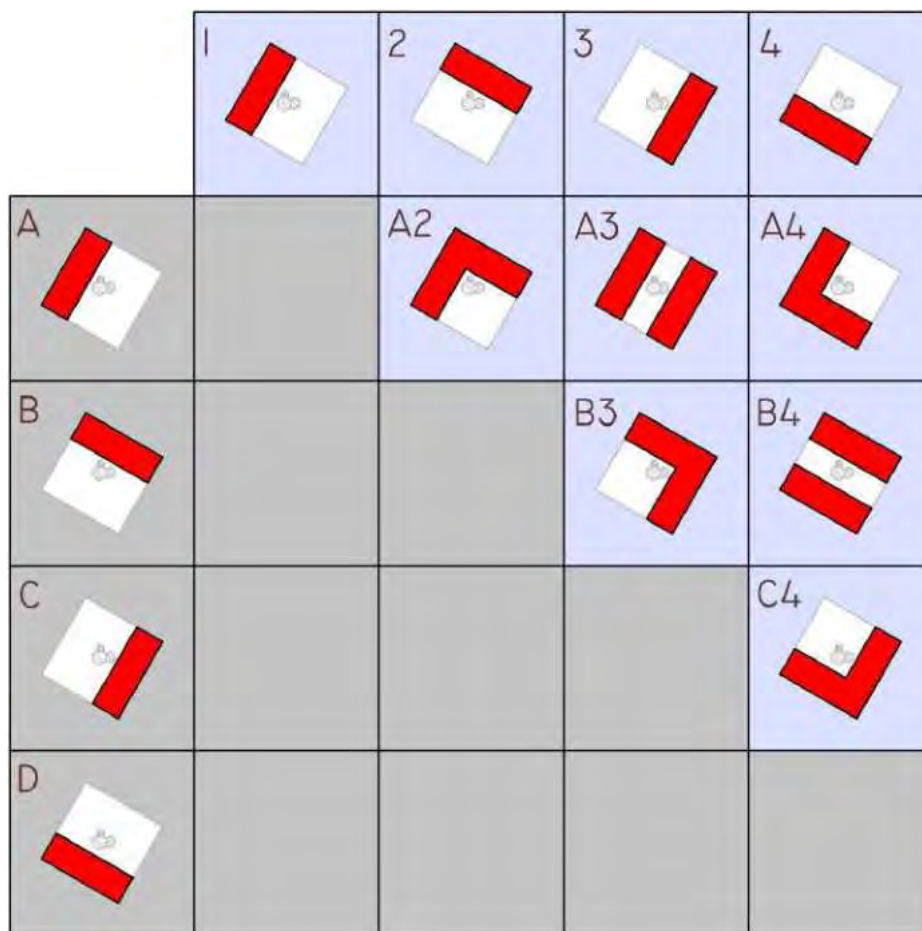
شکل ۱۰۵. یکی از عناصر کالبدی قابل استفاده در طراحی معماری خانه های قاجاری لاهیجان، معبر سرپوشیده داخل خانه بوده که می توانسته برای ایجاد ارتباط بین دو طرف ساختمان خانه مورد استفاده قرار گیرد. تصویر فوق معبر سرپوشیده در خانه بریسم حقیری را به نمایش می گذارد.



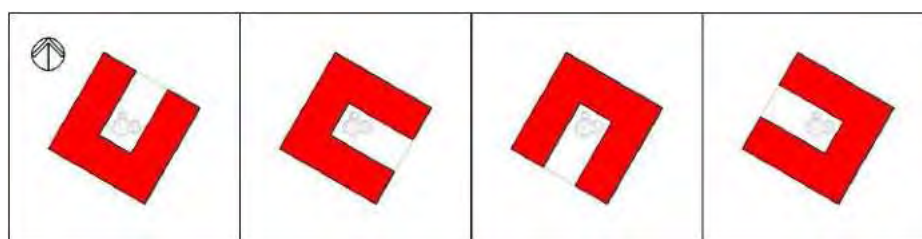
شکل ۱۰۶. معبر سرپوشیده خانه صفارنیا جهت دسترسی به محوطه یخچال در پشت خانه در نظر گرفته شده بود.

و الگویی مشابه کوشک در آنها مشاهده می شود، نیز الگوهای متنوعی قابل تصور است. البته با بررسی عکس های هوایی لاهیجان مشخص است که فراوانی کاربرد همه الگوها یکسان نیست و برخی الگوها از محبوبیت و رواج بیشتری نسبت به سایر الگوها برخوردار بوده اند. در ادامه برخی الگوهای متداول که در چینش فضاها در پلاک مسکونی مشاهده می شوند، معرفی می گردد.

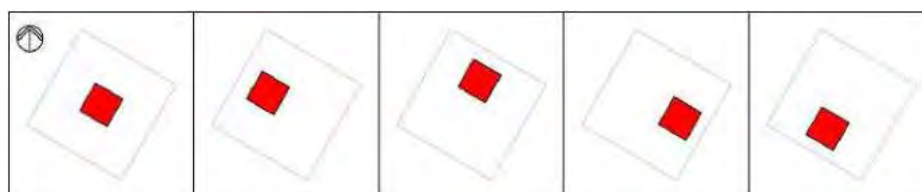
در صورتی که اجزای اصلی تشکیل دهنده پلاک شهری از ساختمان یا ساختمان هایی در یک یا دو طرف زمین تشکیل شده باشد، الگوهای اصلی استقرار این ساختمان ها در پلاک مورد نظر را می توان در شکل ۱۰۷ خلاصه نمود. در صورتی که سه ضلع از اضلاع چهارگانه پلاک شهری مورد نظر ساخته شود، چهار حالت برای آن قابل تصور است (شکل ۱۰۸). در مورد خانه هایی که در آنها ساختمان خانه در میان یک محوطه باز قرار می گیرد



شکل ۱۰۷. الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای تشکیل شده از یک ساختمان و دو ساختمان (یک-طرف-ساز و دو-طرف-ساز)

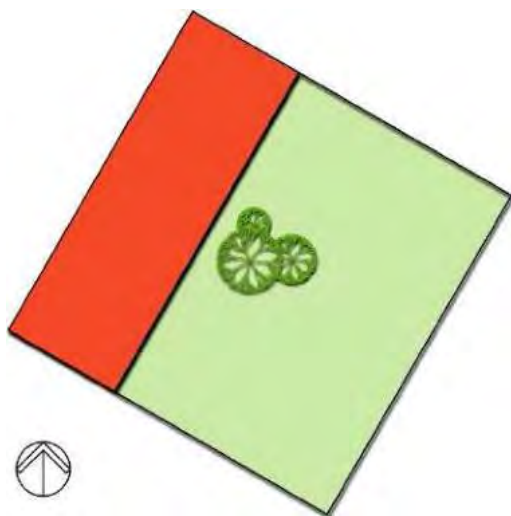


شکل ۱۰۸. الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای تشکیل شده از سه ساختمان (سه-طرف-ساز)



شکل ۱۰۹. الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای کوشکی

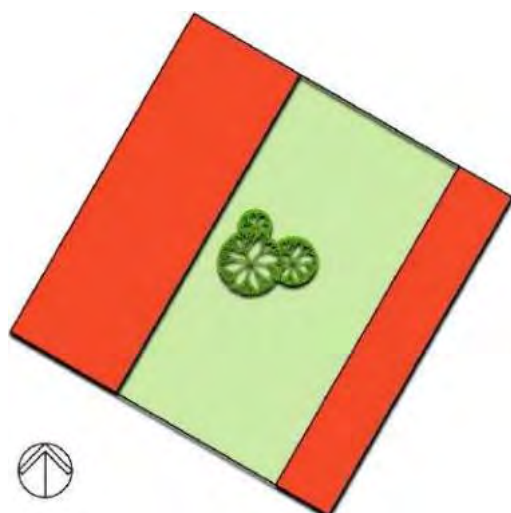
الگوی تک ساختمان در غرب زمین



شکل ۱۱۰. تصویر بالا: الگوی تک ساختمان در غرب و حیات در شرق زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در کوچه اکبریه



ساختمان در سمت غرب، حیاط
در وسط، بارانداز در سمت شرق



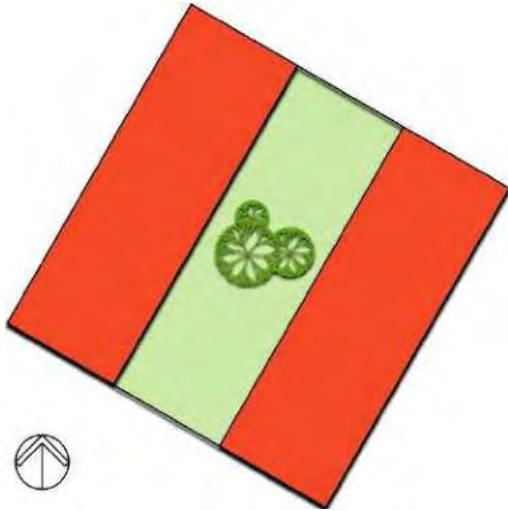
شکل ۱۱۱. تصویر بالا: الگوی تک ساختمان در
غرب، حیاط در وسط و بارانداز در شرق زمین.
تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در
خانه طاهرپور





شکل ۱۱۲. نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه راستگو

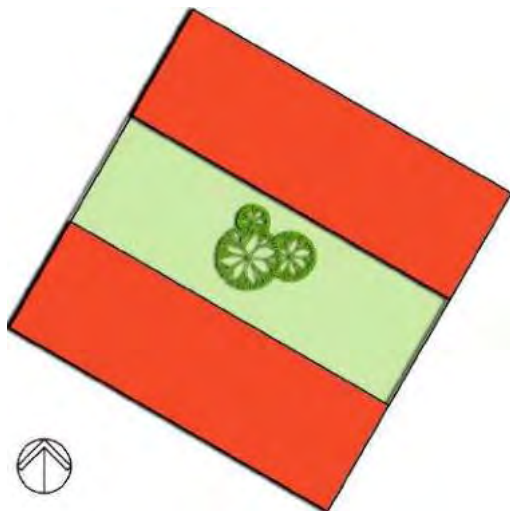
الگوی به شکل ۱۱. یک ساختمان
در سمت غرب، حیاط در وسط،
ساختمان دوم در شرق



شکل ۱۱۳. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در
غرب، حیاط در وسط و یک ساختمان در شرق
زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی
فوق در خانه بصیرالتجار



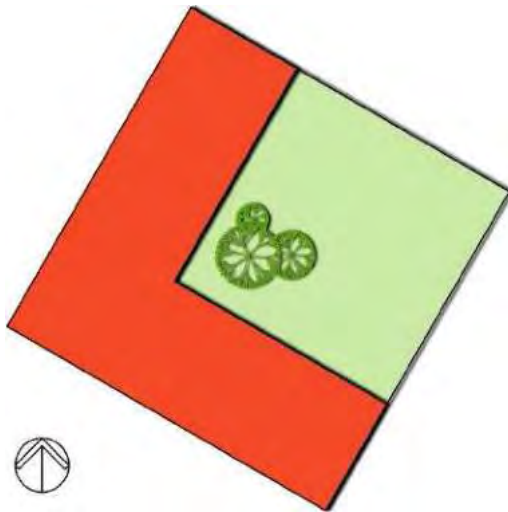
الگوی به شکل ۱۱ خوابیده. یک
ساختمان در سمت شمال، حیاط
در وسط، ساختمان دوم در جنوب



شکل ۱۱۴. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در
شمال، حیاط در وسط و یک ساختمان در جنوب
زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی
فوق در محله یحیی آباد



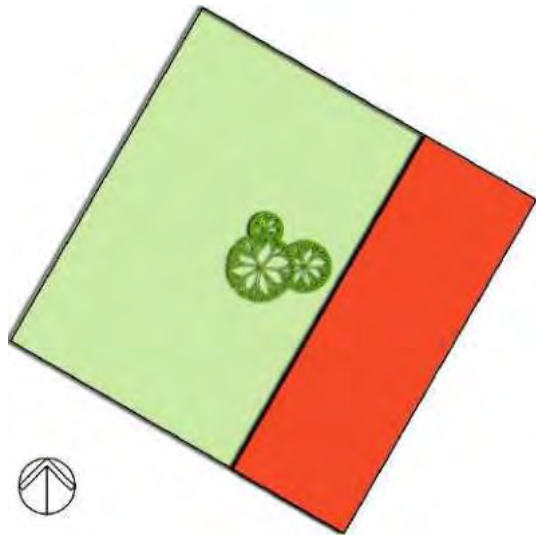
الگوی L به طرف شمال شرق



شکل ۱۱۵. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در شرق و یک ساختمان در جنوب زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در محله یحیی آباد



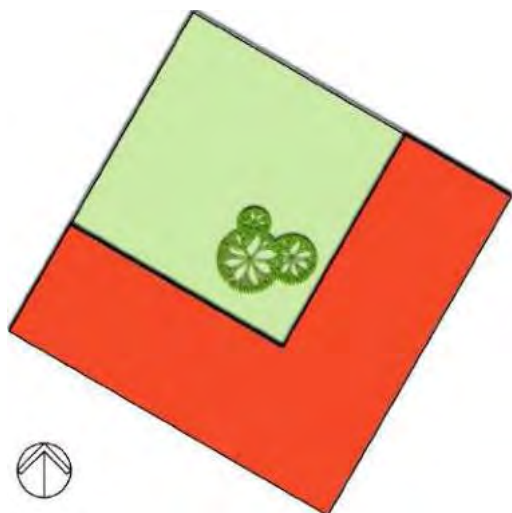
الگوی تک ساختمان در شرق، حیاط در غرب



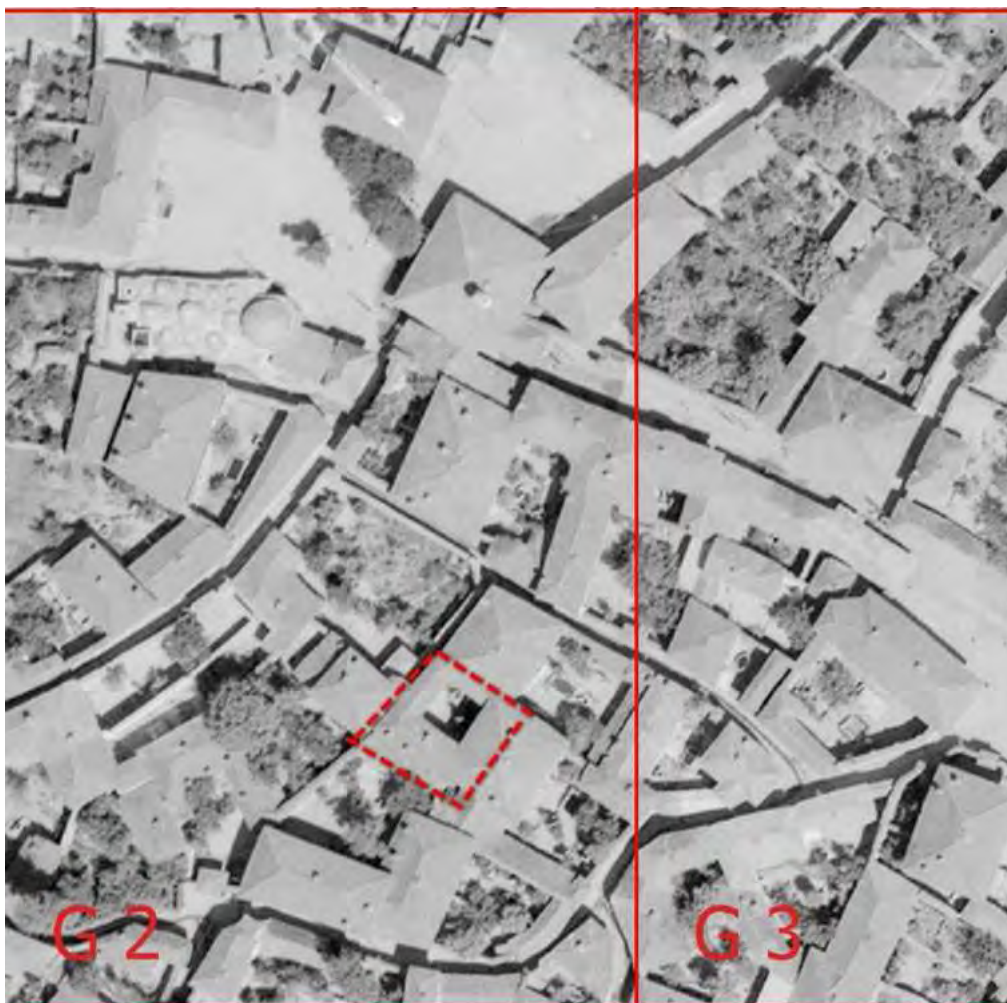
شکل ۱۱۶. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در غرب و حیاط در شرق زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه رضائی در کوچه اکبریّه



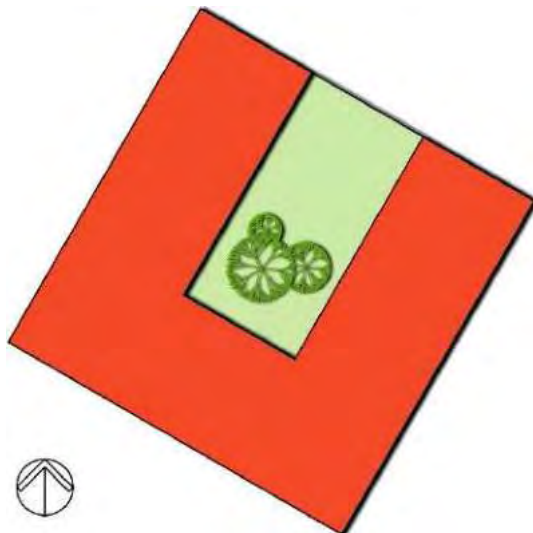
الگوی I به طرف شمال غرب



شکل ۱۱۷. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان در جنوب و یک ساختمان در غرب زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه صفارنیا



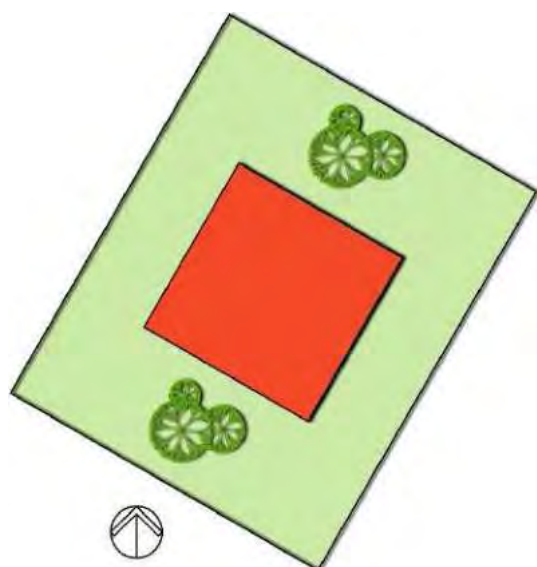
الگوی U به طرف شمال: یک
ساختمان در غرب، حیاط در وسط،
ساختمان دوم و سوم در شرق و
جنوب



شکل ۱۱۸. تصویر بالا: الگوی سه ساختمان در
غرب، جنوب و شرق زمین. تصویر پایین: نمونه
ای از کاربرد الگوی فوق در خانه همسایه شمالی
مسجد اکبریه



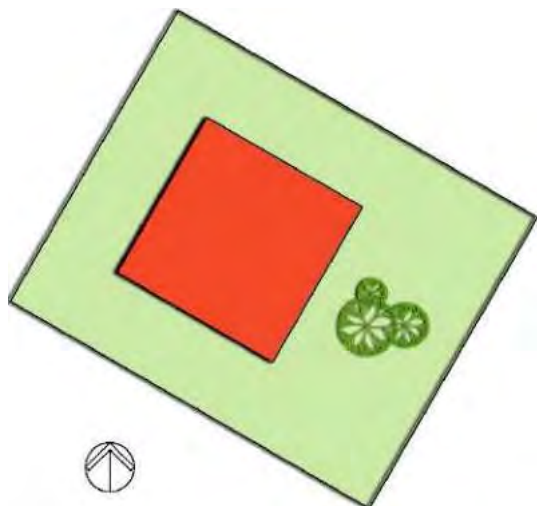
الگوی کوشک در مرکز



شکل ۱۱۹. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان کوشک-مانند در وسط زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه افتخار عسکری



◀ الگوی کوشک در نیمه غربی



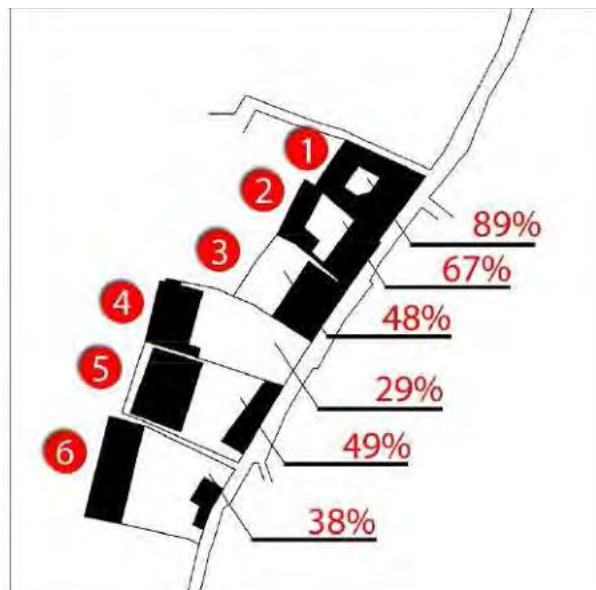
شکل ۱۲۰. تصویر بالا: الگوی یک ساختمان کوشک-مانند در نیمه غربی زمین. تصویر پایین: نمونه ای از کاربرد الگوی فوق در خانه صادقی



مفهوم درصد سطح اشغال در معماری قاجاری لاهیجان

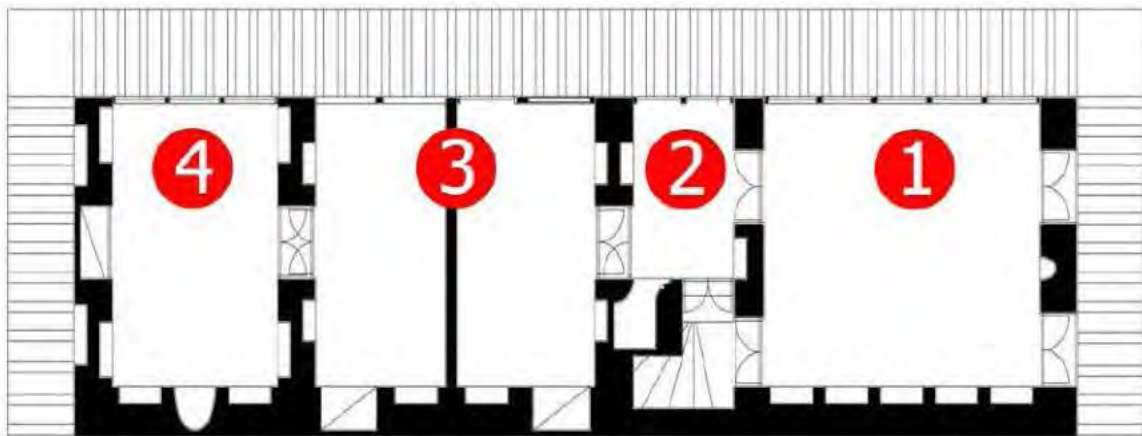
معماری مؤثر نبوده است^{۳۳}. در این معماری اشغال درصد خاصی از مساحت زمین، تابع عواملی از قبیل قواعد جهت گیری خانه ها نسبت به جهات جغرافیایی، تأمین درونگرایی لازم در حیاط، تیپولوژی خاص مسکن و نیاز و خواست کارفرما بوده است. برای مثال، با توجه به تیپولوژی خاص مسکن شهری لاهیجان، تصمیم درباره این که آیا پلان خانه به اندازه یک ردیف اتاق عمق داشته باشد یا به تعداد چند ردیف باشد، از عوامل تأثیرگذار بر ابعاد ساختمان و به دنبال آن درصد سطح اشغال زمین بوده است.

به واسطه کاربرد این الگوهای استقرار متنوع در معماری خانه های قاجاری لاهیجان است که مشاهده می شود درصد سطح اشغال در پلاک های شهری تنوع زیادی دارد و بر خلاف معماری امروز از قاعده کلی ۴۰%-۶۰% تبعیت نمی نماید. برای مثال، در کوچه اکبریّه، بررسی درصد سطح اشغال در شش پلاک مجاور هم تنوعی از حدود ۳۰% تا حدود ۹۰% را به نمایش می گذارد. در واقع، در معماری بومی لاهیجان، مفهومی با عنوان ضابطه سطح اشغال تعریف شده نبوده و آنچه امروزه با این عنوان اعمال می شود، در این



شکل ۱۲۱. بررسی درصد سطح اشغال در شش خانه همسایه در کوچه اکبریّه نشان دهنده تنوعی از حدود ۳۰% تا ۹۰% می باشد. در معماری خانه های قاجاری لاهیجان درصد سطح اشغال به صورت یک ضابطه تعریف شده نبود.

الگوی اولیه حاکم بر پلان ساختمان خانه در اصطلاح محلی، الگوی «ایوان-اتاق»^{۳۴} نامیده می شده است. در این الگو تعدادی اتاق به صورت پهلوی به پهلوی هم قرار می گیرند و ایوانی سرتاسری در مقابل آنها واقع می شود. اتاق ها علاوه بر این که از طریق ایوان قابل دسترسی هستند از داخل نیز به صورت تو در تو به یکدیگر مرتبط هستند. منزل دوزنده نمونه خوبی برای این الگو محسوب می شود. این الگو در زبان امروزی می تواند الگوی خطی نامیده شود.

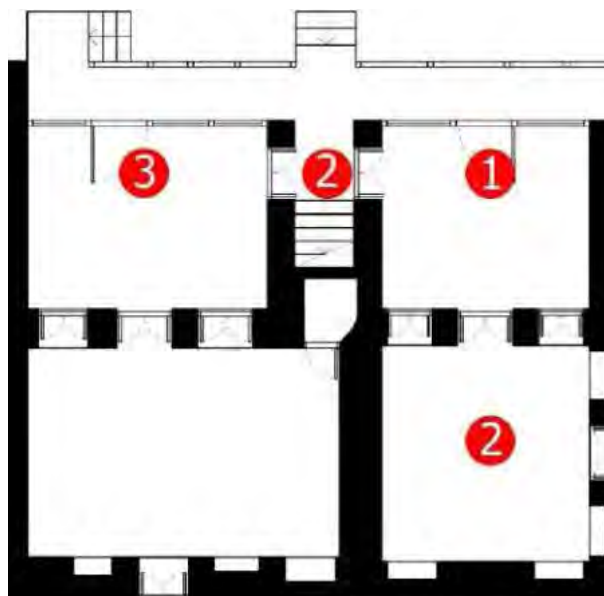


شکل ۱۲۲. الگوی اولیه پلان خانه های قاجاری لاهیجان الگوی «ایوان-اتاق» یا الگوی خطی بوده است. پلان خانه دوزنده نمونه ای از این پلان ها می باشد.

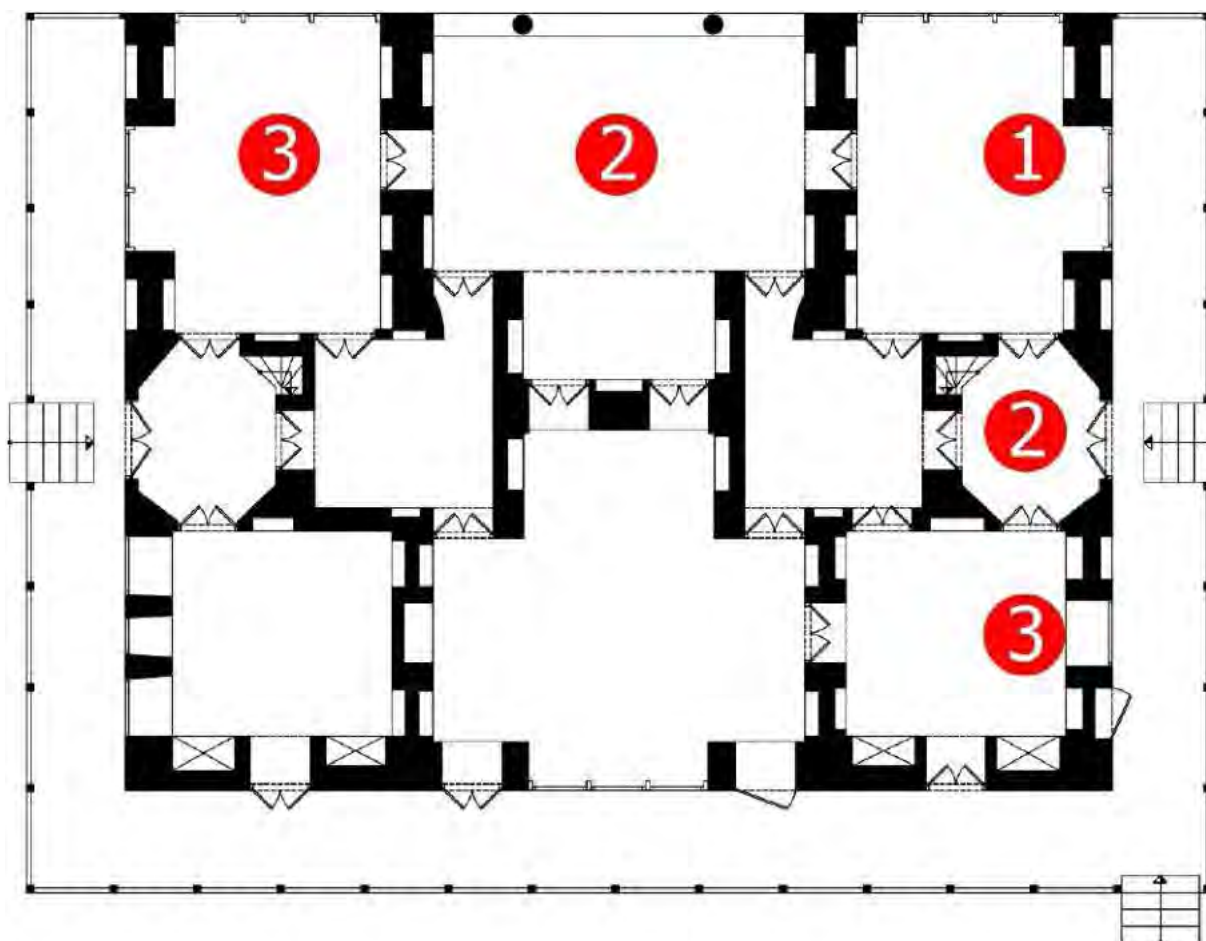
عدد دوم بیان نمود. برای مثال، پلان خانه دوزنده یک پلان خطی یک لایه ای است که فقط از یک ردیف اتاق و ایوانی در مقابل آنها تشکیل شده است. از این رو می توان آن را یک پلان یک در چهار نامید^{۳۵}. پلان خانه طاهرپرور در امتداد طولی شامل سه فضای اصلی (پله ای در وسط و دو اتاق در طرفین آن) می باشد و در امتداد عرضی شامل دو لایه اتاق و یک ایوان سرتاسری در مقابل آنها است. بدین ترتیب، می توان آن را پلانی با ساختار دو در سه در نظر گرفت.

با توجه به تنوع در ابعاد و اندازه های اتاق ها و ایوان و موقعیت پله ها و تعداد اتاق ها در امتداد طولی و عرضی ساختمان می توان انواع متنوعی از این پلان ها را تصور نمود. در ساده ترین حالت می توان الگوی کلی حاکم بر پلان ساختمان را به صورت یک ماتریس دو بعدی تصور نمود و تعداد بخش های فضایی اصلی در امتداد عرضی و طولی ساختمان را شمارش نمود و در ماتریس جا داد. بر این مبنا، الگوی کلی هر پلان را می توان به صورت حاصل ضرب عدد اول در

پلان عمارت صادقی در امتداد طولی شامل سه اتاق و در امتداد عرضی هم شامل سه اتاق بوده است و می توان آن را پلانی با ساختار کلی سه در سه در نظر گرفت. البته با توجه به این که شاه نشین این ساختمان طرح چلیپایی دارد، ساختار پلان در میانه خود به پنج بخش تقسیم شده است که نام گذاری سه در سه به این امر اشاره دقیقی ندارد.



شکل ۱۲۳. ساختار پلان خانه طاهرپرور را می توان دو در سه نامید.



شکل ۱۲۴. پلان خانه صادقی را می توان دارای ساختار کلی سه در سه دانست.

باید توجه داشت که منظور از پیشنهاد الگوی فوق تنها ساده سازی فهم ساختار اولیه پلان به ویژه در مواقعی است که امکان بازدید از داخل ساختمان فراهم نیست و بیننده باید از بیرون ساختمان، نوع پلان آن را حدس بزند و شناسایی نماید. برای مثال، در مورد عمارت تخریب شده امین دیوان بر مبنای عکس های هوایی موجود می توان گفت، پلان این عمارت احتمالاً شامل هفت اتاق در امتداد طولی و سه یا چهار اتاق در امتداد عرضی ساختمان بوده است.^{۳۶}

هرچند الگوی ایوان-اتاق یک الگوی مبنایی در معماری لاهیجان و خیلی از مناطق گیلان بوده است، اما در بسیاری از خانه های شهری لاهیجان مشاهده می شود که ایوان سرتاسری از مقابل اتاق های خانه حذف می شود و اتاق ها صرفاً از درون خانه به یکدیگر مرتبط هستند. در این خانه ها به جای یک ایوان سرتاسری ممکن است بالکن هایی منفرد در مقابل اتاق ها ظاهر شود که دیگر رفت و آمد روزانه اهالی منزل در آن قابل مشاهده نیست. احتمالاً این موضوع را می توان در ارتباط با تغییر سبک زندگی و شاید هم تأثیرپذیری از الگوهای معماری غربی تفسیر نمود.

در طراحی پلان ساختمان تلاش می شود که شکل کلی آن حتی الامکان مستطیلی باشد. البته در زمین های محدود و یا دارای شکل نامتعارف، امکان شکل گیری پلان های غیر مستطیلی هم وجود دارد. نمونه ای از این پلان ها را می توان در منزل بریسم حقیری (نک: خانه شماره ۳ در ضمیمه شماره ۱) ملاحظه نمود که در آن سازندگان نهایت تلاش خود را کرده اند تا در زمینی با شکل نامتعارف ضمن رعایت الگوهای رایج در معماری مسکونی، بهترین استفاده ممکن از فضای محدود را بنمایند. ولی به هر حال، تفکیک فضاهای مختلف و سر هم کردن مجدد آنها با تأکید بر فردیت هر فضا، آن گونه که در معماری مدرن اتفاق می افتد (نک: 13، Zevi, 1978)، در اینجا مشاهده نمی شود.

◀ سازماندهی فضاها در طبقات

در خصوص قواعد و هنجارهای مربوط به طبقات ساختمان می توان گفت که به طور کلی طبقه دوم مهم تر و ارزشمندتر از طبقه اول محسوب می شده است. نایب الصدر در سفرنامه خود به مرطوب بودن طبقه همکف در خانه های گیلان اشاره نموده، می گوید از آنجا که «در کلیه گیلان مرتبه تحتانی مرطوبی است، مراتب فوقانی را لازم دارند» (نایب الصدر شیرازی، ۱۳۹۳، ۵۴). با بررسی نمونه ها مشاهده می شود که اتاق ها در طبقه بالایی سقف بلندتری دارند، در حالی که ارتفاع اتاق های طبقه همکف کمتر و معمولاً حدود ۲۲۰ سانتی متر (حدود دو ذرع) است. فضاهای طبقه بالایی از تزئینات چشمگیر تر و به طور کلی کیفیت فضایی بالاتری برخوردارند. به گفته برخی از اهالی مصاحبه شده در این پژوهش، طبقه بالا معمولاً محل زندگی بزرگ خانواده بوده است، در حالی که در طبقه همکف افراد با درجات پایین تر زندگی می کردند.

نامگذاری اتاق ها

در خصوص اسامی اتاق ها پرس و جو درباره نام های مورد استفاده توسط ساکنان این خانه ها حاکی از آن است که ممکن بود هر خانواده ای بنا به تشخیص خود برای اتاق های خانه اسامی خاصی را ابداع نماید و به کار گیرد و در نتیجه، یک رویه استاندارد برای این امر در کل شهر مشاهده نشد. از این رو، تنوع اسامی به نسبت زیاد است. برخی از اسامی مورد اشاره توسط ساکنان و اهالی بومی لاهیجان به قرار زیر است:

درجیک اتاق (Darjik ö'tägh): اتاقی که دارای

پنجره (درجیک) رو به کوچه بوده است.

میمن اوتاق (Maymon ö'tägh): مهمان-اتاق، اتاق مهمان

بالکن اوتاق (Bälkon ö'tägh): اتاقی که دارای بالکن است.

کوچ اوتاقی (Köchə ötä'ghay): کوچک-اتاق، اتاق کوچک در پشت پله بین دو اتاق اصلی طبقه مورد نظر.

جیر اوتاق (Jirə ö'tägh): اتاق پایین، اتاقی در طبقه پایین خانه

جور اوتاق (Jorə ö'tägh): اتاق بالا، اتاقی در طبقه بالای خانه

قهوه اتاق (Ghahvə ö'tägh): اتاقی که کاربرد آشپزخانه را داشت.

سالن: اتاق بزرگ و اصلی در طبقه

البته با پرس و جو از ساکنان خانه ها نمی توان الزاماً به اسامی ای دست یافت که معماران و سازندگان بناها در حین طراحی و ساخت بنا برای نامگذاری فضاها استفاده می کردند. نایب الصدر شیرازی در سفرنامه خود برای نامیدن فضاهای خانه های اعیان گیلان از اسامی رسمی در معماری قاجاری ایران مانند اطاق سفره خانه (۱۳۹۳، ۷۴)، مطبخ سرا (همان: ۷۵)، حمام سر خانه (همان: ۶۶) استفاده نموده است. اما مشخص نیست که آیا این اصطلاحات توسط سازندگان هم به همین ترتیب مورد استفاده قرار می گرفتند یا نه.

اولویت اتاق مهمان بر سایر اتاق ها

مشاهدات حاکی از آن است که بین اتاق ها، اتاق مهمان از همه مهم تر بوده است. ظاهراً این اتاق «مهمان-اتاق» (اتاق مهمان) و بعدها «سالن» یا «پذیرایی» نامیده می شده است. کاربرد پنجره ارسی در این اتاق نشانه اهمیت بالای آن می باشد. در مکانیابی این اتاق سعی می شده در جایی قرار داده شود که از بهترین نورگیری و تهویه برخوردار باشد. استفاده از نورگیری و تهویه دو طرفه بیش از هر اتاق دیگری در این اتاق مشاهده می شود که می توانسته در قالب تهویه و نورگیری از دو ضلع مجاور هم و یا دو ضلع رو به روی هم اتفاق بیافتد. در خانه دوزنده، طاهرپرور و کامران مشاهده می شود که اتاق مهمان در بهترین موقعیت یعنی ضلع جنوب شرقی مکانیابی شده است و از هر دو طرف یعنی شرق و جنوب امکان نورگیری و تهویه دارد. در خانه فیاض با توجه به هندسه خاص زمین اتاق مهمان در جایی از پلان مکانیابی شده که نورگیری و امکان تهویه متقابل از سمت شرق و غرب برای آن فراهم آید.



شکل ۱۲۵. اتاق مهمان در خانه دوزنده: معمولاً در هر خانه قاجاری لاهیجان، اتاق مهمان بالاترین کیفیت معماری را به نمایش می گذارد.



شکل ۱۲۶. اتاق مهمان خانه فیاض

خانه جهانسوز، قائمی، صادقی و خانه نبش
کوچه دعایی چنین وضعیتی مشاهده می شود.

در برخی از خانه ها مشاهده می شود که
اتاق مهمان در مهم ترین محور بصری نما
یعنی محور تقارن آن مکانیابی می شود. در



شکل ۱۲۷. اتاق مهمان با ارسی هفت بخشی خود در محور تقارن ساختمان قرار گرفته است (خانه پاکدل).



شکل ۱۲۸. در خانه یک طبقه نبش کوچه دعایی در محله کاروانسرا بر اتاق مهمان با ارسی سه بخشی خود در محور تقارن نما قرار گرفته است.



از دیگر نشانه های اهمیت اتاق مهمان این بوده که در خانه های دو طبقه، این فضا در نزدیک ترین محل نسبت به پله مکان یابی می شده است. در خانه فیاض ملاحظه می شود که پله بر خلاف الگوی رایج به طور مماس با نمای اصلی تعبیه شده است که ممکن است یک تصمیم غیر معقول به نظر برسد ولی با دقت بیشتر می توان دریافت که سازندگان با این کار می خواستند که فرد بعد از بالا رفتن از پله ها دقیقاً در مقابل درودی اتاق مهمان قرار بگیرد، در حالی که دسترسی به اتاق های خصوصی تر مستلزم چرخش و تغییر مسیر است.

شکل ۱۲۹. پله خانه فیاض فرد مهمان را دقیقاً به آستانه ورود به اتاق مهمان هدایت می نماید و ورود به اتاق های خصوصی تر مستلزم چرخش و تغییر جهت فرد می باشد.

◀ ابعاد و اندازه اتاق ها

مطالعه نمونه ها حاکی از آن است که شکل هندسی متعارف برای اتاق ها مستطیل بوده است. پلان مربعی یا با هندسه های چندضلعی و یا منحنی در اتاق ها متداول نبوده است. تناسبات طول و عرض فضاها معمولاً در تعداد تاقچه های تعبیه شده در هر ضلع منعکس می شود. تناسبات تقریبی از قبیل دو به سه، سه به چهار، سه به پنج و پنج به هفت از تناسبات معمول در اتاق ها بوده است. بررسی نمونه ها حاکی از آن است که اندازه بین سه تا چهار متر برای عرض اتاق ها (دهنه تیرهای چوبی سقف) ابعاد متعارفی محسوب می شده است.

◀ حریمیت در اتاق ها

در عرف معماری دوره قاجار بر خلاف امروز، ارتباطات اتاق ها به صورت تو در تو ارتباط مقبول و متعارفی محسوب می شده و هر اتاق می توانسته از یک یا چند جهت به ایوان و اتاق های مجاور خود در و پنجره داشته باشد. می توان گفت در خانه های قاجاری لاهیجان، حریمیت و استقلال اتاق ها به شکلی که امروزه متعارف است، تعریف شده نبود و سبک زندگی مردم هم به گونه ای بوده که مشکلی با این وضع احساس نمی کردند.

◀ تاقچه و شکاف و کمد دیواری

دیوارهای داخل خانه حتی الامکان دارای تاقچه و کمد های دیواری هستند تا خانواده بتواند لوازم و اشیاء مورد نظر خود را در آنها بگنجاند. در خانه های قاجاری لاهیجان همانند خانه های سایر نقاط ایران، مبلمان و تجهیزات غیر ثابت از قبیل کمد و میز و نیمکت و مانند آن کم بوده است. حقیق و صلواتی در مقاله خود که به بررسی نقدهای اروپاییان بر معماری سنتی ایران می پردازند، به این موضوع به عنوان یکی از این نقدها اشاره کرده اند (۱۳۹۶، ۶۷):

تنوع کم و کمبود اثاثیه در منازل ایرانی از دیگر مواردی است که دست خوش نقادی اروپاییان قرار می گیرد. برای مثال، «پولاک» می نویسد: «هر گاه اتاقی به طرز شایسته با قالی مفروش شده باشد دیگر به نظر ایرانیان از نظر مبیل و وسایل موجود در آن کامل شمرده می شود، زیرا در ذهن ایرانی، مبیل و طرز استفاده از آن محلی از اعراب ندارد».

◀ نورگیری و تهویه اتاق ها

در خانه های قاجاری لاهیجان، به ویژه خانه های نوع دو و سه الزامی وجود نداشته که همه اتاق ها امکان نورگیری و تهویه مستقیم داشته باشند. نورگیری و تهویه طبیعی با واسطه فضای ایوان یا اتاق مجاور هم قابل قبول بوده است. این امر به خصوص در مورد اتاق های واقع در طبقه همکف ملموس تر و شاید آزاردهنده تر بوده است و می توان درک کرد که به واسطه همین کم نور بودن اتاق ها و عدم برخورداری از تهویه مطلوب بوده که از دهه ۱۳۲۰ به بعد پنجره های زیادی به خانه های لاهیجان افزوده شد (نک به پی نوشت شماره ۲۳).

در خانه های قاجاری لاهیجان مشاهده می شود که سازندگان از هر فضای ممکن برای ایجاد کمد دیواری و انبار استفاده نموده و تلاش کرده اند تا هیچ فضایی بلا استفاده نمایند. برای مثال، در منزل طاهرپرور مشاهده می شود که فضای زیر پله و روی پله به طور کامل به انباری و کمد اختصاص یافته به نحوی که می توان گفت کوچکترین فضایی هدر نرفته است. در این خانه اتاقکی که در بالای راه پله قرار دارد و جهت دسترسی به بام استفاده می شود، حکم انبار را هم دارد.



شکل ۱۳۰. در خانه طاهرپرور فضای زیر راه پله به عنوان انبار استفاده شده است.



شکل ۱۳۱. در خانه طاهرپرور از حداقل فضای روی پله نیز به عنوان انبار سقفی استفاده شده است.



شکل ۱۳۲. در خانه طاهرپرور فضای دسترسی به پشت بام نیز حکم انباری را دارد. این فضا توسط ساکنان قفله^{۳۷} نامیده می شده است.



شکل ۱۳۳. در خانه مجمع صنایع از فضای زیر پله به عنوان انبار سقفی استفاده شده است.

غیره بروز می یافت. همچنین تعبیه تاقچه در دیوارهای باربر ساختمان به خوبی با روش ها و فنون سبک سازی دیوارها و جرزهای ساختمانی در آمیختگی و یکپارچگی یافته بود. به نظر می رسد که سازندگان و بناهای بومی به این نتیجه رسیده بودند که کم کردن از جرم ساختمان به ویژه در طبقه بالایی تأثیر به سزایی در مقاومت بنا در مقابل نیروهای جانبی از جمله زلزله خواهد داشت.

با توجه به این که بخش بزرگی از وسایل و تجهیزات زندگی خانواده در تاقچه ها نگهداری می شد، در این خانه ها ساخت تاقچه های دیواری نقش پررنگی در طراحی داخلی اتاق ها و حتی اجرای سیستم سازه ای خانه ایفا می نمود. بدین ترتیب که در تعیین تناسبات اتاق ها و نماسازی داخلی آنها تعداد تاقچه ها در هر ضلع اتاق عاملی تعیین کننده بود و در قالب نسبت هایی مثل دو در سه، سه در پنج، پنج در هفت و



شکل ۱۳۴. تصویری از دیوار پشتی و تالار جانبی خانه دوزنده: در معماری خانه های قاجاری لاهیجان، نظام تاقچه بندی اتاق ها به خوبی با سیستم سازه ای و روش های سبک سازی ساختمان به خصوص در طبقه اول خانه ها ترکیب یافته بود.



شکل ۱۳۵. سبک سازی جرزها در طبقه فوقانی با تبعیت از الگوی تاقچه بندی اتاق ها در خانه فیاض که از بیرون بنا نیز قابل مشاهده است.



شکل ۱۳۶. در برخی خانه های قاجاری لاهیجان تعداد تاقچه های اتاق با نگاه به بنا از بیرون قابل تشخیص است. (خانه طوافی در محله گابنه)



شکل ۱۳۷. تاقچه بندی
اتاق مهمان در خانه دوزنده
همچون عامل اصلی تعیین
نظم فضایی در طراحی
داخلی عمل نموده است.



شکل ۱۳۸. تناسب سه به
پنج اتاق مهمان در خانه
دوزنده از تاقچه بندی آن
قابل تشخیص است.



شکل ۱۳۹. تاقچه بندی اتاق مهمان در خانه فیاض



شکل ۱۴۰. تاقچه و کمدهای دیواری
قدی و نیم قد در اتاق خصوصی خانه
فیاض

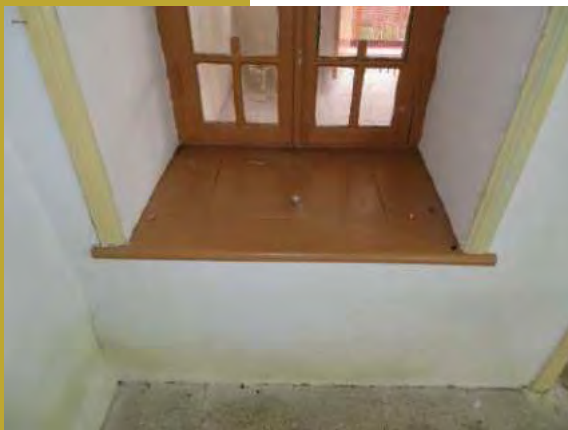


شکل ۱۴۱. کمد دیواری خانه صفارنیا



شکل ۱۴۲. کمد دیواری در خانه محله
میدان کوچه حجت انصاری

نوع خاصی از کمد دیواری که در اصطلاح بومی «شکاف» نامیده می‌شد نیز در خانه های لاهیجان به وفور استفاده می‌شد. این نوع کمد دیواری در زیر پنجره ها و با امکان دسترسی از سطح بالایی آن ساخته می‌شد. بنا به اظهار برخی از ساکنان، به جهت برخی ملاحظات امنیتی در طبقه همکف این کمد ها در زیر پنجره های پیرامونی خانه ساخته نمی‌شدند و صرفاً در دیوار های داخلی که امکان دسترسی آسان از معبر را نداشتند تعبیه می‌شدند.



شکل ۱۴۳. نمونه ای از کمد دیواری
موسوم به شکاف که در زیر پنجره ها
کار می‌شد در خانه طاهرپور

◀ تزئین اتاق ها

است. این استادکاران غیربومی ممکن بود ماه ها در خانه مورد نظر با اهالی خانه زندگی کنند و کارهای تزئینی مورد نظر را انجام دهند. البته با وجود این حجم بالای هنرهای تزئینی که در خانه های قاجاری لاهیجان به کار گرفته می شد، قطعاً بخش بزرگی از کارها به دست استادکاران بومی انجام می شده است. شنیده ها به خصوص در زمینه نقاشی و درودگری حاکی از آن است که در لاهیجان، هنرمندان بومی خبره ای در این رشته ها وجود داشته و مشغول به کار بوده اند.

تزئینات متنوعی در داخل خانه های قاجاری لاهیجان به کار می رفته است و مالکان خانه ها بسته به وسع خود هزینه به نسبت زیادی را صرف تزئینات خانه ها می نمودند. انواع تزئینات متداول در معماری قاجاری ایران از گچبری، آینه کاری، نقاشی، مقرنس سازی و غیره در خانه های لاهیجان مشاهده می شود و شنیده ها حاکی از آن است که به کارگیری استادکاران مختلف از استان های دیگر از جمله قزوین و اصفهان امری نامتداول نبوده



شکل ۱۴۴. نقاشی روی پارچه سقفی در یکی از خانه های محله پرده سر لاهیجان که در حال حاضر تخریب شده است. منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا



شکل ۱۴۵. مقرنس، گچبری، قطاربندی و نقاشی از جمله تزئینات مورد استفاده در خانه های اعیانی لاهیجان بوده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۴۶. تزئینات پرکار در خانه ای در محله پرده سر لاهیجان که تخریب شده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۴۷. ارسی و تزئینات پرکار در خانه ای در محله پرده سر
لاهیجان که تخریب شده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس
صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۴۸. تصویری از مقرنس نیمه ویران در خانه ای در محله پرده
سر لاهیجان که در آن سیستم سازه ای و طناب های مورد استفاده
جهت آویزان کردن تخته های مقرنس قابل مشاهده است. (منبع تصویر:
آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا)

نقاشان، گچکاران، آینه کاران و مانند آن باشد. در خانه پاکدل می توان نمونه جالبی از آینه کاری سقف داخلی در خانه های قاجاری لاهیجان را مشاهده نمود.

یکی از قسمت های اتاق ها که در خانه های اعیانی معمولاً با تزئینات پرکاری همراه بوده است، سقف اتاق ها می باشد. سقف های چوبی فضاهای خانه می توانسته محل هنرنمایی استادکاران مختلف از جمله نجاران،



شکل ۱۴۹. لمبه کوبی مزین در سقف داخلی خانه فیاض

◀ گرمایش اتاق ها



شکل ۱۵۰. شومینه (یا بخاری یا کوره) خانه دوزنده که جهت گرمایش اتاق ها مورد استفاده قرار می گرفت

در خانه های قاجاری لاهیجان، گرمایش اتاق ها از طریق بخاری دیواری یا شومینه صورت می گرفت. ظاهراً این بخاری ها به اصطلاح بومی «کوره» نامیده می شدند^{۳۸}. کوره یا شومینه به دودکش مجهز بود و به کمک آن دود ناشی از سوختن هیزم یا زغال از خانه بیرون فرستاده می شد. البته بنا به اظهار برخی ساکنان، آب بندی دودکش ها در محل تقاطع با بام سفالی یکی از مشکلات متداول این بام ها محسوب می شده و این محل معمولاً یکی از نقاطی بوده که دائماً نیاز به مراقبت و مرمت داشته است.

بنا به اظهارات دکتر مشفق، بعدها با آمدن منقل، مردم به تدریج استفاده از کوره ها را کنار گذاشتند و منقل را جایگزین آنها نمودند. منقل مسی نوع متداول منقل بود ولی اعیان معمولاً از منقل برنجی استفاده می کردند. همچنین بنا به اظهارات ایشان، در قدیم مسمومیت مردم و به خصوص کودکان با گاز مونوکسید کربن زیاد اتفاق می افتاد و مردم دقت می کردند که زغال را تا زمانی که خوب نگرفته و همه جای آن به خوبی قرمز نشده است، به داخل اتاق نبرند، زیرا می ترسیدند که موجب مسمومیت گردد.



شکل ۱۵۱. شومینه خانه طاهرپرور

ایوان و تلار

بررسی نمونه‌ها حاکی از آن است که ایوان در خانه‌های لاهیجان می‌توانسته به دو صورت ایوان باریک یا عمیق در نظر گرفته شود. ایوان باریک که معمولاً حدود یک ذرع (گزر) عمق دارد، در کل نمای اصلی ساختمان امتداد داشته و بیشتر به عنوان فضای رفت و آمد بین اتاق‌ها تعریف می‌شده است. البته برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌داشتند که ایوان‌های باریک هم به عنوان محل خواب ساکنان در شب‌های فصول گرم سال کاربرد داشته‌اند. اکثر ایوان‌های به‌جا مانده در خانه‌های قاجاری لاهیجان از این نوع می‌باشند.

زمستان‌ها مردم در خانه‌های خود هیزم یا به اصطلاح بومی «هیمه» ذخیره می‌کردند و یا این‌که زغال می‌خریدند و در «زغال‌خانه» انبار می‌کردند. زغال‌خانه‌های عمارت سالار مؤید هنوز موجود است و در یکی از برج‌های واقع در حصار بلند محوطه واقع می‌باشد. زغال را معمولاً با اسب می‌آوردند و در زغال‌خانه خالی می‌کردند. واحد اندازه‌گیری آن هم معمولاً «بار اسب» بوده است: یک بار اسب زغال، دو بار اسب زغال و ... هر کس بنا به وسع خود می‌توانست مقادیر کمتر یا بیشتری زغال خریداری و در خانه خود اندوخته نماید. از سفرنامه احمد ملکی که در نوروز سال ۱۳۲۲ به رشت آمده بود می‌توان دریافت که در این سال نیز برای گرمایش ساختمان‌ها از زغال استفاده می‌شد. در سفرنامه وی آمده است: «شب چهارشنبه سوم فروردین برف شدیدی در رشت بارید و ناگزیر از شدت سرما به اتاق میهمان‌خانه ایران پناهنده شده و چون هیزم بخاری میهمان‌خانه کافی نبود از خارج هم خریداری نمودیم» (۱۳۹۵، ۵۹).



شکل ۱۵۲. تلار خانه مجمع صنایع نمونه ای از ایوان‌های باریک می‌باشد

نمونه های معدودی از ایوان های عمیق هم در خانه های لاهیجان مشاهده می شوند. منظور از ایوان عمیق، ایوانی است که عمق آن حدوداً به اندازه یکی از اتاق های خانه می باشد. الگوی استفاده از ایوان های عمیق بیشتر در طبقه همکف خانه های دو طبقه مشاهده می شود. در خانه هایی که پلان به اندازه دو اتاق عمق دارد برای اتاق های که در عمق طبقه همکف قرار می گرفتند و نورگیری و تهویه شان تنها از سمت حیاط اصلی امکان پذیر بوده است، فضای مقابل

این اتاق ها حتی الامکان بسته نمی شد تا وضعیت تهویه و نورگیری شان تا حدودی بهبود پیدا کند. البته این امکان هم وجود داشت که این فضای نیمه باز به صورت یک ایوان باریک در مجاورت حیاط و یک ایوان عمیق در مقابل اتاق ها تقسیم بندی شود و ایوان عمیق به کمک در و پنجره سبک چوبی با سطوح شیشه خور وسیع از ایوان باریک جداسازی شود. نمونه چنین الگویی در خانه طاهرپرور قابل مشاهده است.



شکل ۱۵۳. ایوان طبقه همکف در خانه طاهرپرور که امروزه با یک دیواره چوبی الحاقی تقسیم بندی شده است، ظاهراً در گذشته به شکل یک ایوان عمیق تعریف شده بود.

از نمونه کاربرد ایوان عمیق در طبقه اول خانه می توان به خانه پورقلیچ در محله پرده سر اشاره نمود. در طبقه اول این خانه مشاهده می شود که ایوان به واسطه نوع چینش

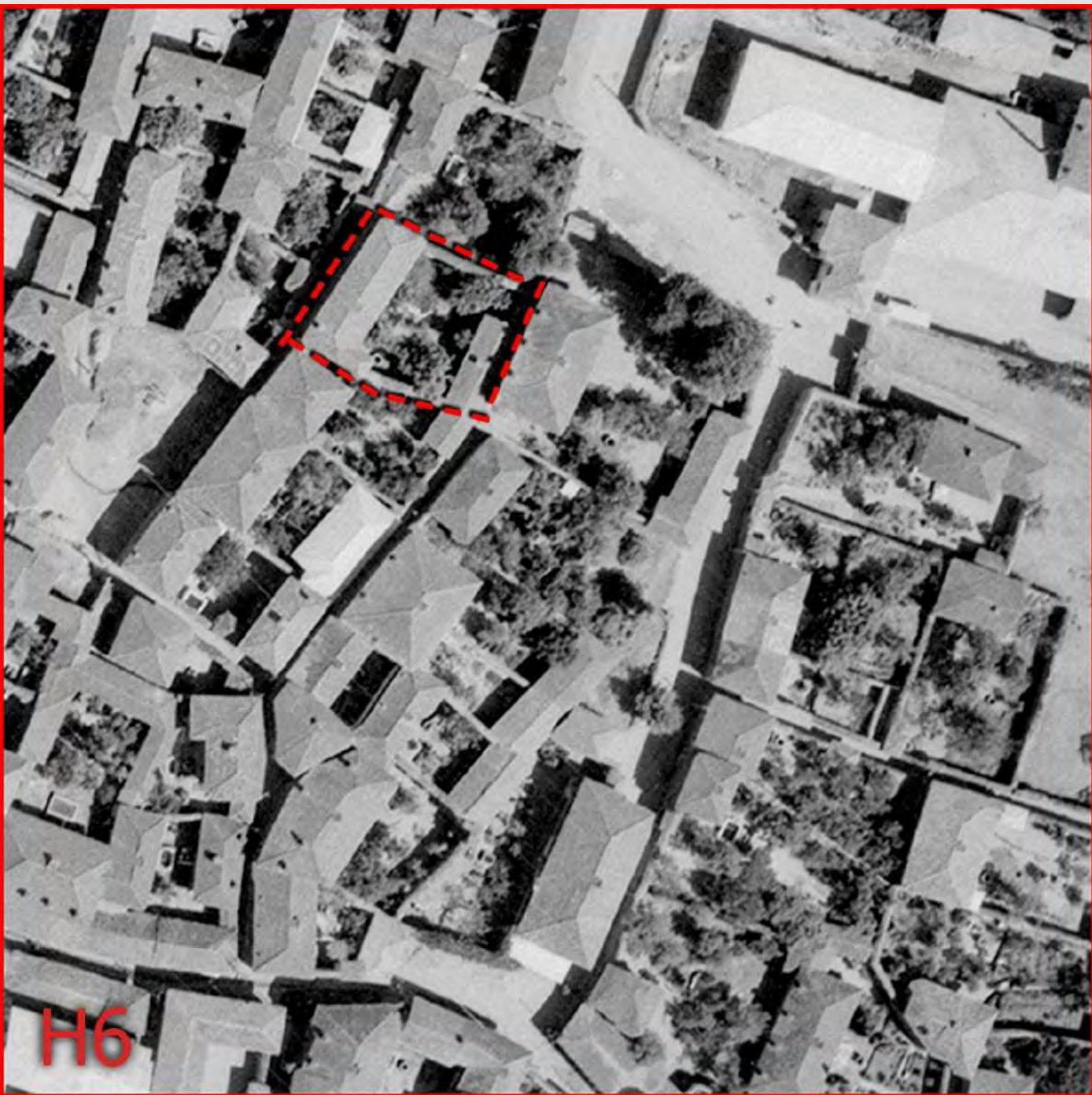
ردیف ستون های چوبی، شکل دو لایه ای به خود گرفته است که لایه اول آن به اندازه یک ایوان باریک و لایه دوم آن برابر با یک اتاق عمق دارد.



شکل ۱۵۴. در طبقه اول خانه پورقلیچ در محله پرده سر می توان نمونه ای از ایوان های عمیق را مشاهده نمود.



شکل ۱۵۵. نمونه ای از ایوان های عمیق در خانه ای در مجاورت خیابان انقلاب که تخریب شده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۵۶. موقعیت خانه تصویر قبلی در عکس هوایی سال ۱۳۳۶ لاهیجان

ستون‌ها در قسمت فوقانی باریک می‌شدند و با سرستون زیبایی‌م‌زین شده بودند. این سبک معماری تقریباً در همه‌ی تالارهای این ولایات به چشم می‌خورد» (هولمز، ۱۳۹۰، ۱۱۴). علاوه بر خانه محمصی در خانه صادقی نیز از چنین الگویی در طراحی ایوان استفاده شده است. با توجه به شباهت‌های موجود، بسیار محتمل است که سازندگان این بنا الگوی ساخت چنین ایوانی را از عمارت‌های دیوانی پایتخت اخذ کرده باشند.

در خانه محمصی الگوی متفاوتی از کاربرد ایوان در پلان خانه مشاهده می‌شود. الگوی به کار رفته در ایوان این خانه، مطابقت خوبی با توصیف هولمز^{۳۹} برای ساختمان دیوانی لاهیجان در دوره قاجار دارد. در سفرنامه وی آمده است: «حدود ساعت دو سوار بر اسب‌هایمان شدیم و برای وداع با حاکم به راه افتادیم. او را در دیوانخانه‌ای بسیار عالی یافتیم. قسمت جلوی ساختمان دیوانخانه، تالار بازی بود که سقف آن تنها به وسیله دو ستون چوبی چهارگوش نگه داشته می‌شد.



شکل ۱۵۷. الگوی ایوان عمیق دو ستونی که در خانه محمصی مشاهده می‌شود، مطابقت خوبی با توصیف هولمز از خانه حاکم وقت لاهیجان دارد.



شکل ۱۵۸. در خانه صادقی نیز الگوی ایوان عمیق دو ستونی مشاهده می شود. منبع تصویر: (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، بی تا)



شکل ۱۵۹. عمارت تخت مرمر در مجموعه کاخ گلستان تهران دارای ایوان دو ستونی بوده است. این مجموعه محل اقامت شاهان قاجار بوده و الگوهای معماری مورد استفاده در آن می توانسته در ولایات مختلف کشور مورد تقلید حاکمان محلی قرار گیرد. تصویر ویرایش شده از منبع: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:تخت_مرمر_02.JPG کاخ_گلستان-عمارت_

ایوان به شکل غلام گردش آن چنان که در معماری رشت رایج بوده، در لاهیجان رواج نداشته است. خاکپور در تعریف غلامگردش می‌گوید که علاوه بر ایوان اصلی جنوبی «در تعدادی از بناهای قدیمی، ایوان‌هایی در شمال، شرق و غرب نیز وجود دارند. این ایوان‌ها علاوه بر ارتباط درونی اتاق‌ها، حایلی برای ممانعت از نفوذ کج باران به دیوارها بوده، و در منازل افراد مرفه، محل تردد خدمین خانه بوده‌اند که در این صورت نام غلامگردش را به آن‌ها اطلاق می‌کردند» (۱۳۸۶، ۸۹). نمونه‌ای از غلامگردش در معماری رشت را می‌توان در خانه ابریشمی ملاحظه نمود.

در نمونه‌های بسیار معدودی از خانه‌های

قاجاری به جا مانده در لاهیجان چنین عنصری را می‌توان مشاهده نمود. در خانه صادقی در اضلاع شمالی، غربی و جنوبی خانه ایوان‌های سرتاسری وجود داشته که می‌توانسته محل تردد خدمین منزل باشد. از عکس‌های هوایی می‌توان حدس زد که در خانه امین دیوان نیز ایوان‌های مشابهی موجود بوده است. شیشه بند کردن ایوان‌ها ویژگی دیگری است که به ندرت در معماری قاجاری لاهیجان مشاهده می‌شود. اغلب در خانه‌های این شهر برای پوشاندن ایوان به جای پنجره‌های سرتاسری، از پرده استفاده می‌شده است. در خانه علیزاده در پشت مسجد اکبریه چنین عنصری دیده می‌شود.



شکل ۱۶۰. ایوان رو به شمال در خانه علیزاده به طور سرتاسری با پنجره پوشانده شده است. این طرز پوشاندن کامل ایوان به ندرت در معماری قاجاری لاهیجان مشاهده می‌شود. ممکن است اشراف موجود از وضوخانه زنانه مسجد اکبریه به خانه علیزاده در این مورد مؤثر بوده باشد.

ایوان یا تالار در مقابل چند اتاق مجاور هم و امکان دید از تالار به داخل اتاق ها امری متعارف محسوب می شده است.

بر خلاف معماری امروزی که به جهت ملاحظات مرتبط با حریمیت، معمولاً یک ایوان مشترک به چند اتاق خصوصی مرتبط نمی شود، در معماری قاجاری لاهیجان امتداد



شکل ۱۶۱. امتداد ایوان و تالار در مقابل چندین اتاق مجاور هم در معماری قاجاری لاهیجان کاملاً متداول بوده و ظاهراً عامل مزاحمی برای حریمیت اتاق ها قلمداد نمی شده است. (تصویر تالار خانه دوزنده)

از ارتفاع چشم برای فرد نشسته در تالار خواهد بود. بررسی های میدانی حاکی از آن است که طیفی از الگوی های متفاوت برای مسدود کردن سطح نرده خور تالارها وجود داشته است که از حالت کاملاً پُر تا حالت بسیار باز را در بر می گرفته است. شنیده ها حاکی از آن است که در گذشته با توجه به ارتفاع کم نرده ها، برای جلوگیری از سقوط کودکان از شیوه هایی مانند بستن ایوان با پرده استفاده می شد.

یکی از عناصر کاربردی در ایوان و تالار که می توانسته جنبه تزئینی قابل توجهی هم داشته باشد، نرده می باشد. الگوهای متنوعی از این نرده ها در معماری گیلان و معماری لاهیجان قابل مشاهده است. بر خلاف نرده های امروزی که بر طبق مقررات ملی ساختمان باید حداقل ۱۱۰ سانتی متر ارتفاع داشته باشند (دفتر مقررات ملی ساختمان، ۱۳۹۲، ۱۰۴)، نرده های لبه ایوان و تالار معمولاً کوتاه هستند و ارتفاعی حدود نصف این مقدار را دارند، به نحوی که ارتفاع نرده کمتر



شکل ۱۶۲. کاربرد نرده‌هایی با طرح‌های متنوع در خانه‌های قاجاری لاهیجان متداول بوده است و ارتفاع نرده‌ها با ابعاد بدن فرد در حالت نشسته تناسب دارد. (تصویر نرده تالار در خانه دوزنده)



شکل ۱۶۳. در این خانه سطح نرده خور تالار به کمک تخته کاملاً مسدود شده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا)

بررسی های میدانی نگارنده حاکی از آن بوده است که در حال حاضر برای نامیدن این عنصر فضایی در زبان بومی از کلمات «بالکن»، «تلار» و «دامنه» استفاده می شود. هرچند اصطلاح دامنه بیشتر در مورد پیش آمدگی بام ساختمان استفاده می شود، ولی مشاهده گردید که اهالی خانه مجمع صنایع برای نامیدن تلار این واژه را به کار می برند^{۴۰} و به ویژه برای نامیدن بالکن واقع در ضلع جانبی ساختمان از اصطلاح «پوشتِ دامنه»^{۴۱} به معنای دامنه پشتی استفاده می نمایند. احتمالاً اصطلاح «پهلوان» نیز برای نامیدن این فضا مورد استفاده بوده است^{۴۲}.



شکل ۱۶۴. بالکن جانبی در خانه مجمع صنایع که اهل خانه آن را «دامنه پشتی» می نامند.



شکل ۱۶۵. بالکن جانبی خانه ای در یحیی آباد که امروز دیگر وجود ندارد. (منبع تصویر: آرشیو شخصی مهندس صمد مهدی پور توانا)

بالکن ها هم می توانند در نمای اصلی و یا در نمای جانبی ساختمان بر روی معابر مجاور احداث شوند و هم ممکن است به سمت حیاط خانه ساخته شوند. در نمونه هایی از خانه های نوع یک مانند خانه ضیایرفی بالکن های متعددی در نمای اصلی خانه رو به معبر کار شده است. در خانه قائمی بالکن های مجزایی در نمای اصلی ساختمان به سمت حیاط داخلی آن ساخته شده و یک بالکن جانبی هم بر روی معبر تعبیه شده است. در خانه های نوع دو (نیمه درونگرا) مشاهده می شود که بالکن بر روی دروازه ورودی خانه قرار می گیرد. در خانه های نوع سه (درونگرا) به واسطه ملاحظات امنیتی، بالکنی روی معابر مجاور مشاهده نمی شود.

شکل ۱۶۶. بالکن جانبی خانه وزیری بر روی
معبر عمومی



شکل ۱۶۷. در خانه قائمی چند بالکن مجزا
در نمای اصلی ساختمان به سمت حیاط
اختصاصی خانه و یک بالکن جانبی بر روی
معبر عمومی احداث شده است.



هیچ گونه تلاشی نمی شود که فضای پله یک فضای مجلل و دلپذیر باشد و پنجره ای هم برای آن در نظر گرفته نمی شود. به جز کاشی های فیروزه ای و رنگی که ممکن است در کف پله ها مورد استفاده قرار گیرد، تزئین پله به ندرت انجام می شود و حداقلی است. استفاده از پله مارییج و بسیار فشرده در فضای حداقلی در معماری قاجاری لاهیجان متداول بوده است.

به طور کلی، در معماری خانه های قاجاری لاهیجان می توان از سه نوع پله سخن گفت: پله های داخلی، پله های مرتبط با تالار و پله های مرتبط با حیاط. پله داخلی که همان پله اصلی ارتباط دهنده طبقه همکف و اول است و با مصالح بنایی ساخته می شود، مشخصات یک فضای کاربردی و خدماتی را دارد که صرفاً عبور از آن باید مقدور باشد و ظاهراً از نظر سازندگان ارزش هیچ گونه پرداخت بیشتری را نداشته است؛



شکل ۱۶۸. در خانه دوزنده با اتاق های زیبا، تزئینات و ارسی های نفیسی که در طبقه اول خود دارد، برای رسیدن به این طبقه باید از پله ای بالا رفت که ظاهراً تناسبی با آن همه ظرافت و زیبایی که در انتظار بیننده است، ندارد و صرفاً به صورت یک عنصر عملکردی حداقلی به آن نگریسته شده که بالا رفتن از آن برای افراد امروزی دشوار و تاحدودی خطرناک به نظر می رسد.

و ملاحظات دیگر، فاصله بین اتاق های طرفین پله، طوری در نظر گرفته شده که در پشت پله هم یک اتاق کوچک دیگر شکل گرفته است.^{۴۳}

اگر پلان طبقه شامل تعداد بیشتری اتاق ردیفی باشد، دو حالت قابل تصور است: یا پله طوری تعبیه می شود که تعداد اتاق های طرفین آن برابر نیست و پله به طور نامتقارن بین اتاق ها جا داده می شود. نمونه ای از این حالت در خانه دوزنده قابل مشاهده است که در یک طرف آن اتاق مهمان با ارسی زیبای خود جای گرفته و در طرف دیگر سه (یا احتمالاً در اصل دو) اتاق قرار دارند. حالت دوم این است که دو پله به طور متقارن در طرفین اتاق وسطی تعبیه می شوند که در این حالت اتاق وسطی مهم ترین اتاق خانه یعنی اتاق مهمان خواهد بود. نمونه ای از این نحوه چینش پله در میان اتاق ها را می توان در منزل حسن پور (یا پاکدل) مشاهده نمود.

پیش از این در بخش مربوط به طراحی اتاق مهمان اشاره شد که پله داخلی طوری مکانیابی می شود که در نزدیک ترین فاصله ممکن نسبت به اتاق مهمان قرار بگیرد. علاوه بر این، به طور معمول، پله در منتهی الیه پلان و در مجاورت دیوارهای پیرامونی واقع نمی شود، بلکه اغلب طوری مکانیابی می شود که در دو طرف آن اتاق هایی وجود داشته باشد و در واقع، بیشترین دسترسی ممکن از هر پله گرفته شود. بنابراین اگر پلان ساختمان طوری باشد که در هر طبقه دو اتاق داشته باشد، پله بین دو اتاق و در محور مرکزی ساختمان قرار داده می شود. این حالت را می توان در منزل جهانگیری، طاهر پرور و بریسم حقیری مشاهده نمود. البته در این خانه ها بین دو اتاق طرفین پله فقط به اندازه عرض یک پله فاصله در نظر گرفته شده است، ولی در منزل مجمع صنایع مشاهده می شود که با توجه به ابعاد زمین



شکل ۱۶۹. در خانه بریسم حقیری الگوی پله در وسط و دو اتاق در طرفین به کار رفته است.



شکل ۱۷۰. در خانه جهانگیری در محله یحیی آباد الگوی پله در وسط و دو اتاق در طرفین به کار رفته است.

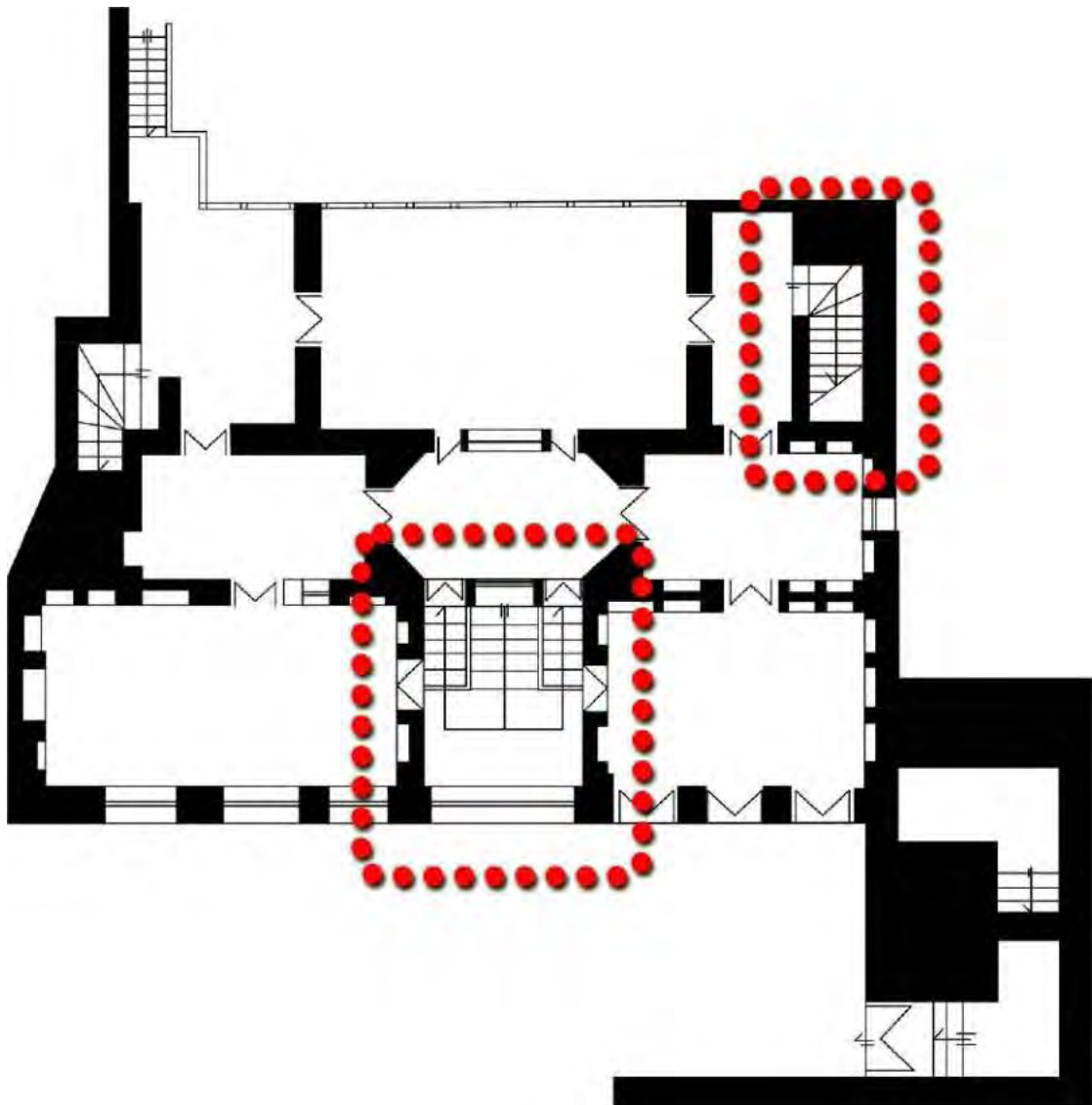


شکل ۱۷۱. پله های قاجاری خانه های لاهیجان برای استفاده کننده امروزی ناایمن و خطرناک به نظر می رسند.

نکته قابل اشاره دیگر در خصوص طراحی پله ها در خانه های قاجاری لاهیجان به ابعاد متعارف این پله ها بر می گردد. به طور معمول عرض پله های داخلی حدود یک ذرع (۱۰۶ سانتی متر)، ارتفاع و عمق هر پله هم حدود ۲۵ تا ۳۵ سانتی متر بوده است، به نحوی که برای رسیدن از طبقه همکف به طبقه اول معمولاً ۹ تا ۱۰ پله استفاده می شده. شیب پله ها نسبت به معماری امروز بسیار تند است به طوری که به حدود ۴۵ درجه می رسد. با این حال، هیچ نرده دیواری در جهت تأمین ایمنی استفاده کنندگان در فضای پلکان تعبیه نمی شود. مصاحبه نگارنده با ساکنان تعدادی از خانه های تاریخی لاهیجان حاکی از آن بوده است که سقوط و پرت شدن افراد بخصوص کودکان و سالمندان از این پله های بلند اتفاق نادری نبوده است و حتی یکی از این مصاحبه شوندگان نشان آسیب دیدگی روی صورت خود را که مربوط به یکی از این حوادث دوران کودکی اش بوده به عنوان شهادی بر مدعایش به نگارنده نشان داده است.^{۴۴}

در مواردی که عمق پلان اجازه می‌داده که شروع پله از راستای دیوار جلوی اتاق‌ها عقب‌تر باشد، مشاهده می‌شود که برای پله داخلی هم مانند یک اتاق معمولی، در تعبیه می‌شود. این در معمولاً روی دماغه اولین پله تعبیه می‌شود و جهت باز شدن آن به سمت بیرون از پله می‌باشد. به طور کلی، در معماری خانه‌های قاجاری لاهیجان بر خلاف معماری امروزی، تعبیه در بلافاصله در کنار یا انتهای اولین یا آخرین پله مجاز می‌باشد و مانند امروز نیست که پله قبل از رسیدن به در الزاماً باید به پاگردی با اندازه مناسب ختم شود.

پله داخلی اصلی عمارت جهانسوز بر خلاف پله‌های متعارف دوره قاجاری به صورت پله‌ای با یک رفت و دو برگشت در طرفین آن کار شده است. همچنین فضای پله به نسبت پله‌های قاجاری بزرگ‌تر شده و حدوداً به شکل یک اتاق در آمده که دارای پنجره مستقل می‌باشد. در این بنا پله در محور تقارن ساختمان جای گرفته است که همه اینها نشان‌دهنده تأثیرپذیری معماری این بنا از معماری غربی می‌باشد. پله‌های فرعی دیگری در این بنا وجود دارند که همچنان از قواعد پله‌های قاجاری تبعیت می‌نمایند.



شکل ۱۷۲. در عمارت جهانسوز می‌توان شاهد روند تغییر مفهوم و جایگاه پله در معماری خانه‌های قاجاری ایران تحت تأثیر معماری غربی بود.



شکل ۱۷۳. پله مرتبط با تالار در خانه ضیاء‌ظریفی که در گذشته با درپوشی چوبی امکان مسدود شدن داشت.

دسته سوم پله ها جهت دسترسی به تراز روی کرسی از حیاط استفاده می شوند. نکته ای که در طراحی این پله ها مشاهده می شود این است که معمولاً از مرز بیرونی ایوان در طبقه همکف و یا محدوده سرپوشیده توسط تالار در طبقه اول تجاوز نمی نمایند و در داخل حیاط پیشروی نمی کنند. به عبارت دیگر، پله های مرتبط با حیاط در فضای محافظت نشده از باران قرار داده نمی شوند.



شکل ۱۷۴. پله دسترسی به ایوان طبقه همکف از حیاط در خانه دوزنده که از امتداد تالار طبقه اول تجاوز نمی کند و داخل حیاط پیشروی ندارد.

در برخی خانه های متأخرتر قاجاری مشاهده می شود که گاهی پله ارتباط دهنده به طبقه اول مستقیماً از حیاط شروع می شود. از آنجا که این نوع از پله ها به طور کامل در چارچوب دیوارهای محیطی ساختمان نمی گنجند و از داخل آن به سمت بیرون پیشروی دارند، نمی توان این نوع از پله ها را به طور دقیق پله داخلی نامید. دلیل پیشروی این نوع از پله ها به سمت بیرون از چارچوب ساختمان معمولاً این است که شیب و ارتفاع کمتری نسبت به انواع متأخرتر پله ها دارند و از لحاظ ابعادی به پله های متعارف امروزی نزدیک تر شده اند. نمونه هایی از این نوع پله ها را می توان در خانه اصمعی، پورمهر و علیزاده راستان مشاهده نمود (نک: ضمیمه شماره ۱).

دسته دوم پله ها، آنهایی هستند که فضای ایوان در طبقه همکف را به تالار در طبقه اول متصل می نمایند. این پله ها که معمولاً ساختار سبک چوبی دارند، همانند پله های داخلی شیب تندی دارند و معمولاً برای پوشاندن بخشی از سطح کف تالار که جهت احداث آنها خالی می شود، از یک درپوش لولایی استفاده می شد. بدین ترتیب، حفره کف تالار پوشانده می شود و امکان عبور از روی فضای پله فراهم می آید. همچنین با قفل کردن این درپوش در مواقع لازم امکان دسترسی افراد به طبقه بالا از بین می رود.

در کوچه ها به حدی می رسید که عابران در حین عبور از کوچه ها می توانستند به سادگی داخل حیاط خانه های مجاور را ببینند. با در نظر گرفتن ارتفاع بلند دیوار خانه های لاهیجان تصور این صحنه برای مخاطب امروزی عجیب می نماید. همچنین به واسطه اهمیتی که بر فروبی بام ها داشت، این کار در زمستان یکی از مشاغل پرکار محسوب می شد.

نایب الصدر شیرازی در توصیف وضعیت شهر رشت پس از بارش برف سنگین و دشواری هایی که برای مردم ایجاد می نمود، می گوید: «خلاصه بعد از پانزده روز باران، چهل و هشت ساعت برف شدید آمده. تمام طرق و شوارع مسدود و ابواب مخابرات بسته و چوب تلگراف شکسته... این قدر که باریده، اگر می ماند عمارتی نمی ماند. با وصف اینکه آب می شود، روی بام ها نیم ذرعی باقی است و به واسطه اینکه شیروانی بام ها سفالی است، پاک کردن آن ها کاری است صعب. تا یک هفته دیگر در زیر چکه باید عبور نمود» (نایب الصدر شیرازی، ۱۳۹۳، ۷۲-۷۳).

در خانه های قاجاری لاهیجان بام با سفال پوشیده می شده و به جهت خصوصیات اجرایی سفال، استفاده از هندسه های ساده در طراحی بام اولویت داشته و بام های مستطیلی چهارشیبه متقارن، شکل متعارف و رایج بام محسوب می شده است. بدین ترتیب، استفاده از بام های دو شیبه و یا اشکال پیچیده تر طراحی بام شیبدار از قبیل استفاده از انواع شکست ها و پیش آمدگی ها و عقب نشستگی ها و یا تغییرات زاویه شیب و کاربرد اشکال منحنی و مانند اینها به ندرت در بام این خانه ها مشاهده می شود.

به واسطه بارش های جوی فراوان، طراحی بام شیبدار یکی از ویژگی های بارز معماری گیلان بوده که هزینه ساخت و نگهداری آن بخش قابل ملاحظه ای از هزینه های مرتبط با خانه را شامل می شده است. در معماری قاجاری لاهیجان بام خانه یکی از اجزایی بوده که نیاز به مراقبت و نگهداری زیادی داشته است و برای مثال در زمان بارش برف باید مرتباً بر فروبی می شد تا مبادا بام ساختمان زیر بار سنگین ناشی از برف تخریب گردد.



شکل ۱۷۵. یکی از خصوصیات بارز بومی معماری لاهیجان بام های سفالی آن بوده است (منظر شهر از مناره مسجد اکبریه)

شنیده ها حاکی از آن است که در گذشته در گیلان بارش برف بسیار بیشتر از امروز بوده است. برخی مصاحبه شوندهگان در پژوهش حاضر، روزگاری را به خاطر می آوردند که بر اثر بارش مکرر برف شدید در لاهیجان کوچه ها آکنده از برف می شد و برف روبی همسایه ها هم مزید بر علت شده، شرایطی ایجاد می شد که ارتفاع برف انباشته شده



شکل ۱۷۶. از مطالعه سفرنامه ها به نظر می رسد در دوره قاجار بارش های جوی، به خصوص برف، شدت و طول زمان بیشتری نسبت به امروز داشته است. (منظره شهر از مناره مسجد اکبریه پس از بارش برف)

خود روی آن ثابت می ماند. از این رو، کلاف شدن و درگیر شدن هر سفال با سفال های مجاور خود نقش مهمی در ثابت ماندن آنها و جا به جا نشدن شان بر اثر نیروهای ناشی از بارش های جوی، وزش بادهای شدید، زلزله و ... دارد. بنابراین، برای پوشاندن بام یک فضای مستطیل شکل با سفال، پایدارترین حالت، استفاده از بام چهارشیبه خواهد بود. چرا که سفال های واقع در لبه هر یک از سطوح چهارگانه، می توانند به سفال های سطح مجاور خود کلاف شوند و در جای خود تثبیت گردند. در صورتی که مثلاً در الگوی دو شیبه، سفال های واقع در لبه های خارجی امکان کلاف شدن کامل را ندارند و در نتیجه، در معرض جا به جایی و تخریب قرار می گیرند.

در موارد معدودی تغییر ارتفاع بخشی از بام جهت اهمیت بخشی بیشتر به فضای زیر آن مشاهده می شود. در خانه رمضانی و در خانه کیاموسوی کاربرد چنین شیوه ای مشاهده می شود. در شرایط استثنایی که به واسطه شکل منحنی زمین، بخش هایی از پلان خانه نیز شکل منحنی پیدا می کند، ممکن است به ناچار این انحنا در طراحی بام نیز منعکس شود.

فن اجرای این بام های سفالی نقشی کلیدی در شکل گیری هندسه آنها داشته است. در این خصوص، باید توجه شود که در معماری گیلان سفال ها فاقد جزئیات اجرایی پیچیده و متنوع برای کاربرد در موقعیت های مختلف هستند. فرم هر قطعه سفال به گونه ای است که به زیرسازی چوبی خود هیچ گونه گیر و اتصالی پیدا نمی کند و صرفاً به واسطه وزن

شکل ۱۷۷. بازی با ارتفاع و تنوعات فرمی به صورت بسیار محدودی در بام های سفالی لاهیجان مشاهده می شود. بام سفالی خانه کیاموسوی در بخش میانی خود ارتفاع بیشتری نسبت به طرفین یافته است. (منبع تصویر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ب)



سفال ها، روی قسمت بالایی آنها قطعات آجر کار گذاشته می شود تا به واسطه سنگینی این آجرها سفال های مورد اشاره تثبیت شوند که البته این روش هم محدودیت ها و نقایص خاص خودش را دارد. همچنین، با توجه به گیر دار نبودن اتصال سفال به زیرسازی بام، شیب بام های سفالی نسبت به بام های گالی پوش کمتر گرفته می شد تا امکان لغزش و سُر خوردن مجموعه سفال ها و فروریختن آن کمتر گردد.

به خاطر همین مسأله کلاف نشدن سفال ها است که مشاهده می شود یکی از نقاطی که معمولاً آسیب دیدگی و تخریب بام از آنجا شروع می شود، لبه پایینی بام یعنی پایین ترین ردیف سفال ها می باشد. این ردیف سفال ها هرچند از طرفین و بالای خود به سایر سفال ها متصل می شوند، اما از سمت پایین خود به جایی متصل نیستند و امکان جا به جایی و ول شدن شان وجود دارد. در فن سفال چینی بومی^{۴۵} جهت تثبیت این



شکل ۱۷۸. به واسطه عدم کاربرد سفال های با دیتایل های اجرایی ویژه برای موقعیت های متنوع بام، در لبه ها و محل های تقاطع سطوح مختلف بام جهت تثبیت وضعیت سفال ها در جای خود روی آنها آجرهایی تعبیه می شده است.

محدودیت اجرایی دیگری که در تعیین شکل بام های سفالی لاهیجان تأثیر گذار بوده، عدم کاربرد ناودانی در این بام ها بوده است. بدین ترتیب، بارش های جوی باید مستقیماً از لبه های دامنه یک بام چهارشیبه به سمت زمین زیر آن رها شود و راهی برای هدایت افقی آب قبل از رسیدن به زمین وجود ندارد^{۴۶}. بدین ترتیب، این امکان وجود ندارد که دو بام چهارشیبه بتوانند از کنار به یکدیگر متصل شوند، چرا که هدایت آب باران و برف در خط القعر تلاقی بام ها مشکل ساز می شود.



شکل ۱۷۹. عدم کاربرد ناودانی جهت جمع آوری و هدایت افقی نزولات جوی در بام ها یکی از عوامل مهم مؤثر در نحوه طراحی و ساخت آنها بوده است. در زمستان ها شکل گیری قندیل یا به اصطلاح محلی یخ-لوله (لوله یخی) در لبه بام های سفالی منظره ای بود که مکرراً مشاهده می شد.



شکل ۱۸۰. تزئینات چوبی لبه بام در مسجد اکبریه شباهت جالبی به الگوی تشکیل قندیل در لبه بام های سفالی شهر را به نمایش می گذارد (مقایسه نمایید با تصویر قبل).



به مراتب بهتر از بام های مجزا می شود؛ دو خانه مستقل که به صورت طولی در امتداد هم قرار گرفته اند، می توانند بام مشترک داشته باشند که از بیرون مجزا بودن واحدها در آن قابل تشخیص نیست^{۴۷}؛ دو واحد مستقل که پشت به پشت هم به یکدیگر متصل شده اند، می توانند یک بام مشترک داشته باشند؛ بام یک خانه می تواند ادامه یابد و برای واحد همسایه ایوان یا بارانداز درست کند (خانه صفارنیا)؛ بام فضاهای خدماتی دو همسایه می تواند به صورت یکپارچه طراحی شود، مثلاً امتداد بام مطبخ یک همسایه می توان بام بارانداز همسایه دیگر را شکل دهد (خانه فیاض و راستگو).

به نظر می رسد، به منظور جبران همین محدودیت های اجرایی بام های سفالی و رسیدن به بام هایی با حداکثر پایداری بوده است که انواعی از تعاملات معمارانه مرتبط با سربندی خانه ها بین همسایه ها شکل گرفته است. برای مثال، این امکان وجود دارد که با توافق همسایه شیب بخشی از بام یک همسایه به سمت ملک همسایه دیگر باشد و پیش آمدگی بام آن در زمین همسایه واقع شود و نوعی از حق ارتفاق به همسایه اعطا شود. این امکان وجود دارد که با همسایه توافق شود که سربندی کل و یا بخشهایی از خانه به طور مشترک و یکپارچه با همسایه صورت گیرد. با این کار دوام و کارایی بام



شکل ۱۸۱. انواعی از تعاملات معمارانه مرتبط با پام های سفالی را می توان در بافت تاریخی لاهیجان مشاهده نمود. برای مثال، سربندی فضاهای خدماتی بین خانه راستگو، فیاض و علیزاده چنین تعاملاتی را به نمایش می گذارند.



شکل ۱۸۲. دید از حیاط خانه راستگو به سمت خانه فیاض: سربندی بارانداز خانه راستگو و آشپزخانه خانه فیاض در امتداد هم و به صورت یکپارچه ساخته شده اند و سربندی هر دو فضا در خانه علیزاده پیشروی دارد و تخلیه نیمی از بارش های جوی روی این سربندی در خانه وی صورت می گیرد و در این مورد حق ارتفاق تعریف شده است.



شکل ۱۸۳. دید از حیاط خانه فیاض به سمت خانه راستگو:
یکپارچگی سربندی فضاهای خدماتی.

که به همسایه ها این امکان را می داده که این نوع از تعامل و همکاری را به منصفه بروز برسانند.

از نکات دیگری که در خصوص طراحی بام در خانه های قاجاری لاهیجان قابل اشاره است به پیش آمدگی بام نسبت به لبه ساختمان بر می گردد. این پیش آمدگی در اصطلاح بومی «دامنه» نامیده می شود و میزان آن به وضعیت بازشو ها در جداره خارجی ساختمان بستگی دارد. بدین ترتیب که در جداره خارجی ساختمان هر جا که بالکن، پنجره بزرگ و یا بازشوی ارزشمندی باشد، بام بنا روی آن قسمت پیشروی می کند و آن را در مقابل باران محافظت می نماید. بدین ترتیب طبیعی است که میزان پیش آمدگی بام در وجوه مختلف ساختمان متفاوت باشد.

بدین ترتیب برخلاف تصور رایج از معماری خانه های گیلان که در آن خانه ها دور از هم و بدون هیچ گونه ارتباط و اتصالی با یکدیگر ساخته می شوند، در بافت شهری کهن لاهیجان ترکیب پیچیده ای از بام ها مشاهده می شود که در آن در بیشتر خانه ها بام بخش هایی از خانه به نحوی با بام همسایه ها ترکیب شده است. یکپارچه شدن و در هم تنیدگی بام ها در معماری لاهیجان به نوبه خود حاکی از قدمت زیاد این بافت شهری می باشد. به نحوی که گویی این بام های سفالی به تدریج و در طول زمان چنان با یکدیگر ترکیب شده اند که به پایدارترین شکل خود رسیده اند. این اتفاق قطعاً با پیدایش و توسعه فرهنگ سکونت و هنجارهای اجتماعی مرتبط همراه بوده است



شکل ۱۸۴. میزان پیش آمدگی بام (دامنه) در وجوه مختلف ساختمان خانه می تواند متفاوت باشد (خانه طاهرپور).



شکل ۱۸۵. تالار، بالکن و بازشوهای مهم خانه با پیش آمدگی بیشتر بام مورد محافظت قرار می گیرند (خانه های بازارچه پرده سر).

یکی از عناصر شاخص بام های سفالی در معماری لاهیجان دریچه دسترسی به بام می باشد که در اصطلاح بومی لاهیجان «لیجونی»^{۴۸} نامیده می شود و از آنجا که امروزه در گیلان غالباً با عنوان «لوجنک» شناخته می شود، در ادامه این نوشتار با همین عنوان نامیده خواهد شد. معمولاً هر خانه یک لوجنک داشته که به سمت نمای اصلی خانه و در محور تقارن بام قرار می گرفته است. در خانه های ردیفی متصل به هم که یک بام پیوسته داشته اند، معمولاً با شمارش تعداد لوجنک ها می توان به تعداد این خانه های مستقل پی برد. یکی از نکاتی که درباره لوجنک ها قابل ذکر می باشد به جهت گیری آنها بر می گردد. پیش از این به نظام اولویت بندی جهت ها در معماری لاهیجان اشاره گردید. جهت قرار گیری لوجنک ها هم با این موضوع ارتباط تنگاتنگ دارد. با بررسی نمونه های موجود و عکس های هوایی قدیمی لاهیجان می توان دریافت که برای جهت گیری لوجنک ها همانند جهت گیری خانه ها، بهترین جهت، جهت مشرق بوده و بعد از آن جهت شمال، غرب و در نهایت جنوب قرار می گرفتند. اما نکته ظریفی که در اینجا قابل اشاره است

این است که تعداد لوجنک های رو به جنوب از تعداد خانه های رو به جنوب کمتر است. به عبارت دیگر، در مواردی مشاهده می شود که جهت گیری ساختمان رو به جنوب است، ولی لوجنک در جهت مخالف یعنی به سمت شمال در نظر گرفته شده است. باید توجه داشت که لوجنک صرفاً دریچه بام بوده و فضای زیر آن جهت سکونت استفاده نمی شده است. بنابراین در این نمونه ها، علت این که لوجنک به سمت شمال برگشته، نمی تواند به خاطر تأمین آسایش فیزیکی بیشتر در فضای بام بوده باشد. در مورد این که چرا لوجنک پشت به نمای اصلی ساختمان و رو به شمال تعبیه شده است می توان حدس زد که احتمالاً عامل مزاحمی در سمت جنوب وجود داشته که ترجیح می دادند حتی الامکان وارد فضای پشت بام نشود و این عامل در سمت شمال وجود نداشته است. احتمال زیاد دارد که این عامل مزاحم همان باد گرم جنوبی بوده که هم به واسطه شدت زیاد خود و هم به واسطه خطر حریق که به دنبال داشته، یک عامل خطرناک و نامطلوب محسوب می شده است.



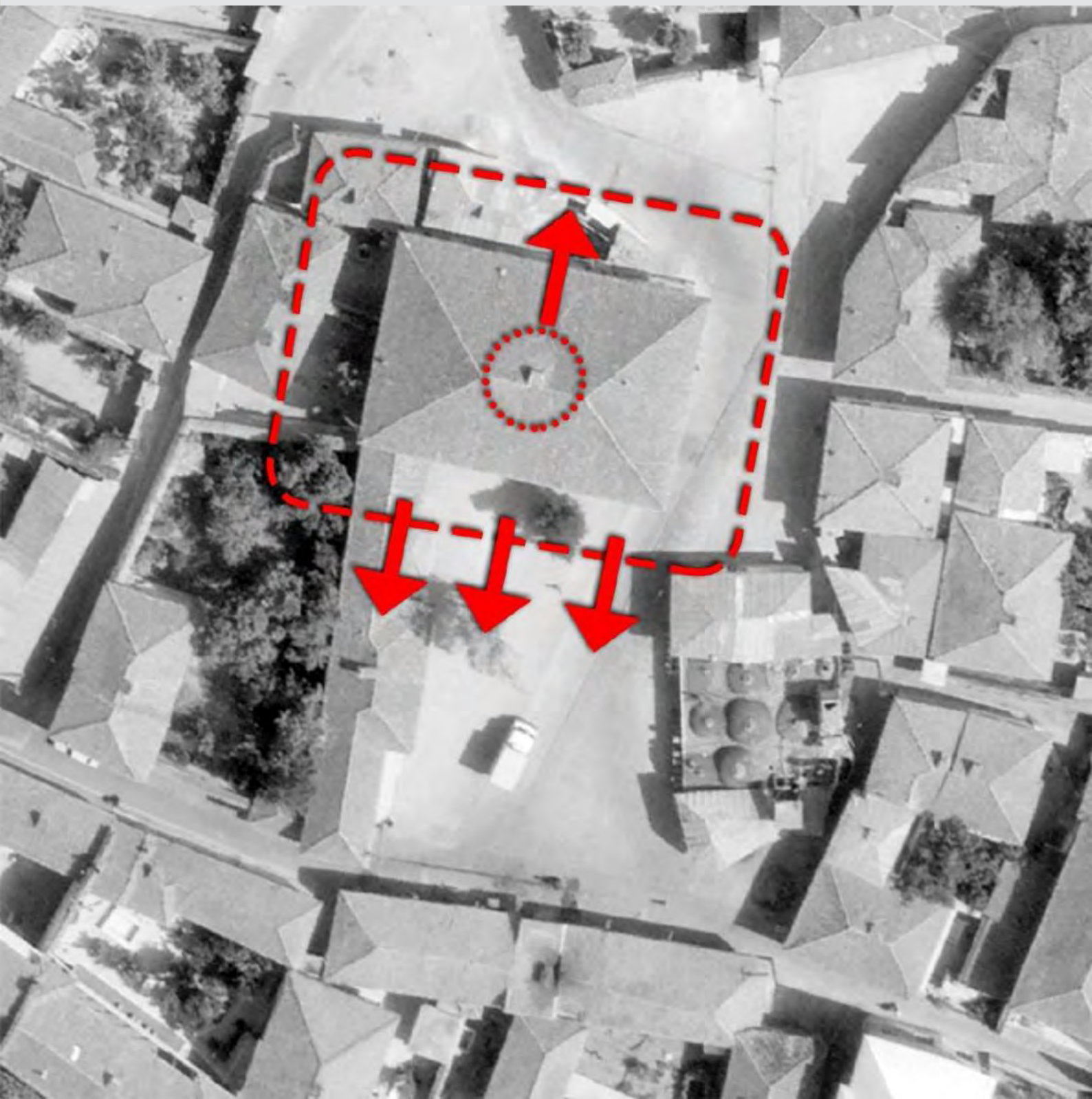
شکل ۱۸۶. عمارت مقابل مسجد سلیمانیه یکی از خانه های بزرگ لاهیجان بوده است که هر چند نمای اصلی آن به سمت جنوب رو کرده بود، اما لوجنک آن به سمت شمال در نظر گرفته شده بود.



شکل ۱۸۷. در خانه نبش کوچه دعایی مشاهده می شود که نمای ساختمان به سمت جنوب است ولی لوجنک آن پشت به نمای اصلی و به سمت شمال ساخته شده است. تصویر بالا: نمای شمالی خانه؛ تصویر پایین: نمای جنوبی خانه.



با بررسی ساختمان های مهمی مانند مساجد هم می توان همین قاعده طراحی را ملاحظه نمود. بدین ترتیب، با اطمینان بیشتری میتوان از وجود این قاعده در دانش بومی معماران لاهیجان سخن گفت. در مسجد محله خمرکلا مشاهده می شود که با وجود این که محوطه و ورودی ساختمان مسجد در سمت جنوب آن قرار گرفته و بالتبع نمای اصلی مسجد به این سمت است، اما لوجنک بام، پشت به نمای اصلی و به سمت شمال جهت گیری کرده است. در مسجد محله شَعرِباغان نیز الگوی مشابهی قابل مشاهده است. در این مورد نیز با وجود این که نماهای اصلی ساختمان به سمت جنوب و شرق می باشد، لوجنک به سمت شمال رو کرده است.



شکل ۱۸۸. در مسجد محله خمرکلا با این که نمای اصلی ساختمان رو به جنوب (قبله) می باشد، لوجنک بام آن به سمت شمال ساخته شده است.



شکل ۱۸۹. در مسجد محله شهربافان نمای اصلی ساختمان رو به سمت شرق و جنوب بوده است، در حالی که لوجنک بام آن به سمت شمال ساخته شده بود.

های چوبی پله ای یا سرشیر های دو پشته و سه پشته و نیز انواع قرنیز چوبی تزئینی زیر لبه بام اشاره نمود.

از تزئینات رایج در بام های سفالی خانه های لاهیجان می توان به کارهای چوبی اشاره نمود که بیشتر در ناحیه دامنه تمرکز داشته اند. در این ارتباط می توان به پیش آمدگی

یکی از موضوعات کلیدی در طراحی نما رعایت تقارن یا عدم تقارن در آن می باشد. آنچه در نمونه های مورد بررسی مشاهده گردید حاکی از آن است که طراحی نمای کل ساختمان به صورت متقارن کمتر اتفاق می افتاده است، اما ایجاد تقارن های جزئی را می توان یک ویژگی محوری در طراحی نمای این خانه ها محسوب نمود. مثلاً در نماسازی جداره بیرونی یک اتاق معمولاً تقارن رعایت می شود، ولی در نماسازی کلی ساختمان که از چند اتاق کنار هم تشکیل شده، کاربرد تقارن الزامی نیست. به بیان دیگر، مقیاس کاربرد تقارن در نماسازی معمولاً مقیاسی کوچکتر از کل نما است. البته نمونه هایی هم وجود دارند که در آنها کل نمای ساختمان به صورت متقارن کار شده باشد. این امر اغلب در پلان هایی اتفاق می افتد که در آنها اتاق مهمان در وسط پلان و تعدادی اتاق دیگر در طرفین آن جای دارند. خانه قائمی و خانه نبش کوچه دعایی از نمونه های چنین خانه هایی هستند.



نکته دیگر این که لایه های مختلف شکل دهنده به نما الزامی ندارد که با یکدیگر به صورت یکپارچه دیده شوند و یک طرح نظم یافته کلی را شکل دهند. مثال روشن این موضوع ارتباط ستون های ایوان و نمای دیوار پشت آن چه در خانه های معمولی و چه در برخی بناهای مذهبی لاهیجان می باشد. برای مثال، در تکیه پیرعلی یا مقبره چهارپادشاهان ملاحظه می شود که لایه مربوط به ستون ها به صورت مستقل دیده و طراحی شده و جداره ساختمانی پشت آنها هم به صورت یک لایه مستقل طراحی شده است و این دو لایه از یک انتظام کلی تبعیت نمی کنند. همین الگو در خانه دوزنده هم ملاحظه می شود.

لازم به ذکر نیست که طراحی نما نمی تواند امری جدا از سایر جنبه های معماری خانه ها باشد و به طور قطع آنچه پیش از این در خصوص طراحی پلان طبقات، ایوان، بام، جهت گیری ساختمان و مانند آن ذکر گردید در طراحی نما نیز مؤثر می باشد. برای مثال، با توجه به اهمیت درونگرایی در خانه های نوع دو و سه می توان انتظار داشت که جداره های رو به معبر در این خانه ها عاری از هر نوع نماسازی باشد و صرفاً جداره رو به حیاط اختصاصی خانه نماسازی شود. با در نظر گرفتن این موضوع، در این بخش تلاش می شود به برخی نکات مهم در خصوص طراحی نما در خانه های قاجاری لاهیجان اشاره شود.



شکل ۱۹۰. در نمای خانه منتصرالملک (واقع در محله یحیی آباد) تقارن کلی حاکم بوده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۹۱. در اغلب بناهای قاجاری لاهیجان لایه هایی که یکی بعد از دیگری به نمای ساختمان شکل می دهند، تحت یک انتظام کلی با یکدیگر هماهنگ سازی نمی شوند، بلکه هر یک به طور مستقل طراحی می شوند. در نمای خانه دوزنده لایه ستون های تالار و لایه جداره اتاق ها مستقل از یکدیگر طراحی شده اند.



با الگوی آن در یک عمارت دیوانی یا یک مسجد یا مقبره مهم متفاوت خواهد بود. نکته دیگری که در خصوص ناماسازی خانه های قاجاری لاهیجان قابل ذکر است این است که در این معماری هر چقدر فضا یا عنصر کالبدی خاصی پرکارتر و دارای جزئیات بیشتری باشد، ارزشمندتر محسوب می شود. این دیدگاه زیباشناختی در ادبیات غربی با عنوان «ترس از فضای خالی»^{۴۹} مورد توجه قرار گرفته و تعریف شده است. نمونه این تمایل زیبایی شناسختی در نقاشی روی جرزهای بین بازشوها در نمای اصلی و یا نماهای جانبی ساختمان خانه قابل مشاهده است. به طور کلی، هرچه خانه مورد نظر اعیانی تر و فاخر باشد، سطوح خالی کمتری در نمای آن قابل مشاهده خواهد بود.

دیویس در خصوص الگوی تشدید یا تخفیف تقارن در خانه های مصری معتقد است که باید بین ساختمان هایی که باید آنها را ساختمان های بومی نامید و ساختمان هایی که می توان آنها را آثار معماری دانست، تمایز قائل شد. وی معتقد است در آثار معماری است که می توان کاربرد تقارن کلی را انتظار داشت در حالی که در ساختمان سازی بومی تقارن صرفاً به صورت جزئی قابل مشاهده است. به بیان وی «همچنان که خانه ها بزرگ تر می شوند، تقارن پایه ای آنها از طریق یک فرایند تکرار شونده تشدید می گردد. این فرایند، تقارن های بخش های کوچک تر و کوچک تر خانه ها را تقویت می نماید» (Davis, 2006, 139). بنابراین، الگوی کاربرد تقارن در یک خانه معمولی



شکل ۱۹۲. خانه ای در پرده سر: به طور کلی در معماری قاجاری لاهیجان، هر چه خانه ای اعیانی تر و فاخرتر بود، از لحاظ بصری سطوح خالی کمتری در آن باقی گذاشته می شد و تلاش می شد تا هر بخش و هر سطحی از بنا با تزئینات و عناصر بصری خاصی پر شود. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)



شکل ۱۹۳. تزئین جرزهای ساختمانی با گچبری و نقاشی در خانه دوزنده



شکل ۱۹۴. تزئین جرزه‌های ساختمان با نقش برجسته در خانه طاهرپور



شکل ۱۹۵. تزئین جرزه‌ها در خانه محمصی



شکل ۱۹۶. نقاشی ناتمام نمای جانبی خانه جهانگیری



شکل ۱۹۷. در موارد معدودی تزئین دیوار خارجی ساختمان با طرح های هندسی ساده مشاهده می شود. (همسایه جنوبی خانه فیاض)



می توان حدس زد که در ذهنیت سازندگان دوره قاجار اولویت بندی کم و بیش مشخصی برای میزان اهمیت سطوح در نماسازی مطرح بوده است که بر اساس آن نمای خانه را طراحی می نمودند. در طراحی نمای اصلی خانه، در درجه اول این سلسله مراتب، اتاق ها و فضاهای واقع در طبقه اول قرار می گرفتند و بعد از آن اتاق ها و فضاهای طبقه همکف قرار داشتند. در بین فضاهای تشکیل دهنده طبقه اول هم از لحاظ اهمیت پیش از همه، اتاق مهمان قرار می گرفت و بعد از آن سایر فضاها بودند. در طبقه همکف هم در ابتدا اتاق مهمان یا اتاقی که دقیقاً در زیر اتاق مهمان طبقه اول قرار داشت، مورد توجه قرار می گرفت و بعد از آن نماسازی بقیه سطوح و فضاها مطرح می شد.

علاوه بر این می توان از سلسله مراتب اهمیت و نفاست بازشوها در نماسازی هم سخن گفت. به نظر می رسد در ذهنیت سازندگان، ارسی نفیس ترین نوع بازشو محسوب می شده که شایسته بود در بهترین فضاها استفاده شود. برای مثال، در یک خانه دو طبقه احتمالاً ارسی فقط در طبقه بالا استفاده می شود نه در طبقه پایین. کاربرد ارسی ممکن است صرفاً به اتاق مهمان در طبقه اول محدود شود (مانند خانه طاهرپرور).

ممکن است در دو اتاق هم ارز در طبقه اول استفاده شود (مانند خانه رضانی). امکان دارد هم در اتاق مهمان و هم در اتاق خصوصی تر خانواده استفاده شود (مانند خانه دوزنده) یا حتی ممکن است هم جلوی اتاق مهمان و هم در مقابل راه پله مجاور آن تعبیه شود (مانند خانه فیاض). نگارنده در هیچ یک از خانه های دو طبقه موجود در لاهیجان کاربرد ارسی در طبقه همکف را مشاهده ننموده است.

شایان ذکر است که از بررسی نمونه های ارسی در خانه های قاجاری لاهیجان می توان دو سبک طراحی ارسی را از یکدیگر تمیز داد. در سبک اول شبکه ارسی با طرح گره کار شده است و آلت های ارسی همگی مستقیم الخط هستند. در حالت دوم آلت های آن همگی منحنی هستند. در ارسی های نوع دوم قطعات شیشه رنگی به کار رفته در ارسی به نسبت بزرگتر از نوع اول می باشند و در مجموع شفافیت ارسی بیشتر است. به نظر می رسد ارسی های سبک اول قدیمی تر از نوع دوم باشند. علاوه بر این دو نوع که در دو انتهای طیف جای دارند، می توان نمونه هایی را هم مشاهده نمود که ترکیبی از دو حالت مستقیم الخط و منحنی الخط را در خود دارند.



شکل ۱۹۸. ارسی خانه دوزنده از نمونه ارسی هایی است که تمام آلت های آن مستقیم الخط هستند.



شکل ۱۹۹. ارسی خانه دوزنده از داخل



شکل ۲۰۰. ارسی خانه ای در کوچه حجت انصاری در حالت باز



شکل ۲۰۱. ارسی خانه ای در کوچه حجت انصاری در حالت بسته

شکل ۲۰۲. بخشی از اِرسی خانه صفارنیا با آلت های
عمدتاً منحنی الخط



شکل ۲۰۳. یکی از پنجره های اِرسی خانه صفارنیا با
آلت های عمدتاً منحنی الخط





شکل ۲۰۴. ارسی خانه فیاض با سبک آلت های منحنی الخط



شکل ۲۰۵. ارسی ها معمولاً در سه وضعیت قابل تنظیم هستند: ۱. بسته، ۲. نیمه باز، ۳. کاملاً باز. در خانه ها ارسی هم به عنوان در و هم به عنوان پنجره کاربرد داشته و معمولاً مسیر عبور افراد از داخل آن می گذشته است. البته با توجه به وزن نسبتاً سنگین پنجره های آن باز و بسته کردن ارسی نیاز به قدرت بدنی بالایی داشته و معمولاً برای افراد مسن یا کودکان انجام آن امکان پذیر نبوده است.



شکل ۲۰۶. نمونه ای از ارسی هایی که در آنها هم از آلت های مستقیم و هم از آلت های منحنی استفاده شده است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)

بعد از ارسی که بازشوی درجه یک محسوب می شد، در و پنجره های سرتاسری، الگوی یک در در وسط و دو پنجره در طرفین آن و در نهایت یک در یا پنجره منفرد را می توان در نظر گرفت. سازندگان بر اساس این سلسله مراتب متعارف، می توانستند بازشوی مناسب برای هر بخش از نمای ساختمان را انتخاب نمایند. بدین ترتیب، اگر برای مثال، در یک خانه دو طبقه نماسازی با الگوی یک در و دو پنجره برای اتاق مهمان استفاده می شد و ارسی برای اتاق های طبقه همکف به کار می رفت، این کار، کاری خارج از عرف و نامقبول قلمداد می شد، در حالی که اگر الگوی معکوس آن به کار گرفته می شد، طراحی نما متعارف و مقبول محسوب می گردید.



شکل ۲۰۷. معمولاً بعد از ارسی، در و پنجره های سرتاسری از لحاظ نفاست و ارزش معماری در جایگاه دوم قرار می گرفتند. (تصویر خانه بریسم حقیری)



شکل ۲۰۸. در مقایسه با سایر انواع بازشوهای رایج در معماری قاجاری لاهیجان، معمولاً در و پنجره های منفرد از لحاظ ارزش های زیباشناختی و معمارانه در انتهای جدول جای می گرفتند. (تصویر خانه مجاور تکیه گابنه)

نبوده است. در معماری این شهر پوشش سقف ها عمدتاً توسط تیرهای چوبی صورت می گرفته است. از این رو، فنون مربوط به کار با چوب در این منطقه پیشرفت قابل توجهی داشته و ساختمان ها محل هنرنمایی نجاران بومی بوده است.

وفور چوب در منطقه تأثیری اساسی بر فنون سازه ای مورد استفاده در معماری قاجاری گیلان به طور کلی و لاهیجان به طور خاص داشته و بر خلاف معماری مناطق مرکزی ایران، سیستم سازه ای پایه مورد استفاده در معماری قاجاری لاهیجان سیستم تاق و گنبد



شکل ۲۰۹. نمونه ای از هنرنمایی نجاران در خانه های قاجاری لاهیجان (خانه دوزنده)

می توانسته به حدود دو متر هم برسد. در ساخت سازه بام شیبدار خانه ها که پوشش سفالی روی خود را نگه می دارد و باید توان حمل بار سنگین برف را هم داشته باشد، استفاده از قابلیت های سازه های خرابایی مشاهده نمی شود و کارایی سازه در مقابل نیروهای جانبی مورد تردید است.

مشاهده نمونه های باقیمانده از معماری قاجاری لاهیجان حاکی از آن است که پوشش دهنه ها با تیرهای چوبی تا حدود چهار متر کاملاً متداول بوده است و در ساختمان های مهم تر می توانسته بیشتر هم باشد. ساخت بالکن های با عمق حدود یک متر و ده سانتی متر کاملاً متداول بوده و پیش آمدگی بام (دامنه) در بیشترین مقدار خود



شکل ۲۱۰. نمونه ای از سازه مورد استفاده در ساخت بام شیروانی (خانه ای نیمه مخروبه در محله پرده سر)



شکل ۲۱۱. نازک سازی دیوارهای میانی در طبقه بالایی خانه ها یکی از فنون تقویت ایستایی خانه ها محسوب می شده است. در این نمونه در خانه مجمع صنایع مشاهده می شود که ضخامت دیوار در حدی نبوده که یک لنگه در بتواند در حالت باز شده به طور کامل در ضخامت دیوار جای بگیرد، از این رو با ایجاد پخی امکان این کار را فراهم آورده اند.

با توجه به زلزله خیز بودن منطقه، استفاده از فنون سبک سازی ساختمان، به ویژه در طبقه بالایی به کرات در معماری خانه های قاجاری لاهیجان مشاهده می شود. سبک بودن طبقه فوقانی تأثیر زیادی در افزایش مقاومت ساختمان در برابر نیروهای جانبی مانند زلزله دارد. از این رو، معمولاً مشاهده می گردد که دیوارهای طبقه بالایی نازک تر از دیوارهای طبقه همکف کار شده اند و با تعبیه تاقچه ها و تاقنماهای متعدد حتی الامکان از جرم آنها کاسته شده است. برای مثال اگر دیوارهای طبقه همکف با ضخامت سه آجر ساخته شوند، دیوارهای طبقه بالا می توانند به اندازه دو و نیم آجر یا کمتر ضخامت داشته باشند و به ویژه دیوارهای میانی خانه می توانند باریک تر ساخته شوند.

◀ عناصر محوطه: دیوار حیاط



شکل ۲۱۲. دیوار محوطه می توانست کاملاً آجری باشد و با ارتفاعی در حدود ۱۱۰ رگ آجر ساخته شود که این نوع دیوار فاخر ترین و گران قیمت ترین نوع آن محسوب می شد. انواع ارزان قیمت تری از دیوارها هم قابل ساخت بودند که تماماً آجری نبودند و یا ارتفاع کمتری داشتند. در تصویر نمونه ای از این دیوارهای ترکیبی آجری و چینه ای مشاهده می شود. انتخاب نوع دیوار به وسیع مالی سازنده بستگی داشته است. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)

قواعد حاکم بر طراحی دیوار حیاط در خانه های نوع یک تا چهار تا حدودی با هم تفاوت دارند و به طور کلی هر چه خانه ای با جنبه درونگرایی و تدافعی بیشتری مد نظر بوده باشد، دیوارهای محوطه آن بلند تر و مستحکم تر کار می شده است. بدین ترتیب، می توان طیفی از ارتفاع ها را در این دیوارها ملاحظه نمود که از حدود ۷۵ رگ آجر شروع می شود و در خانه های قلعه ای می تواند تا حدود ۱۱۰ رگ آجر هم برسد. دیوار محوطه در خانه های قلعه ای معمولاً علاوه بر پشتبند، دارای برج هایی هم هست که جنبه دفاعی آنها را تقویت می نموده است. به طور کلی به نظر می رسد در ذهنیت مردم دوره مورد نظر، بلند بودن دیوار محوطه نشانه شأن و منزلت بالاتر صاحب خانه و فاخرتر بودن معماری آن محسوب می شده است.

ویژگی دیگری که در دیوارهای محوطه خانه ها مشاهده می شود این است که صرفاً در وجه داخلی این دیوارها عناصری مانند تاقنما و تاقچه کار می شود و وجه بیرونی آنها به صورت یک سطح یکنواخت باقی گذاشته می شود. در واقع پشت و روی دیوار به شکل ملموسی با یکدیگر تمایز دارند و درونگرایی آن کاملاً مشهود است. (نک: بخش مربوط به « تأکید بر مفهوم پشت و رو در دیوار محوطه »)



شکل ۲۱۳. نمونه ای از دیوارهای ترکیبی آجری و چینه ای (منبع
تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)



شکل ۲۱۴. نمونه ای از سردروازه های خانه های قاجاری لاهیجان که امروز دیگر وجود ندارند. سردروازه ها معمولاً یکی از بخش های خانه ها بودند که با دقت و به طرز زیبایی آراسته می شدند. (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا)

در ساختمان های عقب ساز و یا خانه هایی که در آنها دروازه ورودی جدای از ساختمان خانه است، دروازه می تواند مستقیماً یا به واسطه هشتی به حیاط مرتبط گردد. نگارنده در معماری لاهیجان نمونه ای برای هشتی به صورت فضایی هشت ضلعی مشاهده نکرده و صرفاً نمونه های چهار ضلعی آن را دیده است. اما بررسی ها نشان می دهد که اصطلاح رایج برای نامیدن این فضا «هشتی» بوده است. در خانه هایی که هشتی نداشتند عرف این بوده که با آویزان کردن پرده ای بعد از دروازه ورودی حریمیت لازم برای حیاط خانه تأمین گردد.

در ساختمان های بر ساز که دروازه آن در میانه پلان همکف واقع می شود، دروازه از طریق راهرویی به حیاط منتهی می شود. در منزل ضیاءظریفی به جهت تفکیک حریم های خصوصی و عمومی پله داخلی دسترسی به طبقه اول در همین راهرو تعبیه شده است و این امکان فراهم شده که مراجعان بدون ورود به حیاط منزل بتوانند به اتاق طبیب در طبقه اول خانه مراجعه نمایند و یا این که در همان راهروی ورودی داروهای مورد نظر خود را خریداری کنند.

همان گونه در بخش های پیشین هم اشاره شد، در خصوص سردروازه خانه ها عرف بر این بوده که این عنصر معماری حتی الامکان زیبا و برازنده باشد و معمولاً تنها بخشی از جداره بیرونی خانه ها بوده که برای تزئین آن به سمت معبر با دقت و وسواس خاصی عمل می شده و زیباسازی آن کاری نامتعارف محسوب نمی شده است.



شکل ۲۱۵. در معماری قاجاری لاهیجان، معمولاً سردر هر خانه ای در عین شباهت به خانه های دیگر منحصر به فرد بود و هویت و تشخص خاص خود را به نمایش می گذاشت. شبکه معابر شهری با بن بست ها و پیچ و خم های فراوانی که داشت نیز در شکل گیری این تشخص نقش مهمی ایفا می نمود. تصویری از بن بست مقابل خانه آقای صنایع در محله میدان مربوط به سال ۱۳۷۰ (منبع تصویر: آرشیو شخصی آقای مهندس صمد مهدی پور توانا).



شکل ۲۱۶. تصویری از وضعیت بن بست عکس قبل در سال ۱۳۹۶

◀ عناصر محوطه: حوض و چاه آب

در حیاط، حوض آب بهتر است حدوداً در میانه طول ساختمان خانه و در فاصله نزدیک از آن مکان یابی شود. حتی در خانه هایی که حیاط های وسیع دارند حوض آب نزدیک به خانه مکانیابی می شود و الزاماً از لحاظ هندسی در وسط حیاط قرار نمی گیرد. حوض آب از عناصری است که در نمونه های مختلف، تنوع زیادی در فرم آن مشاهده می شود و می توانسته موضوع خوبی برای طراحی های ذوقی باشد. تعیین موقعیت چاه آب علاوه بر سهولت استفاده توسط اهالی منزل به محل پیدا شدن بهترین آب در زمین مورد نظر هم بستگی داشته است.

شکل ۲۱۷. چاه و حوض آب از عناصر ثابت در حیاط خانه های قاجاری لاهیجان بوده اند. چاه و حوض آب خانه دوزنده.





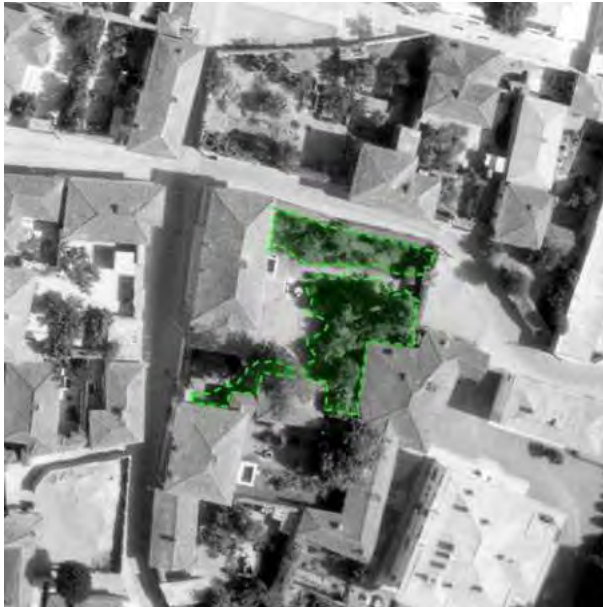
شکل ۲۱۸. حوض آب با شکل مثلثی در
خانه ضیاءظریفی



شکل ۲۱۹. حوض آب دارای سکوی
جانبی جهت قرار دادن گلدان و غیره در
خانه صفارنیا



شکل ۲۲۰. چاه آب مجهز به چرخ چاه
در خانه احمدی پور.
(منبع تصویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب
نظام وظیفه، ۱۳۸۹)



شکل ۲۲۲. در خانه قائمی و اکثر قریب به اتفاق خانه های قاجاری لاهیجان سازماندهی محوطه خانه در سیطره یک نظم هندسی برتر قرار ندارد و بیشتر مبتنی بر سهولت در رفع نیازهای عملکردی استفاده کنندگان است. در این حیاط ها طبیعت تاحدود زیادی آزاد گذاشته می شود که به ترکیب عناصر سبز در محوطه شکل دهد

در کف سازی حیاط ها می توان محدوده ها و مسیرهای سنگفرش شده را از محدوده های سبز که کفسازی نشده اند و دارای خاک طبیعی می باشند، تمایز داد. در نمونه های بررسی شده، محدوده های کفسازی شده معمولاً مبتنی بر اقتضائات عملکردی بوده اند و در نزدیکی ساختمان و عناصر کاربردی حیاط مانند حوض آب متمرکز بوده اند. مسیرها در صورتی که با سنگفرش تعریف می شدند، معمولاً به صورت مستقیم الخط و با اتصالات راستگوشه کار می شدند. فضای باقیمانده به محوطه سبز و باغ تعلقی می گرفت. در داخل محوطه های سبز معمولاً طرح و انتظام هندسی خاصی مشاهده نمی شود و درختان به صورت پراکنده استقرار می یابند به نحوی که می توان آن را یک «جنگل خانگی» (برومبرژه، ۱۳۷۰، ۶۶) نامید.



شکل ۲۲۱. انتظام نسبتاً هندسی مسیرها و باغچه ها در عمارت امین دیوان (عکس هوایی ۱۳۵۵)



شکل ۲۲۳. منظره حیاط خانه احمدی پور (منبع تصویر: علیخواه، نیکرو و داوطلب نظام وظیفه، ۱۳۸۹)



شکل ۲۲۴. کفسازی بخشی از حیاط با استفاده از سنگ رودخانه ای و آجر در خانه دوزنده

آسایش اقلیمی و کاربرد عناصر سبز و آب در این فضا در پیدایش این کیفیت نقش مهم تری ایفا نمایند. این نکته باید در برنامه ریزی کالبدی و تدوین ضوابط مرتبط با ساخت و ساز در بافت تاریخی لاهیجان مورد توجه قرار گیرد.

عامل اصلی زنده بودن و جذابیت حیاط در اغلب خانه های قاجاری لاهیجان، ابعاد و اندازه های بزرگ آن و یا اختصاص درصد سطح اشغال خاصی به حیاط نیست، بلکه به نظر می رسد عواملی از قبیل نحوه ارتباط آن با سایر فضاهای خانه و عملکردهای مرتبط با آن، تأمین حریمیت مورد نیاز، تأمین شرایط

فصل دوم

نگاهی به معماری نو و کنترل ساختمانی در بافت تاریخی لاهیجان

۲ - ۱. نقد وضعیت ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی لاهیجان



شکل ۲۲۵. ساختمان های قاجاری ارزشمند یکی پس از دیگری جای خود را به ساختمان های نوسازی می دهند که از لحاظ ارزش های فرهنگی و معماری نازل تر از آثار اولیه هستند.

در این بخش تلاش می شود تا به طور مختصر تصویری از این بی توجهی ترسیم و ابعاد معمارانه آن تشریح گردد. از آنجا که پیش از این قواعد و الگوهای مربوط به معماری قاجاری لاهیجان در قالب سه سر فصل بیان گردید، در این بخش نیز قواعد و الگوهای ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی این شهر در قالب همین سر فصل ها تشریح و نقد می شود.

به طور کلی، در حال حاضر وضعیت ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی لاهیجان و به خصوص در حریم آثار ثبت شده آن مطلوب نیست و اقدامات صورت گرفته توسط نهادهای ذیربط در این خصوص را می توان به وضوح ناکافی ارزیابی نمود. یکی از نکات آزار دهنده ای که در بازدید از بافت تاریخی لاهیجان و به خصوص خانه های ثبت شده آن جلب توجه می نماید، عدم تناسب ساخت و سازهای جدید با معماری زمینه تاریخی خود می باشد. مهدی پور توانا در توصیف تحولات معماری در بافت تاریخی لاهیجان در سال ۱۳۷۲ نوشته است: «عمارت های با ارزش قدیمی جای خویش را به بناهای نوساز و عمدتاً زشت و ناهنجار داد و معبرهای قدیمی با کف های سنگفرش و دیواره هایی با آجر قرمز جای خویش را به بلوک های سیمانی سپرد» (۱۳۷۲، ۵۷). در مجموع می توان گفت که در ساخت و سازهای جدیدی که در بافت تاریخی لاهیجان صورت گرفته است، حساسیت و دقت لازم نسبت به ارزش های این بافت کهن به چشم نمی خورد و اغلب آنچه دیده می شود بی مبالاتی مطلق نسبت به این میراث ارزشمند می باشد. این در حالی است که برای مثال در فرانسه یک شعاع ۵۰۰ متری که از آن یک اثر تاریخی قابل دیدن باشد، در جهت حفاظت از آن اثر ضابطه مند می گردد و ساخت و ساز در آن تحت ضوابط و کنترل های ویژه انجام می شود (نک: ۲۰۰۳، Loew).

وضعیت جهت گیری شهری در بافت تاریخی لاهیجان معاصر و نسبت آن با معماری قاجاری

بافت به تدریج کمرنگ و کمرنگ تر شد و امروزه دیگر نمی توان از وجود یک نظام جهت گیری منسجم در آن سخن گفت. با افزایش جمعیت و گرایش روز افزون به شهرنشینی از دهه چهل شمسی به بعد، مشاهده می شود که به تدریج تراکم ساختمانی در شهر افزایش می یابد و بافت قدیم شهر به تدریج پُر تر و پُر تر می شود. جدول ۳ روند افزایش جمعیت شهر لاهیجان از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۹۰ را به نمایش می گذارد.

همان گونه که در بخش ۱-۳ بیان گردید، در معماری قاجاری لاهیجان نظام مشخصی برای جهت گیری خانه ها وجود داشت که در شرایط مختلف مورد استفاده سازندگان قرار می گرفت. در این نظام، جهت گیری رو به شرق برترین جهت گیری قلمداد می شد و بعد از آن به ترتیب جهت گیری رو به شمال، غرب و جنوب جای می گرفتند. بررسی تحولات بافت تاریخی لاهیجان نشان می دهد که از دهه سی به بعد ساخت و سازهای جدید در بافت قاجاری طوری هدایت شدند که مفهوم جهت گیری شهری در این

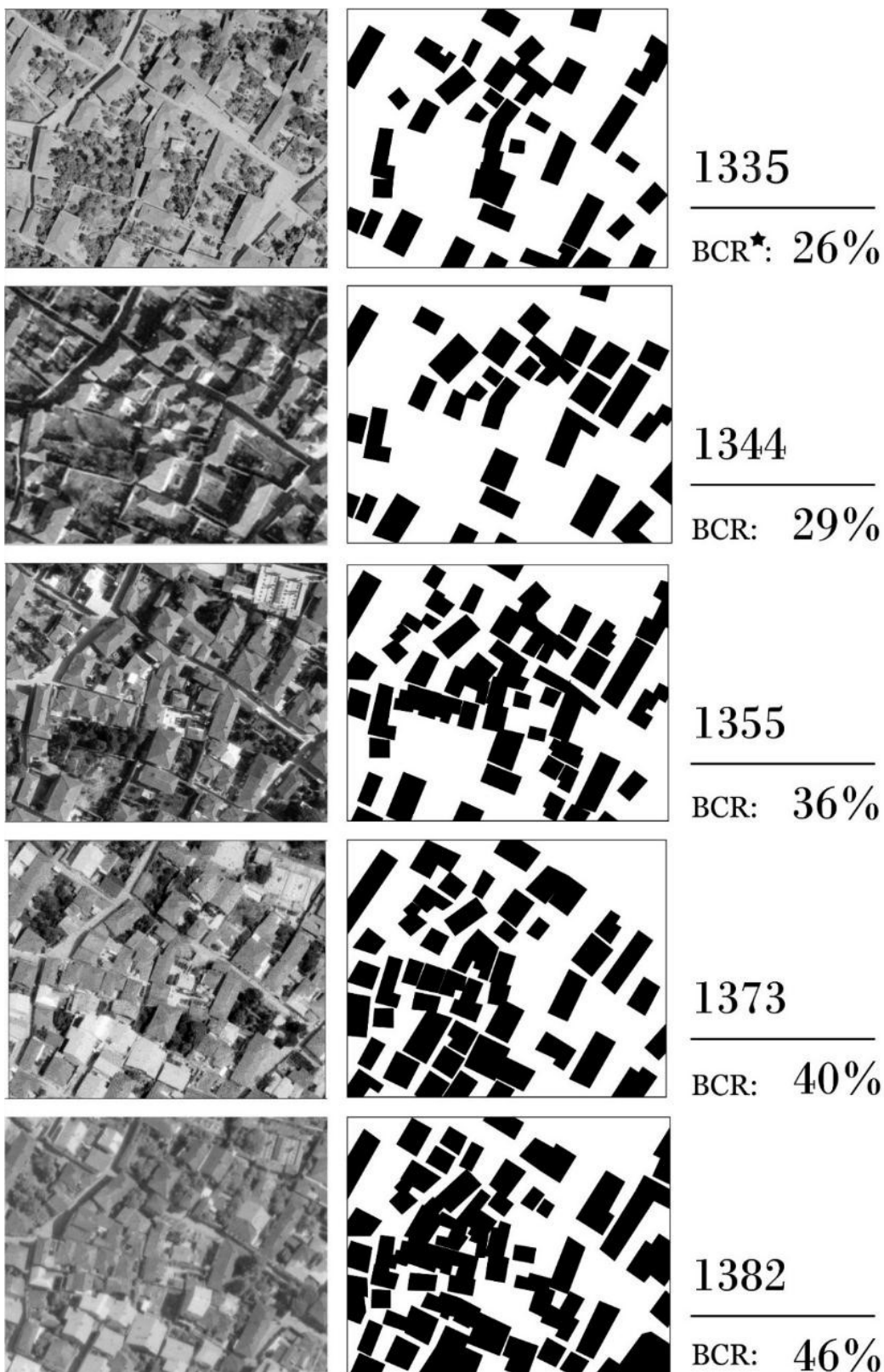
جدول ۳. روند تغییرات جمعیت شهر لاهیجان طی سال های ۱۳۳۶ تا ۱۳۹۰ (منبع: مهندسان مشاور پویانقش شهر و بنا، ۱۳۹۲ الف، ۷۶)

سال	جمعیت	میزان تغییرات	شاخص
۱۳۳۵	۱۹۸۷۷	—	۱۰۰
۱۳۴۵	۲۵۷۲۵	۵۸۴۸	۱۲۹.۴
۱۳۵۵	۳۱۳۸۳	۵۶۵۸	۱۵۷.۹
۱۳۶۵	۴۳۸۱۳	۱۲۴۳۰	۲۲۰.۴
۱۳۷۵	۵۳۱۲۲	۹۳۰۹	۲۶۴.۱
۱۳۸۵	۷۲۹۵۰	۱۹۸۲۸	۳۶۷.۰
۱۳۹۰	۹۴۰۵۱	۲۱۱۰۱	۴۷۳.۲



این اتفاقات به نحوی پیش می روند که بتدریج الگوی کهن جهت گیری و استقرار مسکن، هر چه محو تر و ناپدیدتر می شود. مقایسه تصویر هوایی لاهیجان در سال های ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۲ بروشنی این روند پرشدن بافت تاریخی و از بین رفتن الگوی جهت گیری برتر در آن را به نمایش می گذارد. پیش از این کانزن^{۵۰} به عنوان یکی از نظریه پردازان برجسته مورفولوژی شهری در توصیف «چرخه تحول قطعات زمین شهری»^{۵۱} به این فرایند پر شدن تدریجی قطعات زمین در بافت شهری و حرکت به سمت استفاده از نهایت ظرفیت زمین به عنوان مرحله ای از چرخه تحولات قطعات زمین شهری اشاره نموده بود. به بیان وی پس از این مرحله، مرحله تخلیه و صاف کردن قطعات در انتهای چرخه حیات آنها فرا می رسد که طی آن ساختمان های موجود در قطعات تخریب می شوند و این قطعات منتظر بازسازی و ورود به چرخه تحول بعدی می مانند (نک: 105 & Larkham, 1998: 163; Whitehand, 2001). در بافت تاریخی لاهیجان نیز می توان چنین چرخه ای را مشاهده نمود. امروزه در انتهای دهه ۱۳۹۰ خورشیدی بافت

کهن شهر لاهیجان چنان دستخوش دگرگونی شده و خصوصیات کلان آن چنان تغییر کرده است که دیگر به قول شاعر «نه از او تار به جا ماند و نه پود». با گذر زمان، دانش بومی در زمینه الگوهای جهت گیری و نحوه استقرار خانه ها در قطعات زمین شهری تبلور خود را در بافت سنتی شهر از دست داده است. شکل ۲۲۶ روند افزایش درصد سطح اشغال در قطعه ای از بافت قدیم لاهیجان (شامل کوچه وزیری) به عنوان یک نمونه تصادفی را بر اساس عکس های هوایی سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۲ به نمایش می گذارد. مقایسه ها حاکی از آن است که سطح اشغال در این قطعه، طی بازه زمانی مورد نظر حدوداً دو برابر شده است. البته پس از آن با تخلیه برخی قطعات بزرگ موجود در این محدوده و تبدیل آن ها به پارکینگ عمومی شاهد کاهش نسبی درصد سطح اشغال می باشیم که در هر صورت این فرایند به از بین رفتن ویژگی های بافت کهن منجر شده است.

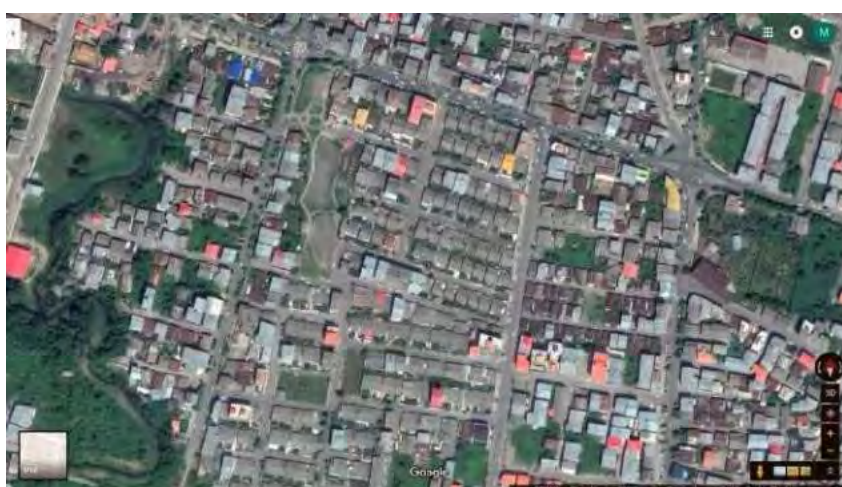


★ BCR: Building Coverage Ratio

شکل ۲۲۶. مقایسه درصد سطح اشغال قطعه ای تصادفی از بافت تاریخی لاهیجان بر اساس عکس های هوایی ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۲ نشان می دهد که طی این سال ها سطح اشغال در این قطعه حدوداً دو برابر شده است.

به موازات دگرگونی بافت تاریخی، در مناطق جدید شهری لاهیجان هم توسعه شهری بدون توجه به این قاعده سنتی در حال انجام بوده و می باشد. از یک سو شاهد آنیم که در کتاب های مرجع و مجامع دانشگاهی که به بررسی تأثیر عوامل اقلیمی بر آسایش انسان در ساختمان می پردازند، عوامل مختلف اقلیمی به طور مجزا و تک به تک مورد بررسی قرار می گیرند و برای مثال بهترین جهت گیری اقلیمی ساختمان ها صرفاً در ارتباط با آفتاب را تعیین می نمایند. به بیان کسمایی (۱۳۸۲، ۱۲۶) «در تمامی نظریه هایی که در مورد ارتباط جهت ساختمان با تابش آفتاب ارائه شده، جهت جنوبی بهترین جهت برای ساختمان اعلام شده است». طاهباز و جلیلیان نیز در خصوص جهت گیری اقلیمی ساختمان ها در سواحل جنوبی دریای خزر معتقدند: «مطالعات انجام شده نشان می دهد که مناسب ترین جهت در این منطقه در ارتباط با تابش برای ساختمانی با یک جبهه باز، جنوب تا جنوب شرقی با ۳۰ درجه انحراف از جنوب و برای ساختمانی با دو جبهه باز رو به روی هم، شمالی جنوبی است» (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۸۷، ۴۲).

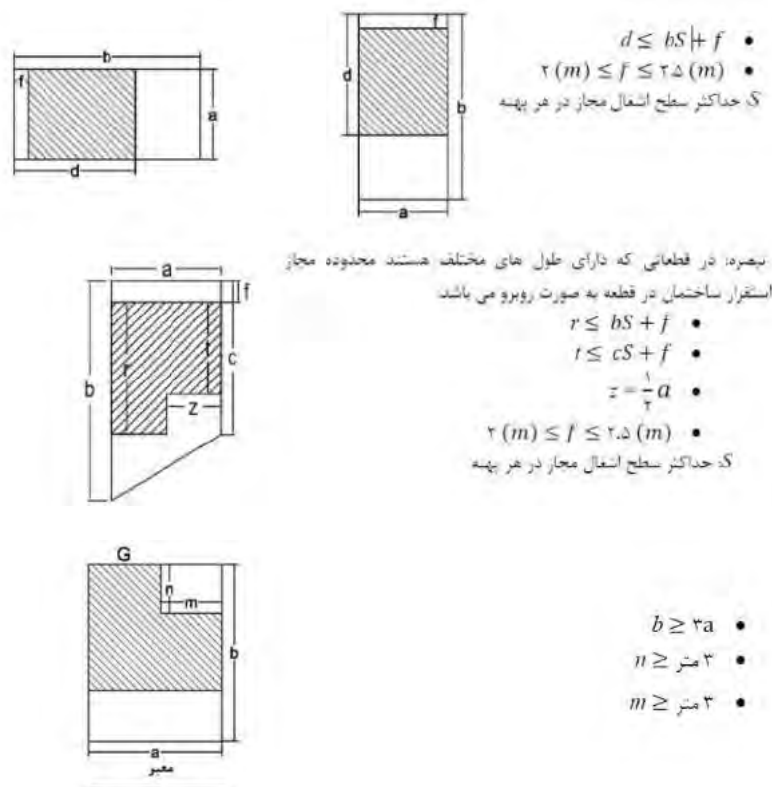
البته در این منابع و در لا به لای تحلیل های علمی و تجزیه گرایانه گاهی نتیجه گیری های کلی هم ارائه می شوند. برای مثال، مرتضی کسمایی در کتاب مهم خود «اقلیم و معماری» در خصوص اقلیم معتدل و مرطوب شهرهای حاشیه دریای خزر اظهار می دارد که به واسطه آن که دمای هوا و شدت تابش آفتاب در این مناطق در حد متوسط است، «در نتیجه، در این مناطق می توان از فرم های آزاد و حتی صلیبی شکل استفاده کرد. ولی با وجود این، فرم ساختمان حتماً باید در طول محور شرقی-غربی کشیدگی داشته باشد» (کسمایی، ۱۳۸۲، ۱۲۲). تأثیر چنین احکامی را در شکل دادن به ذهنیت معماران و شهرسازان این دوران نمی توان نادیده گرفت. همگام با این روند فکری، در طرح های توسعه شهری هم مشاهده می شود که در مناطق جدید شهری شبکه معابر با اولویت جهت گیری شرقی-غربی و به دنبال آن ساختمان ها با اولویت جهت گیری رو به جنوب (و گاهی جنوب غربی) طراحی می شوند. این در حالی است که در بافت سنتی شهر کشیدگی ساختمان ها در جهت شمال شرقی-جنوب غربی اولویت داشته است. بدین ترتیب، قاعده بومی جهت گیری خانه ها جای خود را به قاعده جدید و متفاوتی می دهد و این در حالی است که جای پژوهش های علمی درمورد کارآیی این دو قاعده در بستر شهری لاهیجان و مقایسه نقاط قوت و ضعف آنها نسبت به یکدیگر همچنان خالی است.



شکل ۲۲۷. از بالا به پایین: شهرک سلمان، شهرک نسیم و خیابان کارگر. در بسیاری از توسعه های شهری جدید لاهیجان جهت گیری رو به جنوب جهت گیری برتر در نظر گرفته می شود. (تصاویر هوایی متعلق به سال ۱۳۹۷ می باشند. منبع تصاویر: <https://www.google.com/maps>)

معماری قاجاری لاهیجان هماهنگ باشد. با توجه به این که زمین های واقع در بافت قدیم شهر غالباً شکل هندسی منتظمی ندارند، خروجی روش بیان شده در طرح جامع برای این زمین ها غالباً به گونه ای است که با خصوصیات بافت تاریخی لاهیجان هماهنگی ندارد و معمولاً منجر به شکل گیری ساختمان هایی با رد پای^{۵۲} نامنتظم و نامتجانس می شود.

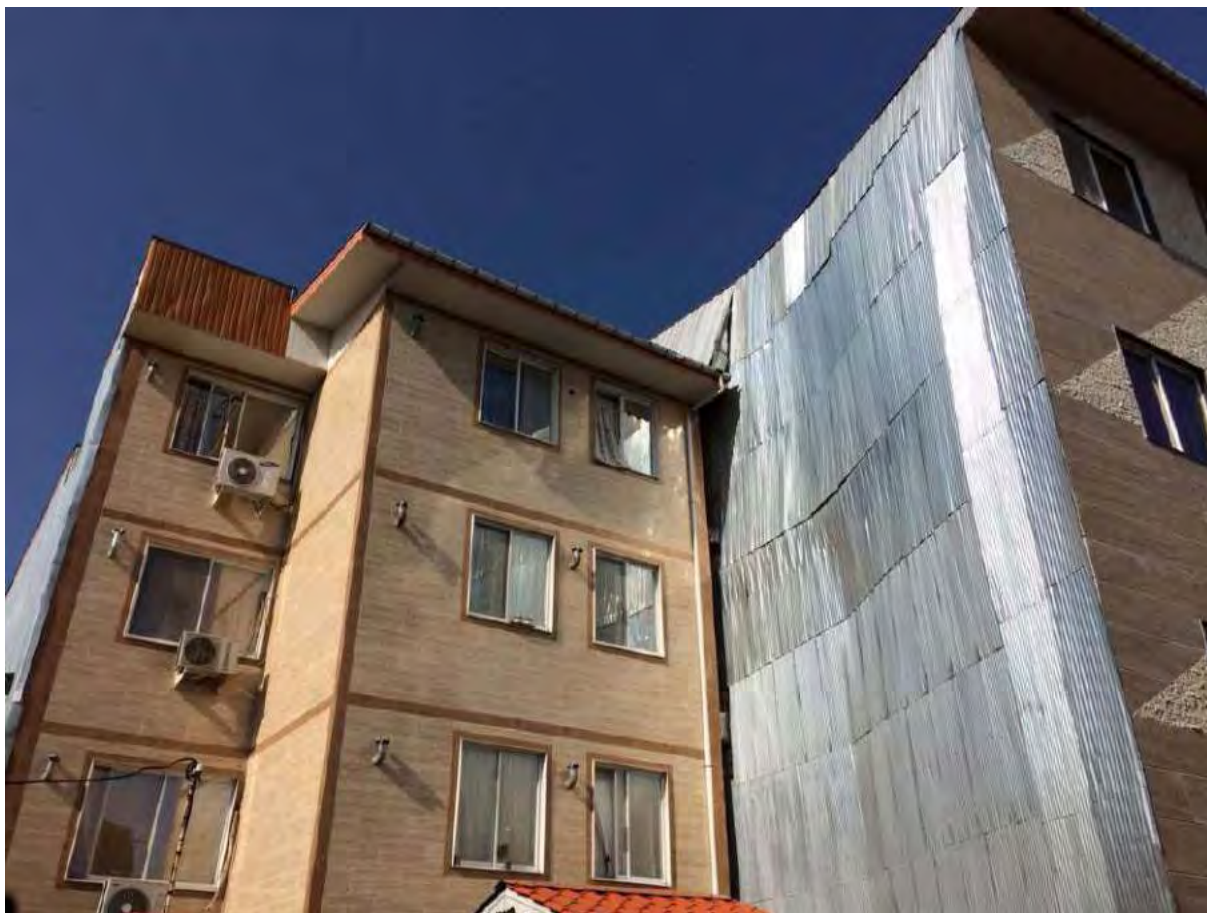
در طرح جامع شهر لاهیجان در مورد نحوه استقرار ساختمان در زمین مورد نظر، روش واحدی برای کل شهر تجویز شده است که از یک سو مبتنی بر اولویت جهت گیری رو به جنوب و از سوی دیگر مبتنی بر اولویت جهت گیری رو به معبر می باشد. در مورد ساخت و سازها در بافت تاریخی و حرائم آثار ثبت شده آن نیز یک نسخه اختصاصی از این ضابطه وجود ندارد که با نظام جهت گیری



شکل ۲۲۸. نحوه تعیین محدوده مجاز استقرار ساختمان در طرح جامع لاهیجان. (منبع تصاویر: پویا نقش شهر و بنا، ۱۳۹۲، صص ۱۹-۲۰)

فضای باز حیاط قرار گرفته است. جهت گیری خانه ها در معماری قاجاری لاهیجان به این معناست که یکی از دو ضلع بزرگتر این مستطیل، نمای اصلی خانه محسوب می شود و بیشترین بازشو ها در آن قرار دارد و پرکارترین نما هم همان است. بزرگترین حیاط معمولاً در مقابل همین نما قرار دارد. در مقابل، ضلع متقابل آن معمولاً یا فاقد بازشو است یا کمترین بازشو را دارد و از لحاظ نماسازی هم یکی از کم کارترین نماها محسوب می شود.

البته باید توجه شود که مفهوم جهت گیری در معماری مسکونی به نوع و تیپولوژی ساختمان مرتبط است و با تغییر نوع معماری معنای جهت گیری هم در آن دستخوش تغییر می شود. امروزه نوع معماری مسکونی در لاهیجان با معماری قاجاری آن تفاوت های اساسی دارد. از این رو، نمی توان به وضوح گذشته از جهت گیری خانه در آن سخن گفت. در معماری خانه های قاجاری لاهیجان شکل کلی پلان ساختمان معمولاً یک مستطیل است که در یک طرف و یا چند طرف آن



شکل ۲۲۹. با توجه به نامنتظم بودن شکل اکثر قطعات زمین در بافت قدیم لاهیجان، ضابطه سطح اشغال و نحوه استقرار فعلی طرح جامع، خروجی های ناهنجار فراوانی را در این بافت بر جای گذاشته است.

بدین ترتیب، جهت گیری خانه در معماری قاجاری لاهیجان، خود را در قالب یک تیپولوژی خاص تعریف می نماید. در حالی که اساساً مفهوم جهت گیری و تأکید بر یک جهت واحد در خانه های معاصر لاهیجان رنگ باخته است. هندسه پلان ها الزاماً مستطیلی نیست، مفهوم درونگرایی در خانه تغییر کرده، مفهوم پشت و روی ساختمان وضوح خود را از دست داده و تقریباً می توان گفت که مفهوم حیاط از خانه رخت بر بسته است. بنابراین، دیگر این گونه نیست که بتوان به سادگی از عکس هوایی شهر وضعیت جهت گیری خانه ها را تشخیص داد و بررسی نمود. به هر روی، بی توجهی به نظام جهت گیری قاجاری یکی از مواردی است که در ساخت و سازهای جدیدی که در این بافت انجام شده، کاملاً

مشهود است. در تصویر ۲۳۰ می توان نمونه ای از تقابل این دو نظام را شاهد بود. ساختمان سمت چپ، ساختمانی متعلق به دوره پهلوی می باشد که همچنان از قاعده جهت گیری رو به شرق تبعیت می نماید و در آن جهت گیری خانه تابع جهت معبر نیست. در مجاورت بنای فوق الذکر، در سمت راست تصویر، خانه آپارتمانی بر اساس الگوی راه-جدا دیده می شود که مربوط به دهه ۱۳۸۰ می باشد و از قاعده جهت گیری رو به معبر تبعیت می نماید که اتفاقاً منتج به جهت گیری رو به جنوب نیز گردیده است. قرار گیری این دو ساختمان در کنار یکدیگر نشان دهنده دو نظام متفاوت جهت گیری می باشد.



شکل ۲۳۰. ساختمان متعلق به دوره پهلوی همچنان از قاعده قاجاری جهت گیری رو به شرق تبعیت می کند ولی ساختمان متعلق به دهه ۱۳۸۰ بر اساس ضوابط شهرسازی جدید و با اولویت جهت گیری به سمت معبر ساخته شده است. این دو خانه در کنار یکدیگر تفاوت دو نظام قواعد معماری را بیان می نمایند.

وضعیت امروزی ارتباط خانه و معبر در بافت تاریخی لاهیجان

پیش از این در بخش ۱-۴ درباره کیفیت ارتباط خانه و معبر در معماری قاجاری لاهیجان سخن گفته شد و ملاحظه گردید که طیفی از رویکردها در این زمینه موجود بوده است که از نیمه برونگرا تا درونگرای کامل را شامل می شده است. هرچند این تنوع رویکردها می توانست به عنوان یک ظرفیت قابل توجه جهت آشتی دادن ساخت و سازهای جدید با معماری قاجاری لاهیجان نگریسته شود، متأسفانه از این قابلیت استفاده مطلوبی نشده و ساخت و سازهای جدید در حریم آثار تاریخی لاهیجان فاقد ارتباط ساختاری با این آثار می باشند.

پیش از این، یکی از مفاهیم پایه ای که در بررسی رابطه خانه و معبر در معماری قاجاری لاهیجان شناسایی گردید، درونگرایی بوده است. درونگرایی ای که در اکثر خانه های تاریخی لاهیجان وجود داشته در خانه های جدیدساز مشاهده نمی شود و خانه های جدید فارغ از جهت جغرافیایی معبر در هر حال به سمت معبر رو می کنند. البته پیش از این گفته شد که در معماری قاجاری هم رو کردن خانه به سمت معبر اتفاق می افتاد و مثلاً در خانه هایی که طبقه همکف آنها تجاری بوده است، خانه به سمت معبر نماسازی می شد. بنابراین، با این که قابلیت خوبی جهت تطبیق خانه های معاصر با خانه های تاریخی وجود داشته است، اما این قابلیت به خوبی مورد استفاده قرار نگرفته است.

لازمه تأمین درونگرایی در خانه های قاجاری لاهیجان، تأمین حیاط اختصاصی برای هر خانه بوده است که فضاهای خانه به سمت آن گشایش پیدا کنند و حیاط بتواند کانون زندگی در خانه محسوب گردد. این در حالی است که غالباً در معماری معاصر لاهیجان جایگاه حیاط کاملاً حاشیه ای است و خارج از جریان اصلی زندگی در خانه قرار دارد. بنابراین، جهت تأمین هماهنگی لازم بین خانه های نوساز و خانه های تاریخی در بافت، بازنگری نقش و جایگاه حیاط در این خانه ها اهمیت فراوانی دارد.

دیوارهای پیرامونی خانه ها یکی از مشخصه های مهم خانه های تاریخی لاهیجان بوده است که به بافت آن هماهنگی و انسجام بصری خاصی می بخشیده است. این دیوارها که با آجرهای قرمز محلی ساخته می شدند در معماری جدید به فراموشی سپرده شده اند. دیوارهای رو به معبر در ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی لاهیجان با مصالح مختلفی نماسازی شده اند و هیچ نشانی از دیوارهای مستحکم و یکپارچه بافت قدیم را در خود ندارند.

شکل ۲۳۱. خانه سمت راست خانه ثبت شده محمصی است و در سمت چپ تصویر خانه ای نوساز مشاهده می شود که با رعایت کلیه ضوابط موجود از جمله ضوابط سازمان میراث فرهنگی ساخته شده است، ولی کیفیت ارتباط خانه و معبر در ساختمان جدید با الگوهای قاجاری هماهنگی مناسبی ندارد.



تأمین پارکینگ یکی از مسائل مهمی است که معماری معاصر در بافت تاریخی لاهیجان باید به آن پاسخ دهد ولی تا به امروز این پاسخ گویی به شکلی انجام نشده که با ارزش های خاص این بافت هماهنگ باشد و ارزش افزوده ای برای آن به ارمغان بیاورد.

پیش از این به اهمیت سردروازه های ورود به خانه ها در معماری قاجاری لاهیجان اشاره گردید که در تعریف ارتباط خانه و معبر نقش مهمی ایفا می نمودند. معماری معاصر در بافت تاریخی این شهر باید علاوه بر تأمین ورودی نفرو، ورودی ماشین رو را هم تأمین نماید. مسأله ورود ماشین به خانه و



شکل ۲۳۲. خانه ای نوساز که دقیقاً در پشت خانه ثبت شده محمصی ساخته شده است. در این خانه که نماسازی آن مطابق با ضوابط سازمان میراث فرهنگی صورت گرفته، کیفیت ارتباط ساختمان با معبر و نحوه نماسازی آن هماهنگی لازم با معماری بنای ثبت شده مجاور را به نمایش نمی گذارد.

وضعیت تیپولوژی مسکن معاصر در بافت تاریخی لاهیجان

پیش از این قواعد و هنجارهای طراحی خانه در چارچوب پلاک شهری در شیوه معماری قاجاری لاهیجان بررسی گردید و ملاحظه شد که مکانیابی و چینش عناصر اصلی تشکیل دهنده خانه تابع عواملی از قبیل اقلیم، فاصله گذاری بین فضاهای اصلی و خدماتی خانه، تأمین محرمیت لازم در خانه نسبت به همجواری ها، تأمین کاربری های حیاط و مانند آن بوده است. در خود ساختمان خانه هم مشاهده گردید که الگوی اولیه ایوان-اتاق و انواع ترکیب های برآمده از آن مورد استفاده قرار می گرفتند.

گونه شناسی مسکن معاصر در بافت تاریخی لاهیجان از لحاظ هماهنگ شدن با خصوصیات معماری قاجاری بیش ترین و دشوارترین چالش ها را در پیش روی طراحان قرار می دهد. چرا که بیش از هر سطح دیگری با شکل زندگی مردم و ضوابط و مقررات موجود و واقعیت های بازار مسکن درگیری دارد. الگوی مسکن آپارتمانی متداول امروزی با خصوصیات از قبیل جداسازی حریم فضاهای خصوصی تر و عمومی تر در هر واحد مسکونی، نحوه چینش واحدهای مسکونی مستقل در ساختمان و استفاده از راه پله و فضاهای مشاعی تفاوت های بنیادینی را با الگوی ایوان-اتاق که الگوی پایه ای معماری قاجاری لاهیجان محسوب می شود، به نمایش می گذارد. جداسازی فضاهای خدماتی خانه از فضاهای اقامتی آنچنان که در مسکن قاجاری لاهیجان اتفاق می افتاد، در بازار مسکن امروزی قابل

قبول نیست. مسائلی مثل تأمین پارکینگ در معماری قاجاری سابقه ای ندارد ولی یک نیاز اساسی در مسکن امروزی تلقی می شود. بر اساس ضوابط سطح اشغال و بر و کف امروزی که در بافت قدیم هم لازم الرعایه است، رد پای خانه ها به ندرت مانند خانه های قاجاری مستطیلی شکل در می آید و معمولاً صرفاً تابعی از شکل هندسی زمین می شود. حقوق ارتفاقی که در دوره قاجار در بین همسایه ها متداول بود، امروزه برای جامعه جذابیتی ندارد. تغییر در ساختار خانواده ها و بافت جمعیتی شهر نیز از دیگر عواملی است که باعث می شود نتوان در خانه های جدید به الگوهای مسکن قاجاری نزدیک شد. با در نظر گرفتن واقعیت های فوق و موارد متعدد دیگری از این دست، این نتیجه حاصل می شود که برای ساخت و ساز در بافت قدیم و حریم بناهای ثبت شده لاهیجان نمی توان انتظار داشت که الگوها و روابط داخلی خانه های جدید قرابت چندانی با الگوهای قاجاری داشته باشند.

بدین ترتیب، به نظر می رسد نظام کنترل ساختمانی در بافت تاریخی لاهیجان باید تمرکز خود را بر قواعد و ضوابط در مقیاس کلان و مقیاس جزئی بگذارد و حتی الامکان از ورود به مقیاس میانی طراحی خانه ها پرهیز نماید. در اینجا منظور از ضوابط کلی، مواردی از قبیل ضوابط ناظر به چارچوب حجمی ساختمان ها و الگوهای دانه بندی و نحوه استقرار ساختمان ها در زمین می باشد که باید حتی الامکان در هماهنگی با بافت قاجاری تدوین شوند. بجز چارچوب حجمی ساختمان ها ضرورت دارد که در طراحی عناصر و بخش هایی مانند جداره های رو به معبر، بازشوها، بالکن ها، بام شیبدار و نظایر آن نیز ارتباط سازنده ای با معماری قاجاری لاهیجان برقرار شود. در اینجا نیز این امکان وجود دارد که بدون این که الگوهای امروزی طراحی مسکن دچار چالش های جدی گردد، این ابعاد جزئی طراحی مسکن با شرایط بافت تاریخی هماهنگ گردد.



شکل ۲۳۳. ساختمانی در حال ساخت در مقابل خانه ثبت شده ضیاء ظریفی در کوچه اکبریه که یکی از قدیمی ترین و ارزشمندترین معابر شهری لاهیجان محسوب می شود. آیا این بنا پس از اتمام مراحل ساخت، بر غنای معماری زمینه خود خواهد افزود؟

۲ - ۲. ارتقاء نظام کنترل ساختمانی در جهت حفاظت از بافت تاریخی لاهیجان

بحث طراحی معماری در بافت های تاریخی شهرها یکی از بحث های پر دامنه ای است که در رشته های مختلفی به آن پرداخته می شود و مجموعه وسیعی از ادبیات علمی در این خصوص وجود دارد. با نگاهی به تجربیات پیشروی جهانی در خصوص نحوه مداخله در بافت های تاریخی شهرها مشاهده می شود که در حال حاضر سیاست گذاری کلی در خصوص این بافت ها به صورت ترکیب منسجمی از «توسعه» و «حفاظت» مورد توجه می باشد. در مقاله صحنی زاده و ایزدی (۱۳۸۳) چکیده ای از سیر تحول دیدگاه های بین المللی نسبت به توسعه شهری در بافت های تاریخی از آغاز قرن بیستم تا کنون ارائه شده که در آن به بیان تقابل دیدگاه های «توسعه گرا» و دیدگاه های «حفاظت گرا» تا اواخر قرن بیستم پرداخته شده است. در کشورهای اروپای غربی این دیدگاه های متقابل از حوالی دهه ۱۹۹۰ میلادی در قالب «بازآفرینی از طریق حفاظت»^{۵۳} و یا «بازآفرینی حفاظت مدار»^{۵۴} به نوعی آشتی دست یافته اند که طی آن «دو فرایند ضروری حفاظت و توسعه، اکنون به مثابه دو جریان مکمل مورد عمل اند» (همان، ۲۰) و «محیط تاریخی به منبعی مهم در فرایند بازآفرینی شهری» مبدل گردیده است (همان، ۱۷).

مشاهده نحوه مداخلات انجام شده در بافت تاریخی لاهیجان از دوره پهلوی اول تا کنون حاکی از آن است که در طی این مدت به طور کلی حفاظت به عنوان مانعی بر سر راه توسعه تلقی شده است و تا رسیدن به وضعیتی که در آن حفاظت از بافت تاریخی به عنوان مبنای توسعه و محرک آن نقش آفرینی نماید، فاصله زیادی وجود دارد. به نظر می رسد

قبل از آن که تک تک مالکان، طراحان و سازندگان ساختمان های جدید در بافت های تاریخی لاهیجان مسئول این وضعیت دانسته شوند، باید به سراغ متولیان رسمی این موضوع رفت و بر نظام کنترل ساختمانی و ساختار و عملکرد آن تمرکز نمود. از آنجا که چارچوب گذاری و هدایت مداخلات در بافت تاریخی توسط نظام کنترل ساختمانی به اجرا در می آید، با توجه به عملکرد غیر قابل دفاع نظام کنترل ساختمانی فعلی در بافت تاریخی لاهیجان و حرائم آثار ثبت شده آن، ضرورت دارد تا اصلاحات اساسی در این نظام انجام شود و نظام کنترل ساختمانی فعلی به همراه سایر نظام های مرتبط با آن بر مبنای ایجاد انسجام بین توسعه و حفاظت بازتعریف گردد.

بهرام غفاری در تعریف کنترل ساختمان اظهار می دارد (۱۳۸۵): «کنترل ساختمان به مجموعه ای از اقدامات قانونی، اداری و فنی گفته می شود که دولت ها و نهادهای عهده دار مدیریت شهرها و روستاها به منظور هدایت نظام مند توسعه کالبدی و فضائی شهر یا روستا و تامین ایمنی، بهداشت و آسایش شهروندان انجام می دهند. این تعریف گستره وسیعی از اقدامات را در بر می گیرد که اعمال روزمره ماموران کنترل ساختمان (Building Control officers) تنها بخشی از آن را تشکیل می دهد». وی اجزا و ارکان کنترل ساختمان را شامل موارد هفت گانه زیر معرفی می نماید (بهرام غفاری، ۱۳۷۰): ۱. مدارک فنی؛ ۲. تشخیص صلاحیت؛ ۳. کنترل طراحی؛ ۴. نظارت در حین اجرا؛ ۵. کنترل کیفیت؛ ۶. کنترل نهایی؛ ۷. کنترل نحوه کاربری. در ادامه به دو مورد از ارکان هفتگانه فوق در خصوص کنترل ساخت و ساز در بافت تاریخی و حریم آثار قاجاری ثبت شده در لاهیجان پرداخته می شود: مدارک فنی و کنترل طراحی.

همان گونه که پیش از این هم اشاره گردید، ساخت و سازهایی که در بافت تاریخی لاهیجان صورت می گیرند با رعایت مدارک فنی و مقررات و ضوابط موجود انجام می شوند، اما حاصل کار کیفیت نامطلوبی را به

نمایش می‌گذارد. بنابراین، مشخص است که این اسناد و مدارک نیز نیازمند بازبینی می‌باشند.

لو (Loew, 1998, 212) که به بررسی نظام کنترل ساختمانی در بافت‌های تاریخی فرانسه و مقایسه آن با نظام انگلستان پرداخته است، در تمجید از مقررات ساختمانی فرانسه اظهار می‌دارد که مقررات ساختمانی مورد استفاده در مناطق ارزشمند تاریخی «به دقت بر تحلیل‌های تاریخی و ریخت‌شناسی که توسط متخصصان انجام شده، مبتنی هستند. این مطالعات نه تنها توجیهی برای مقررات مورد اشاره است، بلکه منجر به آگاهی عمومی و کمک به تصمیم‌گیران می‌شود. آنها به فهم تحول تکاملی یک محدوده و به دنبال آن فهم نقش بالقوه یک ساختمان جدید کمک می‌کنند. بنابراین، مقررات از وزانت و وثوقی برخوردارند که هم از جایگاه حقوقی آنها نشأت می‌گیرد و هم از پیشینه حرفه‌ای آنها ... عناصری که تداوم یک سنت خاص در زمینه مقیاس، منظر شهری و شخصیت را تضمین می‌کنند، قابل مذاکره نیستند. اما امور جزئی می‌تواند مورد مذاکره باشد و در اینجا است که کاربرد طراحی معاصر می‌تواند توسط کسانی که مقررات را اعمال می‌کنند، تشویق گردد». بدین ترتیب، برای حصول نتیجه مطلوب، رکن اول نظام کنترل ساختمانی یعنی مدارک فنی باید مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد. ضوابط و مقررات مرتبط می‌تواند دست کم در سه سطح مورد توجه و بازبینی قرار گیرند. در سطح اول که سطح کلان می‌باشد، ضوابط مربوط به کلیات بافت تاریخی قرار می‌گیرند. در این سطح علاوه بر مسائلی که به طور معمول مورد توجه طرح‌های توسعه شهری قرار می‌گیرند از قبیل ضوابط مربوط به تفکیک قطعات زمین، تخصیص کاربری‌ها، وضعیت معابر و ... باید به الگوهای ارزشمند و اختصاصی موجود در بافت شهری لاهیجان نیز توجه گردد و برای آنها برنامه

ریزی خاصی صورت گیرد. در ادامه به دو نمونه از این الگوها اشاره می‌شود. پیش از این به ترکیب خاص خانه‌های مجاور هم به صورت یک قلعه نفوذناپذیر در محلاتی مثل گابنه و پُرده سر اشاره گردید. این الگو را می‌توان یکی از الگوهای ارزشمند موجود در بافت شهری لاهیجان دانست و برای حفاظت از آن برنامه ریزی نمود. از جمله این قطعات شهری می‌توان به قطعه واقع در پشت مسجد اکبریه و قطعه واقع در بین کوچه اصمعی و طایفه اشاره نمود. این قطعات را می‌توان تنها بازمانده‌های مخدوش از یک الگوی شهرسازی خاص لاهیجان قدیم محسوب نمود که در حال فراموش شدن کامل است و می‌توان آن را الگوی «قلعه مرکب» نامید.

ایده بلندپروازانه و رؤیایگونه‌ای که در این زمینه می‌توان مطرح نمود این است که کل قطعه شهری مورد نظر، به صورت یکپارچه تبدیل به یک مجموعه واحد گردد و طرح‌های حفاظت و احیاء روی آن اجرا گردد. مثلاً می‌توان تصور نمود که کل قطعه واقع در پشت مسجد اکبریه به صورت یک مجموعه فرهنگی-گردشگری و یا هتل بزرگ احیا گردد. در این طرح خانه‌های همجوار از داخل حیاط‌ها به یکدیگر مرتبط می‌گردند و ساختمان‌های مختلف آن به عنوان قسمت‌های مختلف مجموعه فرهنگی و یا هتل مورد نظر استفاده می‌شوند. بدین ترتیب، نمونه‌ای از قلعه‌های مرکب در بافت تاریخی لاهیجان حفظ می‌شود. البته در صورتی که این موضوع چند دهه قبل مثلاً در دهه پنجاه مورد توجه مسئولان امر قرار می‌گرفت، حفاظت از الگوی قلعه‌های مرکب لاهیجان به مراتب میسر تر بود ولی امروز با ساخت و سازها و دستکاری‌های معاصر صورت گرفته در قلعه‌های کهن، حفاظت از این الگو کاری بس دشوار ارزیابی می‌شود.



شکل ۲۳۴. نظام کنترل ساختمانی می تواند الگوی قلعه مرکب را که یکی از الگوهای موجود در بافت تاریخی لاهیجان است، مورد حفاظت قرار دهد. در تصویر وضعیت یکی از این قلعه ها در پشت مسجد اکبریه در عکس هوایی ۱۳۳۶ (سمت چپ) و ۱۳۹۷ (سمت راست) به نمایش در آمده است.



شکل ۲۳۵. قلعه مرکب در حد فاصل کوچه اصمعی و طایفه که می توانست توسط نظام کنترل ساختمانی مورد حفاظت قرار گیرد. تصویر بالا مربوط به سال ۱۳۵۵ و تصویر پایین مربوط به ۱۳۹۷ می باشد.



شکل ۲۳۶. جداره خارجی خانه کیاموسوی که بخشی از یک قلعه مرکب در محله پرده سر را شکل می داد (کوچه اصمعی).



شکل ۲۳۷. جداره خارجی دیگر از قلعه مرکب در محله پرده سر (کوچه طایفه)

ترین و در عین حال آخرین بقایای معابر شهری کهن در استان گیلان می باشند. این معابر می توانند به عنوان یک اثر تاریخی ارزشمند تعریف و ثبت گردند و تحت رویه های کنترلی خاص قرار داده شوند. برای مثال ممکن است، نمای ساختمان های آنها مورد حفاظت و مرمت قرار گیرد.

یکی دیگر از الگوهای تاریخی که ارزش حفاظت به عنوان میراث فرهنگی را دارد نمونه هایی از معابر شهری در لاهیجان قدیم است. در کوچه مقابل و مجاور مسجد اکبریه هنوز می توان نمونه خاصی از این معابر شهری را ملاحظه نمود که از لحاظ امتداد نسبتاً طولانی معبر و کیفیت ساختمان های مجاور آن و انسجام معمارانه، می توان گفت از اصیل



شکل ۲۳۸. برخی کوچه های بافت تاریخی لاهیجان هنوز قابلیت و ارزش حفاظت شدن را دارند. کوچه اکبریه و کوچه محمد کریم خصوصیات منحصر به فردی دارند که حفاظت از آنها را توجیه می نماید. در این تصویر موقعیت و محدوده قابل حفاظت این کوچه های ارزشمند در عکس هوایی ۱۳۳۶ (سمت چپ) و عکس هوایی ۱۳۹۷ (سمت راست) نمایش داده شده است.



شکل ۲۳۹. خانه ای که می تواند انتهای جنوبی محدوده حفاظت شده کوچه اکبریه محسوب شود.



شکل ۲۴۰. تصویری از کوچه اکبریه در مقابل مسجد اکبریه



شکل ۲۴۱. بن بست آغاغلامحسین در کوچه محمد کریم

پس از شناسایی و برنامه ریزی برای الگوهای کهن موجود در بافت تاریخی لاهیجان، باید در سطح میانی، ضوابط و مقرراتی برای هدایت ساخت و ساز جدید در این بافت و حرائم آثار ثبت شده آن تدوین گردد. خانه های جدیدی که در بافت تاریخی لاهیجان و در حریم آثار ثبت شده آن ساخته می شوند باید با حساسیت ویژه ای نسبت به بستر خود طراحی شوند. بدیهی است که این خانه ها باید به نیازهای روز استفاده کنندگان خود جواب دهند، ولی این سطح از هدف گذاری کافی نیست و این خانه ها باید فراتر از آن بتوانند با معماری قاجاری لاهیجان گفتگوی معمارانه مناسبی را برقرار نموده، هماهنگی قابل قبولی را با آن به نمایش بگذارند.

در این سطح باید ضوابط و مقررات پایه ای ناظر به چارچوب حجمی ساختمان ها مورد توجه قرار داده شود. بدین ترتیب، ضوابط مربوط به سطح اشغال، تراکم، بر و کف (پخ) و نحوه استقرار در هماهنگی با معماری قاجاری در درجه اول اهمیت قرار می گیرند. هرچند این ضوابط در طرح جامع شهر بیان می شوند ولی ضرورت دارد که نسخه اختصاصی آنها برای بافت تاریخی لاهیجان با توجه به حساسیت ها و ویژگی های خاص آن تدوین گردد.

قدیری (۱۳۸۵) انواع روش هایی را که برای طراحی ساختمان های جدید در بافت های تاریخی به کار گرفته می شوند، در هشت گروه به شرح زیر دسته بندی نموده است:

● ۱. ساختارهای جدید در پشت نماهای تاریخی یا مکتب حفظ نما^{۵۵} که تنها در شرایط خاصی به کار گرفته می شود، از قبیل این که فضای داخلی بنای مورد نظر ارزش معماری و تاریخی نداشته و یا این که قابلیت مرمت و بازسازی نداشته باشد (همان، ۲۵).

● ۲. درجه صفر^{۵۶}: او (همان، ۳۰) این روش را «یکی از روش های دردناک برخورد با بافت تاریخی» معرفی می نماید که با «بی توجهی مطلق به آن» همراه است. در این رویکرد، ساختمان جدیدی به بافت افزوده می شود که فاقد

هماهنگی با ساختمان های تاریخی اطرافش است.

● ۳. تلفیق^{۵۷}: طراحان در این شیوه به دنبال ایجاد هماهنگی بین ساختمان های جدید و ساختمان های موجود هستند. به بیان قدیری «به نظر اکثر افراد، بهترین راه تلفیق در یک چشم انداز، الگوبرداری از شیوه معماری ساختمان هایی است که همه به دیدن آنها در آن محل عادت کرده اند. بدین گونه از طریق تلفیق، شاخصه های کاملاً مشخصی یا به زبان ساده تر همانند سازی از معماری سنتی گسترش می یابد» (همان، ۳۶).

● ۴. تضاد و تباین^{۵۸}: قدیری در توضیح این روش می گوید: «در این روش طراحان سعی دارند بنای جدید را تماماً از بافت اطراف متمایز نمایند... تفاوت این روش با روش درجه صفر در آن است که بنای متضاد و متباین به طور عمد و برای بیان هدف مشخصی از بافت اطراف جدا می شود... گروهی معتقدند احداث بناهای جدید به این شیوه می تواند عامل تباهی بافت اطراف خود شود و برخی نیز اعمال این روش را با رعایت احتیاط های لازم تأیید می کنند» (همان، ۴۳).

● ۵. تمسخر آمیز و ناپایدار^{۵۹}: در این روش ساختارهای جدید در کنار بناهای تاریخی طوری طراحی می شوند که غیراصیل بودن و ناپایداری این ساختارهای جدید مورد تأکید قرار می گیرد. «پیروان این روش معتقدند این شیوه آن قدر وضعیت مضحک و ناپایداری دارد که دیگر نگرانی از هماهنگی، تطابق و احترام به وضعیت ساختارهای قدیمی را از بین می برد و عقل می پذیرد که این آثار صرفاً برای مدت کوتاهی ساخته شده اند» (همان، ۶۳).

● ۶. قیاس یا تشابه^{۶۰}: این روش بر مطالعات ریخت شناسی (مورفولوژیک) در بافت مورد نظر مبتنی است و در آن طراح به دنبال طراحی بنایی است که «هم رد پای از گذشته دارد و هم نمادهایی از حال» (همان، ۷۲). تفاوت این شیوه و شیوه تلفیق در آن است که در این روش از معماری قدیمی تقلید صرف نمی شود. قدیری معتقد است این شیوه

«به دلیل حفظ رد پای گذشته و در عین حال ویژگی معماری امروزی» در مقایسه با روش های قبلی، سازگاری بیشتری با رهنمودهای یونسکو دارد (همان).

● ۷. ناپیدا^{۶۱}: «در این شیوه، اصالت به بناهای موجود در محیط های تاریخی داده می شود» (همان، ۸۷) و طراحان سعی می کنند بنای جدید در جوار بنای تاریخی کمترین جلب توجه را بنماید و یا این که صرفاً در خدمت معرفی بهتر بنای تاریخی قرار گیرد.

● ۸. مرکب^{۶۲}: «بسیاری از اوقات به علت ملاحظات اجرایی، محدودیت های محوطه، پیچیدگی های طراحی، انتخاب راه حلی بینابین ضرورت می یابد» (همان، ۱۲۶). بدین ترتیب، در این روش بنا به اقتضای شرایط پروژه ترکیبی از روش های قبلی استفاده می شود.

بر خلاف روش قدیمی، برولین در کتاب خود (۱۳۸۳) با مرور نمونه های متعدد طراحی ساختمان در زمینه، این نمونه ها را در دو دسته «نمونه هایی با موفقیت کمتر» و «نمونه های موفق تر» دسته بندی می نماید. این دسته بندی نشان دهنده آن است که صرفاً انتخاب یک روش از روش های هشت گانه فوق منجر به موفقیت پروژه نخواهد بود.

با این حال، در بافت تاریخی لاهيجان و حریم خانه های قاجاری ثبت شده آن، با توجه به بی توجهی های گسترده و طولانی مدتی که نسبت به زمینه تاریخی شده است، ضرورت دارد که از هر گونه کاربرد روش های «درجه صفر»، «تضاد و تباین»، «تمسخر آمیز و ناپایدار» جدا اجتناب گردد. در واقع این محدوده های ارزشمند تاریخی با آسیب هایی که دیده اند، دیگر ظرفیت کاربرد چنین روش هایی را ندارند و باید با کاربرد روش هایی که احترام بیشتری برای میراث فرهنگی قائل هستند، تلاش شود تا به سوی ایجاد تعادل در آن حرکت گردد. بدین ترتیب، برای بافت تاریخی ارزشمند لاهيجان، نظام کنترل ساختمانی به طور کلی و مقررات و ضوابط مورد استفاده در آن به طور خاص باید طوری تدوین گردند که اجازه ساخت بناهایی با رویکردهای فوق الذکر را ندهند.

یکی از مسائلی که باید در این سطح پاسخ داده شود این است که با توجه به محدودیت تعداد طبقات و تراکم ساختمانی برای ساختمان های جدید در بافت تاریخی چگونه می توان نوعی از مسکن را معرفی نمود که علاوه بر هماهنگی با خصوصیات معماری قاجاری، بتواند جذابیت لازم برای سرمایه گذاران و مشتریان را نیز تأمین نماید. برای مثال، اگر قرار باشد که خانه های جدید در حریم آثار ثبت شده به جهت هماهنگی با این آثار سطح اشغال نسبتاً کوچک و حیاط های نسبتاً وسیعی داشته باشند، چگونه می توان این میزان از فضای باز در هر پلاک شهری را توجیه اقتصادی نمود و نحوه مالکیت و استفاده از فضاهای باز در این ساختمان ها به چه ترتیب خواهد بود. آیا سرمایه گذاران تمایلی برای ساخت و ساز در این بازار خواهند داشت؟

نگارنده بدون این که قصد داشته باشد در اینجا پاسخ های قاطع و دقیقی به این دغدغه ها بدهد اشاره به یک نکته را مفید می بیند. به نظر می رسد الگوی مسکن آپارتمانی معاصر به صورت واحدهای مستقلی که در یک ساختمان قرار می گیرند و از فضاهای مشاع مانند راه پله و حیاط به طور مشترک استفاده می کنند، چشم انداز امیدبخشی برای کاربرد در بافت تاریخی لاهيجان و حریم خانه های ثبت شده آن ندارد.

از سوی دیگر به نظر می رسد محبوب ترین نوع مسکنی که بتواند در بافت کم تراکم کار شود، مسکن ویلایی تک واحدی است که بیشترین میزان استقلال و حریمیت را به ساکنان می دهد. ولی این نوع از مسکن به جهت هزینه اقتصادی نسبتاً زیاد خود معمولاً برای اقشار متوسط و پایین جامعه خارج از دسترس خواهد بود. بدین ترتیب، مسکن ویلایی تک واحدی تنها در صورتی می تواند الگوی ساخت و ساز در حریم آثار تاریخی ثبت شده در نظر گرفته شود که برای جامعه هدف خاص با سطح اقتصادی بالا برنامه ریزی گردد.

در صورتی که جامعه هدف طبقات متوسط جامعه باشند، به نظر می رسد، استفاده از الگوهای مسکنی که بین مسکن ویلایی تک واحدی و مسکن آپارتمانی چندین واحدی قرار می گیرند، بهترین گزینه باشند. با

بررسی معماری قاجاری لاهیجان نمونه های متعددی از تقسیم یک ساختمان بین چند واحد مستقل مشاهده می شود که در آن هر واحد مسکونی از دروازه دسترسی و حیاط مستقل خود برخوردار است. به نظر می رسد، بررسی این نوع الگوی واحدهای مستقل که در یک ساختمان قرار دارند، می تواند چشم انداز خوبی را ارائه نماید.^{۶۳}

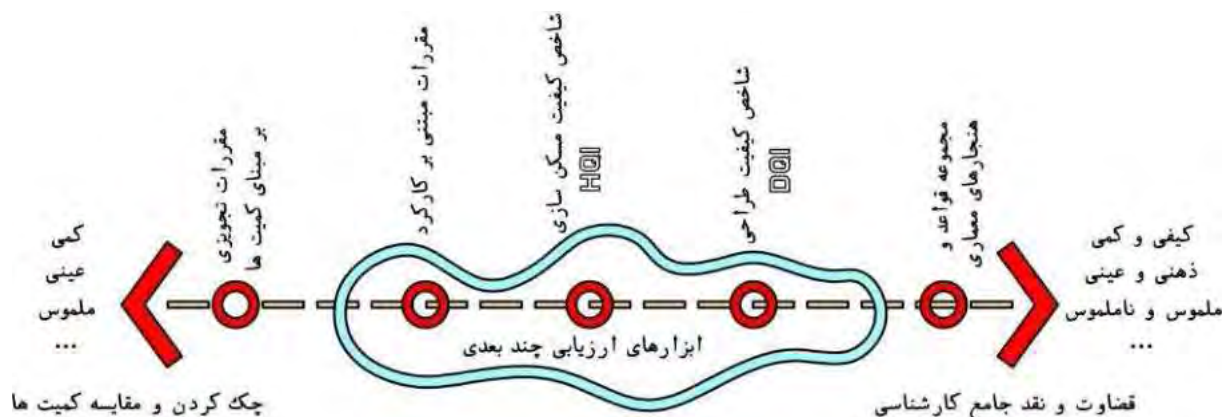
در سطح خرد، ضوابط مربوط به اتفاقات درون چارچوب حجمی ساختمان از قبیل طراحی جداره ها، نماسازی، طراحی بام و مسائل مرتبط به پارکینگ هستند که باید بازنگری، اصلاح و تکمیل شوند. ضوابط فعلی موجود در این مقیاس ضوابطی ابتدایی هستند که بر پایه شناخت دقیقی از قواعد معماری قاجاری لاهیجان مبتنی نیستند و فاقد اثربخشی لازم می باشند.

این دسته بندی که ضوابط اخیر را ضوابط در مقیاس خرد معرفی می نماید، نباید این تصور را ایجاد کند که قابلیت اثرگذاری این ضوابط ناچیز خواهد بود. برولین (۱۳۸۳، ۳۷) با بررسی نحوه ایجاد انسجام و تداوم معماری در بناهای تاریخی با سبک های متفاوت اشاره می نماید: «آن طور که از آثار امروز معماری بر می آید عموماً تصور می شود که آرایه بندی ها کم اهمیت ترین عنصر در ایجاد ارتباط ساختمان های جدید با ساختمان های قدیم هستند. در همین راستا فرض دیگر آن است که ایجاد شباهت های کلی میان بناهای جدید و قدیم - مانند ارتفاع، مصالح و حجم های مشابه - به تنهایی روابط دوستانه را تضمین می کند».

وی با ارجاع به نمونه های تاریخی این فرض را زیر سؤال می برد: «نمونه های تاریخی نشان دادند که شباهت های کلی در ایجاد ارتباط سازگار ممکن است کمتر از آنچه ما فکر می کنیم، اهمیت داشته باشد... به نظر می رسد که آرایه ها، بافت بصری و تداعی حاصل از آن، اغلب روش مطمئن تری برای ایجاد رابطه بصری سازگار میان ساختمان هاست» (همان). وی می افزاید که «این امر بدون توجه به سبک ساختمان ها کاملاً درست و به جاست» (همان). بنابراین، نباید اهمیت ضوابط مرتبط با بافت بصری جداره های خارجی ساختمان ها را دست کم گرفت.

علاوه بر اصلاح مقررات و ضوابط ساختمانی مرتبط، ضرورت دارد که بازتعریف رویه های کنترل طراحی نیز در دستور کار نهادهای ذیربط قرار گیرد. شایان ذکر است که با بررسی نظام های کنترل ساختمانی در کشورهای مختلف می توان دریافت که طیف نسبتاً وسیعی از ابزارها و رویه های کنترل طراحی وجود دارند که در شرایط مختلف قابل استفاده هستند. نگارنده در رساله دکتری خویش گزارش نسبتاً جامعی را در مورد این ابزارها و روش ها ارائه داده است (نک: پوراحمدی، ۱۳۹۵). شکل ۲۴۲ طیفی از این ابزارها

و روش ها را به نمایش می گذارد که در یک سوی این طیف، کنترل مبتنی بر مقررات تجویزی^{۶۴} و ضوابط کمی قرار دارد و در سوی دیگر آن، کنترل بر اساس قضاوت و اظهار نظر تخصصی کارشناسان و صاحب نظران قرار می گیرد. مثال این نوع کنترل معماری را می توان در شوراهای بازبینی طراحی^{۶۵} که در نظام کنترل ساختمان بسیاری از کشورها تعریف شده است، مشاهده نمود. در میانه طیف هم ابزارهای چند بعدی کنترل کیفیت طراحی قرار دارند که ترکیبی از هر دو رویکرد فوق را در ساختار خود استفاده می کنند.



شکل ۲۴۲. طیفی از ابزارها و روش های کنترل کیفیت طراحی معماری (منبع: پوراحمدی، ۱۳۹۵، ۱۷)

در یک ارزیابی کلی درباره مقررات تجویزی می توان به خشکی و عدم انعطاف پذیری این نوع مقررات در برخورد با شرایط متغیر زمانی و مکانی و مسائل پیش بینی نشده پروژه ها اشاره نمود و از جمله نقاط قوت این ابزار می توان از قاطعیت و قدرتمندی این ابزار برای تاثیرگذاری در مقیاس کلان بر

معماری یک جامعه سخن گفت^{۶۶}. سادگی کنترل و قابل فهم بودن برای همگان از دیگر ویژگی های مثبت این ابزار محسوب می شود. به دلیل برخورداری از این ویژگی های مثبت، مقررات کمی معمولاً کاربرد گسترده ای در نظام های کنترل ساختمان کشورهای مختلف دارند.

در مقررات مبتنی بر کارکرد^{۶۷} به جای تعیین ویژگی‌های کمی و کالبدی مشخص برای اجزای مختلف معماری، ویژگی‌های کارکردی^{۶۸} مشخصی برای آنها تعیین می‌شود:

▶ رویکرد کارکردی ابتدائاً و بیش از هر چیز، تمرین تفکر و کار کردن با نگاه به اهداف است، به جای تأکید بر وسیله‌ها. این رویکرد به آنچه که برآوردن آن را از ساختمان می‌خواهیم، توجه دارد، نه به تجویز این که آن ساختمان چگونه باید ساخته شود. (2005:92, Gibson, cited in: Meacham1982) ▶

البته چک کردن و کنترل رعایت این نوع از مقررات توسط نهادهای رسمی نیازمند فرایندهای پیچیده تر و پرهزینه تری نسبت به مقررات تجویزی می‌باشد، اما در عوض انتظار می‌رود که جلوی خلاقیت و آزادی طراحان را برای کشف و کاربرد روش‌های نو در طراحی نگیرد. به طور کلی مقررات مبتنی بر کارکرد پدیده نسبتاً نوظهوری در مبحث تدوین مقررات ساختمانی محسوب می‌شود و در حال حاضر میزان رواج و کاربرد این نوع مقررات، نسبت به مقررات تجویزی مرسوم، بسیار کمتر است و تنها در تعدادی از کشورهای پیشرفته غربی برای برخی از جنبه‌های محدود معماری تدوین شده‌اند.

ابزارهای ارزیابی چند بعدی مانند DQI⁶⁹ و HQI⁷⁰ - که این دو مورد در کشور انگلستان به کار می‌روند - دارای این مزیت هستند که مبتنی بر نگاه نسبتاً جامعی نسبت به کیفیت معماری می‌باشند و به ابعاد و جنبه‌های مختلف و متنوع معماری توجه می‌کنند. از لحاظ جایگاه اداری، این گونه ابزارها عمدتاً کاربرد داوطلبانه و رویکرد تشویقی دارند. در مورد برخی از این ابزارها، مانند «شاخص کیفیت مسکن سازی» (HQI)، کسب حداقل امتیاز مشخصی برای دریافت پروانه ساختمانی و برخورداری از برخی تسهیلات مالی الزامی است. اما از نقاط ضعف این ابزارها می‌توان به جایگاه حقوقی نسبتاً ضعیف آنها در نظام کنترل ساختمانی اشاره نمود که احتمالاً پیچیدگی کاربرد و نیاز داشتن به کارشناسان متخصص برای ارزیابی پروژه‌ها برخی از دلایل این امر می‌باشند.

شوراهای بازبینی طرح‌های معماری که در نظام کنترل ساختمانی برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا تعریف شده است، معمولاً از ترکیبی از معماران برجسته و احتمالاً نمایندگان از سایر نهادهای شهری تشکیل می‌شود و درمورد پروژه‌های ساختمانی که درخواست پروانه ساختمانی نموده‌اند، اظهار نظر می‌نماید. از جمله نقاط قوت این رویکرد، انعطاف پذیری فوق‌العاده آن

توصیه ای که در این زمینه می توان داشت این است که برای حصول نتیجه مطلوب، اکتفا به ضوابط و مقررات ساختمانی و ساز و کار کنترل مقرراتی به تنهایی جوابگو نخواهد بود و باید از ساز و کارهای پیشرفته تر و مکمل نیز استفاده گردد.

در صورتی که تمام ارکان نظام کنترل ساختمانی برای بافت تاریخی لاهیجان و حریم آثار ثبتی آن تدوین و مناسب سازی شوند، همچنان نیاز به کار فرهنگی در خصوص حفظ میراث فرهنگی این بافت شهری وجود خواهد داشت. باید حساسیت کارفرماها و شهروندان نسبت به موضوع تقویت و هدایت شود تا حفاظت از بافت و معماری تاریخی لاهیجان بتواند شکل پایداری به خود بگیرد. معماران و طراحان ساختمان ها نیز باید بکوشند تا فراتر از الزامات و حداقل های مقررات ساختمانی به ارزش های بافت و آثار تاریخی لاهیجان احترام بگذارند و حتی بر ارزش های آن بیافزایند. تدوین مدارک و اسنادی که جنبه ارشادی دارند، از قبیل راهنماهای طراحی، می تواند در این زمینه کمک ارزنده ای محسوب گردد. مشارکت دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی و پژوهشگران علاقه مند بومی می تواند در این راستا بسیار مفید واقع شود.

در مواجهه با شرایط خاص هر پروژه و در نظر گرفتن عوامل مختلف محلی در ارزیابی پروژه ها می باشد. همچنین، اظهار نظر درباره ابعاد زیباشناختی و ظریف پروژه ها توسط این شوراها از دیگر قابلیت های این روش می باشد. اما در مقابل، عدم اطمینان و پیش بینی ناپذیری نسبی نتیجه بررسی ها و امکان اعمال سلیقه و ملاحظات شخصی و غیر فنی اعضای شورا در ارزیابی پروژه ها، از جمله نقاط ضعف این روش محسوب می شوند.^{۱۸} در کنار تمام اینها اعمال کنترل دولتی بر جنبه های زیباشناختی ساختمان ها از جمله نماسازی رو به فضاهای عمومی شهر، می تواند محل مباحثات و چالش های عمیق تر حقوقی هم به حساب آید (برای نمونه نگ: عبدالله خان گرجی، ۱۳۸۵).

بدین ترتیب، با توجه به نقاط قوت و ضعف خاصی که هر یک از ابزارها و روش های مورد اشاره دارند، برای حصول بهترین نتیجه می توان ترکیبی از این روش ها را با توجه به شرایط حاکم مورد استفاده قرار داد. بر اساس چارچوب فوق در خصوص ساز و کارهای فعلی کنترل طراحی معماری در بافت تاریخی لاهیجان می توان گفت که در این نظام کنترلی صرفاً ساز و کار مبتنی بر مقررات تجویزی مورد استفاده قرار می گیرد و از روش های دیگر استفاده نمی شود. بدین ترتیب

چالش های طراحی معماری در بافت تاریخی لاهیجان تشریح شود و لزوم یافتن راهی برای ایجاد پیوند بین این دو نظام معماری مورد تأکید قرار گیرد. در این خصوص نظام کنترل ساختمانی باید نقش قابل توجهی را در هدایت ساخت و سازها به سمت ایجاد چنین پیوندی بر عهده بگیرد.

در جدول ۴ چکیده ای از رئوس عناوین و مطالب مطرح شده در پژوهش حاضر بیان شده است. در این جدول قواعد ناظر به طراحی معماری خانه ها در سه سطح طبقه بندی شده است و در هر سطح قواعد مربوط به معماری قاجاری و معماری امروزی معرفی و با یکدیگر مقایسه شده اند.

معماری قاجاری لاهیجان به عنوان نمونه ای از معماری سنتی ایرانی در حاشیه جنوبی دریای خزر که امروز بخش اعظم آن رو به نابودی گذاشته و دیگر چیز زیادی از آن باقی نمانده است، ارزش حفظ و احیا را دارد. در این راستا، طراحی معماری ساختمان های جدید در بافت تاریخی لاهیجان و حریم آثار قاجاری آن باید با حساسیت ها و ظرافت های ویژه ای همراه باشد. در این کتاب تلاش گردید تا قواعد و الگوهای کالبدی شکل دهنده به معماری خانه های قاجاری لاهیجان بر اساس رجوع به نمونه های باقی مانده و یا منابع مرتبط شناسایی و طبقه بندی گردد و به دنبال آن با تشریح تفاوت های قابل ملاحظه در نظام قواعد قاجاری با نظام قواعد و ضوابط امروزی

سطح	عنوان	خانه قاجاری	مسکن آپارتمانی امروزی
سطح ۱	نسبت ساختمان با محیط کلان	ترتیب مطلوبیت جهت ها بدین شرح است: ۱. جهت مشرق ۲. جهت شمال ۳. جهت غرب ۴. جهت جنوب اصطلاح «رون راسته» و یا «رو به امام رضا» در توصیف اولویت جهت گیری به سمت مشرق (و یا قبله) استفاده شده است.	از لحاظ اقلیمی به طور کلی جهت جنوب جهت برتر قلمداد می شود.
سطح ۲	نسبت ساختمان با معبر مجاور	چهار گونه ارتباط خانه و معبر مشاهده می شود: ۱. گونه نیمه برونگرا ۲. گونه نیمه درونگرا ۳. گونه درونگرا ۴. گونه درونگرای قلعه ای	ساختمان از لحاظ الگوی استقرار و تعیین نمای اصلی غالباً تابع معبر است.
	نسبت ساختمان با خانه همسایه	اشکال متنوعی از حق ارتفاق و یکپارچه سازی در بام ها به کار گرفته می شود. محرمیت خانه ها به خصوص حیاط آنها از دید همسایه ها مهم تلقی می شود.	حق ارتفاق و یکپارچه سازی های ساختمانی متداول نیست. معمولاً حیاط ها تحت اشراف همسایه ها قرار دارند.
سطح ۳	استقرار ساختمان در سایت	انواع متنوعی از نحوه استقرار ساختمان ها در زمین مورد نظر قابل استفاده است (در بخش ۱-۵-۱ به ۱۰ مورد اشاره شده است). حیاط و ساختمان هر دو مهم و حیاتی تلقی می شوند.	نحوه استقرار ساختمان بر اساس ضابطه درصد سطح اشغال و موقعیت استقرار در بخش شمالی یا غربی زمین تعیین می شود. ساختمان مهم تر از حیاط تلقی می شود. حیاط اصلی، حیاط فرعی و پاسیوها در مقررات شهرسازی ضابطه مند می شوند.
	ارتباطات درونی ساختمان	الگوی ایوان-اتاق الگوی پایه محسوب می شود. اتاق ها به صورت پهلوی به پهلوی به یکدیگر راه دارند. کاربرد فضای نیمه باز، گسترده است. هندسه اتاق ها و رد پای ساختمان روی زمین غالباً مستطیلی و ساده است. اتاق مهمان مهم ترین اتاق خانه است و از بهترین کیفیت فضایی و آسایشی در بین اتاق های خانه برخوردار است و معمولاً پله در نزدیک ترین فاصله ممکن از آن قرار داده می شود.	الگوی اساسی حاکم بر پلان هر واحد مسکونی، تفکیک عرصه خصوصی (اتاق خواب ها) و عرصه عمومی (پذیرایی) خانه می باشد. محرمیت اتاق ها بسیار مهم تلقی می شود. فضاهای نیمه باز حداقلی هستند. نورگیری از تمام جهات قابل تصور است. فضاهای تشکیل دهنده خانه می توانند ابعاد و اشکال متنوعی داشته باشند. پلان بسیار انعطاف پذیر تر و متنوع تر از الگوی سنتی است.
	نماسازی	عموماً تقارن جزئی در نماسازی هر اتاق یا بخش ساختمانی رعایت می شود، ولی ممکن است کل نمای ساختمان متقارن نباشد. بازشوهای نفیس تر برای بخش های مهم تر خانه به کار گرفته می شوند. هر چه سطوح نما پرکار تر و پر تزئین تر باشند، ارزش زیباشناختی خانه بیشتر تلقی می شود.	کاربرد تقارن چه به شکل کلی و چه به شکل جزئی کمتر مشاهده می شود. بازشو ها معمولاً یکسان و یکنواخت هستند و تنوع بازشوها از لحاظ نفاست و ارزشمندی کمتر از معماری سنتی است. پر کردن بصری سطوح نما لزوماً ارزشمند تلقی نمی شود.

جدول ۴. چکیده ای از برخی نکات مهم مطرح شده در کتاب در خصوص مقایسه قواعد حاکم بر معماری خانه های قاجاری و آپارتمان های مسکونی امروزی در لاهیجان

با توجه به تفاوت های اساسی بین نظام قواعد حاکم بر این دو نوع معماری، ایجاد پیوند بین آنها کار دشوار و البته بسیار ارزشمندی خواهد بود. به نظر می رسد نظام کنترل ساختمان می تواند با تمرکز بر قواعدی که زاویه کمتری با اقتضائات زندگی امروزی دارند، به سوی زمینه سازی برای ایجاد این پیوند در بافت تاریخی شهر حرکت نماید.

آنچه مسلم است این است که نظام کنترل ساختمانی باید ارتقاء انسجام و پیوستگی بین معماری جدید و قدیم در بافت تاریخی لاهیجان را به عنوان یکی از اهداف اساسی خود در خصوص این مناطق تعریف نماید و این امر در وهله نخست مسلتزم آن است که نیت و عزم رسیدن به این هدف در نهادهای ذیربط شکل بگیرد و قوت بیابد. یکی از نکات رنج آوری که نگارنده در حین مراحل انجام پژوهش با آن مواجه بود و دشواری هایی را در

مسیر انجام پژوهش ایجاد می کرد، ذهنیت و برداشت منفی اهالی بافت قدیم لاهیجان نسبت به سازمان میراث فرهنگی و اقدامات آن بوده است. این برداشت منفی هم در افرادی که خانه شان ثبت میراث شده بود، مشاهده می شد و هم در مالکان خانه های تاریخی ثبت نشده ای دیده می شد که خوف آن را داشتند که سازمان میراث فرهنگی متوجه ارزشمندی خانه شان بشود و آن را ثبت نماید یا به اصطلاح خودشان «دست روی آن بگذارد». این ذهنیت به هر دلیل که ایجاد شده باشد، قطعاً نیاز به تغییر دارد. البته مشاهده وضعیت نامطلوب اکثر خانه های ثبت شده لاهیجان را می توان گواهی بر عملکرد نامطلوب ارگان های ذیربط در حفاظت از این آثار دانست و ضرورت دارد در جهت مرمت و حفاظت از این آثار ارزشمند پیش از تخریب و نابودی کامل اقدام عاجل صورت گیرد.



شکل ۲۴۳. آثار خرابی و ویرانی در جای جای بافت تاریخی لاهیجان مشهود است. (در این تصویر خانه ضیاء ظریفی در پیش زمینه، خانه میرمشتاقی در پشت آن و مسجد اکبریّه در سمت راست دیده میشود.)

برای قلمروی اطراف آن و کل شهر
یک موهبت بزرگ محسوب شود. به
امید روزی که میراث ارزشمند معماری
لاهیجان به عنوان مبنای توسعه
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بافت
های تاریخی آن نقش آفرینی نماید.

به امید روزی که در آن که ثبت شدن
یک اثر معماری در فهرست آثار
ملی از دیدگاه مالکان آن به عنوان
یک امتیاز ارزشمند و خاص قلمداد
گردد که مایه مباهات ایشان است
و نه تنها برای خود آن اثر، بلکه



شکل ۲۴۴. و بافت تاریخی لاهیجان همچنان چشم به سوی مشرق دارد...

منابع

۱. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان (بی تا)، گزارش ثبت خانه محمد صادقی (لاهیجان) در فهرست آثار ملی.
۲. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان (۱۳۸۳الف) گزارش ثبت خانه مسعود اصمعی (لاهیجان) در فهرست آثار ملی.
۳. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان (۱۳۸۳ب) گزارش ثبت خانه کیاموسوی (اصمعی) (لاهیجان) در فهرست آثار ملی.
۴. برمبرزه، کریستیان (۱۳۷۰) مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان. ترجمه علاء الدین گوشه گیر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا. ترجمه راضیه رضازاده. اصفهان: خاک.
۶. بهرام غفاری، محسن (۱۳۷۰) کنترل ساختمانی (پیش در آمدی بر طرح فراگیر ملی). آبادی: سال اول، شماره ۲. ۱۴-۱۷.
۷. بهرام غفاری، محسن (۱۳۸۵) فقر کنترل در شهرداری پایتخت و چند پیشنهاد، دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، تهران: دانشکده فنی دانشگاه تهران.
۸. ایزدی، شهریار و کسرائیان، نصرالله (ویراستاران) (۱۳۷۲) زندگی جدید - کالبد قدیم: گزیده ای از بناهای باارزش تاریخی، جلد دوم. عکاس: جاسم غضبانپور. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۹. بنیادی، ناصر (۱۳۷۷) تحول گرایش های فرهنگی در ضوابط معماری. نما/ نشریه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان: شماره ۱ و ۲، صص ۱۲-۱۵.
۱۰. پوراحمدی، مجتبی (۱۳۹۵) مدلی برای کیفیت کارکرد مقررات ساختمانی در طراحی معماری از منظر طراحی پژوهی. رساله دکتری معماری. دانشگاه علم و صنعت ایران: دانشکده معماری و شهرسازی.
۱۱. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۰) درباره شهرسازی و معماری سنتی ایران. آبادی: سال اول، شماره ۲، صص ۴-۱۵.
۱۲. حقیر، سعید و صلواتی، کامیار (۱۳۹۶) گزاره های نقادانه ی اروپاییان درباره ی معماری و شهرهای ایران در سفرنامه های قرن هفدهم تا نیمه ی قرن نوزدهم میلادی. نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۲، شماره ۳، ۵۷-۷۰.
۱۳. حناچی، پیروز؛ خادم زاده، محمدحسن؛ شایان، حمیدرضا؛ کامل نیا، حامد؛ مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۶) بررسی تطبیقی مرمت شهری در ایران و جهان (با نگاه ویژه به بافت تاریخی شهر یزد). تهران: سبحان نور: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
۱۴. خاکپور، مژگان (۱۳۸۶) معماری خانه های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
۱۵. دفتر مقررات ملی ساختمان (۱۳۹۲) مبحث چهارم: الزامات عمومی ساختمان. تهران: نشر توسعه ایران.
۱۶. دولت خواه، نیکو؛ شفوی مقدم، نسترن؛ طالب نژاد، سحرناز (۱۳۹۳) پروژه درس آشنایی با مبانی مرمت ابنیه و بافت های تاریخی. مدرس: دکتر مینو خاکپور. دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
۱۷. شاه تیموری، یلدا و مظاہریان، حامد (۱۳۹۱) رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۴، ۲۹-۳۹.
۱۸. صارمی، علی اکبر و گل امینی، شهرام (۱۳۷۴) معماری گیلان. در: کتاب گیلان، جلد دوم، به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران. ۳۶۸-۳۲۷.
۱۹. صحنی زاده، مهشید و ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۳) حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟ آبادی: شماره ۴۵، ۱۲-۲۱.
۲۰. طاهباز، منصوره و جلیلیان، شهربانو (۱۳۸۷) اصول طراحی معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مساجد. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. عبدالله خان گرجی، بهرام (۱۳۸۵) سیمای شهری بعد رها شده سیاست های شهری در ایران: چالش های آغازین ساماندهی سیمای شهری به عنوان یک سیاست دولتی. آبادی: شماره ۵۳، ۶-۱۹.
۲۲. علیخواه، ندا، نیکرو، فرزانه و داوطلب نظام وظیفه، محدثه (۱۳۸۹) پروژه درس آشنایی با مبانی مرمت ابنیه و بافت های تاریخی. مدرس: دکتر نیکروز مبرهن شفیعی. دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
۲۳. قبادیان، وحید (بی تا) بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی. تنظیم شیوا آراسته. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲۵. قزلباش، محمدرضا و ابوالضیاء، فرهاد (۱۳۶۴) الفبای کالبد خانه سنتی یزد، تهران: وزارت برنامه و بودجه، معاونت فنی، دفتر تحقیقات و معیارهای فنی، چاپ اول.

۲۶. کسمایی، مرتضی (۱۳۸۲) اقلیم و معماری، ویراسته محمد احمدی نژاد، اصفهان: خاک.
۲۷. گملین، ساموئل گتلیب (۱۳۹۲) سفر به شمال ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، رشت: فرهنگ ایلیا.
۲۸. گنجی، محمد حسن (۱۳۷۴) آب و هوای گیلان. در: کتاب گیلان، جلد اول، به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران. ۱۰۵-۱۴۶.
۲۹. لاوسون، برایان (۱۳۹۲) طراحان چگونه می اندیشند: ابهام زدایی از فرایند طراحی. ترجمه: حمید ندیمی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۰. مبرهن شفیع، نیکروز (۱۳۹۰) خانه های تاریخی گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
۳۱. معماریان، غلامحسین (۱۳۷۵) آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه شناسی برونگرا. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳۲. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.
۳۳. ملکی، احمد (۱۳۹۵) سفرنامه تهران - شاهی (قائم شهر) در نوروز ۱۳۲۲ خورشیدی. در: هفت سفرنامه به قلم روزنامه نگاران دوره پهلوی (احمد ملکی، سید حسین فاطمی، ابوالحسن عمیدی نوری، محسن شاملو) ۱۳۲۱ - ۱۳۲۵ خورشیدی. پژوهش و گردآوری: سید مهدی سید قطبی. رشت: فرهنگ ایلیا.
۳۴. مهدی پور توانا، صمد (۱۳۷۲) قطب شهری چهارپادشاهان: مرکز شهر لاهیجان. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۳۵. مهندسین مشاور بعد تکنیک (۱۳۸۳) طرح بهسازی و نوسازی بافت قدیم لاهیجان، مرحله اول: شناخت وضع موجود. سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان.
۳۶. مهندسان مشاور پویا نقش شهر و بنا (۱۳۹۲الف) طرح جامع شهر لاهیجان: مطالعات منطقه و وضع موجود (جلد اول). اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.
۳۷. مهندسان مشاور پویا نقش شهر و بنا (۱۳۹۲ب) طرح جامع شهر لاهیجان: ضوابط و مقررات (جلد چهارم). اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.
۳۸. مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس (۱۳۸۹) پروژه مطالعاتی و تعیین شناسنامه بافت تاریخی شهرهای املش، رودسر، لاهیجان و لنگرود. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان.
۳۹. هوشیاری، محمدمهدی و پورنادری، حسین (۱۳۹۵) تحلیل و بررسی نظریه پیرنیا درباره رون اصفهانی در فضای شهری و معماری سنتی اصفهان. هویت شهر: سال دهم، شماره ۲۷.
۴۰. هولمز، ویلیام ریچارد (۱۳۹۰) سفرنامه ساحل خزر / ویلیام ریچارد هولمز، ترجمه شبنم حجتی سعیدی، رشت: فرهنگ ایلیا.



- 1-Carmona, Matthew; Magalhaes, Claudio de (2009) Local environmental quality: establishing acceptable standards in England. TPR, Vol. 80 (4-5). Pp. 517-548
- 2-Case Scheer, Brenda (2007) The debate on design review. In: Urban Design Reader. Edited by: Matthew Carmona and Steve Tiesdell. Architectural Press. Pp. 344-351
- 3-Davis, H. (2006). The culture of building. Oxford University Press
- 4-Habe, Reiko (1989) Public Design Control in American Communities: Design Guidelines/Design Review. The Town Planning Review, Vol. 60, No. 2, pp. 195-219
- 5-Hakim, Besim S. (1994) THE "URF" AND ITS ROLE IN DIVERSIFYING THE ARCHITECTURE OF TRADITIONAL ISLAMIC CITIES. Journal of Architectural and Planning Research, Vol. 11, No. 2, pp. 108-127
- 6-Hakim, Besim S. (2001) Reviving the Rule System: An approach for revitalizing traditional towns in Maghrib. Cities, Vol. 18, No. 2, pp. 87-92
- 7-Hakim, Besim S. (2006) Rules for the built environment in 19th century Northern Nigeria. Journal of Architectural and Planning Research, Vol. 21, No. 1, pp. 1-26
- 8-Larkham, J. (1998). Urban Morphology and Typology in the UK. In: Typological process and design theory. By Attilio Petruccioli (Ed.), 159-177

ضمائم

ضمیمه شماره یک: مدارک فنی تعدادی از خانه های قاجاری لاهیجان

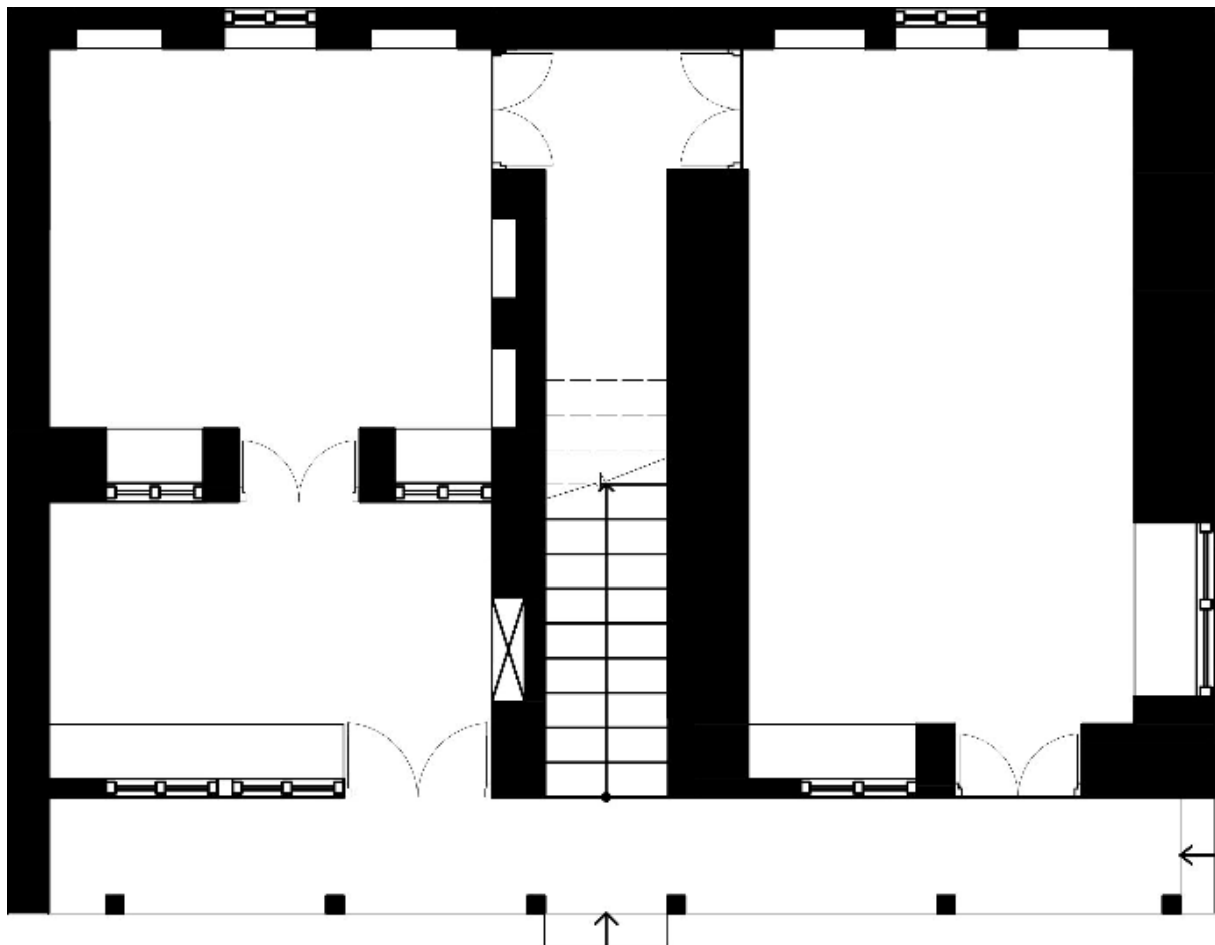
شامل:

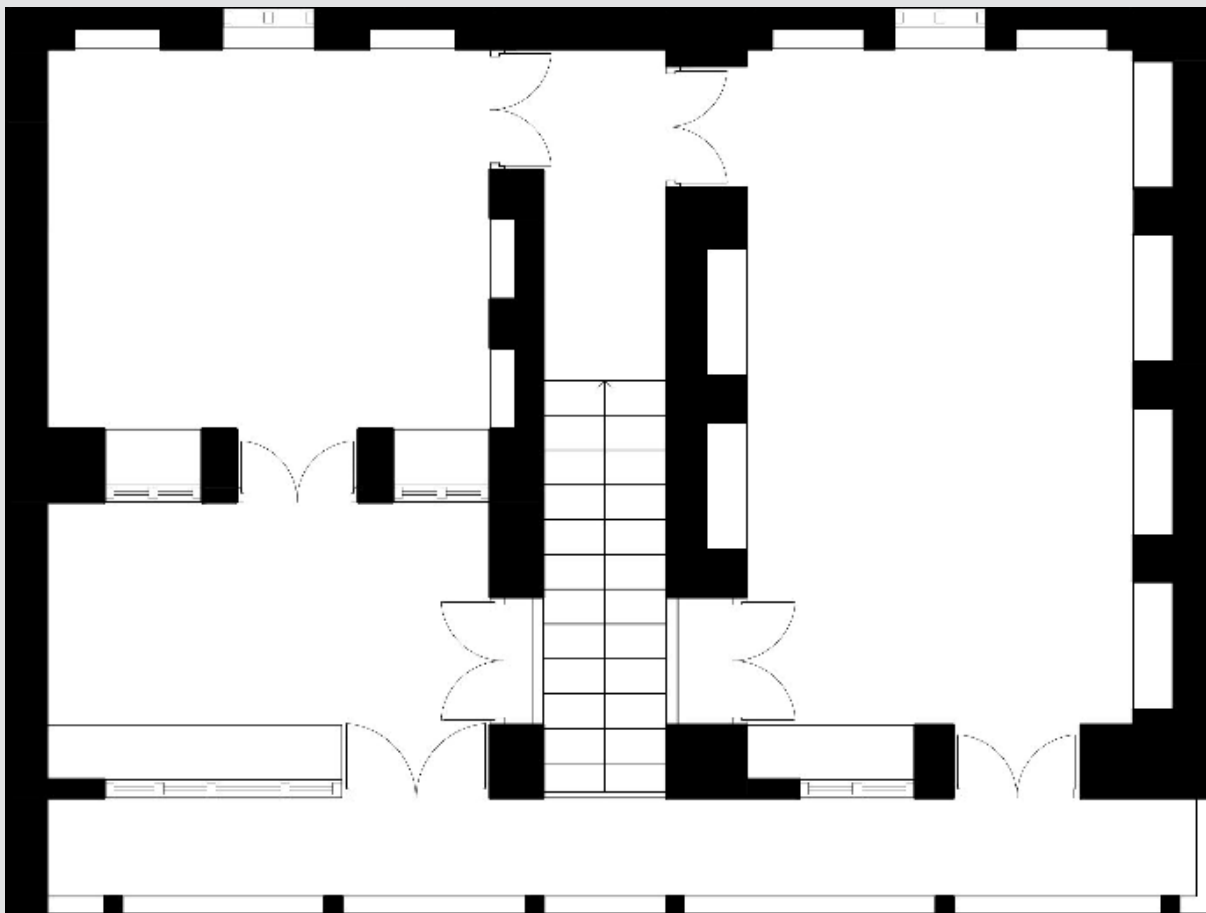
۱. خانه احمدی پور
۲. خانه اصمعی
۳. خانه بریسم حقیری
۴. خانه پورمهر
۵. خانه جهانسوز
۶. خانه حسن پور
۷. خانه دوزنده
۸. خانه رحمانی
۹. خانه شمس
۱۰. خانه صادقی
۱۱. خانه صورتگر
۱۲. خانه ضیاءظریفی
۱۳. خانه طاهرپرور
۱۴. خانه علیزاده راستان
۱۵. خانه فیاض
۱۶. خانه کیاموسوی
۱۷. خانه مجمع صنایع
۱۸. خانه واعظ قائمی
۱۹. خانه گلشاهی
۲۰. خانه صنایع
۲۱. خانه جهانگیری بلورچیان
۲۲. خانه رمضانی
۲۳. خانه ارض پیما

۱. خانه احمدی پور

این خانه در محله یحیی آباد واقع بوده است. این بنا که از ضلع جانبی خود متصل به خانه همسایه ساخته شده بود، در حال حاضر تخریب شده است، ولی خانه متصل به آن همچنان وجود دارد. طرح بنا از یک پله میانی و دو اتاق در طرفین آن تشکیل شده است. یکی از نکات قابل توجه در طراحی این خانه این است که اتاق های طبقه فوقانی به سمت فضای خالی روی پله، در داشته اند که کارکرد رفت و آمدی نداشته، صرفاً می توانسته جنبه تهویه ای داشته باشد. ساختمان خانه به کوچه پشت کرده و به سمت حیاط خصوصی خود رو کرده است و پنجره های جداره رو به کوچه، الحاقی به نظر می رسند.

شکل ۲۴۵. پلان طبقه همکف خانه احمدی پور
(منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)





شکل ۲۴۶. پلان طبقه اول خانه احمدی پور (باز ترسیم و ویرایش نقشه از منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۲۴۷. دروازه ورودی و دید از کوچه خانه احمدی پور (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۲۴۸. دید به نمای اصلی خانه از حیاط (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۲۴۹. دید به نمای اصلی خانه از حیاط که در آن نحوه اتصال خانه به همسایه قابل مشاهده است. (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)



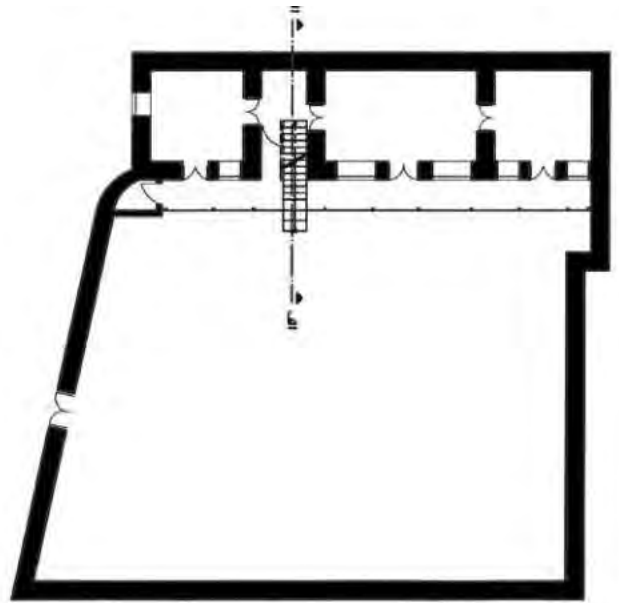
شکل ۲۵۰. خانه احمدی پور در کنار خانه متصل به آن در سال ۱۳۸۹ (منبع: علیخواه و دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۲۵۱. وضع موجود در سال ۱۳۹۷: خانه احمدی پور تخریب و نوسازی شده ولی ساختمان همسایه آن موجود است.

۲. خانه اصمعی

این خانه که یکی از خانه های ثبت شده در فهرست آثار ملی لاهیجان می باشد، در محله پرده سر واقع گردیده است. نقشه های زیر برگرفته از گزارش ثبت این اثر می باشد که با ویرایش هایی بازترسیم شده است.



شکل ۲۵۲. شماتیک پلان همکف خانه اصمعی. (بازترسیم و ویرایش نقشه بر اساس: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳)



شکل ۲۵۳. نمای شرقی خانه اصمعی. (بازترسیم و ویرایش نقشه بر اساس: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳)



شکل ۲۵۴. دید به نمای اصلی از حیاط. منبع تصویر: (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳)

۳. خانه خانم بریسم حقیری

این خانه در محله گابنه واقع گردیده است و به واسطه شکل هندسی خاص زمین و برنامه طراحی مورد نظر سازندگان، بر خلاف شکل متعارف پلان خانه های قاجاری لاهیجان، به صورت زیگزاگی طراحی شده است و دارای حیاط هایی در جلو و پشت ساختمان می باشد.



شکل ۲۵۵. سایت پلان و پلان بام خانه بریسم حقیری (با پرتو نظری)
(منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۴-۳)



شکل ۲۵۶. پلان همکف خانه بریسم حقیری (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۴-۳)



شکل ۲۵۷. پلان طبقه اول خانه بریسم حقیری (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۵-۳)

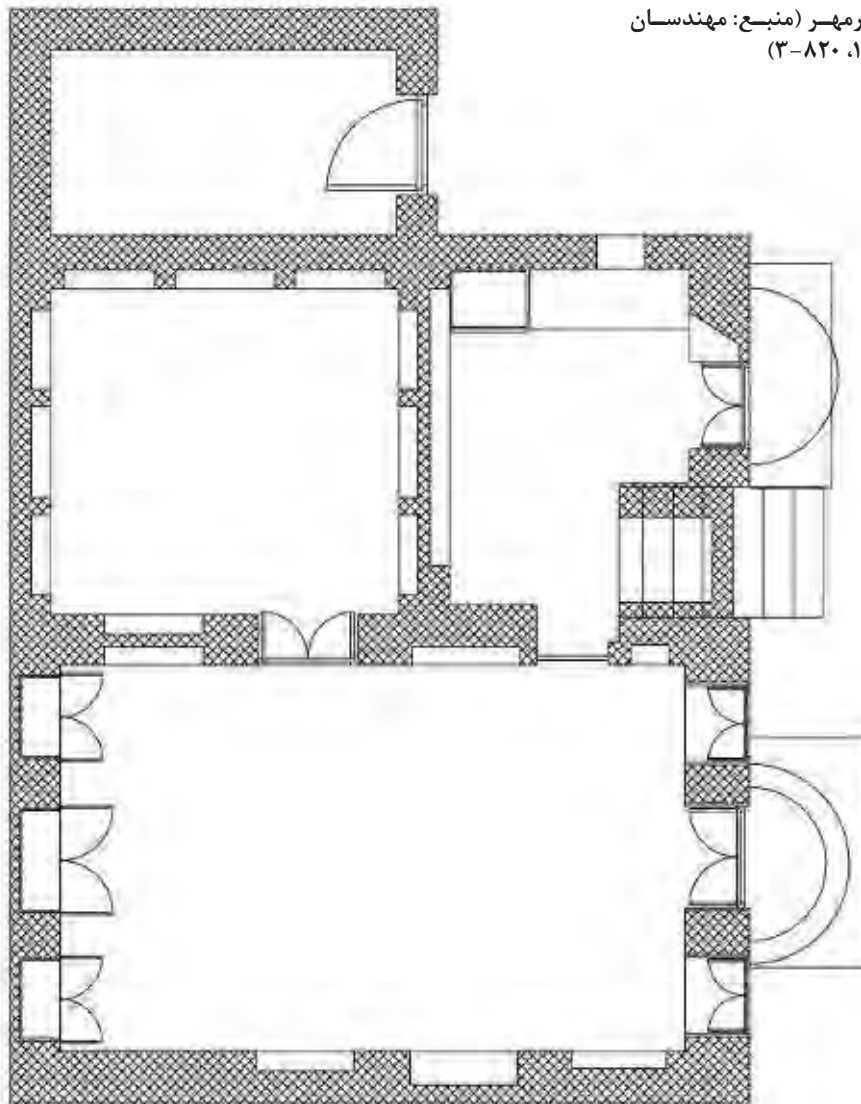


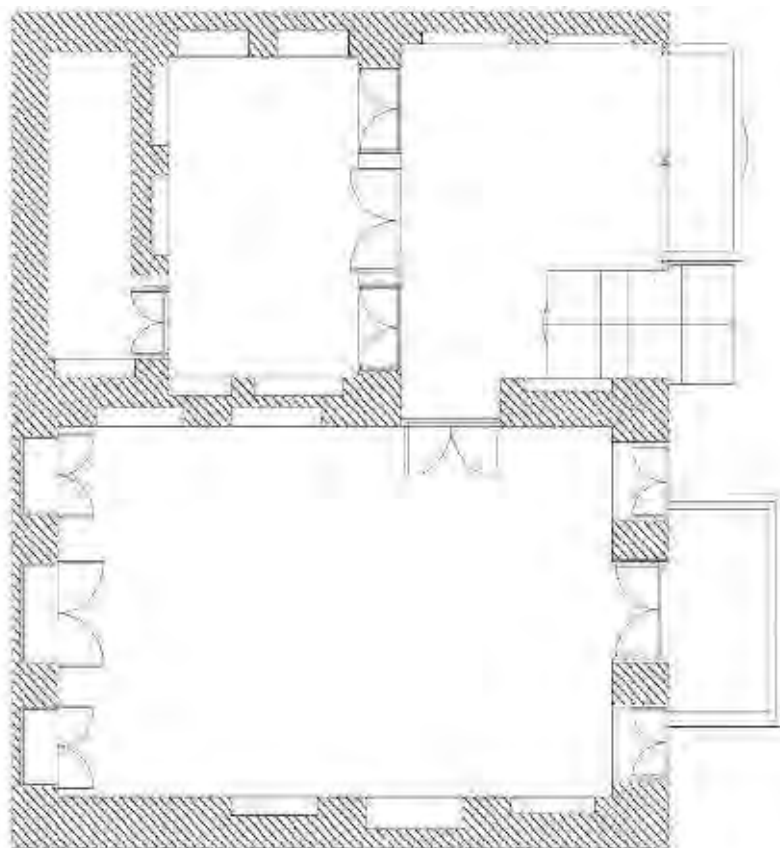
شکل ۲۵۸. نما-برش خانه بریسم حقیری (منبع: مهندسان مشاور طرح
و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۵-۳)

۴. خانه پورمهر

این خانه در انتهای بن بست شهید حسن فتحی در محله پرده سر واقع است. بر خلاف الگوی رایج در اکثر خانه های قاجاری لاهیجان در این خانه، پلکان به فضای ایوان مانند واقع در طبقه اول منتهی می شود و توسط دو اتاق در طرفین خود احاطه نشده است. همچنین ارتفاع کم طبقه همکف در این خانه قابل توجه می باشد.

شکل ۲۵۹. پلان همکف خانه پورمهر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۰-۳)





شکل ۲۶۰. پلان طبقه اول خانه پورمهر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۰-۳)



شکل ۲۶۱. نمای شرقی خانه پورمهر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۰-۳)



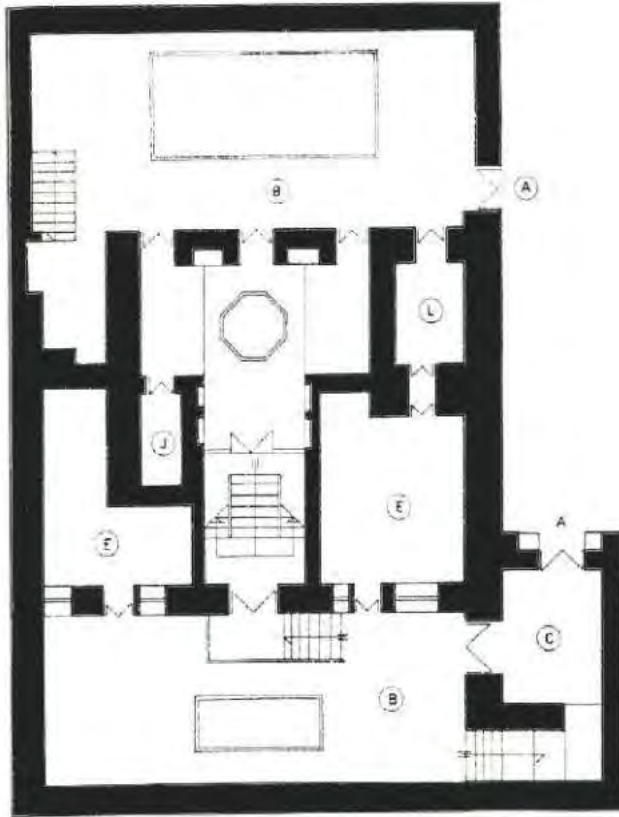
شکل ۲۶۲. دید به بالکن خانه از حیاط (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۹-۳)



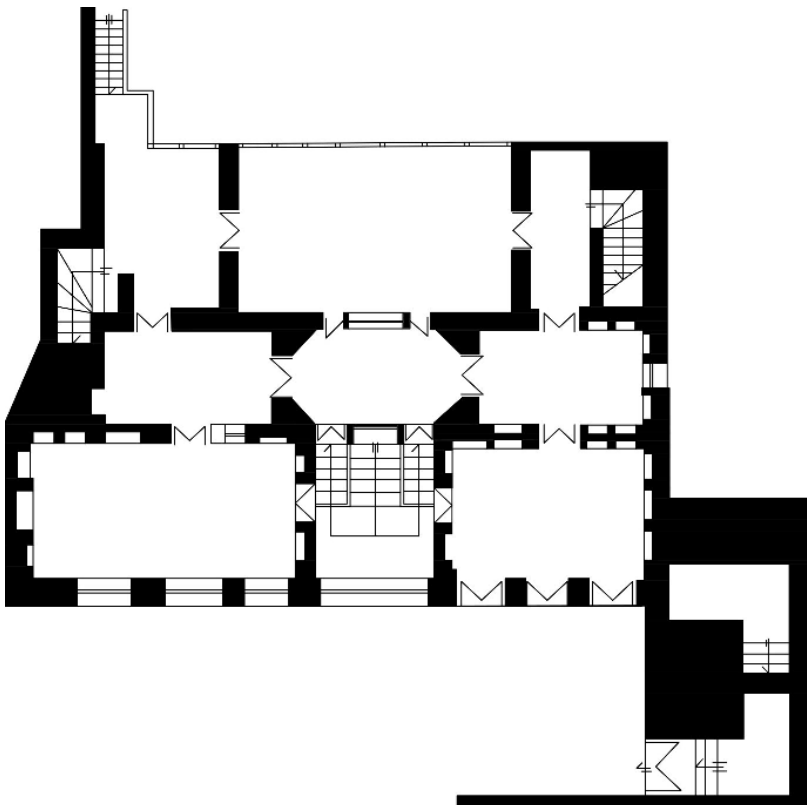
شکل ۲۶۳. دید به نمای اصلی خانه از حیاط (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۹-۳)

۵. خانه جهانسوز

این خانه که در محله خمرکلای لاهیجان واقع بود، در اوایل دهه ۱۳۸۰ تخریب گردید. یکی از ویژگی های خاص این خانه پله داخلی آن می باشد که بر خلاف پله های سنتی ایرانی با شیب زیاد و در یک فضای حداقلی گنجانده نشده است، بلکه مشابه الگوهای اروپایی یک بازوی رفت و دو بازوی برگشت دارد و به آن تقریباً به اندازه یکی از اتاق های خانه فضا اختصاص داده شده است.



شکل ۲۶۴. پلان همکف عمارت جهانسوز (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: ایزدی و کسرائیان، ۱۳۷۲، ۱۱۸)

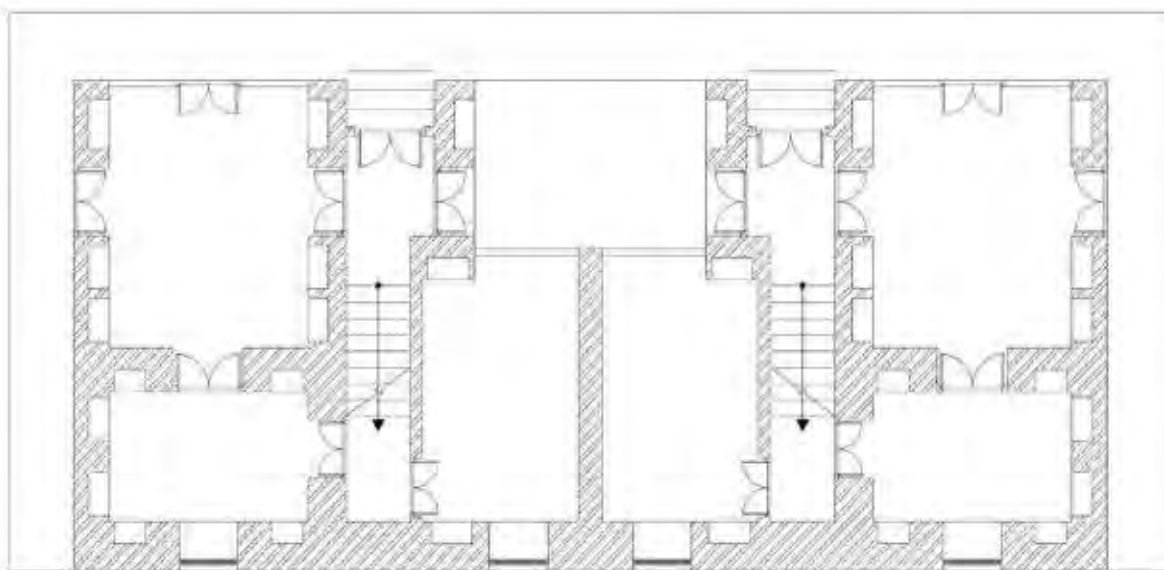


شکل ۲۶۵. پلان طبقه اول عمارت جهانسوز (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: ایزدی و کسرائیان، ۱۳۷۲، ۱۱۸)

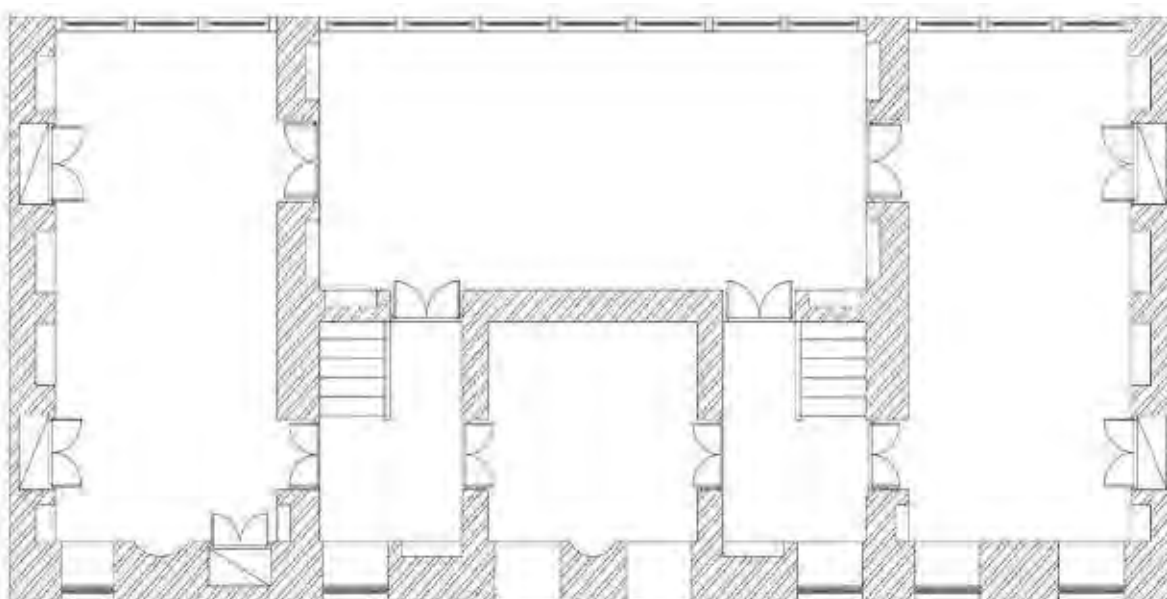
۶. خانه حسن پور (پاکدل)

هفت دری با سقف آینه کاری شده جای دارد و دارای دو راه پله داخلی می باشد. این بنا از نمونه خانه هایی است که بعد از ساخت به دو خانه مستقل تقسیم بندی شده اند و در اختیار مالکان مختلف قرار گرفته اند.

این خانه در محله پرده سر واقع است. از ویژگی های شاخص این بنا استفاده از آینه کاری و نقاشی در تزئینات داخلی آن می باشد. پلان بنا در محور طولی خود دارای تقارن می باشد، به نحوی که در وسط پلان اتاق



شکل ۲۶۶. پلان طبقه همکف خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۱-۳)



شکل ۲۶۷. پلان طبقه اول خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۱۱-۳)



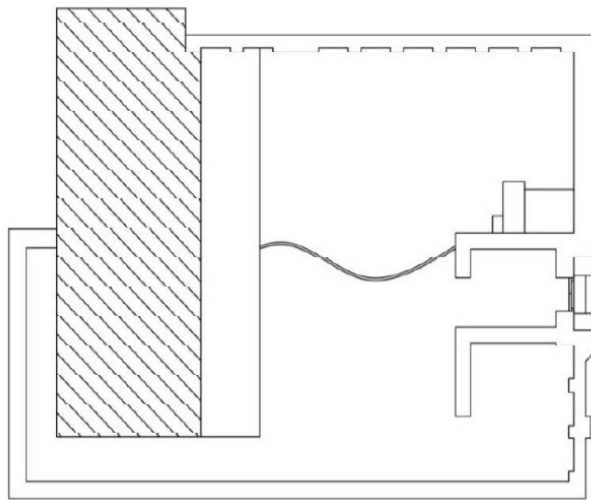
شکل ۲۶۸. نمای شمالی خانه حسن پور (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۳-۸۱۲)



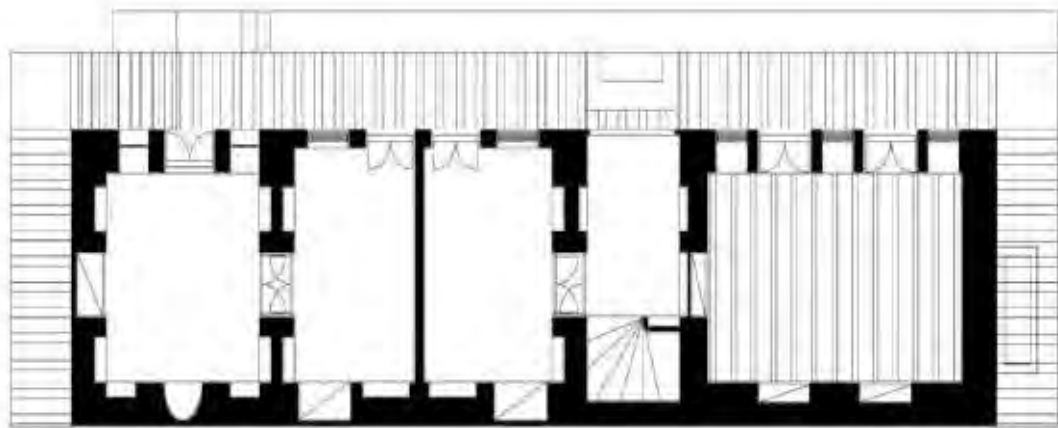
شکل ۲۶۹. دید به نمای اصلی از
حیاط خانه حسن پور (منبع: مهندسان
مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹،
۳-۸۱۰)

۷. خانه دوزنده خوشکار

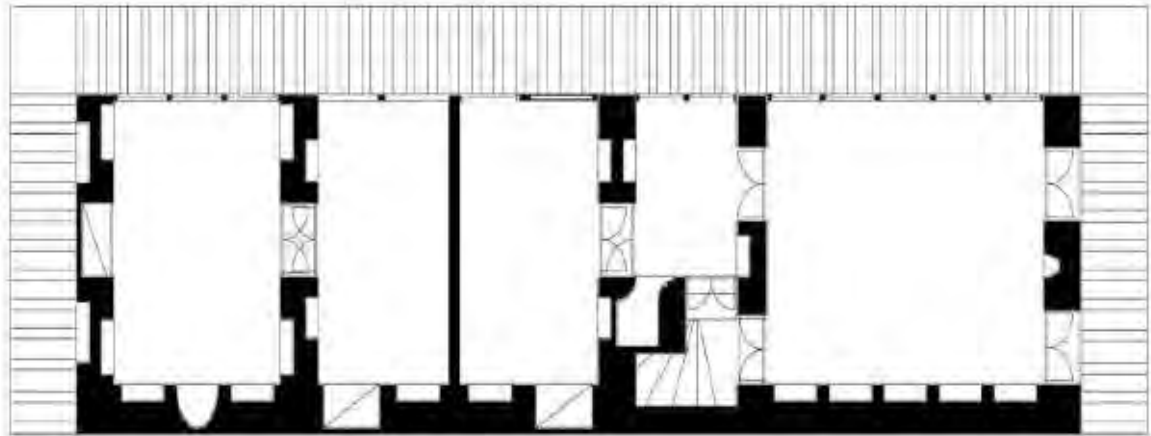
این خانه یکی از خانه های بسیار ارزشمند باقیمانده از دوره قاجار در لاهیجان می باشد که متأسفانه امروز وضعیت خوبی ندارد و به حال خود رها شده و رو به ویرانی می رود. از ویژگی های شاخص این بنا می توان به ارسی های ظریف و خوش ساخت آن اشاره نمود.



شکل ۲۷۰. سایت پلان شماتیک خانه دوزنده (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۴-۳)



شکل ۲۷۱. پلان همکف خانه دوزنده (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۵-۳)



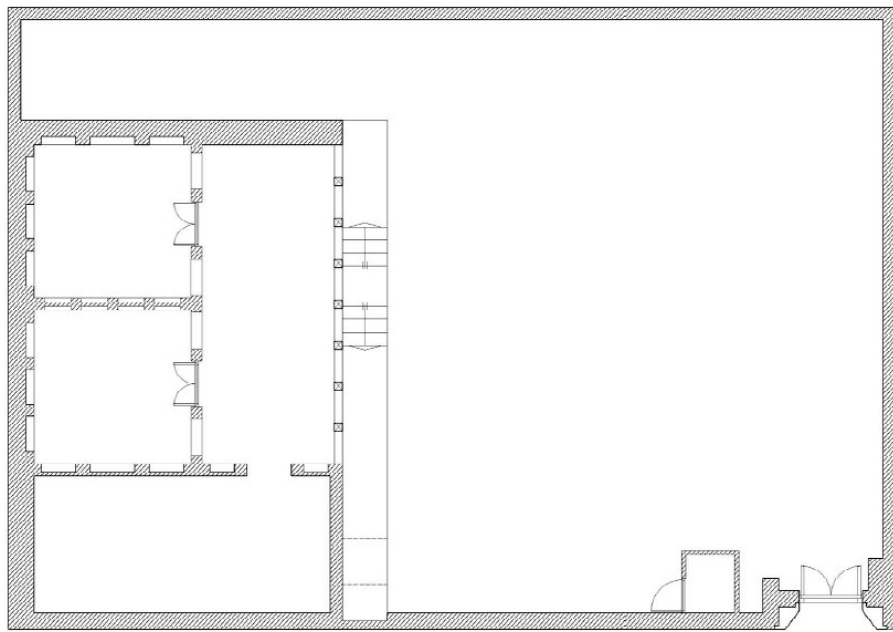
شکل ۲۷۲. پلان طبقه اول خانه دوزنده (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۵-۳)



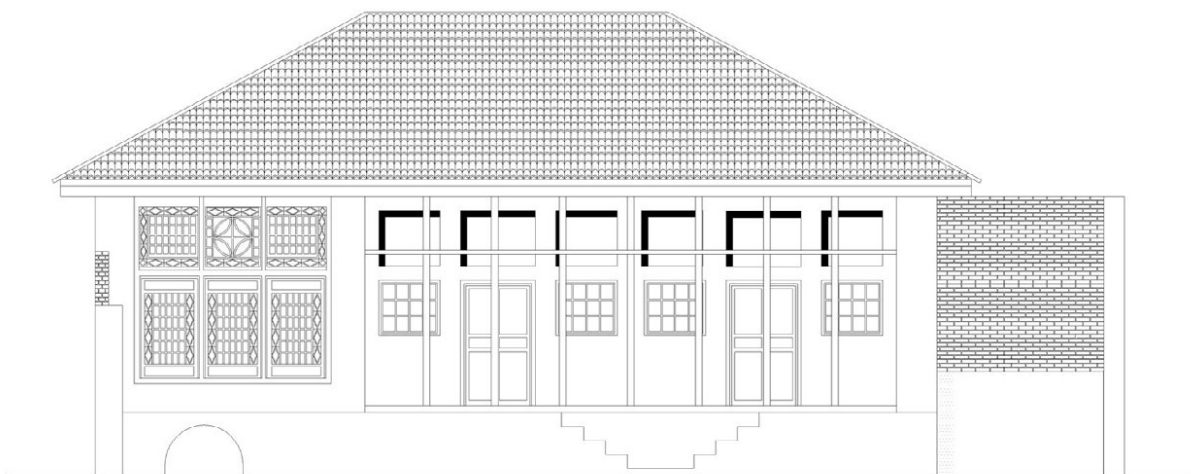
شکل ۲۷۳. نمای شرقی خانه دوزنده (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۵-۳)

۸. خانه رحمانی

این بنا در بن بست شهید حسن فتحی در پرده سر واقع شده است. این بنا از نمونه خانه های با ایوان عمیق می باشد و در یک طبقه ساخته شده است.



شکل ۲۷۴. شماتیک سایت پلان و پلان همکف خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۵-۳)



شکل ۲۷۵. نمای جنوبی خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۵-۳)



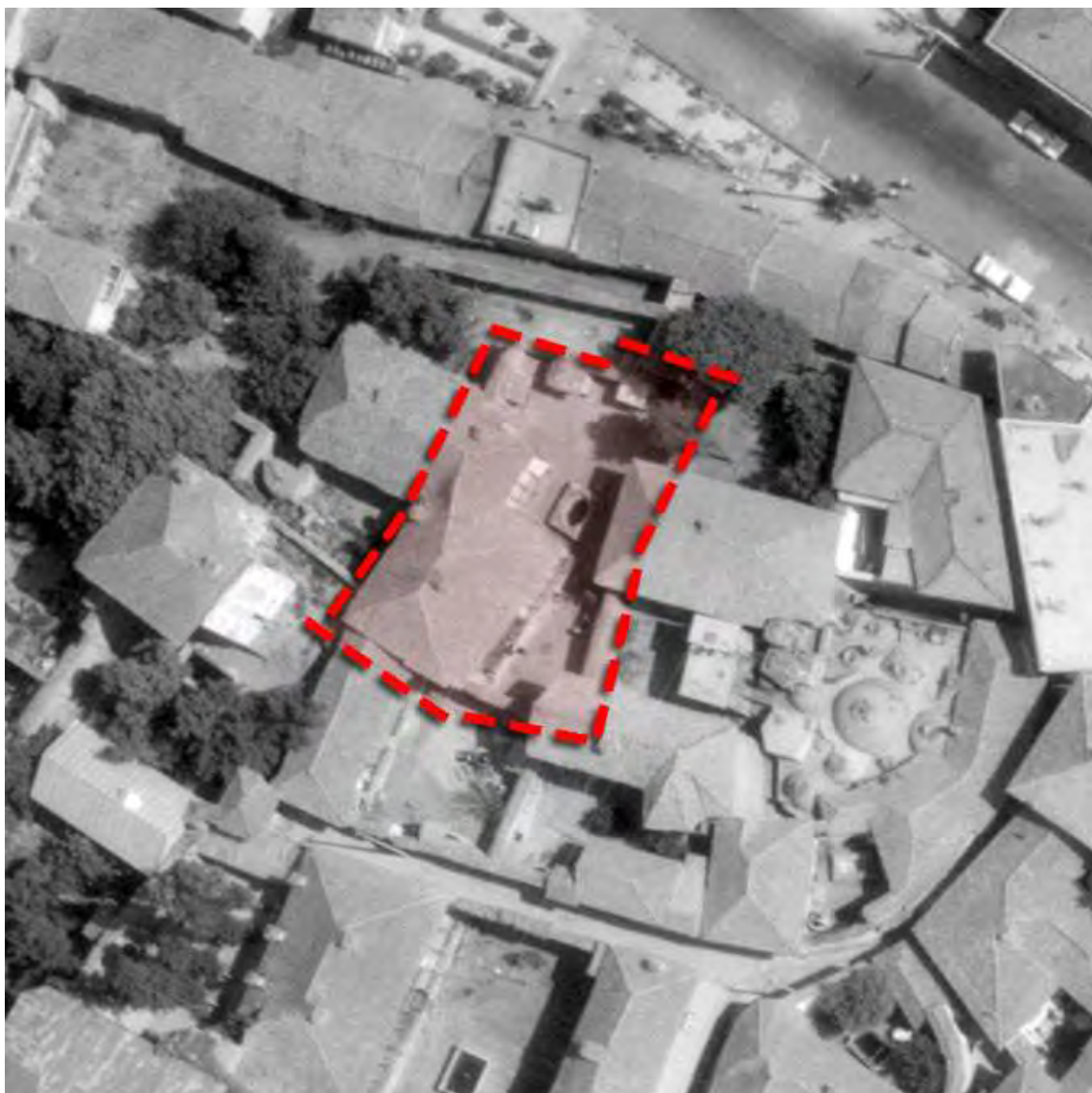
شکل ۲۷۶. دید به نمای جنوبی خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۴-۳)



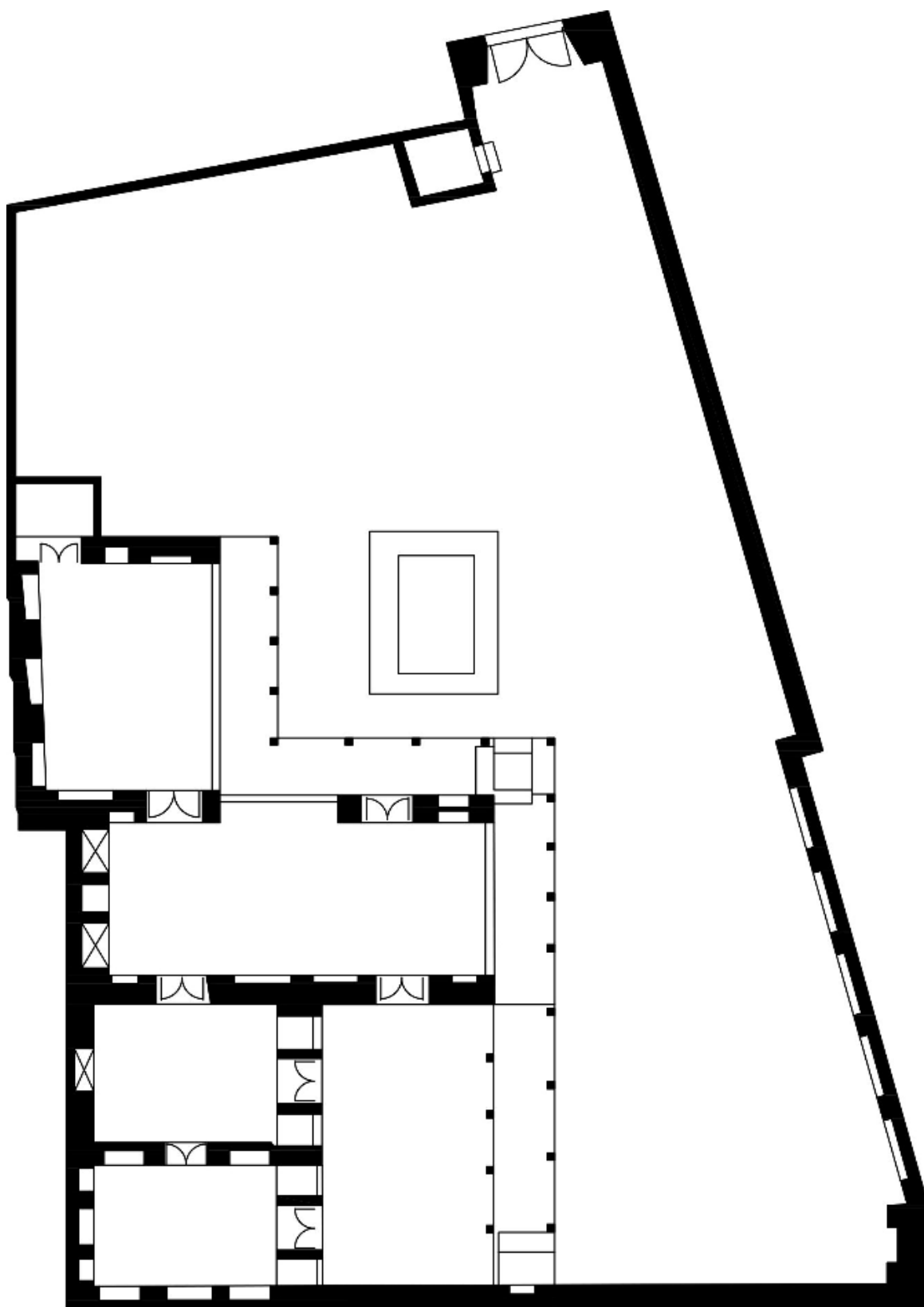
شکل ۲۷۷. ارسی خانه رحمانی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۴-۳)

۹. خانه شمس

این بنا در محله پرده سر و پشت بازارچه آن در انتهای یک کوچه بن بست واقع شده است. از ویژگی های خاص این بنای یک طبقه، طراحی بام سفالی آن می باشد که با وجود شکل نامنتظم پلان، با بام خانه همسایه یکپارچه شده است.



شکل ۲۷۸. موقعیت خانه شمس در عکس هوایی ۱۳۵۵ لاهیجان

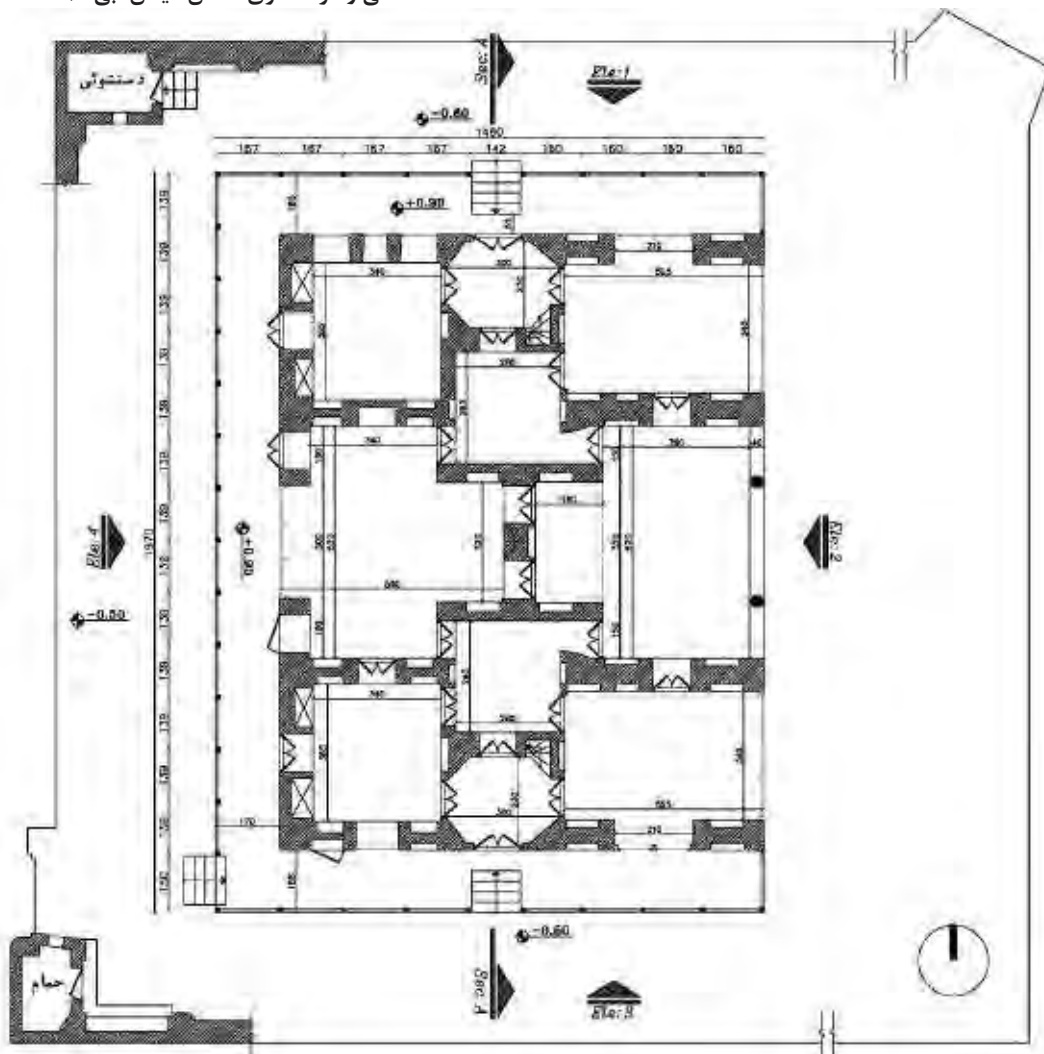


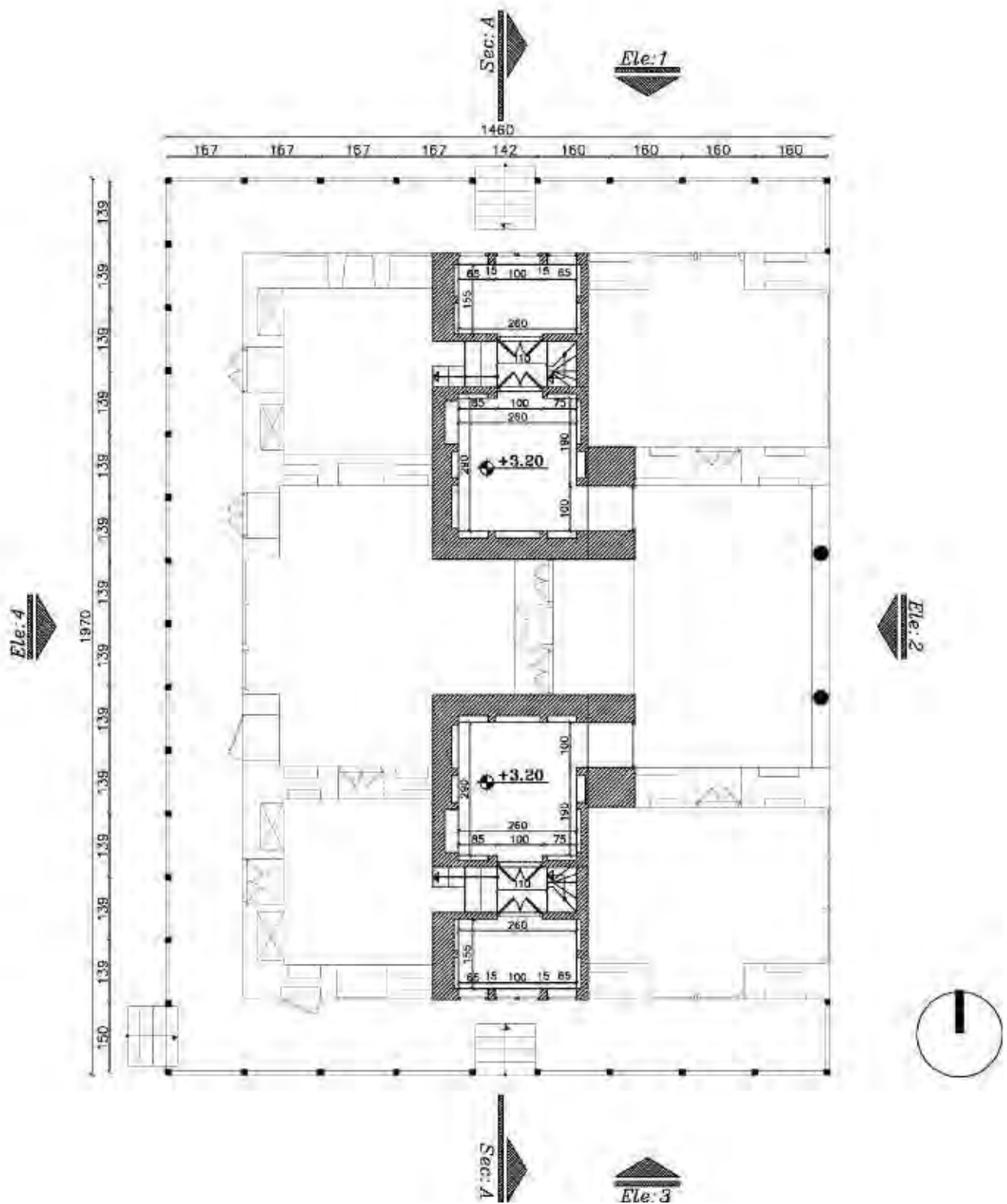
شکل ۲۷۹. سایت پلان و پلان همکف خانه شمس (بازترسیم از منبع: مبرهن شفیعی، ۱۳۹۰، ۸۳)

۱۰. خانه صادقی

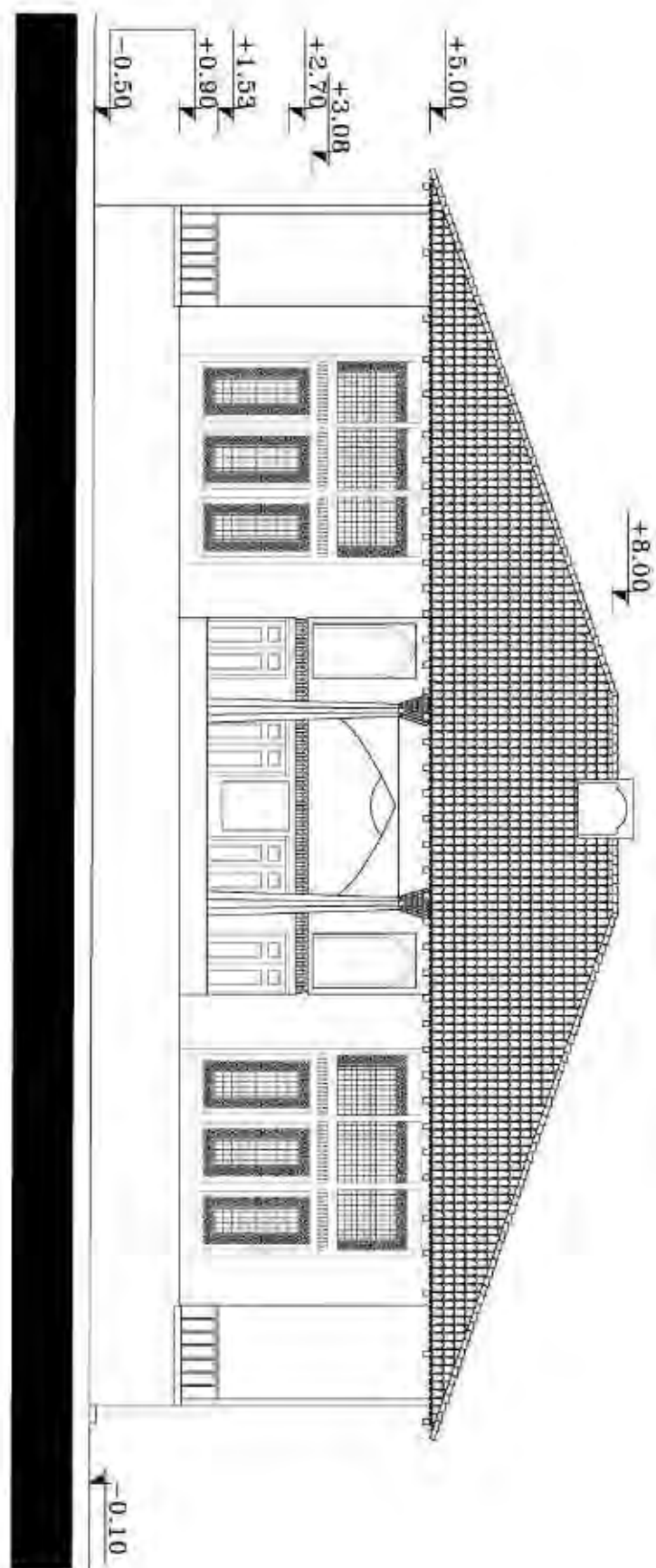
خانه صادقی اولین خانه لاهیجان می باشد که در سال ۱۳۵۴ در فهرست آثار ملی ثبت گردید. در گزارش ثبت این اثر به شباهت الگوی گچبری های آن با خانه بروجردی های کاشان اشاره شده است (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا). از دیگر ویژگی های شاخص این بنا می توان به ایوان ستوندار آن اشاره نمود که دارای دو ستون چوبی با سر ستون های با طرح مقرنس می باشد و ظاهراً استفاده از این الگوی ایوان سازی در بناهای دیوانی و حکومتی دوره قاجار مرسوم بوده است.

شکل ۲۸۰. سایت پلان و پلان همکف خانه صادقی (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).

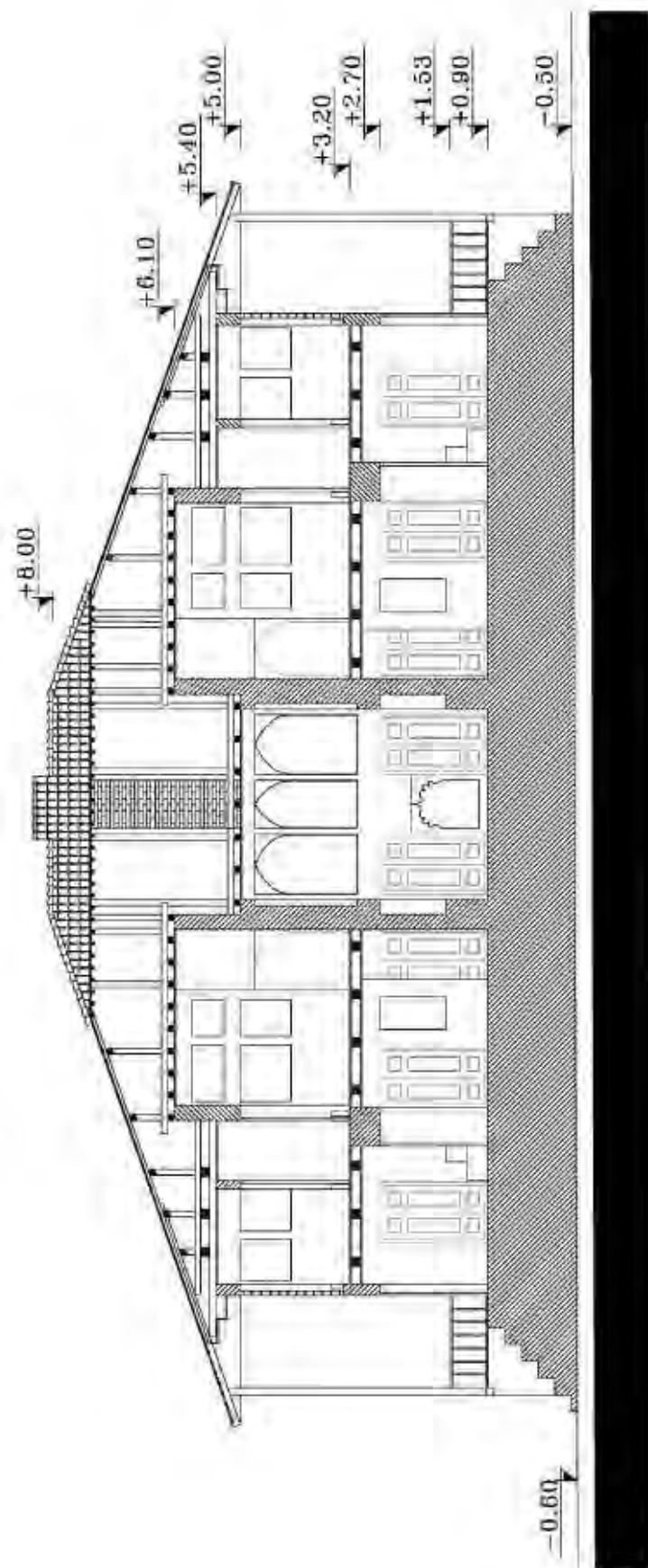




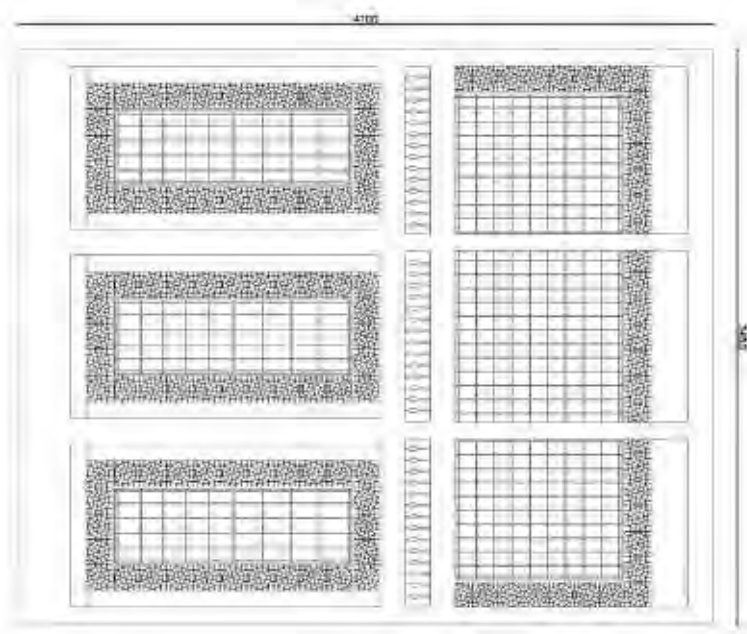
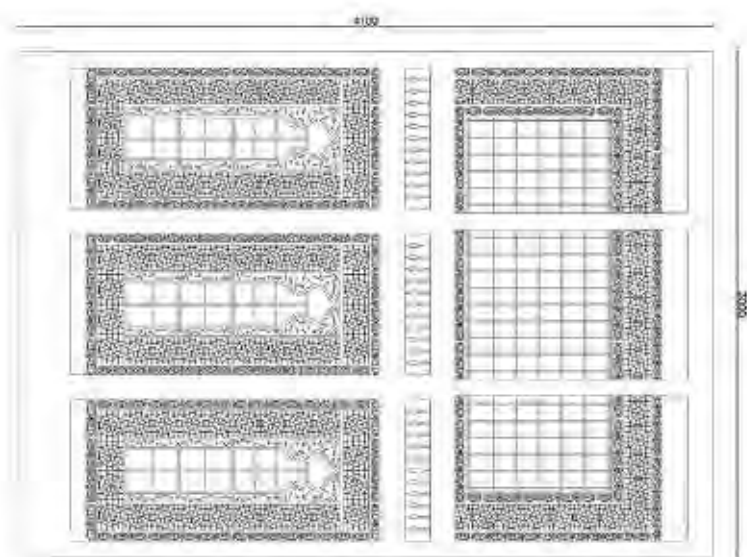
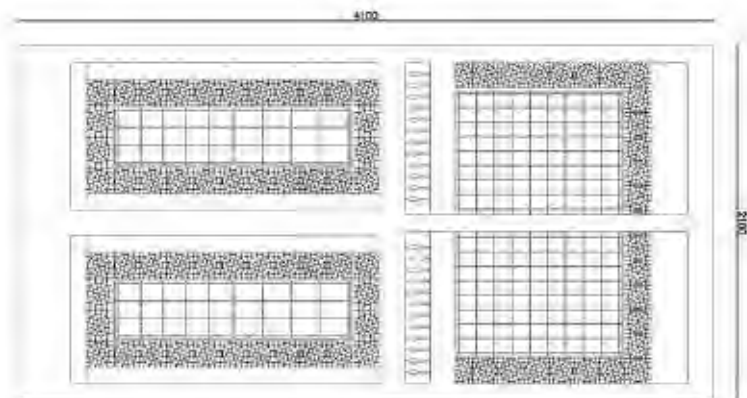
شکل ۲۸۱. پلان طبقه اول خانه صادقی (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).



شکل ۲۸۲. نمای شرقی خانه صادقی (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).



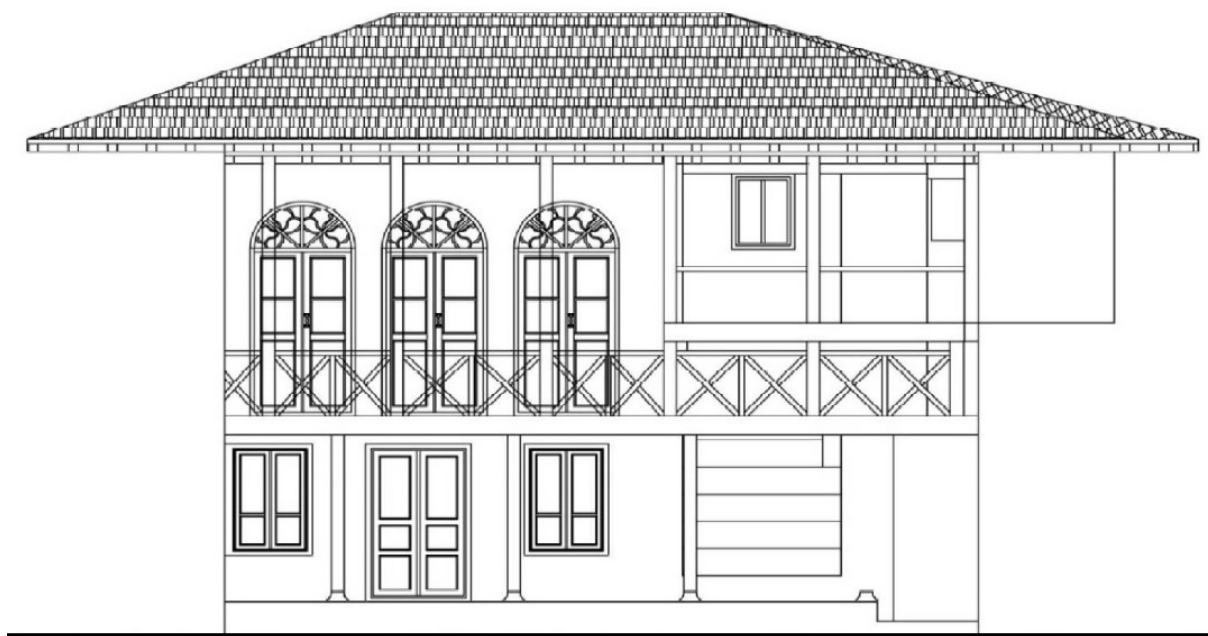
شکل ۲۸۳. برش خانه صادقی (منبع نقشه: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).



شکل ۲۸۴. ارسی های خانه صادقی (منبع نقشه: آرشو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، بی تا).

۱۱. خانه صورتگر

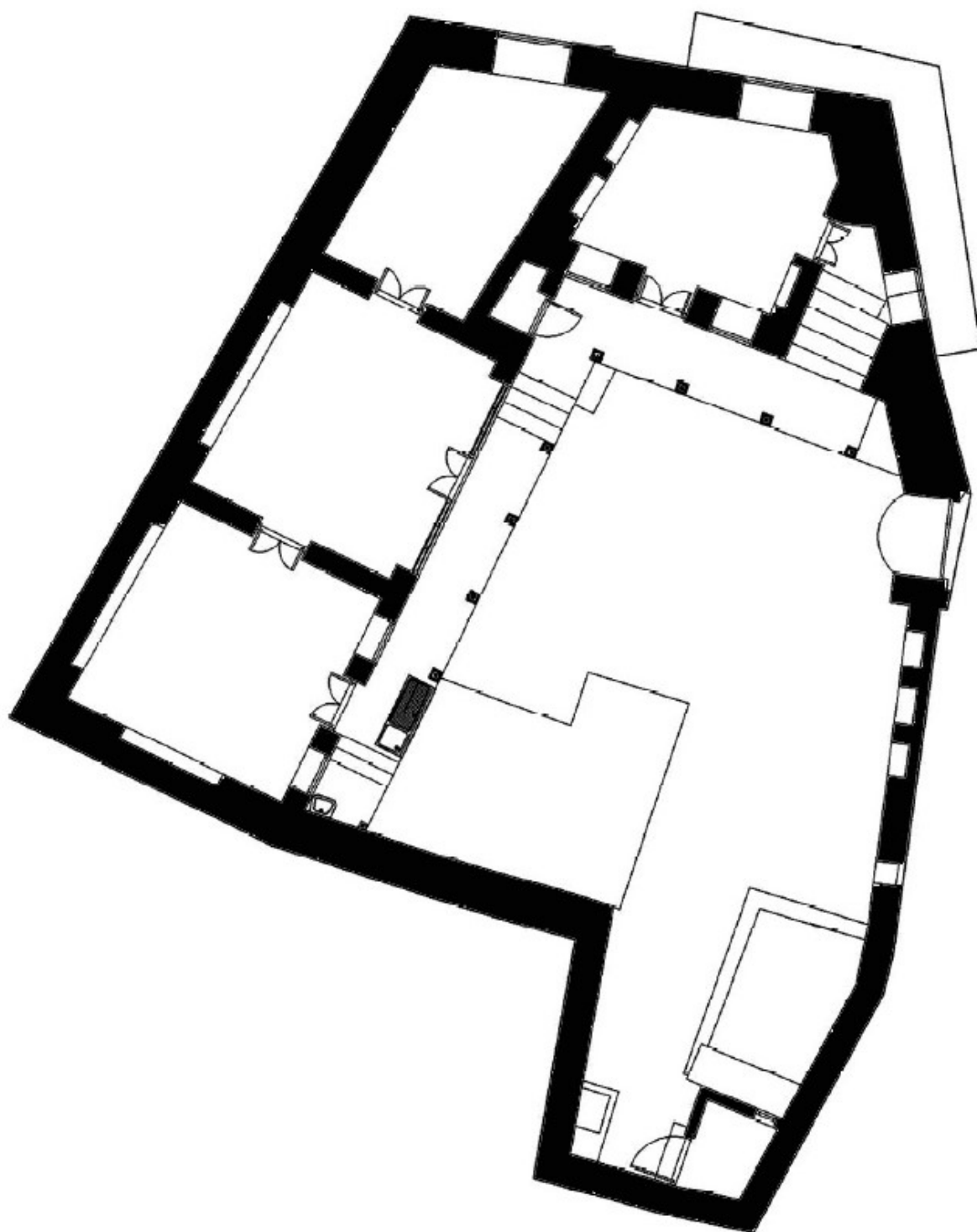
خانه صورتگر در محله گابنه قرار دارد. ساختمان خانه در دو وجه زمین ساخته شده است. بخشی از این خانه به صورت دو طبقه و بخش دیگری از آن به صورت یک طبقه می باشد. با وجود شکل نامنتظم زمین، سازندگان کوشیده اند تا منظر ساختمان از داخل حیاط منتظم و راست گوشه به نظر برسد. یکی از ویژگی های خاص این بنا بالکن نسبتاً کم ارتفاع آن است که بر فراز معبر مجاور ساخته شده و با توجه به ارتفاع کم خود می توانسته تقریباً به سادگی از معبر قابل دسترس باشد.



شکل ۲۸۵. نمای داخل حیاط خانه صورتگر، وجه شمالی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۳-۳)



شکل ۲۸۶. نمای داخل حیاط خانه صورتگر، وجه شرقی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۳-۳)



شکل ۲۸۷. سایت پلان و پلان همکف خانه صورتگر (بازترسیم و ویرایش گرافیکی از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۲-۳)



شکل ۲۸۸. دید به وجه شمالی حیاط خانه صورتگر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۱-۳)



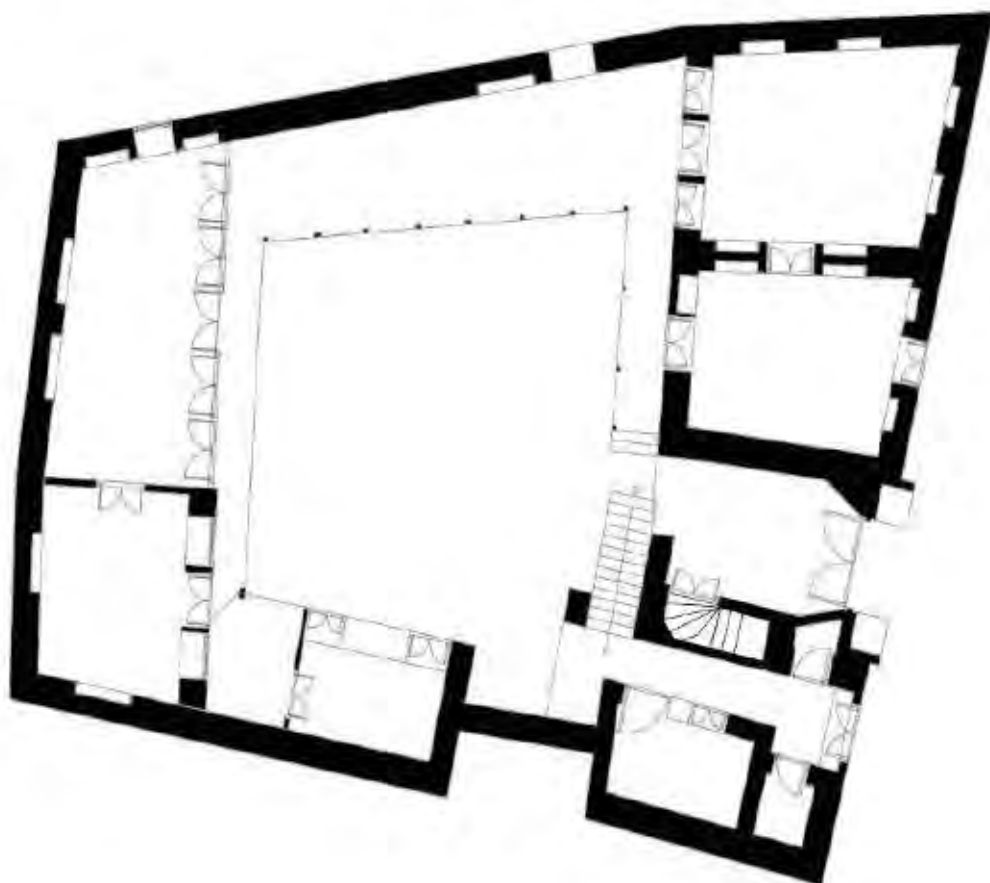
شکل ۲۸۹. دید به وجه شرقی حیاط خانه صورتگر (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۲۱-۳)



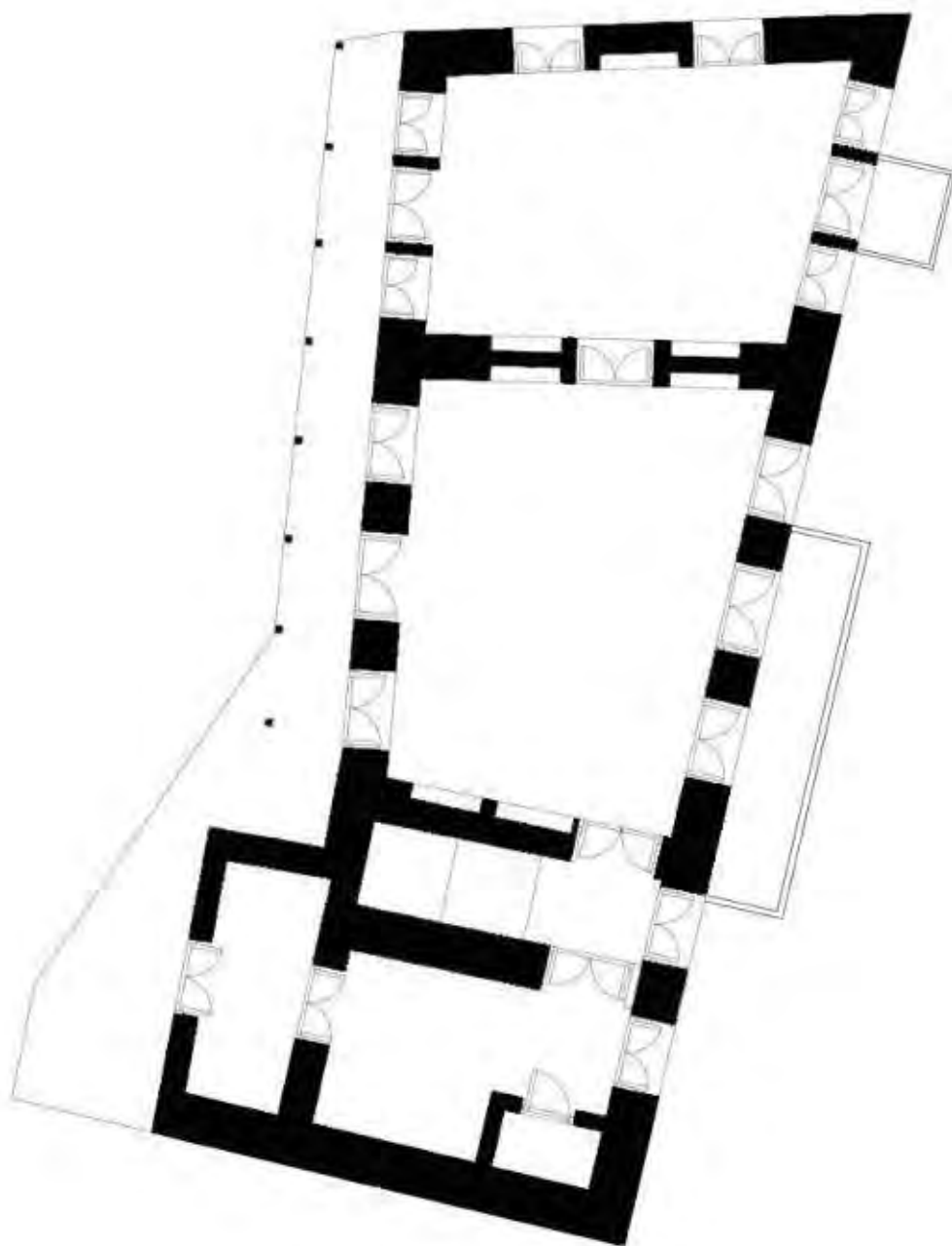
شکل ۲۹۰. سردر ورودی خانه صورتگر

۱۲. خانه ضیاء ظریفی

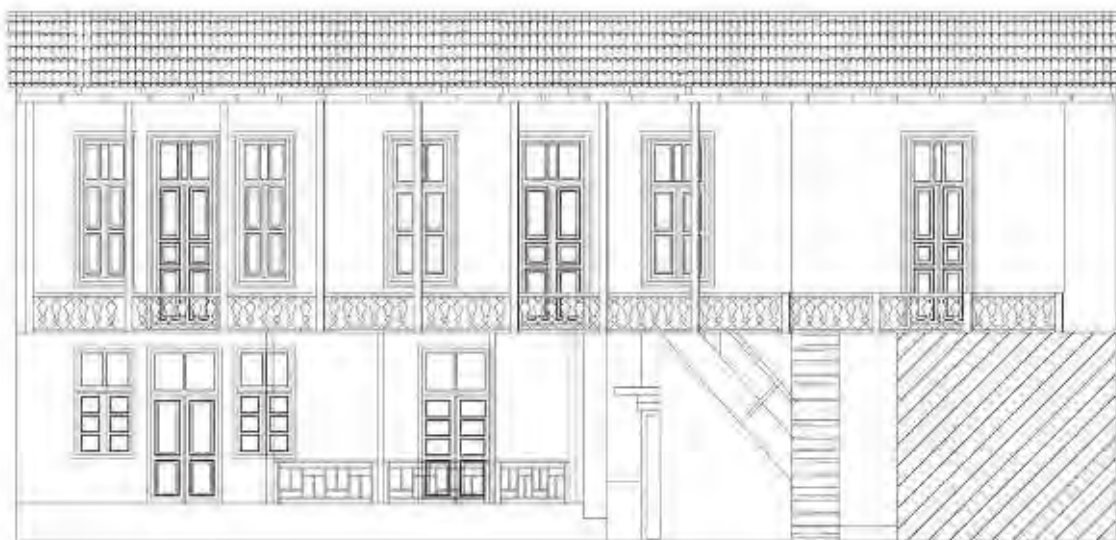
این خانه در محله گابنه و در همسایگی مسجد اکبریه قرار دارد و از آنجا که محل زندگی خاندان ضیاء ظریفی بوده که نسل اندر نسل طیب بوده اند، مرتباً محل مراجعه مردم جهت ملاقات با طیب و تهیه دارو بوده است. شنیده ها حاکی از آن است که مراجعان از طریق راه پله موجود در راهروی ورودی به اتاق واقع در طبقه اول خانه که محل طبابت طیب بوده است، رفت و آمد داشتند و وارد حیاط که کارکرد خصوصی برای اهل منزل داشته، نمی شدند.



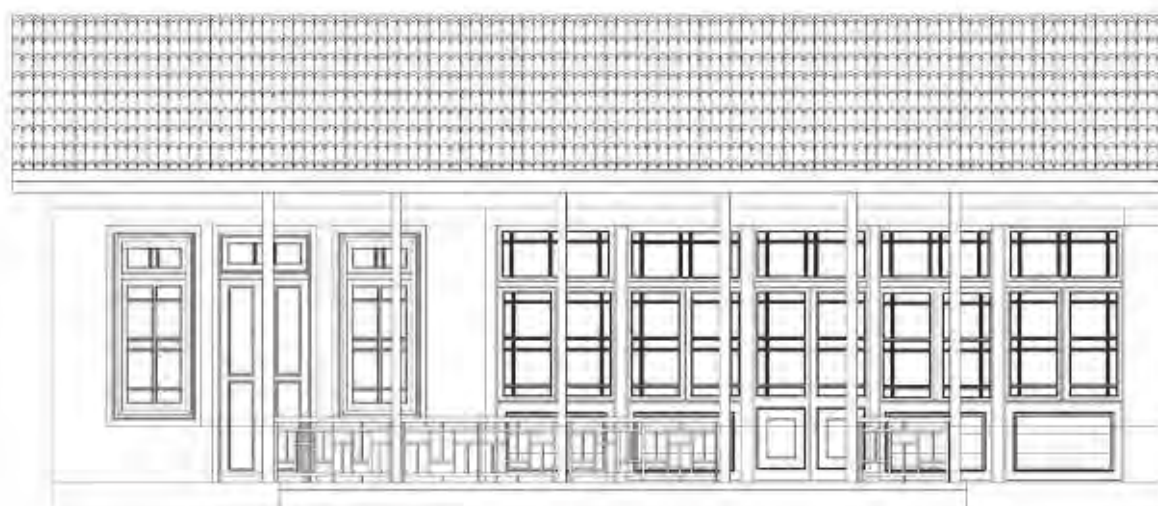
شکل ۲۹۱. پلان همکف خانه ضیاءظریفی (بازترسیم و ویرایش نقشه از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۸-۳)



شکل ۲۹۲. پلان طبقه اول خانه ضیاطریفی (بازترسیم و ویرایش نقشه از منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۸-۳)



شکل ۲۹۳. نمای وجه شرقی حیاط خانه ضیاءتریفی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۹-۳)



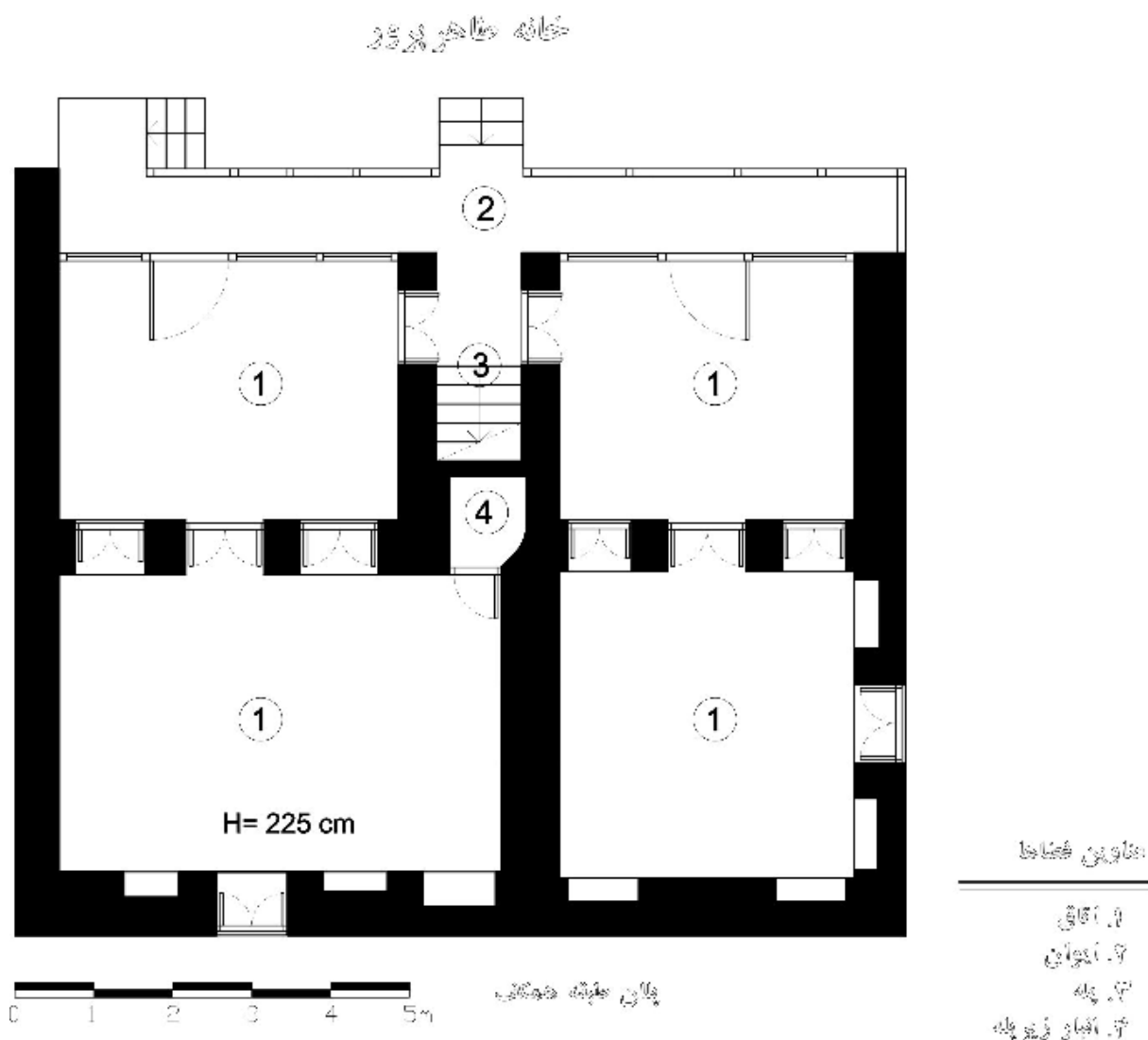
شکل ۲۹۴. نمای وجه غربی حیاط خانه ضیاءتریفی (منبع: مهندسان مشاور طرح و برنامه پارس، ۱۳۸۹، ۸۰۹-۳)

۱۳. خانه طاهرپرور

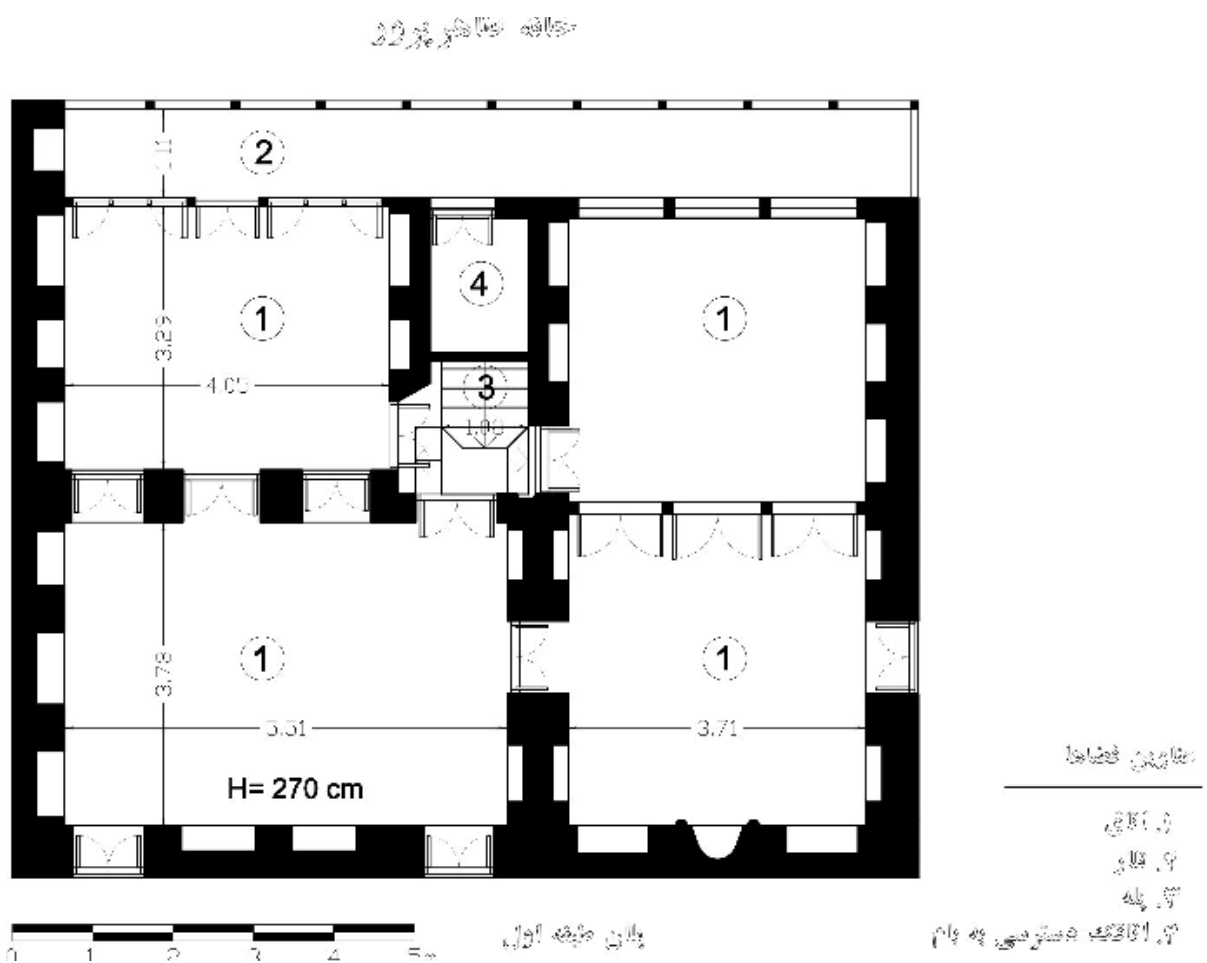
خانه طاهرپرور در محله خمرکلای لاهیجان قرار دارد و حوالی سال های ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ شمسی ساخته شده است. این بنا در دو طبقه احداث شده و در هر طبقه شامل چهار اتاق می باشد و راه پله داخلی آن در میانه پلان واقع شده است.



شکل ۲۹۵. موقعیت خانه طاهرپرور (طاهری بزاز) در محله خمرکلا



شکل ۲۹۷. پلان طبقه
اول خانه طاهرپرور



۱۴. خانه علیزاده راستان

طبقه ارتفاع دارند، درحالی که بلندی سایر اتاق ها در حد یک طبقه است. در این بنا به جای ساخت یک ایوان پیش آمده ممتد، پنج ایوان (بالکن) منفصل در دو تراز ارتفاعی مختلف ساخته شده است. پله ارتباطی بین حیاط و طبقه اول از نوع پله هایی است که تحت تأثیر تحولات معماری اواخر دوره قاجار از ارتفاع آنها کاسته شده و به پله های امروزی قرابت زیادی یافته اند، در حالی که پله ارتباطی بین طبقه اول و دوم بر اساس الگوهای قدیمی تر، با ارتفاعی بلند و به شکل مارپیچ طراحی و ساخته شده است.

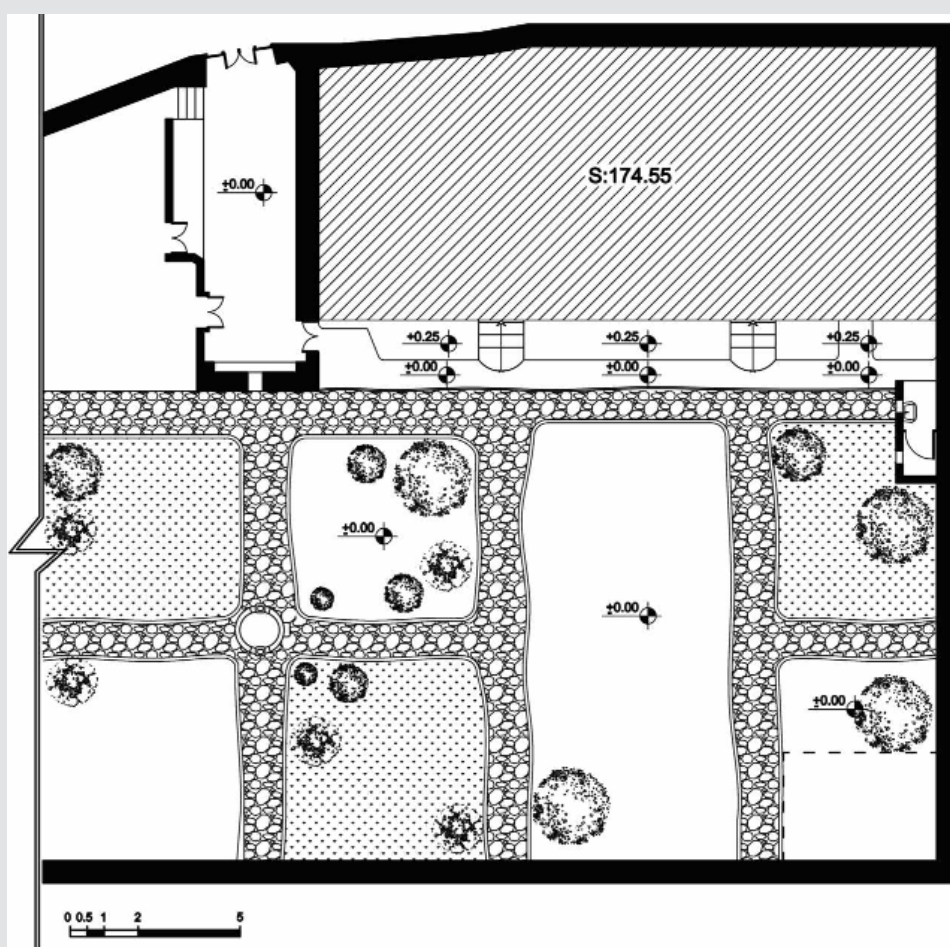
خانه علیزاده راستان در محله گابنه و در کوچه اکبرییه واقع است. این بنا از محدود خانه های قاجاری سه طبقه لاهیجان به شمار می آید. طبقه همکف این بنا طوری طراحی گردیده است که در آن فقط یک ردیف اتاق در سمت حیاط خانه وجود دارد و ظاهراً مابقی پلان در مجاورت کوچه با مصالح بنایی پر شده است. بدین ترتیب، پنجره های رو به معبر این خانه به دو طبقه بالایی تعلق دارند و بنا از بیرون دو طبقه به نظر می رسد. از دیگر ویژگی های قابل توجه این بنا تنوع ارتفاع اتاق های آن است. بدین ترتیب، که اتاق های اصلی به اندازه دو



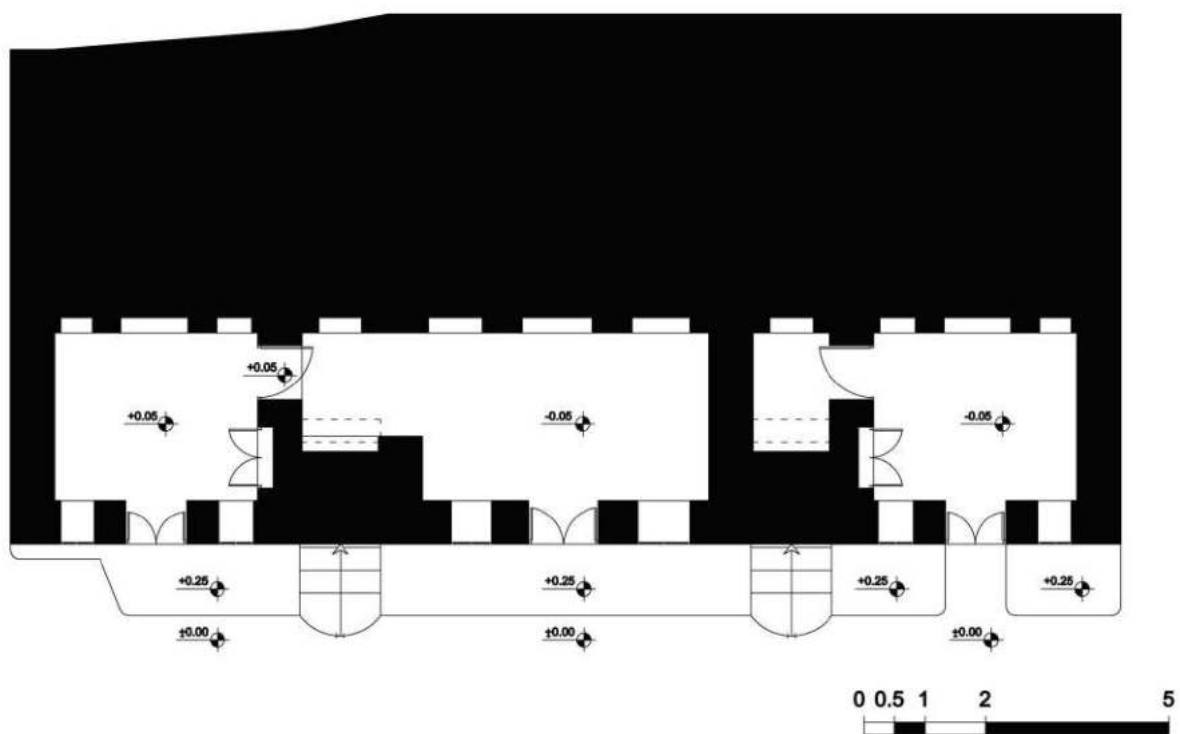
شکل ۲۹۸. نمای شرقی خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



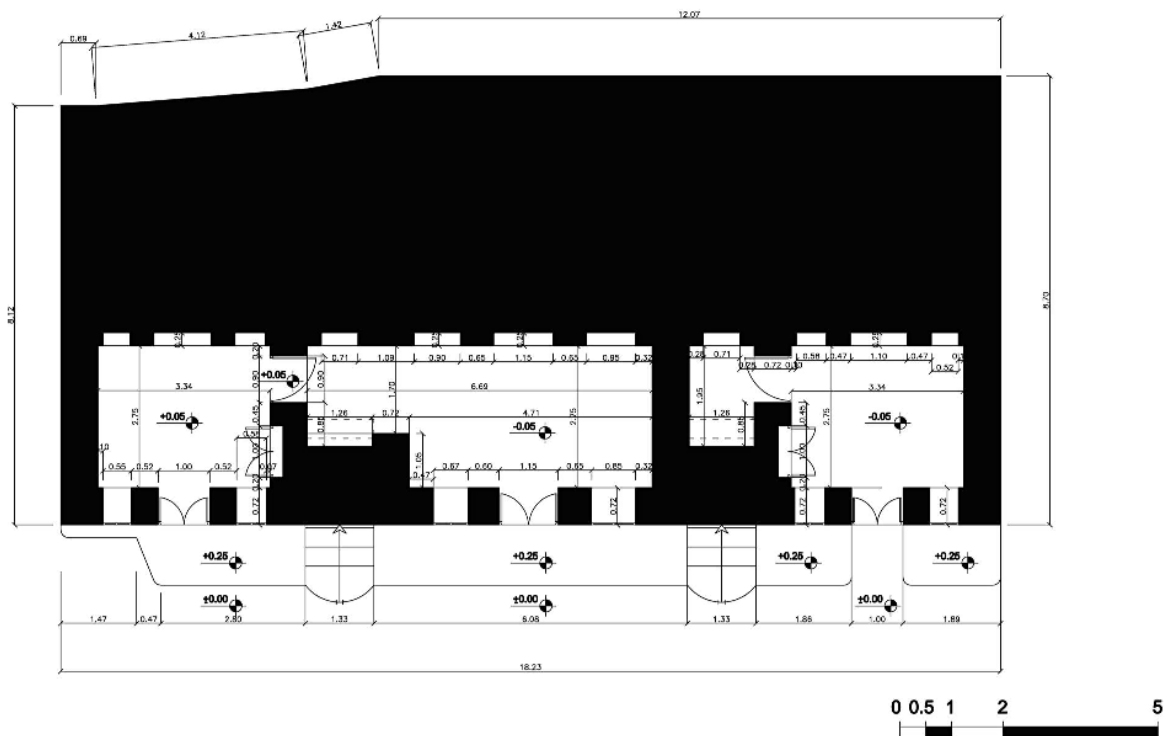
شکل ۲۹۹. نمای رو به حیاط خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



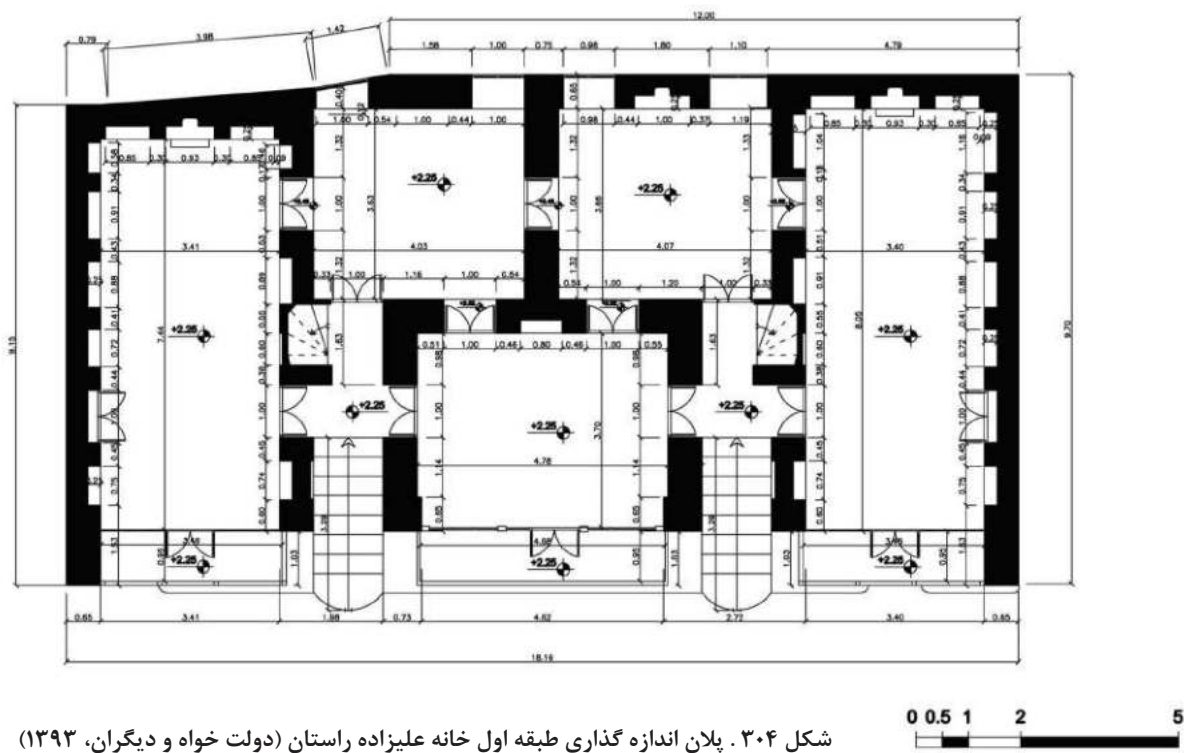
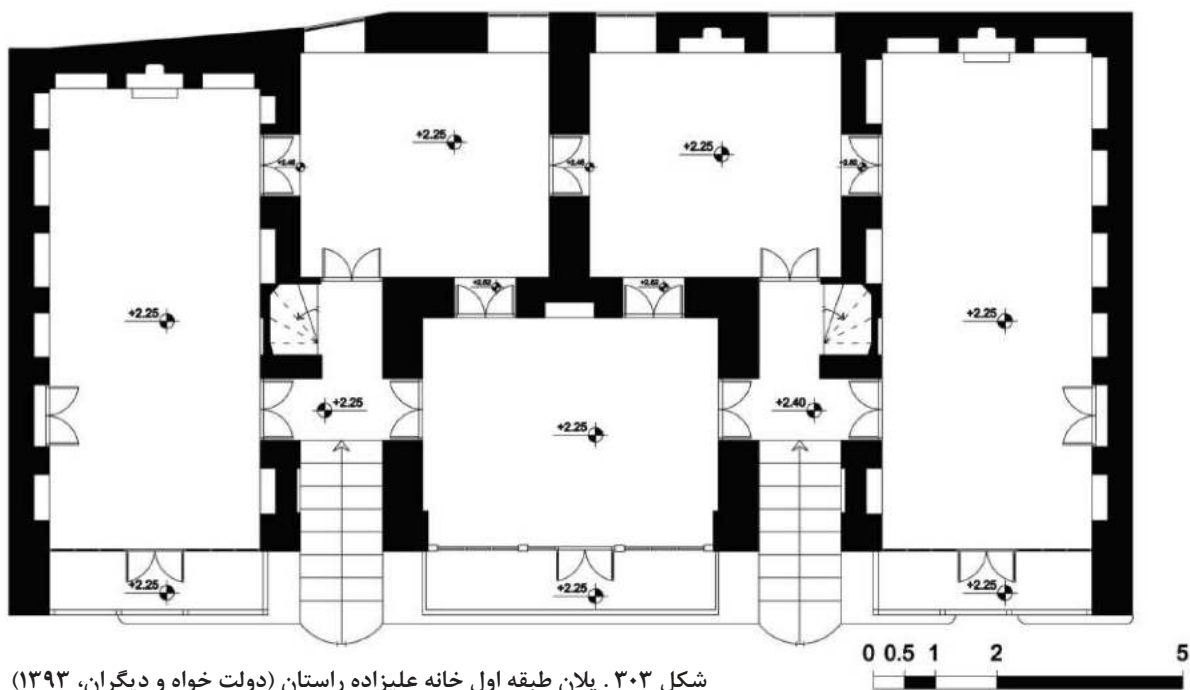
شکل ۳۰۰. بخشی از سایت پلان خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)

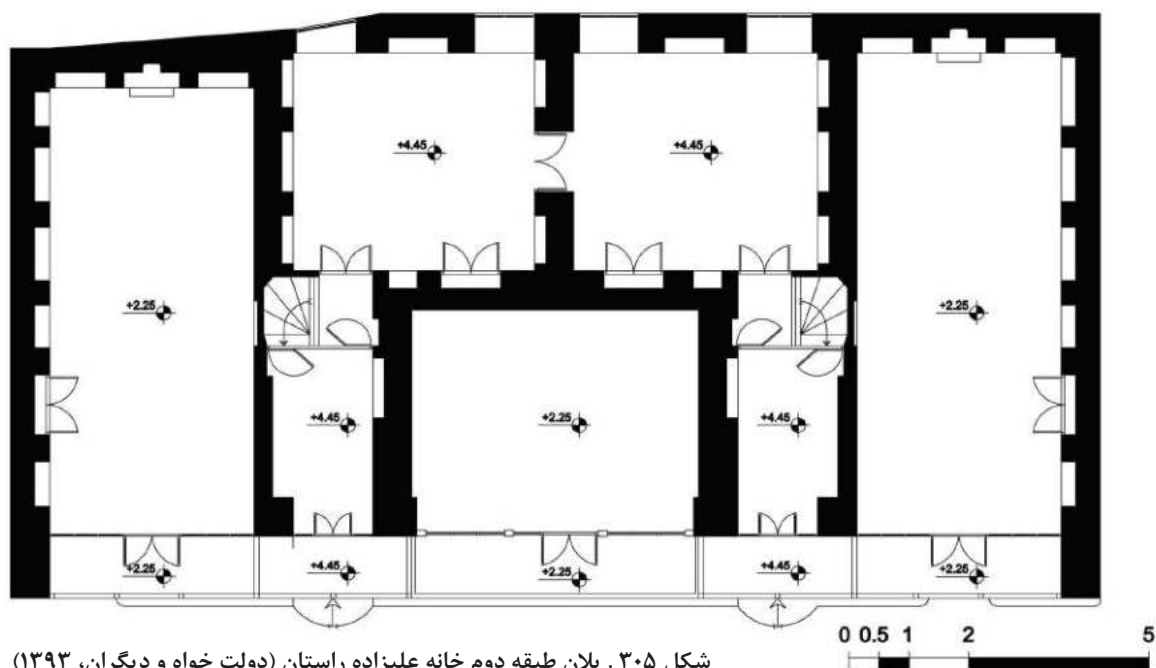


شکل ۳۰۱. پلان طبقه همکف خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)

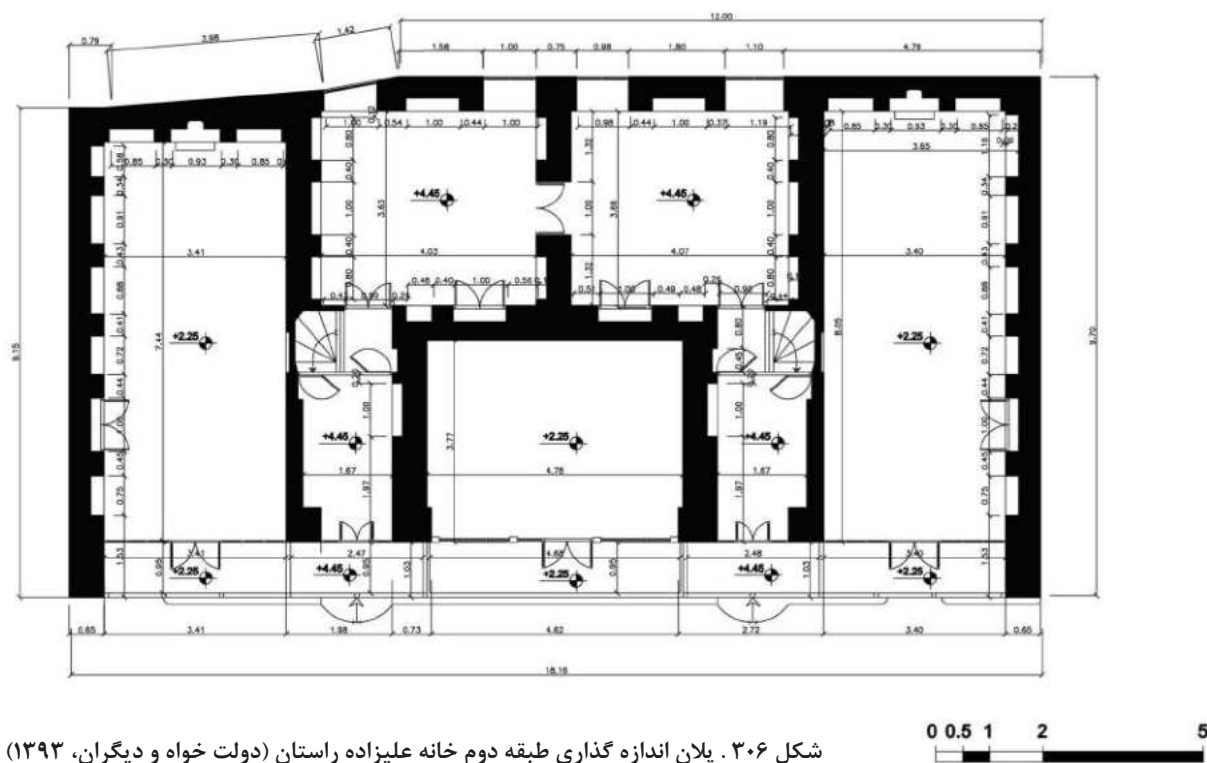


شکل ۳۰۲. پلان اندازه گذاری طبقه همکف خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)

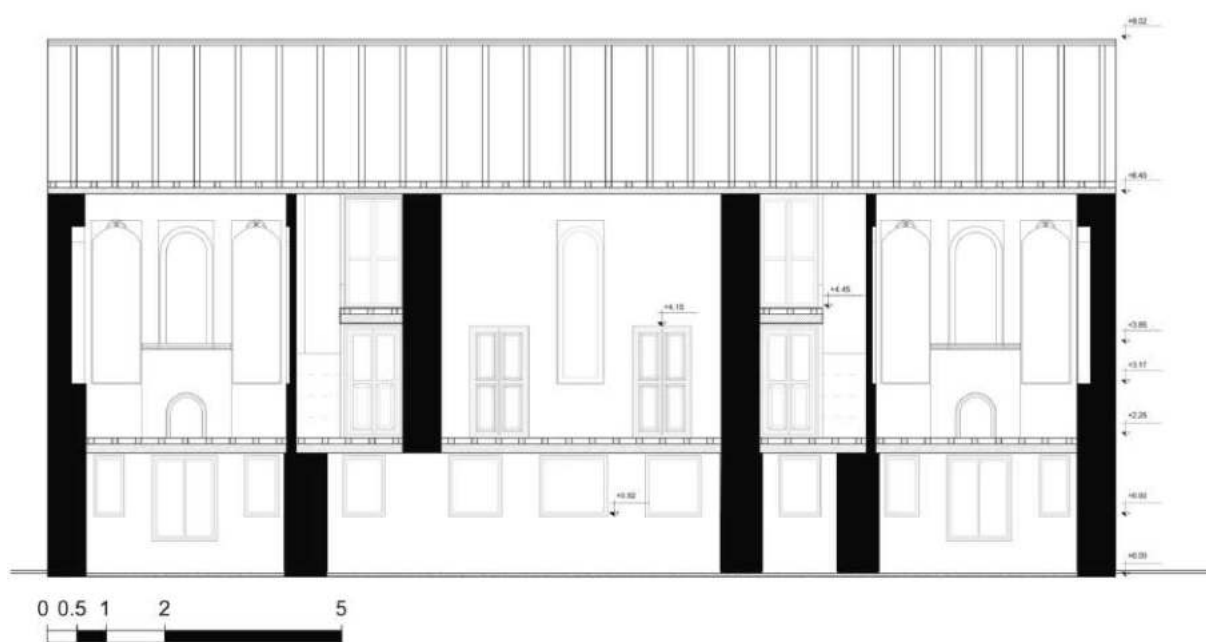




شکل ۳۰۵. پلان طبقه دوم خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



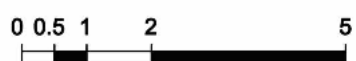
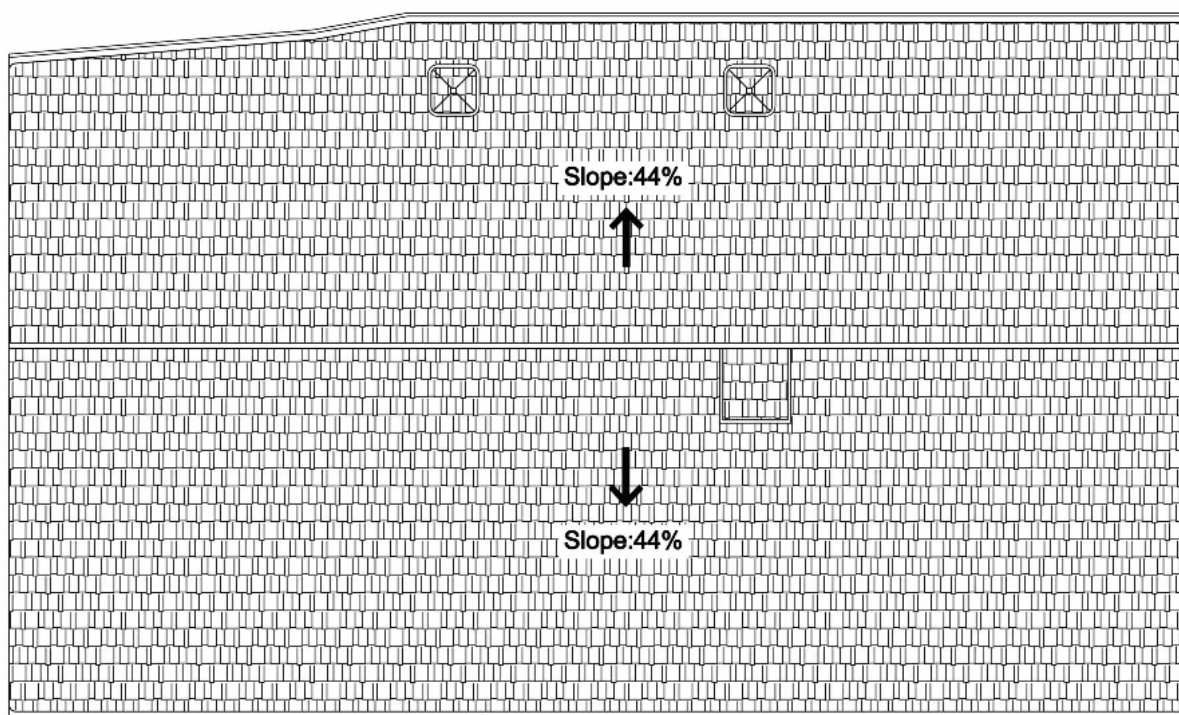
شکل ۳۰۶. پلان اندازه گذاری طبقه دوم خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۰۷. برش A-A خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۰۸. برش B-B خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۰۹. پلان بام خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



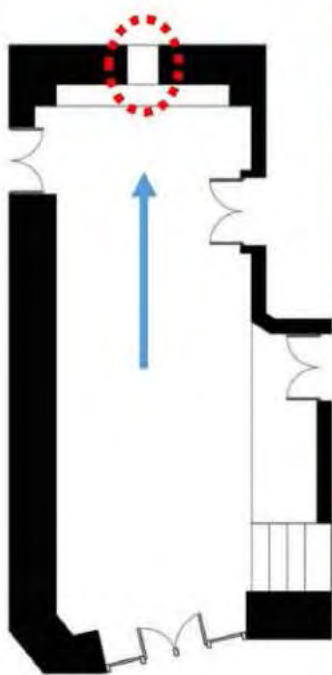
شکل ۳۱۰. برش پرسپکتیوی خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۱۱. پرسپکتیو خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



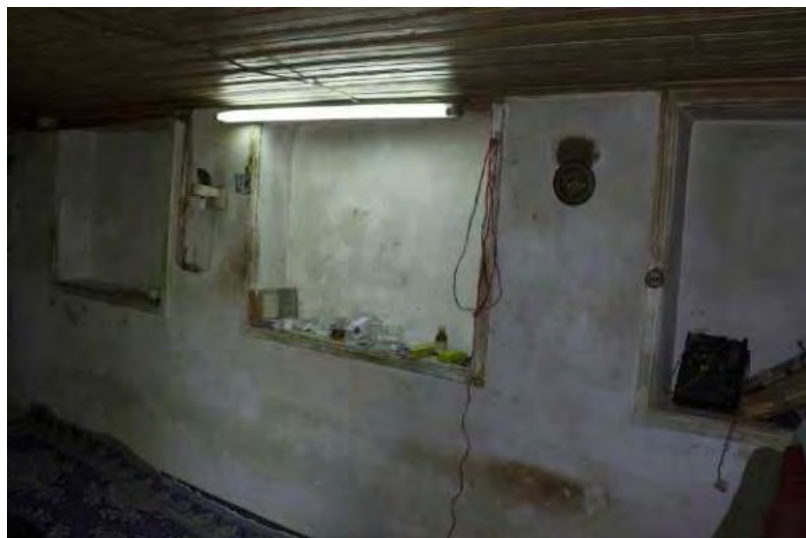
شکل ۳۱۲. پرسپکتیو خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۱۳. فضای ورودی (هشتی) خانه علیزاده
راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۱۴. اتاق پذیرایی (سالن / مهمان خانه) خانه علیزاده راستان (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



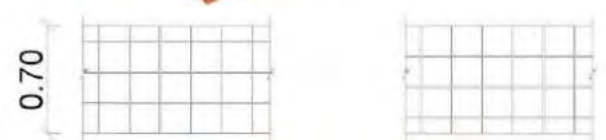
شکل ۳۱۵. دید داخلی اتاق طبقه همکف خانه علیزاده راستان
(دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۱۷. دید نمای اصلی خانه علیزاده راستان (دولت خواه و
دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۱۶. یکی از شومینه های خانه علیزاده راستان (دولت
خواه و دیگران، ۱۳۹۳)



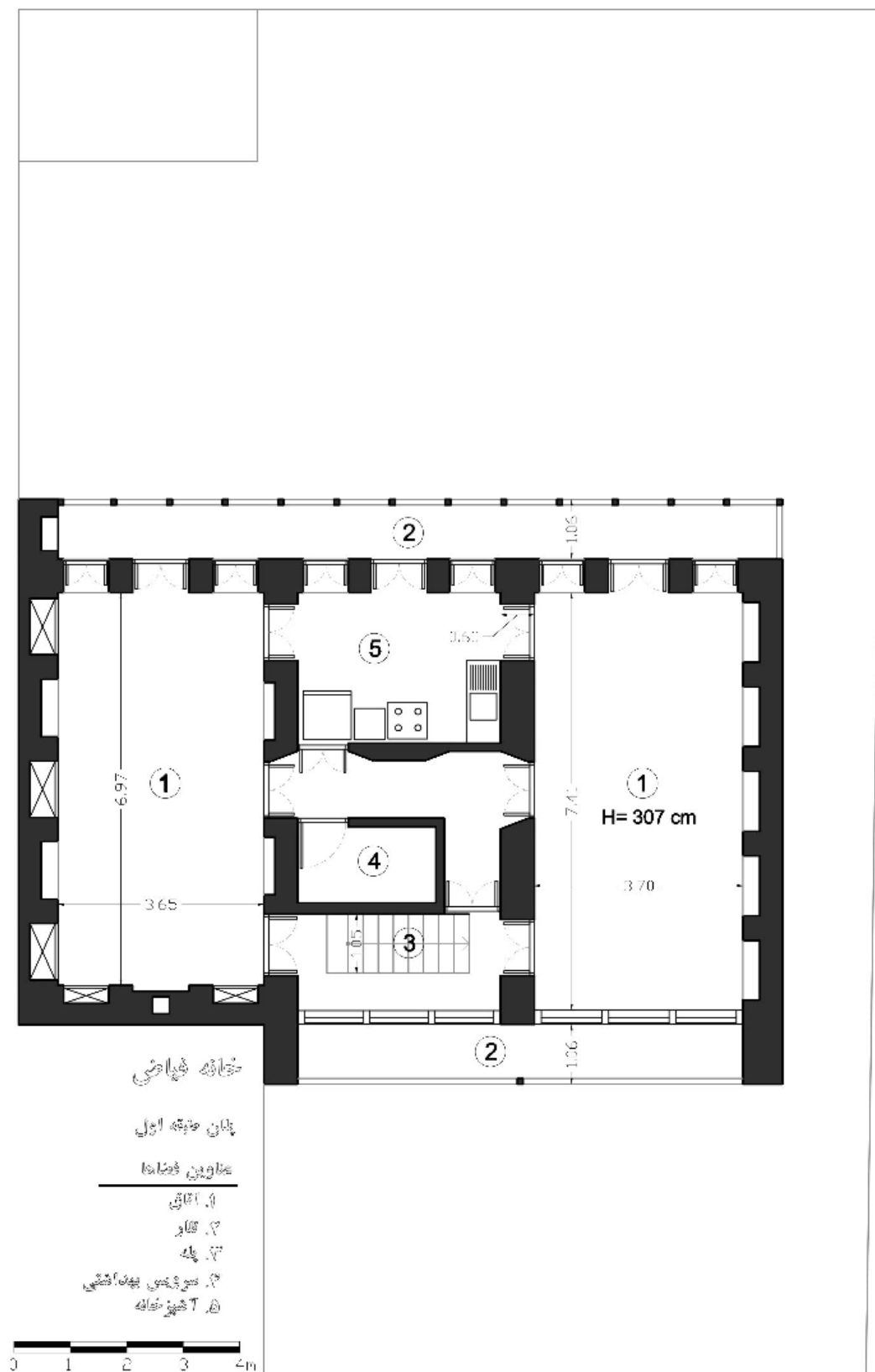
شکل ۳۱۸. ضخامت دیوارها در خانه علیزاده راستان بر اساس تعداد آجر مصرفی (دولت خواه و دیگران، ۱۳۹۳)

۱۵. خانه فیاض

خانه فیاض در محله گابنه و در پشت مسجد اکبریه قرار دارد. از نکات قابل توجه در طراحی این بنا این است که سازندگان به واسطه شکل هندسی خاص زمین مجبور شده اند این بنا را به صورت عقب ساز بسازند و واقع بنا را در جایی از زمین مستقر نمایند که امکان ساخت سه اتاق پهلوی به پهلوی را بدهد. بدین ترتیب، اتاق شمالی صرفاً از وجه شرقی خود امکان نورگیری و تهویه مستقیم را دارد، در حالی که اتاق جنوبی می تواند از تهویه متقابل برخوردار باشد. از این رو، اتاق جنوبی با توجه به مزیت های خود به عنوان اتاق مهمان در نظر گرفته شده و با ارسی آراسته شده است.



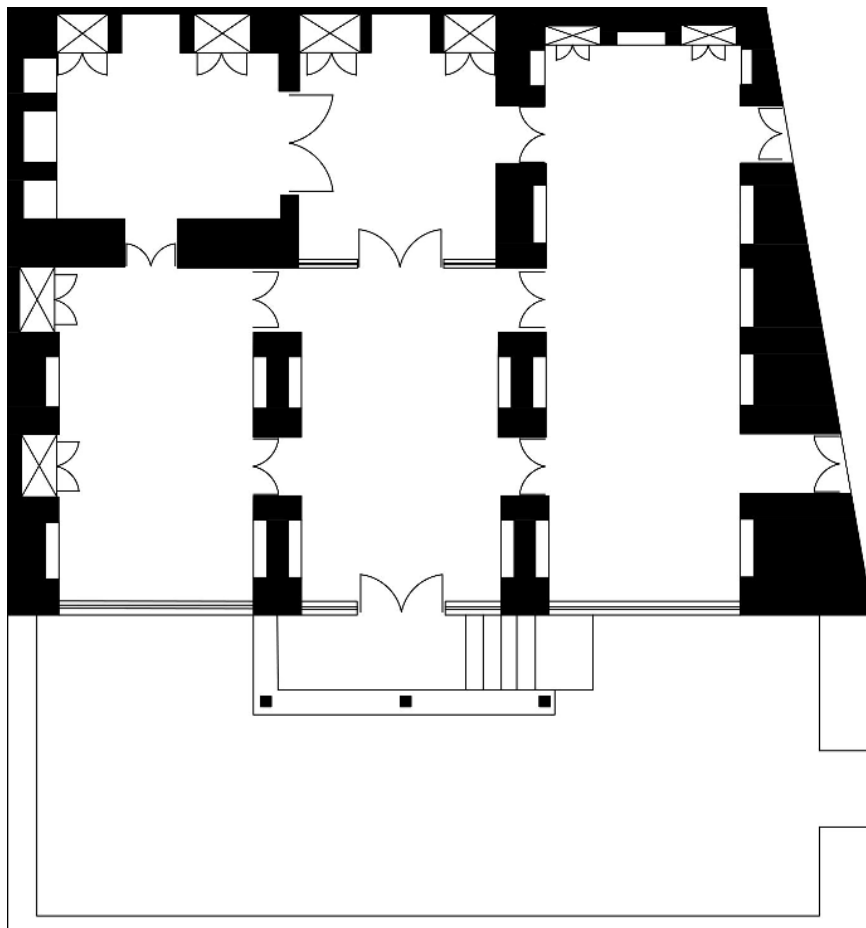
شکل ۳۱۹. موقعیت خانه فیاض در محله گابنه



شکل ۳۲۰. پلان طبقه اول خانه فیاض در محله گابنه

۱۶. خانه کیاموسوی

خانه کیاموسوی که سابقاً به خانواده اصمعی تعلق داشته در محله پرده سر واقع است. این بنای یک طبقه با ارتفاع بلند خود از بیرون همانند یک خانه دو طبقه جلوه می نماید. اتاق مهمان در این خانه به صورت یک مستطیل کشیده با تناسب یک به سه ساخته شده که به طور متعارف در اتاق های مسکونی معمولی کاربرد نداشته و معمولاً در اتاق هایی با کاربری تشریفاتی و یا آئینی به کار می رفته است.^{۲۲} از دیگر ویژگی های شاخص این بنا می توان به ارسی های ظریف و خوش ساخت آن اشاره نمود.



شکل ۳۲۱. شماتیک سایت پلان و پلان همکف خانه کیاموسوی (بازترسیم و ویرایش نقشه بر اساس: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ب)



شکل ۳۲۲. نمای شرقی خانه کیاموسوی (بازترسیم و ویرایش نقشه از منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ب)



شکل ۳۲۳. برش شماتیک خانه کیاموسوی (بازترسیم و ویرایش گرافیکی نقشه از منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ب)



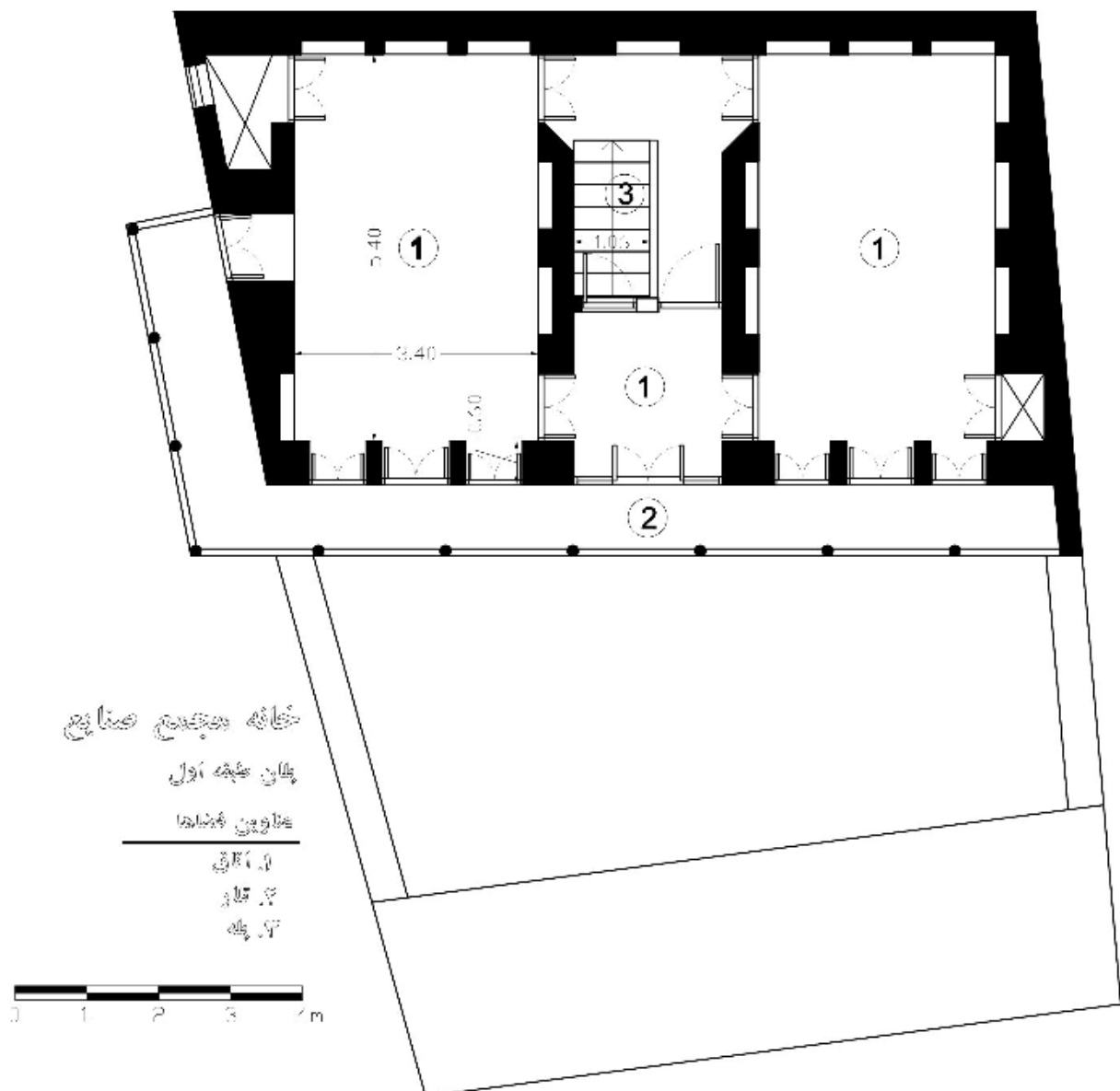
شکل ۳۲۴. دید از اتاق مهمان در خانه کیاموسوی
(منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی
و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ب)



شکل ۳۲۵. یکی از ارسی های خانه کیاموسوی
(منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی
و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۳ب)

۱۷. خانه مجمع صنایع

خانه مجمع صنایع در محله گابنه واقع است و در دو طبقه ساخته شده است. این بنا علاوه بر تالار اصلی در جبهه شرقی دارای بالکنی بر روی معبر مجاور می باشد که توسط ساکنان «پوشته دامن» یعنی «دامنه پشتی» نامیده می شده است.



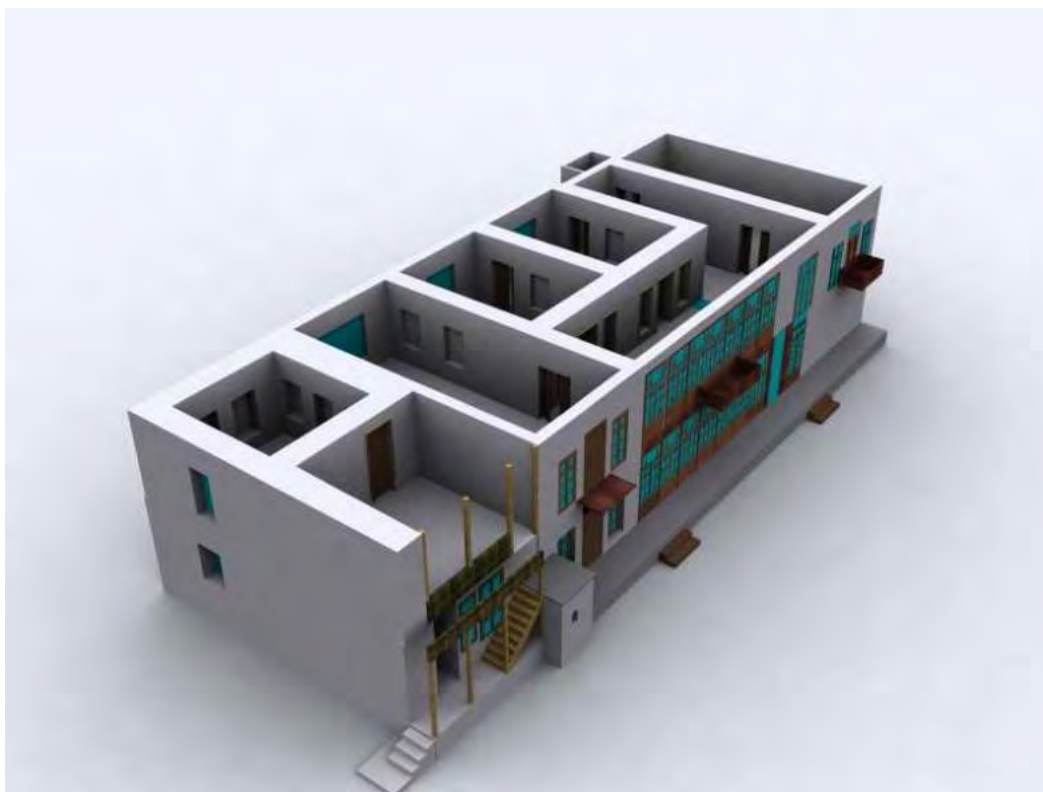
شکل ۳۲۶. پلان طبقه اول خانه حاج عبدالله مجمع صنایع

۱۸. خانه واعظ قائمی

خانه آقای واعظ قائمی در محله خمرکلا واقع شده است و می توان خصوصیات معماری اواخر دوره قاجار را در آن مشاهده نمود.

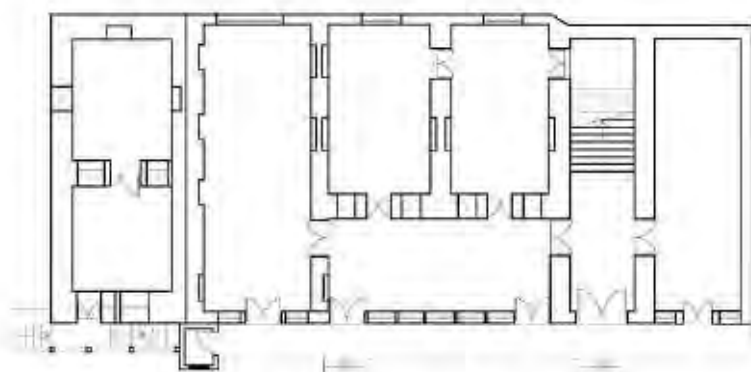


شکل ۳۲۷. نمای اصلی / شرقی
عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی
و دیگران، ۱۳۸۹)

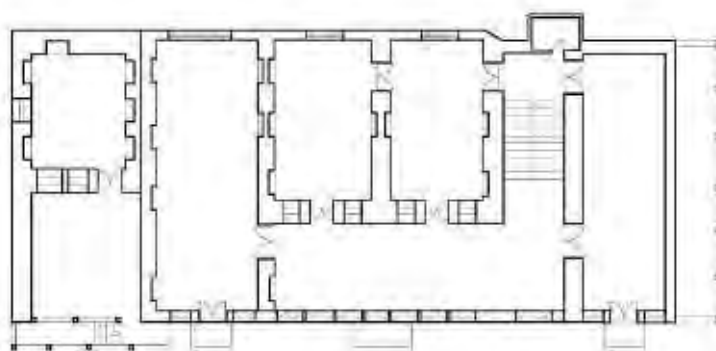


شکل ۳۲۸. مدل سه بعدی عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)

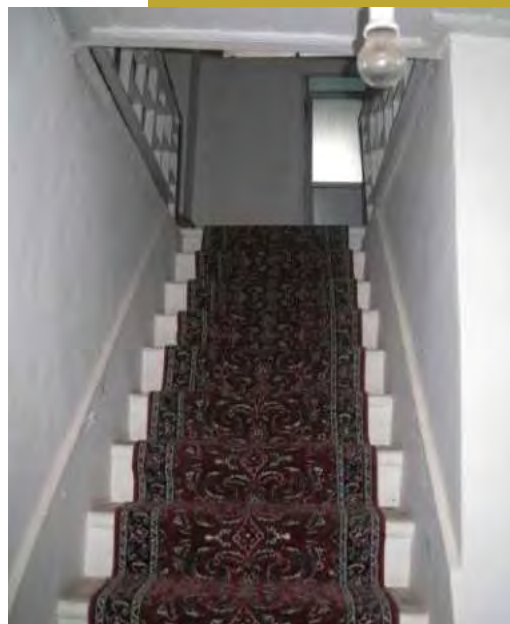
شکل ۳۲۷. نمای اصلی / شرقی
عمارت قائمی. منبع تصویر: (نصرتی
و دیگران، ۱۳۸۹)



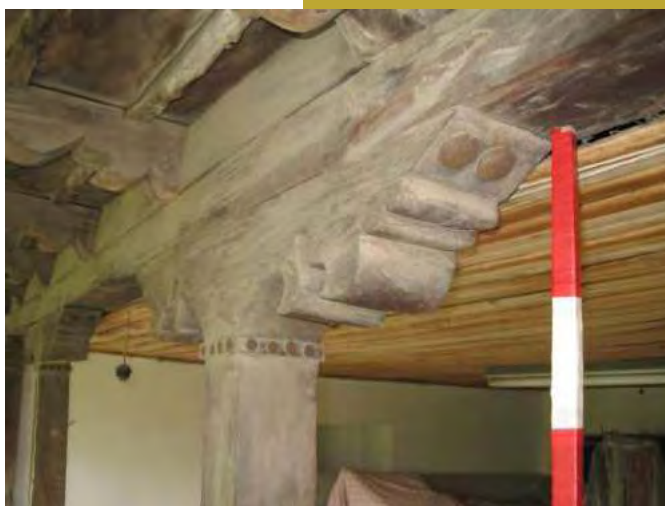
شکل ۳۳۰. پلان طبقات همکف
و اول عمارت قائمی. بازترسیم بر
اساس: (نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۳۳۱. پلکان داخلی عمارت
قائمی. منبع تصویر: (نصرتی و
دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۳۳۲. نمونه ای از کارهای
چوبی در عمارت قائمی. منبع تصویر:
(نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)



شکل ۳۳۳. تاقنماهای دیوار محوطه
در عمارت قائمی. منبع تصویر:
(نصرتی و دیگران، ۱۳۸۹)

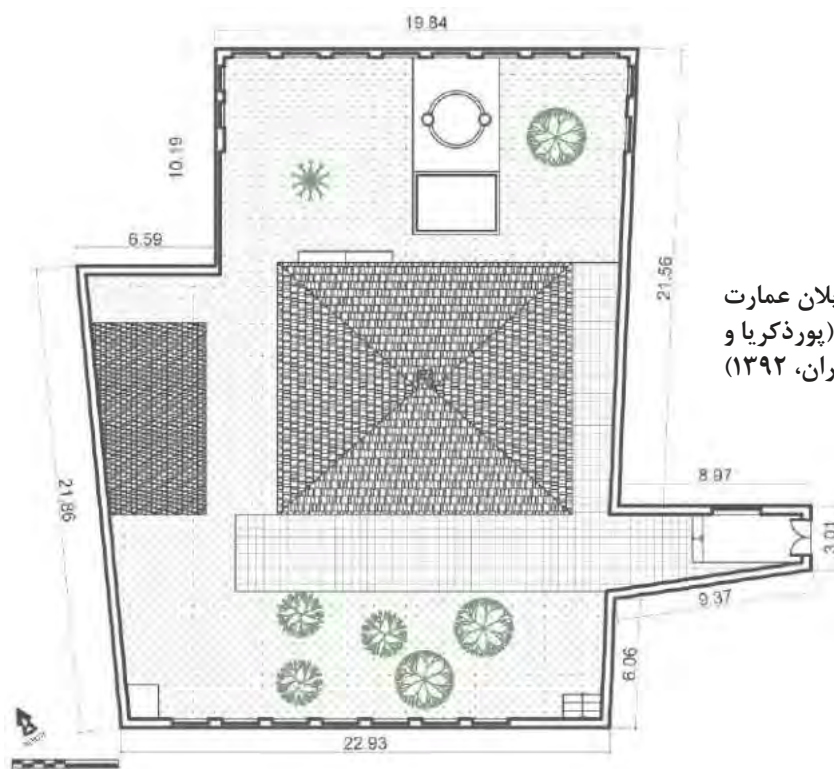


۱۹. خانه گلشاهی

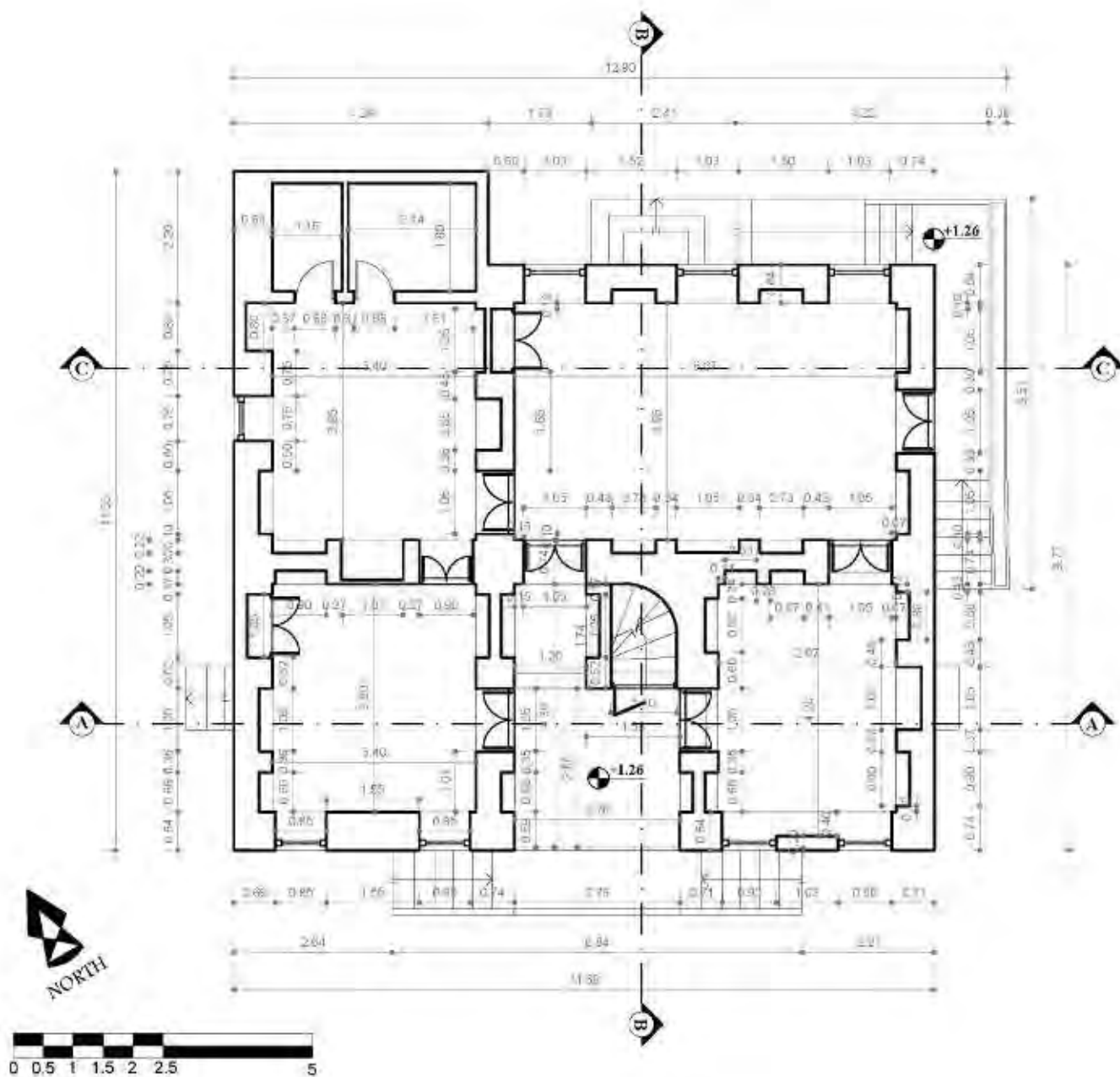
این عمارت در خیابان شهید کریمی، کوچه ذوقی واقع شده و بر اساس الگوی کوشکی احداث شده است. به گفته ساکنان، سازنده بنا حاج رضا گلشاهی بوده که فردی خیر و بانی مسجد گلشاهی بوده است.



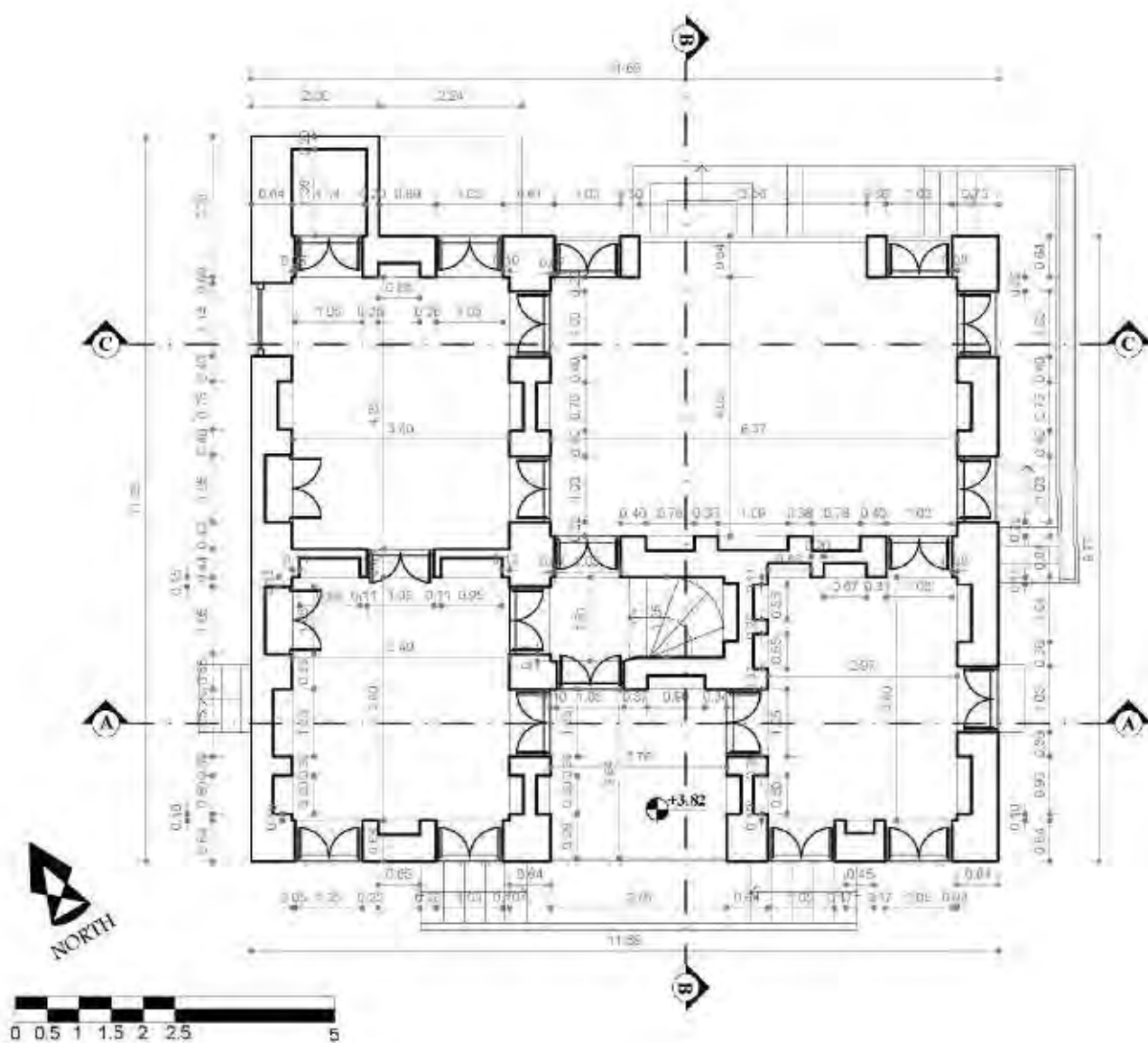
شکل ۳۳۴. دید به عمارت گلشاهی از جانب شرقی. منزل برادر ایشان در پایین تصویر دیده می شود. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



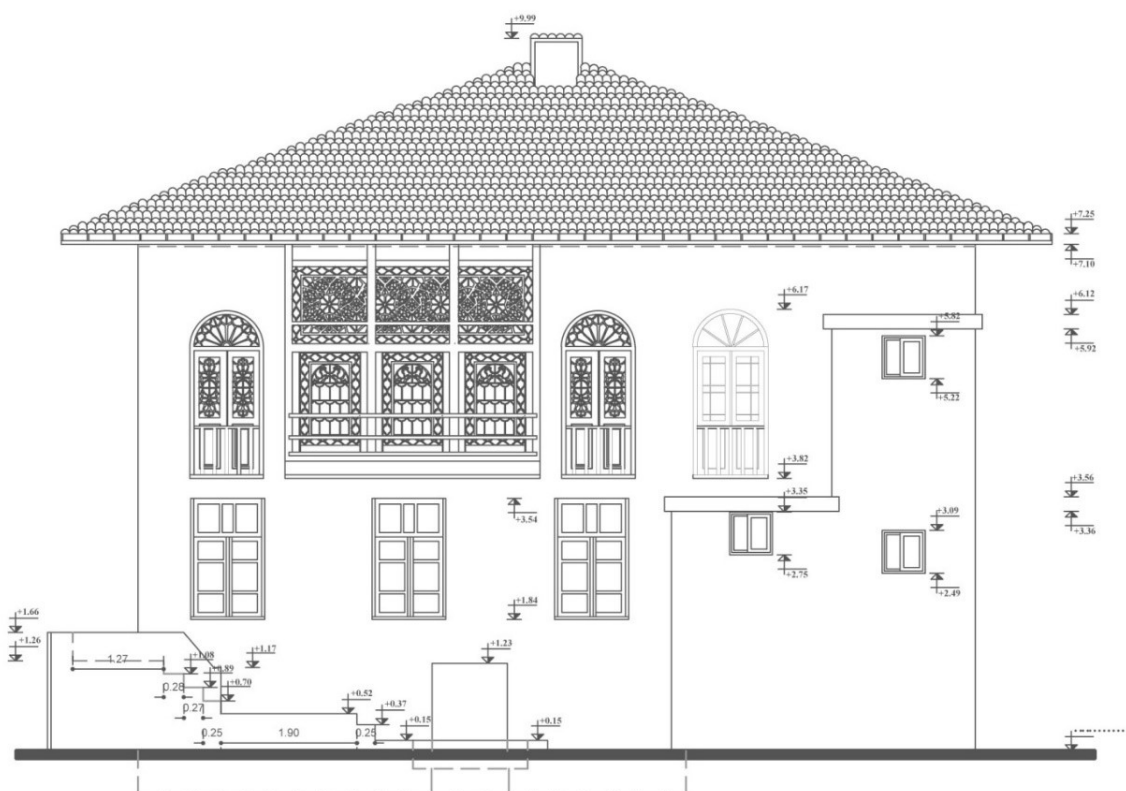
شکل ۳۳۵. سایت پلان عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



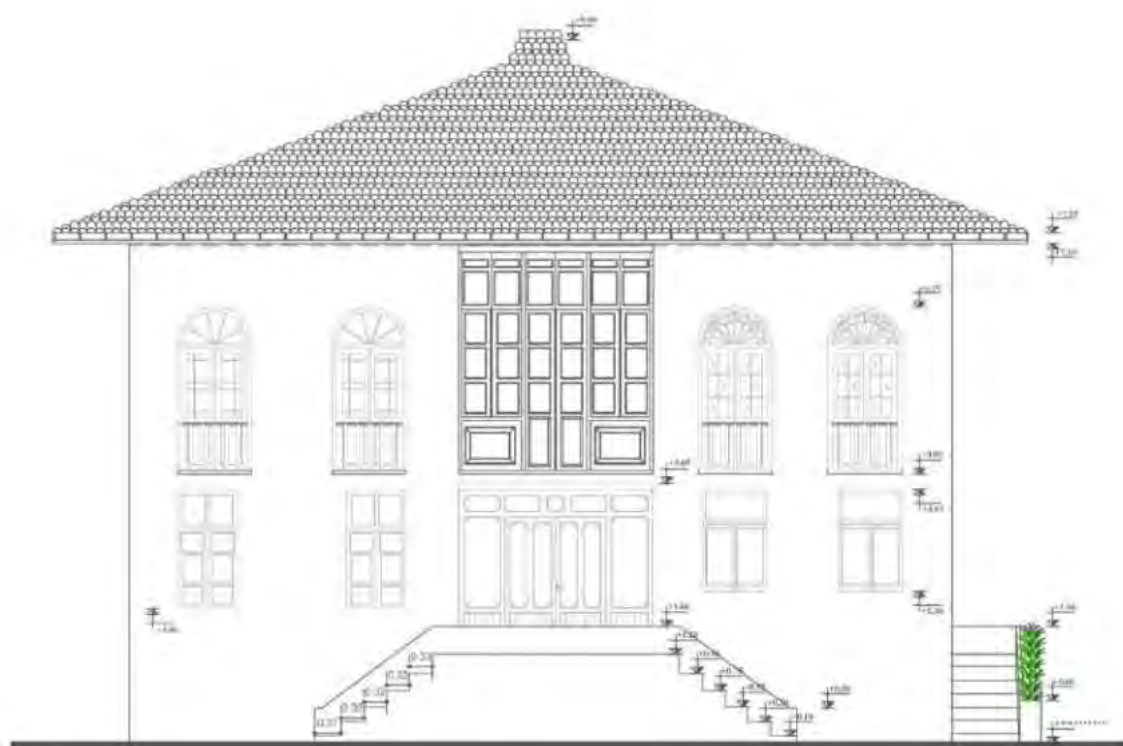
شکل ۳۳۶. پلان همکف عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۳۷. پلان طبقه اول عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پوردکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۳۶. پلان همکف عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۳۹. نمای جنوبی عمارت گلشاهی تنها نمای متقارن این بنا است. منبع تصویر:
(پورذکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۴۲. برش از عمارت گلشاهی.
منبع تصویر: (پوردکریا و دیگران،
۱۳۹۲)



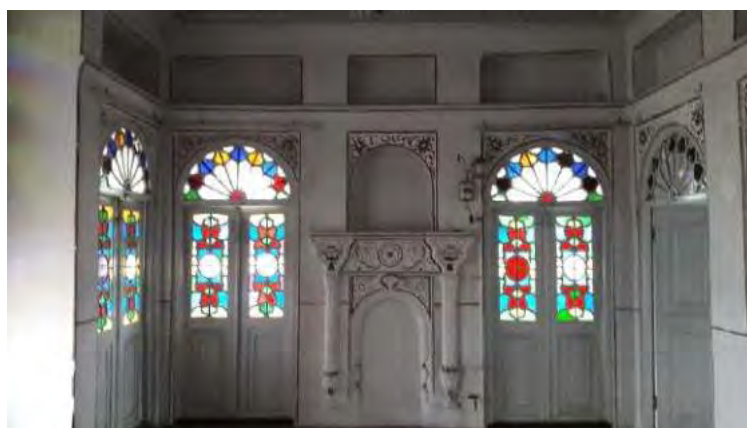
شکل ۳۴۳. دید از نمای جنوبی
عمارت گلشاهی. منبع تصویر:
(پوردکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۴۴. دید از نمای شمالی
عمارت گلشاهی. آثار یک بالکن
تخریب شده را می توان در این
نما مشاهده نمود. منبع تصویر:
(پوردکریا و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۴۵. ارسی عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (اسماعیلیان و دیگران، ۱۳۹۶)



شکل ۳۴۶. دید از فضای مهمانخانه عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (اسماعیلیان و دیگران، ۱۳۹۶)



شکل ۳۴۷. دید از فضای مهمانخانه عمارت گلشاهی. منبع تصویر: (اسماعیلیان و دیگران، ۱۳۹۶)

◀ ۲۰. خانه صنایع

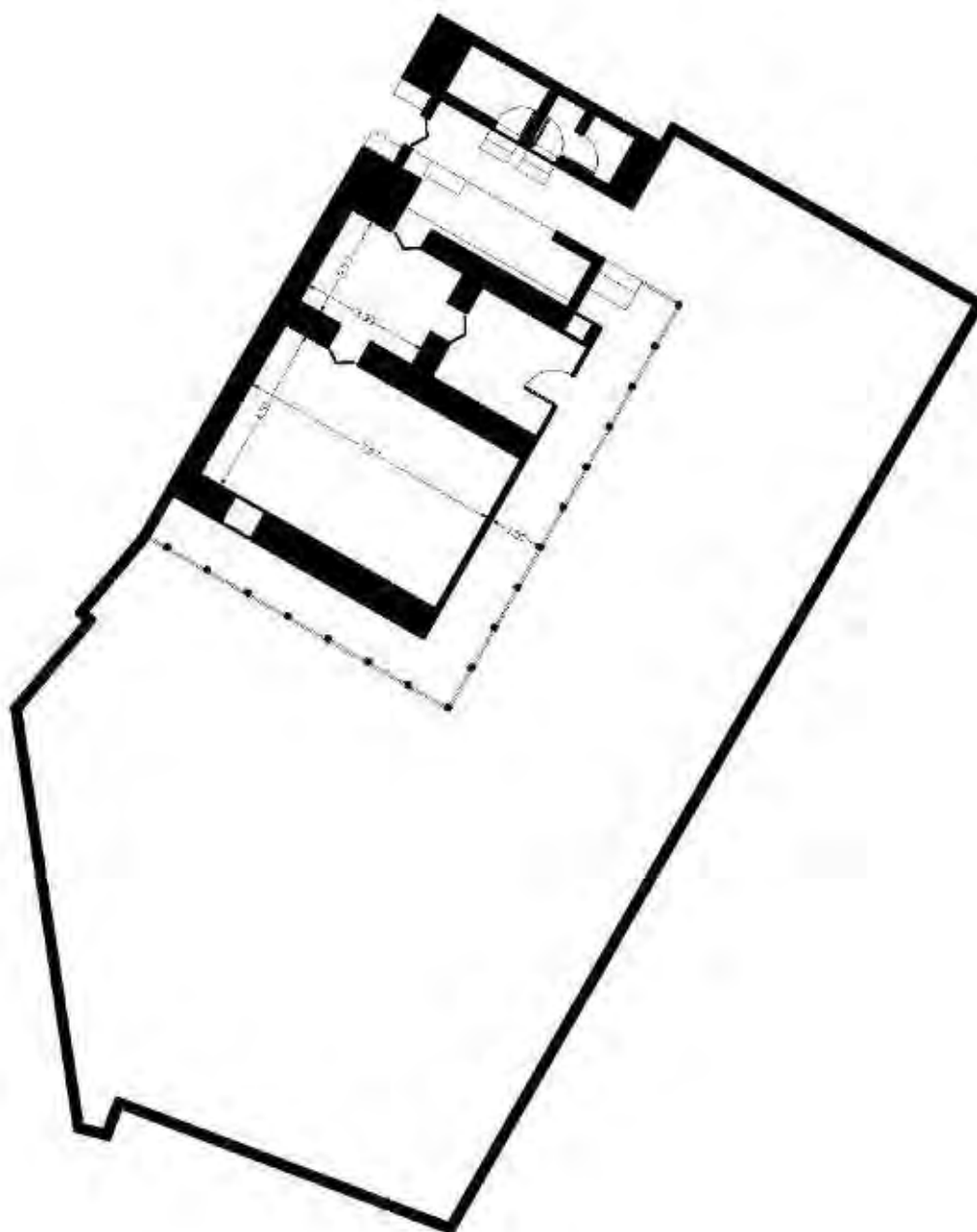
خانه آقای محمد صنایع در محله یحیی آباد لاهیجان واقع شده و نمونه خوبی از معماری شهری درونگرای لاهیجان محسوب می شده است. این خانه ساختمانی یک طبقه است که بامی یکپارچه روی هشتی ورودی و اتاق های آن احداث شده است. از ویژگی های جالب این بنا نقاشی های دیواری ظریفی است که فضای هشتی آن را آراسته است.



شکل ۳۴۸. خانه صنایع
در محله یحیی آباد. منبع
تصویر: (غیب خواه و
دیگران، ۱۳۹۱)



شکل ۳۴۹. تصویر هوایی خانه
صنایع مربوط به سال ۱۳۳۶



شکل ۳۵۰. پلان خانه صنایع. بازترسیم بر اساس:
(غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)

به نظر می‌رسد، خانه‌ای که در کتاب «آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه شناسی پرونگرا» در صفحات ۱۶۰ تا ۱۶۲ معرفی شده است، همین خانه آقای صنایع باشد که در دهه ۱۳۶۰ برداشت شده و با دقت قابل ملاحظه‌ای ترسیم شده است (نک: معاریان، ۱۳۷۶).



شکل ۳۵۱. شومینه خانه صنایع. منبع تصویر:
(غیب خواه و دیگران، ۱۳۹۱)



شکل ۳۵۲. دست انداز چوبی ایوان در خانه
صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و دیگران،
۱۳۹۱)

شکل ۳۵۳. نقاشی دیواری در فضای
ورودی خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب
خواه و دیگران، ۱۳۹۱)



شکل ۳۵۴. نقاشی دیواری در فضای
ورودی خانه صنایع. منبع تصویر: (غیب
خواه و دیگران، ۱۳۹۱)

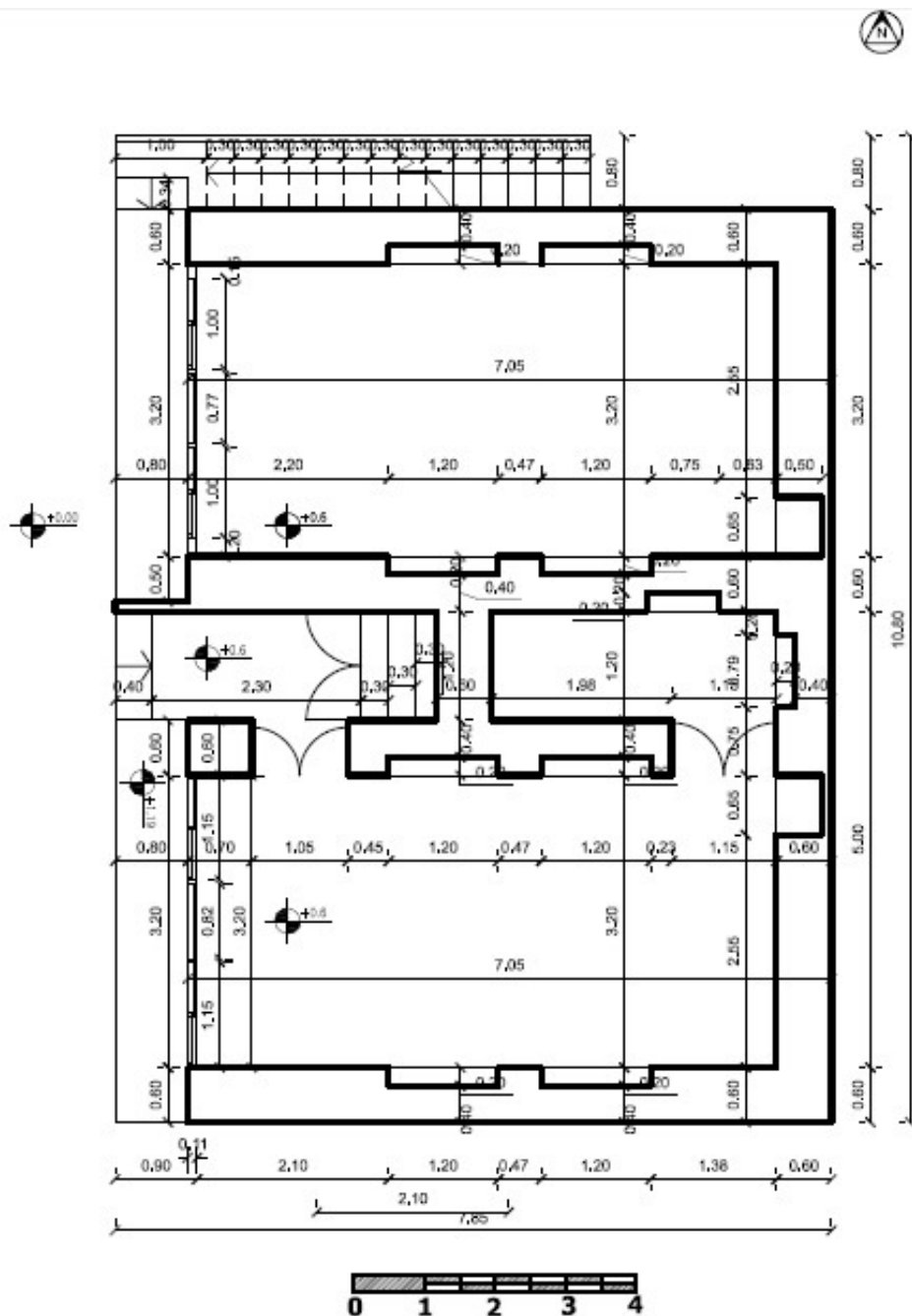


شکل ۳۵۵. ارسی اتاق مهمان در خانه
صنایع. منبع تصویر: (غیب خواه و
دیگران، ۱۳۹۱)

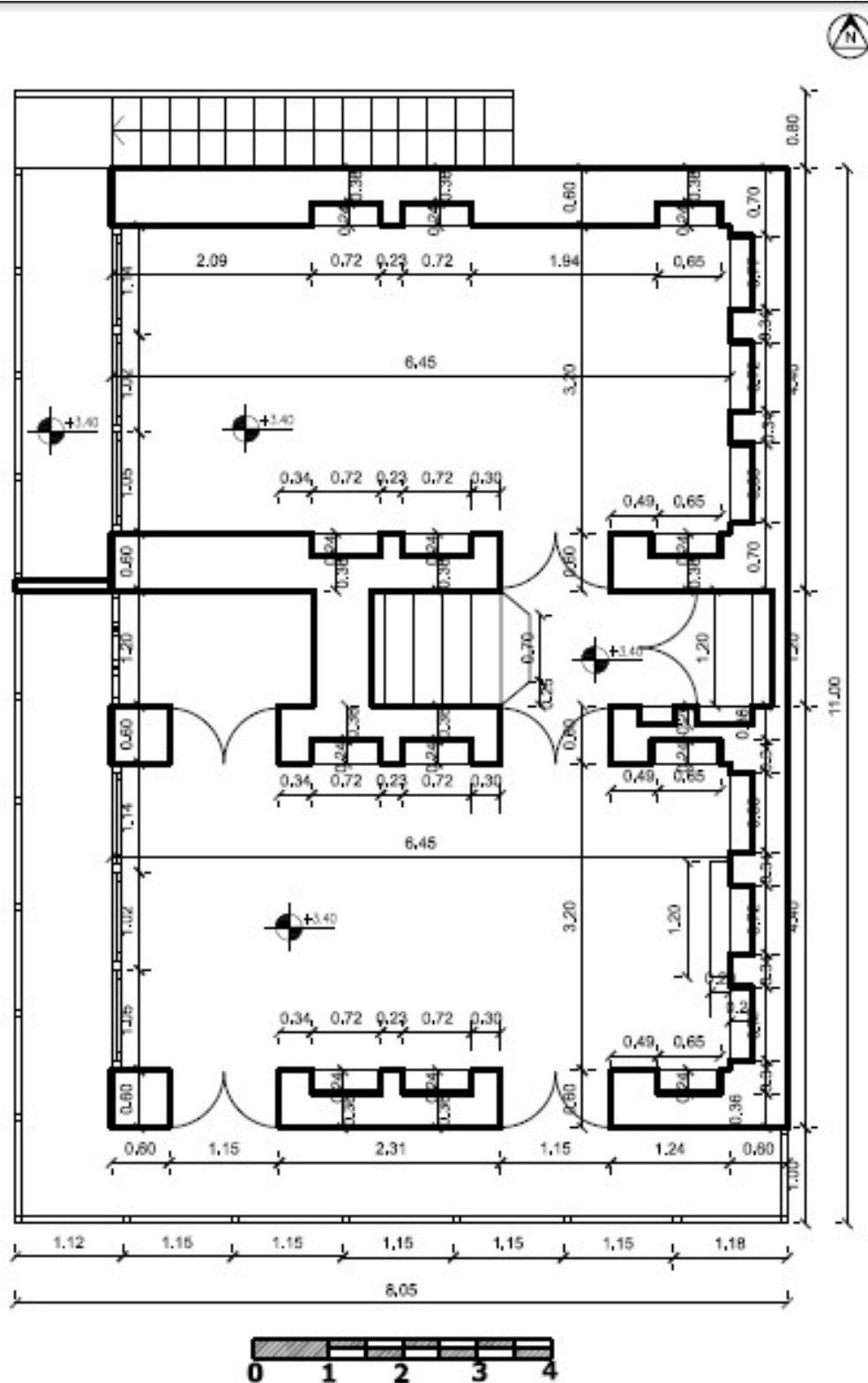


۲۱. خانه جهانگیری بلورچیان / تقی نژاد

این بنا در محله یحیی آباد، کوچه طالبی
واقع شده و دارای دو طبقه و چهار اتاق می
باشد.



شکل ۳۵۶. پلان طبقه همکف خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۵۷. پلان طبقه اول خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۳۵۸. نمای اصلی (غربی) خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)



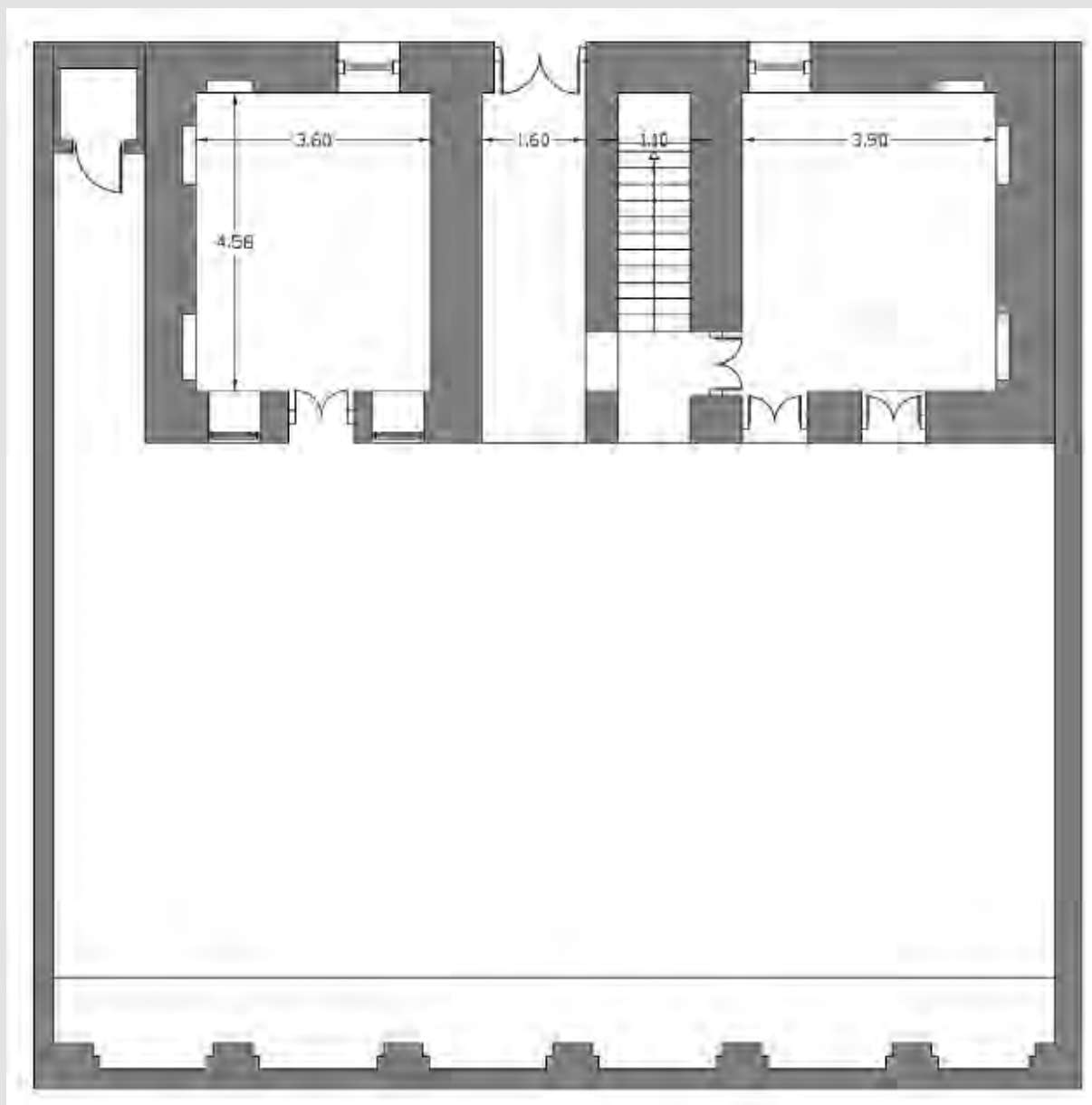
شکل ۳۶۰. نمونه ای از تزئینات اتاق ها در خانه جهانگیری بلورچیان. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)



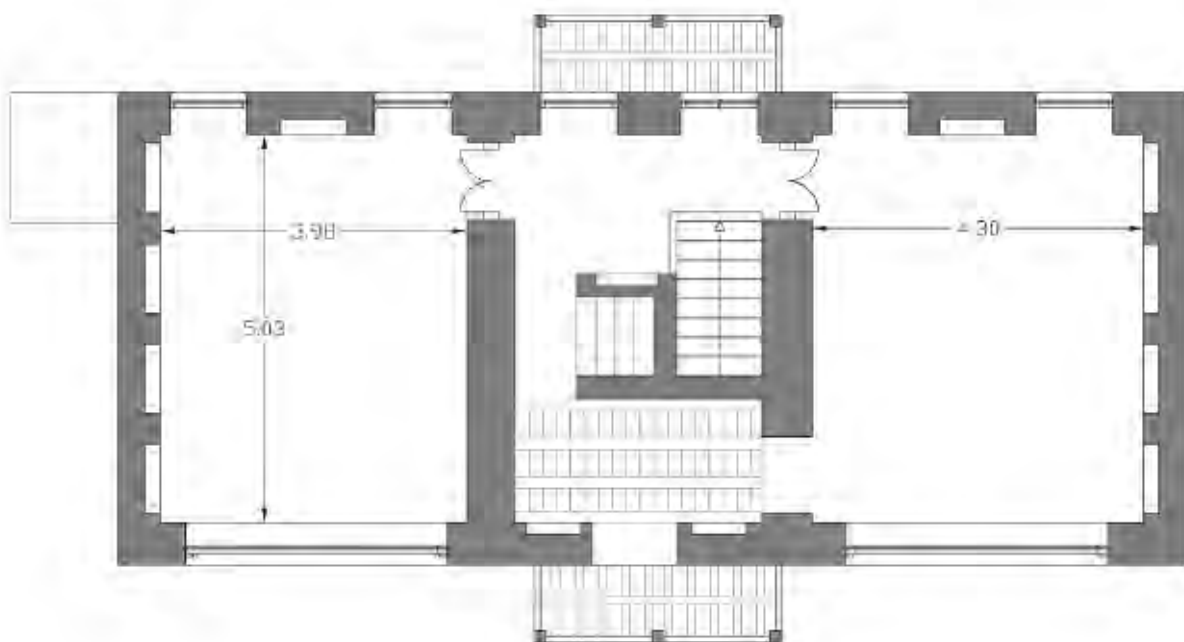
شکل ۳۵۹. شومینه خانه جهانگیری بلورچیان با نقش شیر و خورشید که از نشان های باستانی فرهنگ ایران محسوب می شود. منبع تصویر: (جهانی و دیگران، ۱۳۹۲)

۲۲. خانه رمضانی

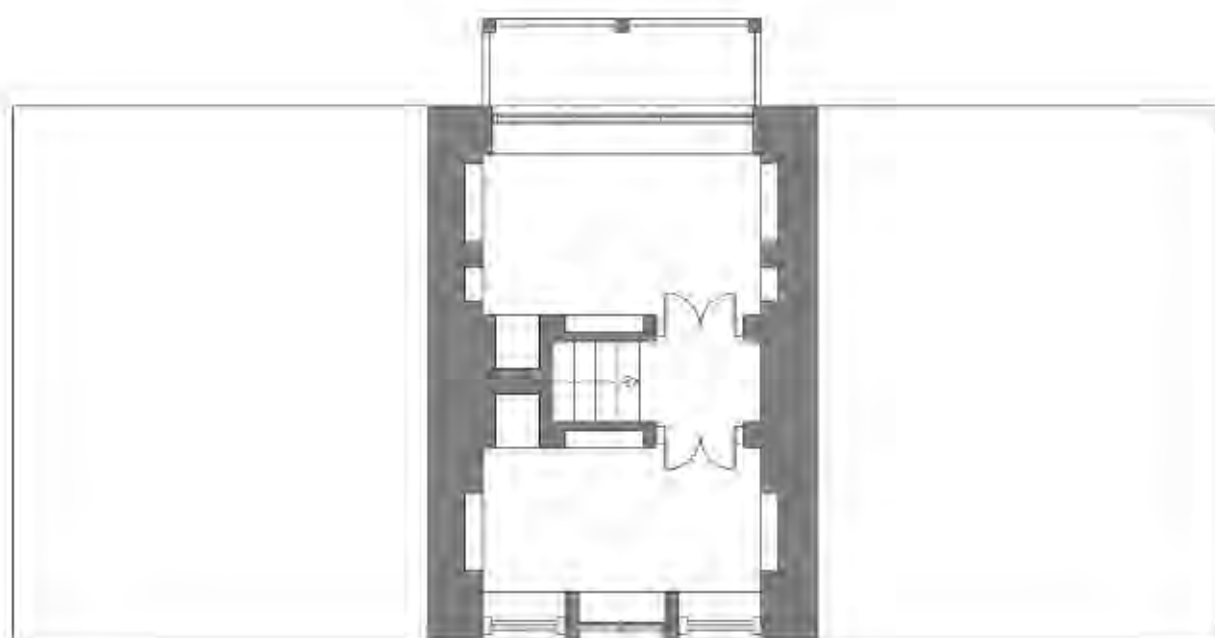
خانه رمضانی (پیش از آن خانه کوچک کریمی) از معدود خانه های قاجاری سه طبقه به جا مانده در لاهیجان می باشد. در هر دو اتاق طبقه اول بنا از ارسی استفاده شده است. پله ارتباطی طبقه اول به دوم با ۹۰ درجه چرخش نسبت به پله زیر خود، طوری مکانیابی گردیده است که فضای نسبتاً کوچک طبقه آخر بتواند به دو اتاق برابر تقسیم گردد. به واسطه بلندتر بودن تراز شروع بام بر روی بخش میانی نسبت به طرفین ساختمان، لبه آبریز بام در بخش میانی به شکل پله ای بلند تر از طرفین اجرا شده است. اما نهایتاً بام ساختمان در یک خط الرأس واحد جمع می شود.



شکل ۳۶۱. پلان طبقه همکف خانه رمضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)



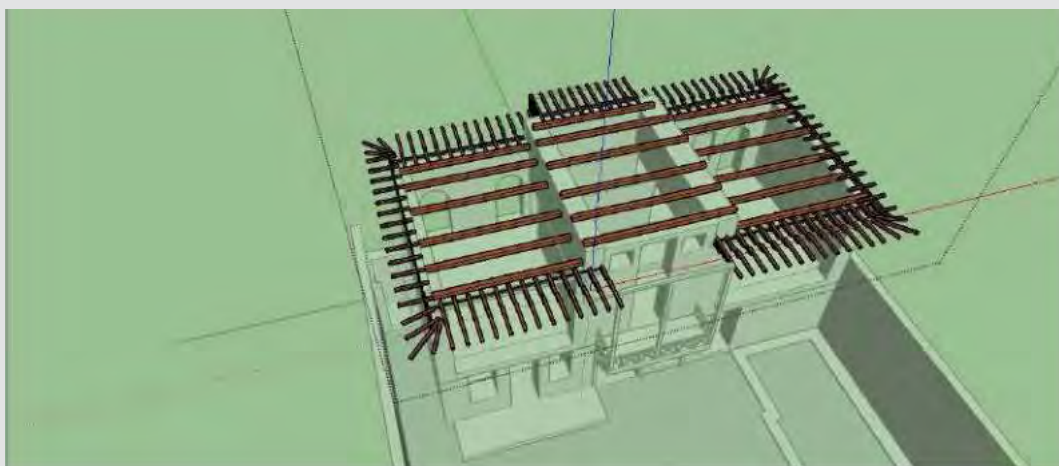
شکل ۳۶۲. پلان طبقه اول خانه رمضانی. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۶۳. پلان طبقه دوم خانه رمضان. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۶۴. نمای شرقی خانه رمضان. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۳۶۵. مدل سه بعدی از خانه رمضان. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)



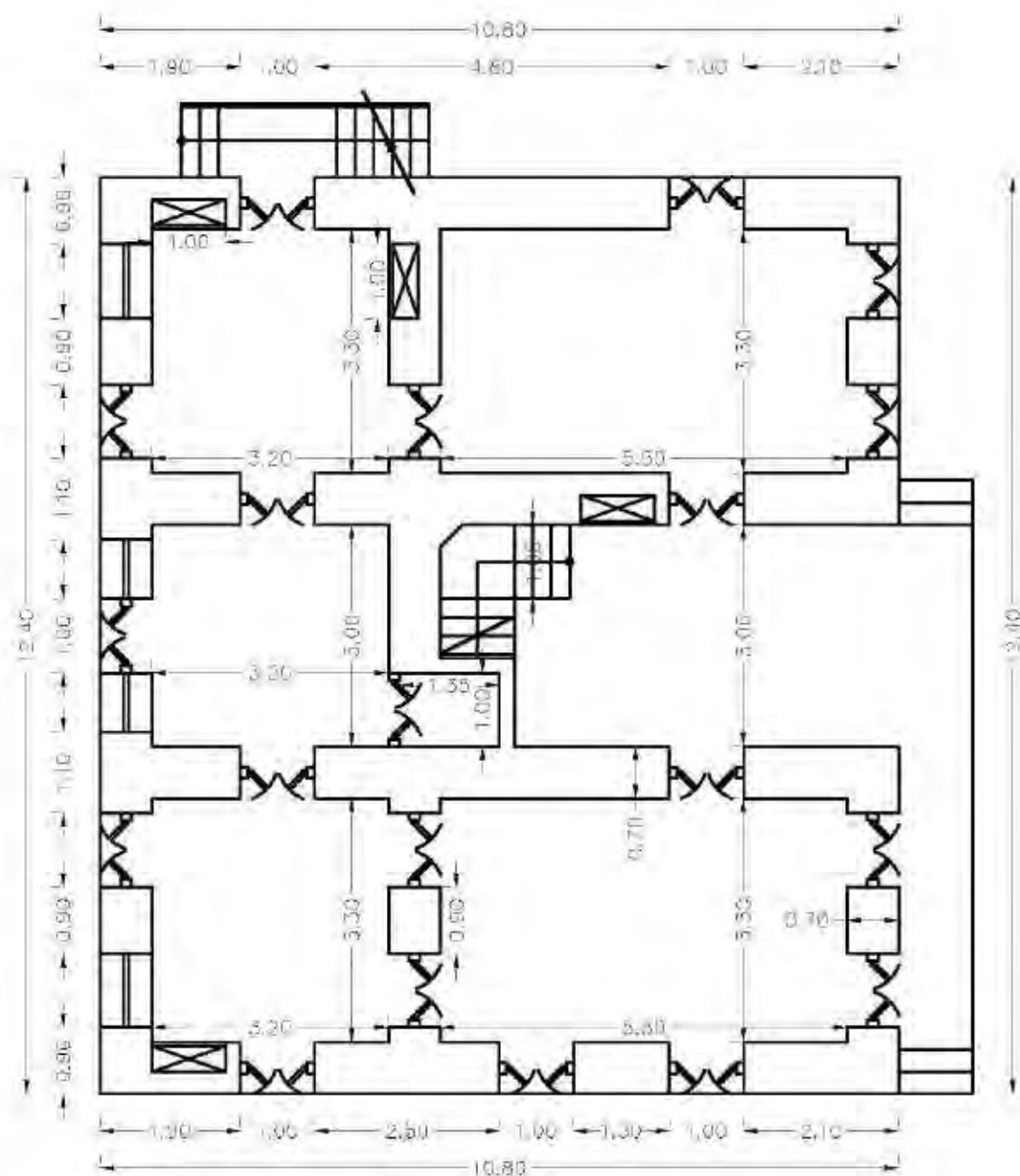
شکل ۳۶۶. بخش هایی از دست انداز (ترده های بالکن) خانه رمضان با طرح های ذوقی خاص. منبع تصویر: (اطهاری و دیگران، ۱۳۹۳)

۲۳. خانه ارض پیما

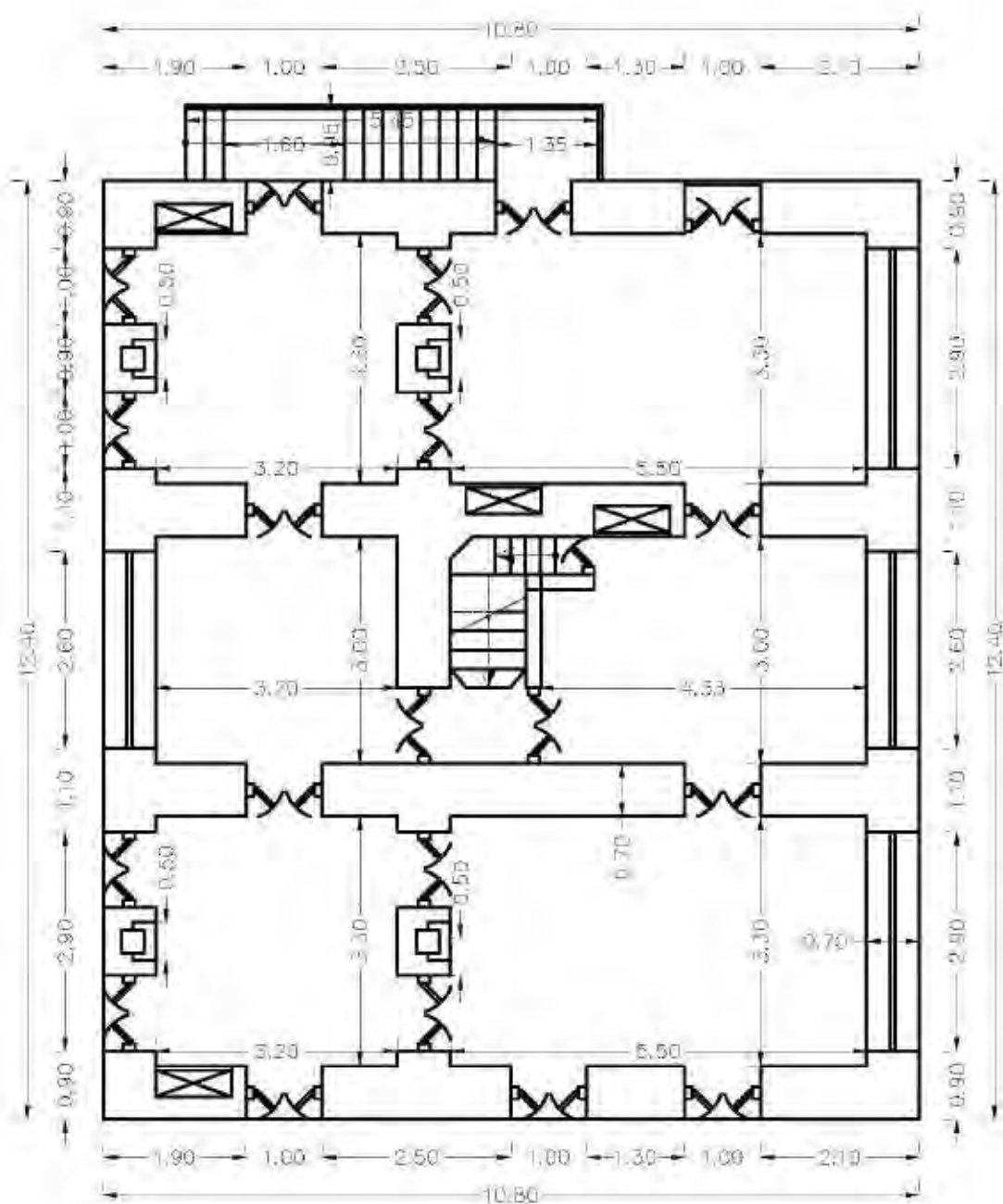
عمارت ارض پیما یکی از خانه های کوشکی واقع در لاهیجان بوده است که طی چند سال اخیر به طور کامل تخریب گردید. نماسازی جداره های خارجی خانه علاوه بر بازشوهایی مانند ارسی و درهای متعدد، به کمک احداث تاقنما و تاقچه های متعدد از حالت یکنواخت خارج شده است. پیش از این اشاره گردید که تعبیه این تاقچه ها علاوه بر هماهنگی با سیستم تاقچه بندی داخلی اتاق ها، از لحاظ ایستایی و مقاومت در برابر زلزله نیز حائز اهمیت بوده است. پیش آمدگی بام (دامنه) این عمارت از هر چهار جهت به صورت سه پشته کار شده بود و «شیرسر» های بلند (بخشی از تیرهای سقف که با پروفیل های خاصی کار می شده اند) جلوه باشکوهی به آن بخشیده بودند.



شکل ۳۶۷. تعبیه تاقچه یکی از مهم ترین ابزارهای طراحی نما در این ساختمان محسوب می شود. منبع تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)



شکل ۳۶۸. پلان طبقه همکف خانه ارض پیمما. بازترسیم بر اساس: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)



ارسی بوده است. یک ارسی دیگر در ضلع غربی ساختمان تعبیه شده بود. اضلاع شمالی و جنوبی بازشوهای کمتری داشته اند.



شکل ۳۷۰. پیش از تخریب کامل، ضلع جنوبی خانه بیش از هر ضلع دیگری دچار فرسایش و تخریب شده بود. البته در مقایسه با سایر اضلاع ساختمان، کمترین بازشوها نیز در همین ضلع تعبیه شده بود. منبع تصویر: (سرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)



شکل ۳۷۱. همان گونه که در این تصویر ملاحظه می شود، در حالی که ضلع جنوبی خانه به حالت نیمه مخروبه درآمده بود، ضلع شمالی آن همچنان سالم به نظر می رسید. آگاهی نسبت به خصوصیات جهات جغرافیایی در طراحی معماری این بنا به خوبی به کار گرفته شده بود. منبع تصویر: (سرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)



شکل ۳۷۳. بقایای یکی از ارسی های عمارت ارض پیمای.
منبع تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)

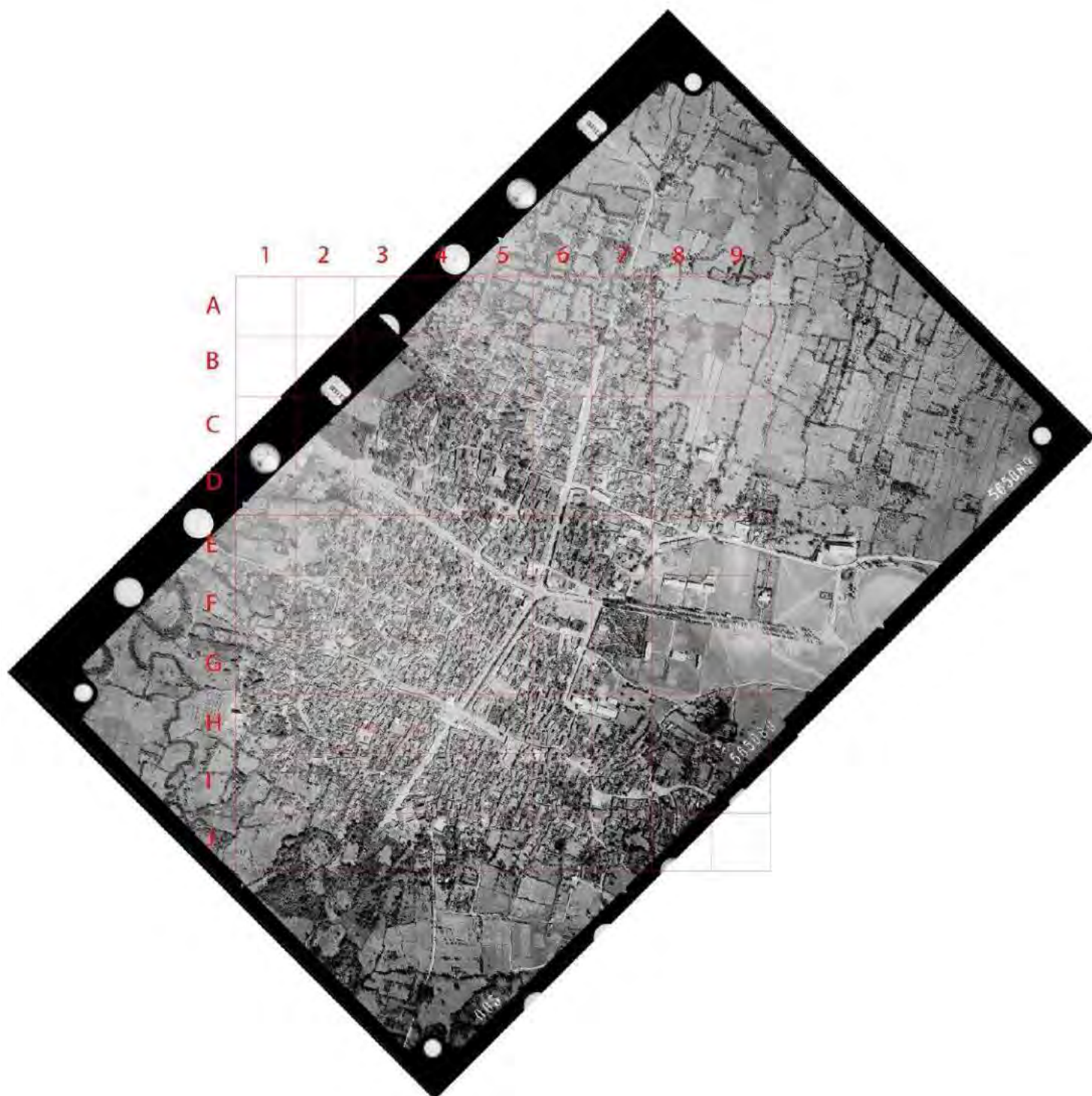


شکل ۳۷۲. پلکان دسترسی به زیر شیروانی. منبع
تصویر: (سحرخیز و اسلامی، ۱۳۹۱)



شکل ۳۷۴. نمایی از فضای داخلی بنا. منبع تصویر: (سحرخیز
و اسلامی، ۱۳۹۱)

ضمیمه شماره ۲: راهنمای موقعیت و
تصاویر مرتبط با خانه ها



شکل ۳۷۵. نقشه قطعه بندی شهر جهت نمایش موقعیت خانه های مورد
بررسی در کتاب. عکس هوایی مربوط به سال ۱۳۳۶ است.



شماره خانه	نام خانه	شماره تصاویر مرتبط با خانه مورد نظر در کتاب
۱	کامران	۹۳
۲	جهانسوز	۱۷۲، ۲۷
۳	خورسند	۲۹
۴	کریمی	۱۰۰، ۲۹
۵	طاهرپرور	۱۹۴، ۱۸۴، ۱۷۱، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۴۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۸۹
۶	قائمی	۱۶۷، ۹۱، ۶۲، ۲۴
۷	نظام شکن	۳۷
۸	افتخار عسکری	۱۰۲، ۵۴
۹	دیوار باقیمانده از عمارت قدیمی	۹۰

شکل ۳۷۶. موقعیت خانه های محدوده محله خَمَرکلا و جدول راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام



شماره خانه	نام خانه	شماره تصاویر مرتبط با خانه مورد نظر در کتاب
۱	وزیری	۱۶۶، ۶۴، ۲۶
۲	خانه سبک پهلوی-قاجاری	۲۳۰
۳	نبش کوچه دعایی	۱۸۷، ۱۲۸، ۷۳، ۴۹
۴	پورقلیچ	۱۵۴

شکل ۳۷۷. موقعیت خانه های محدوده محله کاروانسرابر و جدول راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام



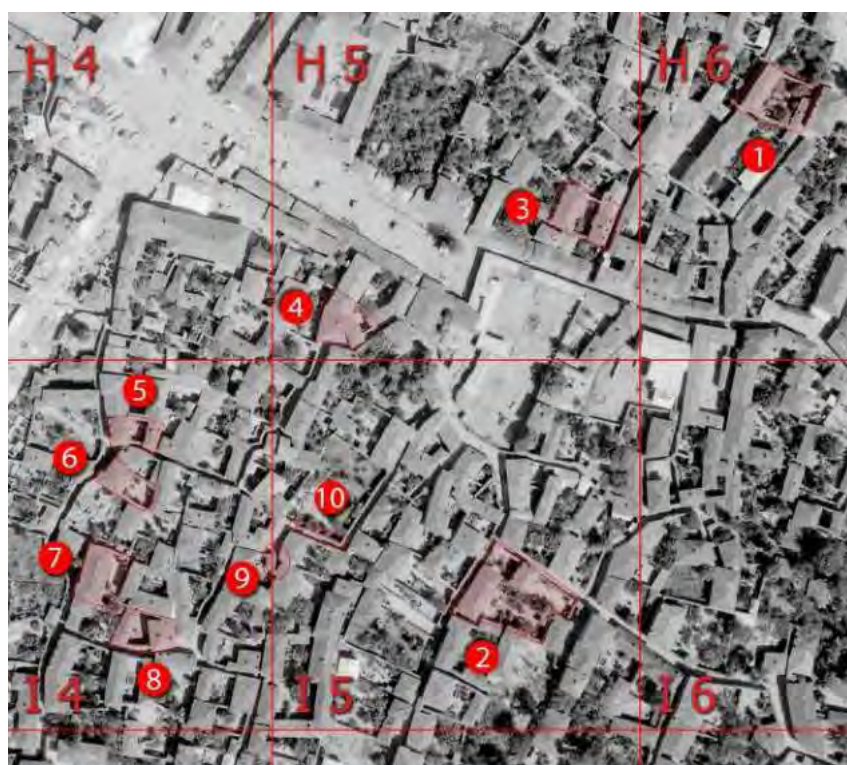
شماره خانه	نام خانه	شماره تصاویر مرتبط با خانه مورد نظر در کتاب
۱	محصصی	۸۸، ۱۵۷، ۱۹۵، ۲۳۱، ۲۳۲
۲	خانه ای در پرده سر مقابل خانه فرهمند	۴۷
۳	فرهمند	-
۴	پاکدل / حسن پور	۵۱، ۱۲۷، ۲۳۷، ۲۶۹
۵	صفارنیا	۴۰، ۱۰۶، ۱۴۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۹
۶	کیاموسوی / اصمعی	۳۸، ۷۱، ۱۷۷، ۲۳۶، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵
۷	اصمعی	۷۱، ۲۵۴
۸	خانه بازارچه پرده سر	۲۸، ۱۸۵
۹	خانه تخریب شده	۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۹۲

شکل ۳۷۸. موقعیت خانه های محدوده محله پرده سر و جدول راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام



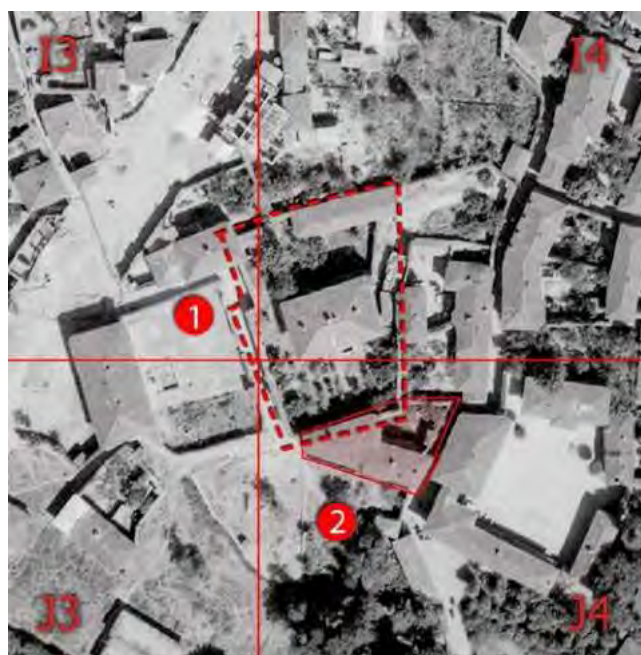
شماره خانه	نام خانه	شماره تصاویر مرتبط با خانه مورد نظر در کتاب
۱	شمس	۲۷۸
۲	راستگو	۱۸۲، ۱۳۵، ۱۰۱، ۹۴، ۷۵، ۷۴
۳	فیاض	۱۴۹، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۵، ۱۲۹، ۱۲۶، ۸۷، ۴۳، ۴۲، ۱۴، ۳۲۰، ۳۱۹، ۲۰۵، ۲۰۴، ۱۸۳
۴	علیزاده	۱۶۰، ۱۴
۵	همسایه شمالی مسجد اکبریه	۴۶، ۱۷، ۱۶
۶	شکوری	۷۷، ۷۲، ۵۹، ۵۰
۷	ضیاءظریفی	۲۴۳، ۲۳۳، ۲۱۸، ۱۷۳، ۹۶، ۵۸، ۳۲، ۳۱
۸	کریم	۶۰، ۲۳، ۲
۹	مجمع صنایع	۳۲۶، ۲۱۱، ۱۶۴، ۱۵۲، ۱۳۳، ۸۶، ۶۸
۱۰	پورمهر	۲۶۳، ۲۶۲
۱۱	بریسیم حقیری	۲۰۷، ۱۶۹، ۱۰۵، ۹۸، ۶۱
۱۲	نیش کوچه بزرگ بشر	۳۶
۱۳	خانه در تکیه گابنه	۲۰۸
۱۴	رمضانی	۱۰۴، ۱۰۳، ۸۱، ۵۸، ۲۵
۱۵	خانه در انتهای کوچه اکبریه	۲۳۹، ۸۵، ۸۴
۱۶	دوزنده	۱۶۸، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۵۰، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۲۵، ۹۵، ۴۴، ۲۲۴، ۲۱۷، ۲۰۹، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۳، ۱۹۱، ۱۷۴
۱۷	صورتگر	۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۶۳
۱۸	رحمانی	۲۷۶، ۲۷۵
۱۹	شمسی	۸۰، ۵۸، ۴۵
۲۰	علیزاده راستان	۳۱۸-۲۹۸

شکل ۳۷۹. جدول موقعیت خانه های محدوده محله گابنه و راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام



شماره خانه	نام خانه	شماره تصاویر مرتبط با خانه مورد نظر در کتاب
۱	خانه تخریب شده در خیابان انقلاب	۱۵۵
۲	احمدی پور	۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۲۳، ۲۲۰
۳	بصیرالتجار	۴۸
۴	خانه در کوچه حجت انصاری	۲۰۱، ۲۰۰، ۱۴۲
۵	علیزاده	۶۶، ۶۵
۶	خانه در محله میدان	۸۲
۷	روحي پور	۳۳
۸	جهانگیری بلورچیان	۱۹۶، ۱۷۰، ۶۷
۹	بن بست مقابل خانه صنایع	۲۱۶، ۲۱۵
۱۰	دیوار محوطه	۹۲

شکل ۳۸۰. جدول موقعیت خانه های محدوده محله میدان و راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام



شماره خانه	نام خانه	شماره تصاویر مرتبط با خانه مورد نظر در کتاب
۱	منتصرالملک	۱۹۰، ۵۵
۲	خانه تخریب شده	۱۶۵

شکل ۳۸۱. جدول موقعیت خانه های محدوده محله میدان و راهنمای تصاویر مرتبط با هر کدام

۱. برولین که از پیشگامان بحث زمینه گرایی در معماری معاصر بوده است، با تأکید بر اهمیت این دو عامل در بافت های شهری می گوید: «با نگاهی به اطراف، مشخص می شود که عمده ترین مشکل بصری شهرهای ما، انسجام و تداوم است» (۱۳۸۳، ۱۳۹).

► 2. Analogy

► 3. Regeneration through conservation

► 4. Conservation-led regeneration

۵. این عکس ها که در سال های ۱۳۳۵، ۱۳۴۴، ۱۳۵۵، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۲ از لاهیجان گرفته شده اند، از سازمان نقشه برداری کشور تهیه گردید. علاوه بر این، با استفاده از سایت گوگل مپ نیز تصویر هوایی مربوط به سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) لاهیجان مورد استفاده قرار گرفت.

۶. معماریان در کتاب «سیری در مبانی نظری معماری» گزارش میسوطی از انواع دیدگاه های مورد استفاده برای فهم و تفسیر معماری ارائه نموده است که شامل نگرش اقلیمی، شکلی، تاریخی-تکاملی، فضاگرا، فرهنگی-اجتماعی و معناگرا می شود (نک: معماریان، ۱۳۸۴).

۷. دست کم می توان گفت اکثر قریب به اتفاق معماران در دوران قدیم به این صورت عمل می نموده اند. برولین با انتقاد از فرهنگ معماری معاصر می گوید: «آموزش و فعالیت حرفه ای امروز معماری به این تعریف محدود و بسته از خلاقیت فردی منجر شده و بر بارقه ی نبوغی که بایستی در وجود هر معماری باشد، تأکید می ورزد. اکثر معماران نابغه نیستند، بلکه احتمالاً طراحان وظیفه شناسی هستند که از استعدادهای متوسط برخوردارند. احتمالاً تنها یک یا دو معمار در طول یک نسل افراد استثنایی هستند، ولی ما به همه القا می کنیم که باید چنان عمل کنند که گویی یکی از این نوابغ هستند» (برولین، ۱۳۸۳، ۱۳۸-۱۳۹).

۸. ظاهراً منظور نویسنده قواعد فقهی اسلامی می باشد.

► 9. The rule system

۱۰. البته شواهد حاکی از آن است که برخی ملاحظات فراتر از طراحی در یک پلاک شهری واحد هم در نظام قواعد و هنجارهای حاکم بر ساخت و ساز سنتی مورد توجه بوده است. برای مثال در مورد برخی کاربری های خاص که آلودگی هایی برای همسایه ها دارند، ضوابط اولیه ای وجود داشته که از مکانیابی آنها در جوار کاربری هایی مانند خانه و مسجد جلوگیری می نموده است (نک: Hakim, 2001). اما به هر حال مقیاس مداخله در نظام قواعد سنتی از مقیاس مداخله نظام کنترل ساختمانی امروزی بسیار محدودتر می باشد.

۱۱. زن بری

۱۲. برای مثال دکتر مشفق خاطره ای را در این خصوص برای نگارنده نقل نموده اند که بیان آن در اینجا خالی از لطف نیست. وی بیان می دارد که در شهریور ۱۳۲۰ که هواپیمای روسی بمبی را در میدان شهدای لاهیجان انداخت و انفجار حاصل از آن موجب کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان گردید، پدر ایشان سراسیمه به خانه آمدند و به اهل منزل گفتند که باید هر چه سریعتر لاهیجان را ترک نمایند. بدین ترتیب وی به همراه خانواده به یکی از روستاهای اطراف لاهیجان که محل املاک ایشان بود، رفتند. در حین ترک شتابان منزل هیچ دری را قفل ننموده بودند، اشیای قیمتی را برنداشته و حتی دروازه را نبسته بودند. بعد از دو هفته که به لاهیجان مراجعت نمودند، خانه شان دست نخورده و صحیح و سالم سر جای خود بود و هیچ کس تعرضی به آن نکرده بود. بدین ترتیب می توان گفت این فرهنگ سکونتی که در آن مردم شهر بدون نگرانی دروازه

خانه شان را باز می گذارند، بازتاب دوره هایی از تاریخ لاهیجان است که امنیت مناسبی بر زندگی مردم حاکم می شده و مردم لزومی برای انجام این کار احساس نمی کردند.

۱۳. البته باید توجه داشت که این خانه ها دقیقاً به سمت شهر مشهد نبوده اند، اما در عرف قدیم و با میزان دقت متعارف در آن روزگار حدوداً به سمت مشهد محسوب می شده اند. در یکی از اذکار بعد از نماز، نمازگزاران می ایستند و رو به قبله بر پیامبر (ص) و ائمه (ع) به ترتیب سلام می فرستند. برای سلام به امام هشتم با چرخشی نود درجه ای به سمت شرق بر می گردند و پس از سلام بر ایشان مجدداً به سمت قبله بر می گردند و دعا را ادامه می دهند. مشاهده این اتفاق می تواند دلیلی باشد بر این که در ذهنیت این افراد بین جهت قبله و جهت مشرق (شهر مشهد) اختلاف زاویه نود درجه تصور می شده است.

۱۴. شایان ذکر است که بیان نظر استاد پیرنیا در مورد رون شهری در اینجا به معنی تأیید کامل این موضوع نیست. هوشیاری و پورنادری اخیراً در مقاله ای صحت اظهارات ایشان در مورد کاربرد رون اصفهانی در شهر اصفهان را مورد تردید قرار داده اند (نک: هوشیاری و پورنادری، ۱۳۹۵).

۱۵. البته بر خلاف باور بومی، منشأ این بادهای گرم، سرزمین عربستان نیست. گنجی (۱۳۷۴، ۱۱۲) در توضیح این بادهای از نظر علم هواشناسی عنوان می دارد که «این نوع باد در زمانی مشاهده می گردد که یک زبانه فشار زیاد در روی فلات ایران و یک هسته فشار کم در روی دریای خزر به صورت هم زمان وجود پیدا کند. در چنین حالتی به علت اختلاف شدید فشار هوا در دامنه های جنوبی و شمالی البرز هوای سنگین فلاتی از لابلای دره های البرز با سرعتی زیاد خود را به سواحل جنوبی خزر می رساند و بنابر اصول فیزیکی در ازای هر ۱۰۰۰ متر کاهش ارتفاع ۹/۸ درجه سانتیگراد گرمتر می شود و در نتیجه همین که به جلگه های خنک گیلان رسید ممکن است درجه گرما را ناگهان ۱۰ تا ۱۱ درجه بالا برد و از ۴۰ تا ۵۰ درصد از نم نسبی بکاهد. شرایط مساعد برای این نوع باد بیشتر در ماههای سرد سال وجود پیدا می کند و در نتیجه از ۶ تا ۸ نوبتی که در سال به وقوع می پیوندد ۵ تا ۶ نوبت آن در زمستان و یکی دو بار در بهار یا پاییز دیده می شود.»

۱۶. نگارنده در خانه برخی نزدیکان خود در لاهیجان از نزدیک، مشکل عدم آسایش اقلیمی بخصوص در فصول گرم سال را در این خانه های رو به غرب لمس نموده و شاهد شکایت اهل خانه از این وضعیت بوده است.

۱۷. باید توجه داشت که پیش فرض این استدلال ها این است که اول مسجد اکبریه ساخته شده باشد، بعد خانه علیزاده فعلی بر پا شده باشد که البته این موضوع بسیار محتمل به نظر می رسد.

۱۸. این پرهیز از جهت گیری رو به جنوب در معماری لاهیجان می تواند یادآور اظهارات استاد پیرنیا درباره اعتقاد قدما به «نکبت بار» بودن رون کرمانی باشد که البته بدون بررسی و پژوهش بیشتر امکان هیچ گونه اظهار نظر بیشتری درباره این موضوع وجود ندارد.

۱۹. البته خانه های روستایی گیلان خود انواع بسیار متنوعی دارند (نک: برومبژه، ۱۳۷۰)، بنابراین در اینجا به جهت پرهیز از برخی ابهامات، منظور از خانه های روستایی گیلان، خانه های روستاهای حوالی لاهیجان در نظر گرفته می شود.

۲۰. قابل توجه است که اکثر خانه های تاریخی لاهیجان که ثبت میراث فرهنگی شده اند، در این دسته جای دارند. این امر نشان دهنده ارزش ویژه این نوع از خانه ها در معماری قاجاری لاهیجان می باشد.

۲۱. وی مؤسس و مدیر مسئول روزنامه اطلاعات بود.

۲۲. در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ مشاهده می شود که دیوار سمت کوچه این خانه دیواری پوده که دارای دامنه یا بارانداز بوده است و ارتفاعی برابر با ساختمان بخش جنوبی خانه (یعنی دو طبقه) داشته است. ولی بعداً مالکان خانه با تخریب بارانداز، دیواری با بلوک سیمانی را جایگزین آن نمودند که ارتفاع کمی دارد.

۲۳. در این زمینه شایان ذکر است که بسیاری از پنجره هایی که امروز در خانه های تاریخی لاهیجان مشاهده می شوند،

از ابتدا در آنها تعبیه نشده بودند، بلکه به تدریج از دوره پهلوی و با برقراری آرامش و امنیت نسبی در شهر احداث شده اند. دکتر مشفق طی مصاحبه ای با نگارنده، به این نکته اشاره نموده اند که در لاهیجان از دهه بیست به بعد مردم به تدریج شروع کردند که در خانه های خود پنجره هایی رو به معبر باز کنند و جالب این که شهرداری وقت این عمل را به عنوان یک تخلف ساختمانی در نظر می گرفت و عوارض خاصی را برای این کار وضع نموده بود که در ازای اعطای مجوز احداث پنجره از مالکان دریافت می نمود.

۲۴. دیوارهای بلند دور خانه های قلعه ای لاهیجان باعث می شده تا دنیای درون این خانه ها تا حدود زیادی و شاید برای همیشه از نگاه رهگذران مخفی بماند. یکی از نکات جالبی که نگارنده در حین انجام بررسی های میدانی در بافت قدیم لاهیجان با آن برخورد نمود این بود که گاهی حتی افرادی که از اهالی یک محله محسوب می شدند و سالها در آن زندگی کرده بودند، وقتی با این سوال نگارنده مواجه می شدند که در پشت این دیوار چه خانه ای هست یا آیا تا به حال داخل این خانه را دیده اند، هیچ گونه اطلاعاتی درباره آنها نداشتند و حتی برای یک بار هم گوشه ای از حیاط آن خانه ها را ندیده بودند.

۲۵. مالک خانه رضانی قدمت این بنا را حدود ۲۱۰ سال بیان نموده و اظهار داشته است که اسناد مکتوبی مبنی بر این امر در اختیار دارد که در آن سال ساخت و سازندگان اثر معرفی شده اند. بنا به گفته وی در گذشته هشت خانواده به طور همزمان در این خانه اقامت داشتند.

۲۶. ایوان واقع در طبقه بالایی خانه ها در اصطلاح بومی تَلاَر نامیده می شود.

۲۷. البته بعید نیست که در این مورد، رسیدن به این راه حل به دنبال طرح شکایت و دعوا بین دو همسایه اتفاق افتاده باشد. با توجه به اهمیت مسأله حریمیت و اشراف در فرهنگ سکونتی مردم بومی، پیدایش چنین وضعیتی هابی می توانست به سادگی موجب بروز اختلاف حقوقی و طرح شکایت بین همسایه ها گردد. آقای مهندس عیسی زاده در مصاحبه با نگارنده به سندی تاریخی مربوط به دوره قاجار که در اختیار دارند، اشاره نموده اند که در آن مالک یک ساختمان در لاهیجان، از همسایه خود به جهت این که در مقابل خانه یک اشکوبه وی خانه ای دو اشکوبه ساخته و به حریم خانه وی اشراف یافته است، به حاکم رشت شکایت برده و علاوه بر آن گله مندی خود را از عملکرد حاکم وقت لاهیجان که به همسایه وی اجازه ساخت چنین بنایی را داده نیز بیان نموده است.

۲۸. وی یکی از رجال عصر قاجار بود که در سال ۱۳۱۴ ق (۱۲۷۵ ش) سفری به گیلان داشت و در این ارتباط سفرنامه ای از وی به جا مانده است.

۲۹. برانداز (Barən'dāz): بارانداز، فضای مسقف نیمه باز در حیاط با کاربردهای متنوع. ظاهراً این فضا گاهی «باران گیر» هم نامیده می شده است.

۳۰. تلفظ لاهیجانی: Zöghäl Khoneh

۳۱. یکی از خانه های قلعه ای باقیمانده در لاهیجان که بعدها توسط خانواده افتخار عسکری خریداری شد و همچنان در اختیار ایشان می باشد.

۳۲. کله بنه ی (kə'le bə'nay): پای اجاق، آشپزخانه

۳۳. تاریخچه ورود ضابطه سطح اشغال ۴۰٪ - ۶۰٪ به معماری ایران به سال ۱۳۲۱ و تصویب نخستین آئین نامه ساختمانی تهران بر می گردد. منشأ این ضابطه کشورهای اروپایی مانند بلژیک و اتریش بوده است (نک: بهرام غفاری، ۱۳۸۵ و بنیادی، ۱۳۷۷).

۳۴. با تلفظ محلی: aivon-ötägh

۳۵. تیغه ای که در میانه یکی از اتاق های این خانه وجود دارد، به طور واضح الحاقی به نظر می رسد. از این رو تعداد اتاق ها به جای پنج، چهار در نظر گرفته شده است.

۳۶. تصویر این عمارت در تصویر هوایی سال ۱۳۵۵ لاهیجان موجود بوده است، ولی متأسفانه در تصویر سال ۱۳۷۳ دیگر اثری از آن برج نیست و فقط حمام این مجموعه همچنان موجود است.

۳۷. قوفله (Ghöflə)

۳۸. به گفته دکتر محمد مشفق طی مصاحبه با نگارنده

۳۹. ویلیام ریچارد هولمز انگلیسی در سال ۱۸۴۴ م (۱۲۳۳ ش) در زمان سلطنت محمدشاه قاجار وارد گیلان شد و هفت ماه در این استان بود.

۴۰. دامنه: بالکن یا تالار در طبقه بالایی خانه

۴۱. پوشِتِ دامنه ('Pöshtə dām'nə): دامنه پشتی، بالکنی که در ضلع جانبی خانه و روی معبر قرار گرفته باشد.

۴۲. این اصطلاح در طرح پژوهشی با عنوان «طرح بهسازی و نوسازی بافت قدیم لاهیجان» با برخی ابهامات به کار رفته است: «در بسیاری از قطعات، بخش شرقی زمین نیز حتی الامکان فضای باز در نظر گرفته میشود و از ایوانی که پهلوی ایوان نامیده می شود در ضلع شرقی بنا جهت بهره حداکثر از کوران استفاده میشود» (مهندسین مشاور بعد تکنیک، ۱۳۸۳، ۶۰)

۴۳. این اتاق توسط ساکنان خانه کوچِ اوتاقی (اتاق کوچک) نامیده می شده است.

۴۴. ممکن است با دیدن ارتفاع بلند پله هایی که در ساخت منبر مساجد به کار می روند، این تصور ایجاد شود که این پله ها با پله های مورد استفاده مردم در خانه ها تفاوت داشته اند. ولی واقعیت این است که پله های مورد استفاده در خانه ها در دوران قدیم حدوداً با همین ابعاد پله های منبر ساخته می شدند و این پله ها در زمان خود کاملاً متعارف و متداول محسوب می شدند.

۴۵. به اصطلاح بومی: سفال دچینی

۴۶. به واسطه همین رها شدن و ریختن آب از کل لبه بام بوده که نایب الصدر در سفرنامه خود پس از اشاره به بارش برف در رشت و خوب شدن هوا پس از آن نوشته است که «تا یک هفته دیگر در زیر چکه باید عبور نمود» (نایب الصدر شیرازی، ۱۳۹۳، ۷۳).

۴۷. در تاریخ لاهیجان آمده است که حریق سال ۱۲۵۸ هجری قمری بخش بزرگی از شهر را تخریب نمود (مهندسین مشاور بعد تکنیک، ۱۳۸۳، ۸). باید به خاطر داشت که یکپارچگی بام خانه های همسایه خطر سرایت حریق از خانه ای به خانه دیگر را افزایش می دهد و در پاسخ به این خطر بوده که ضابطه ایجاد دیوار حائل بین بام خانه های مجاور تدوین و اعمال گردیده است.

۴۸. لیجونی (لیجونک) lijo'nay

► 49 . Horror vacui

► 50 . M.R.G. Conzen

► 51 . Burgage cycle

۵۲. منظور فوت پرینت (Footprint) است.

► 53 . Regeneration through conservation

► 54 . Conservation-led regeneration

- 55 . Facadism
- 56 . Zero Degree
- 57 . Integration
- 58 . Contrast
- 60 . Analogy
- 61 . Invisible
- 62 . Complex

◀ ۶۳ . در این راستا، به نظر می‌رسد الگوی مسکن آپارتمانی موسوم به «راه-جدا» که در دهه گذشته چند سالی در فرهنگ معماری لاهیجان رونق گرفت و مورد استقبال مردم واقع شد، ارزش بررسی بیشتر را دارد. به نظر می‌رسد، این الگوی ساختمانی به رغم مخالفت ارگان‌های ذیربط که ممنوعیت آن را به دنبال داشت، الگوی محبوبی بین مردم بوده و با اصلاحات لازم قابلیت خوبی برای کاربرد در بافت تاریخی لاهیجان داشته باشد. نگارنده نیز می‌پذیرد که این الگوی مسکن و نحوه اجرای آن اشکالات متعددی داشته است، اما معتقد است نهادهای ذیربط می‌توانستند به جای ممنوعیت و حذف این الگو از مجموعه الگوهای قابل استفاده در طراحی مسکن، نسبت به هدایت و رفع اشکالات آن اقدام نمایند. نظام کنترل ساختمانی باید از وجود الگوهای متنوع مسکن استقبال نماید و برای هرکدام به اقتضای خصوصیات گونه‌شناختی خاص آن ضوابط و رویه‌های کنترلی متناسب را تدوین نماید. وجود الگوهای خانه سازی متنوع مانند خانه‌های ردیفی (Terraced houses)، خانه‌های نیمه جدا (Semi-detached houses)، خانه‌های حیاط دار (Courtyard houses) و مانند آن در کشورهای غربی را باید نشانه غنای معماری این کشورها دانست. در مجموع، گمان می‌رود الگوی مسکن راه جدا هم به واسطه قرابت با الگوی قاجاری و هم به واسطه جذابیت در بازار مسکن بومی، می‌تواند یکی از گزینه‌های قابل تأمل برای کاربرد در بافت تاریخی لاهیجان در نظر گرفته شود. البته این امر نیاز به پژوهش‌های مستقل دیگری دارد و طرح موضوع در اینجا صرفاً به عنوان فتح بابی برای بررسی‌های بیشتر بوده است.

- 64 . Prescriptive Regulations
- 65 . Design review board/committee

◀ ۶۶ . برای مطالعه بیشتر درباره نقد استانداردهای کیفیت محیط، نک: (Carmona and Magalhaes , 2009)

- 67 . Performance-based regulations
- 68 . Performance
- 69 . Design Quality Indicator
- 70 . Housing Quality Indicator

◀ ۷۱ . برای مطالعه بیشتر در زمینه نقد کنترل طراحی معماری توسط شوراهای بازبینی، نک: (Habe ,1989) ، (Case Scheer , 2007) ،

◀ ۷۲ . به عنوان مثال، می‌توان اتاق‌هایی با چنین تناسباتی را در حسینیه امینی‌ها در قزوین مشاهده نمود.

Architecture

of Qajari Houses of Lahijan

And the Relevant Building Control System

